احمد سمیعی

سی و هفت سال

سی و هفت سال

سی و هفت سال

احمد سمیعی

شباویز

شباویز

سی و هفت سال

شهریور ماه ۱۳۶۵ ـ چاپ اول
مهر ماه ۱۳۶۵ ـ چاپ دوم

نویسنده : احمد سمیعی
لیتوگرافی : امین گرافیک
تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه
چاپ : ایران چاپ
صحافی : میخک

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

بخش اول :

شاه بدون قدرت ۳

بخش دوم :

شاه بر اریکه‌ی قدرت ۹۷

بخش سوم :

شاه در سراشیبی سقوط ۱۲۵

بخش چهارم :

سقوط شاه ۱۵۳

پیامی از ما

سی و هفت سال ، نگرشی است کوتاه بر دوره‌ای که به گذشته پیوسته است و بسیاری ،حتی آنها که با آن زیسته‌اند ، بیشتر رویدادهایش را به تند باد فراموشی سپرده‌اند .

در سی و هفت سال فقط از کلیات سخن رفته‌است و به ذکر خلاصه‌ای از رویدادها بسنده شده است ، تا خواننده بتواند خود در پی‌رسیدن به جزییات راهی گردد و گرد نسیان از چهره‌ی خاطره‌ها بسترد .

آن چه در سی و هفت سال آمده ، حقیقت محض است که لخت و عریان ، بدون افزوده شدن شاخه یا برگی و بی‌قطع ریشه‌ای ارائه شده است ، مبادا خواننده را به شبهه اندازد و واقعیت امری را واژگونه جلوه دهد .

در سی و هفت سال قضاوتهای فردی جایی‌ندارد و برداشتهای شخصی به میان نیامده است . احساسات مثبت و منفی نادیده گرفته شده است و دوستیها و دشمنیها از میان برخاسته است، زیرا قضاوت منحصر به تاریخ است.

شهاویز

درباره‌ی کتاب

در بیان رویدادهای تاریخی، خصوصا از آن جهت که آیندگان بایستی مطالب را با روشنی درک و فهم کنند، عناوین اشخاص با توجه به مشاغل آنان و نقشی که برعهده داشته‌اند، آورده شده است. به همین سبب چون محمد رضا پهلوی پادشاه ایران در قبل از انقلاب اسلامی بود، با عنوان شاه، و پدرش هم با عنوان رضاشاه خوانده شده‌اند. در مورد آیت الله خمینی چون از سوی مردم انقلابی ایران با عنوان امام خمینی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، در تمام کتاب امام خمینی آمده است. در مورد دیگران هم عناوین آنها، درجه‌ی صاحب منصبان و سمت مسوولان عنوان شده است.

در تمام کتاب کوشش بر این است که بی‌طرفی کامل رعایت گردد و رویدادها بدون هرگونه دخل و تصرفی بیان شود.

سی و هفت سال

در این بخش این مطالب را می‌خوانید:

- پیشگفتار
- کابینه‌های ایران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸.
- وقایع مهم در هر یک از کابینه‌ها با تطبیق زمان آنها با ادوار مجلس شورای ملی ایران.
- کابینه‌های بعد از سال ۱۳۲۸ با ذکر وقایع مهم و تطبیق زمان آنها با ادوار مجلس.
- حکومت دکتر محمد مصدق.
- کودتای ۲۸ امرداد و کابینه‌ی سرلشگر فضل‌الله زاهدی.
- کابینه‌های بعد از کودتا تا سال ۱۳۴۳ با تطبیق زمان بر سر قدرت بودن آنها با ادوار مجلس.
- توضیحات متن.
- اسامی وزرای کلیه‌ی کابینه‌ها و معاونان نخست وزیران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۳ با کلیه‌ی تغییرات در وزرای هر کابینه.

پیشگفتار

شهریور ماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی و ورود ایران در جنگ جهانی دوم در کنار قوای متفقین، موجب شد که رضاشاه مملکت را ترک کند و پسر ارشد او محمد رضا که باخواهرش اشرف "توامان" به دنیا آمده بود، برار یکه‌ی سلطنت جای گیرد.[۱]*

محمد رضا هنگامی که مصدر کار شد متوجه این مساله گردید که همه‌ی کسانی‌که قبل از پادشاهی پدرش یا در دوران سلطنت وی مصدر کار بوده‌اند، زمام امور مملکت را در اختیار دارند و نه تنها او را در مسایل مختلف صاحب رای و نظر نمی‌دانند، که اعتنای لازم را هم نسبت به او و دستورهایش ندارند و از طرف دیگر رهبران حزب توده که در دوره‌ی سلطنت پدرش در زندان بودند، آزاد شده‌اند و با حمایتی که از جانب همسایه‌ی شمالی ایران (شوروی) از آنها می‌شود، میاند ارگود سیاست گردیده‌اند و نقشه‌هایی برای رسیدن به قدرت در سر می‌پرورانند. روحانیون هم که تا چندی قبل خانه‌نشین بوده‌اند و مهر سکوت به لب داشته‌اند، حق خود را طلب می‌کنند.

این رفتار تا سال ۱۳۲۷ که وی در دانشگاه تهران مورد سوءقصد مسلحانه قرار گرفت همچنان ادامه داشت. در این سالها عموما رجال سالخورده به سمتهای وزارت و وکالت انتخاب می‌شدند و شاه جز در موارد ی نادر در انتخاب آنها نقشی نداشت.

---

* پاینوشتها در پایان هرفصل زیر عنوان توضیحات آمده است.

ژاپن اعلام کرد . حزب توده در زمان کابینه‌ی او علنا تشکیل شد. سیدضیاءالدین طباطبایی رییس الوزرای کابینه‌ی کودتا (معروف به کابینه‌ی سیاه ـ در ۱۲۹۹) به ایران بازگشت ، احزاب سیاسی یکی پس از دیگری با اعلام موجودیت شروع به فعالیتهای سیاسی کردند .

۳ـ کابینه‌ی

احمد قوام (قوام السلطنه)

از امرداد ماه ۱۳۲۱
تا بهمن ماه ۱۳۲۱

دوره‌ی سیزدهم قانون‌گزاری ـ این کابینه روز یکشنبه ۱۸ امرداد ماه ۱۳۲۱ خورشیدی برابر با ۲۶ رجب ۱۳۶۱ هجری قمری (اوت ۱۹۴۲ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد.

احمد قوام قانون چاپ ونشر هشتصد میلیون ریال اسکناس را برای رفع نیاز نیروهای متفقین به تصویب رساند. برای اصلاح امور مالی کشور ، با استخدام دکتر آرتور میلسپو ۶ موافقت کرد .

در کابینه‌ی او ارتش آمریکا هم به ایران وارد شد .

ارزاق عمومی تقریبا ناپاب شد و در ۱۷ آذرماه ۱۳۲۱ مردم در تهران دست به تظاهرات زدند و حکومت نظامی اعلام شد.

۴ـ کابینه‌ی دوم علی سهیلی

از بهمن ماه ۱۳۲۱
تا فروردین ماه ۱۳۲۳

دوره‌ی سیزدهم قانون‌گزاری ـ این کابینه در ۲۸ بهمن ماه ۱۳۲۱ خورشیدی برابر با ۱۲ صفر ۱۳۶۲ هجری قمری (فوریه‌ی ۱۹۴۳ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد .

در مدتی که این کابینه مصدر کار بود، چرچیل، استالین و روزولت رهبران بریتانیا، شوروی و آمریکا [۷] برای تشکیل کنفرانس محرمانه‌ای، بدون اطلاع قبلی، وارد تهران شدند و اعلامیه‌ای در مورد به رسمیت شناختن استقلال و تمامیت ارضی ایران امضا کردند، از دیگر کارهای این دولت چنین می‌توان یاد کرد:

تصویب قانون تعلیمات اجباری، لغو حکومت نظامی و انجام دادن انتخابات دوره‌ی چهارد هم مجلس شورای ملی، قطع رابطه با عربستان سعودی و حادثه‌ی سمیرم. در همین دوره بود که اعتبارنامه‌ی سیدجعفر جوادزاده معروف به پیشه‌وری نماینده‌ی تبریز رد می‌شود.

۵ـ کابینه‌ی

محمد ساعد مراغه‌ای

(ساعدالوزاره)

از فروردین ماه ۱۳۲۳

تا آذر ماه ۱۳۲۳

دوره‌ی چهارد هم قانون‌گزاری ـ این کابینه روز سه‌شنبه هشتم فروردین ماه ۱۳۲۳ خورشیدی برابر با چهارم ربیع‌الآخر ۱۳۶۳ هجری قمری و مارس ۱۹۴۴ میلادی به‌مجلس شورای ملی معرفی شد.

از وقایع دوره‌ی ساعد وقوع زمین لرزه‌ی شدید در گرگان و خرابی یك سوم آن شهر، هجوم کردهای مسلح به رضاییه و روستاهای اطراف آن و قتل و غارت مردم، حمل جسد رضاشاه که در ۴ امرداد ماه ۱۳۲۳ بدرود حیات گفته بود، از ژوهانسبورگ پایتخت پیشین آفریقای جنوبی، به قاهره، ورود سرگه‌یی. ای. کافتا رادزه معاون کمیساریای وزارت امور خارجه‌ی شوروی به تهران، تظاهرات پی‌درپی حزب توده

برای دادن امتیاز نفت شمال به شوروی، حمایت سربازان مسلح روس از تظاهرکنندگان، سخنرانی نمایندگان حزب توده[8] در مجلس و حمایت از لزوم واگذاری امتیاز نفت شمال به روسیه‌ی شوروی، ایجاد رعب و وحشت و جو ترور از اقدامات حزب توده در مملکت، حمله‌ی محمد رشید یکی از سران اکراد به شهر بانه و سرانجام نطق معروف دکتر محمد مصدق و سپس پیشنهاد عده‌ای از نمایندگان و تصویب آن از طرف مجلس مبنی برمنع دولت از واگذاری و حتی مذاکره راجع به امتیاز نفت با هر دولت خارجی را می‌توان ذکر کرد.*

در یازدهم آبان ماه محمد ساعد اعلام استعفا از سمت خود می‌کند و نمایندگان مجلس به نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق اظهار تمایل می‌نمایند. ولی مصدق اعلام می‌کند در صورتی حاضر است این سمت را بپذیرد که در صورت کناره‌گیری از سمت نخست‌وزیری، مجلس‌شورای ملی قبلا موافقت کند که او دوباره کرسی‌خود را در مجلس نگاه دارد.**

ع ـ کابینه‌ی

مرتضی قلی بیات
(سهام السلطان)

از آذر ماه ۱۳۲۳
تا اردیبهشت ماه ۱۳۲۴

دوره‌ی چهاردهم قانون‌گزاری ـ این کابینه روز یکشنبه ۵

---

* **از شکست تا پیروزی: ماجراهای نفت** نوشته‌ی علیرضا طاهری از انتشارات مرکز تحقیقات ۱۳۵۵، صفحات ۱۹۶ تا ۲۴۹.

** **سیاست موازنه‌ی منفی** جلد اول ۱۳۲۷ نگارش حسین کی استوان. صفحه‌ی ۱۸۴، از انتشارات **روزنامه‌ی مظفر**.

آذر ماه ۱۳۲۳ خورشیدی برابر با ۱۰ ذیحجه‌ی ۱۳۶۳ هجری قمری (نوامبر ۱۹۴۴ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد ·

اینها از وقایع مهم در ایام این کابینه است : تسلیم بی‌قید و شرط آلمان به متفقین و پایان جنگ در اروپا ، خروج کافتارادزه از ایران با تعرض پس از شکست در ماموریت گرفتن امتیاز نفت شمال ، ورود ژنرال دوگل به تهران در راه مسافرت به مسکو ، تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران به حمایت از آرای دکتر مصدق ، اعلام حکومت نظامی ·

۷ـ کابینه‌ی

ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)

از اردیبهشت ماه ۱۳۲۴
تا خرداد ماه ۱۳۲۴

دوره‌ی چهاردهم قانون‌گزاری ـ این کابینه در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با اول جمادی الآخر ۱۳۶۴ هجری قمری (مه ۱۹۴۵ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد ·

حکیمی پس از تعیین وزرا ، دولت خود را در روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه به مجلس شورای ملی معرفی کرد · و بحث پیرامون برنامه‌ی دولت تا روز چهاردهم خرداد ادامه یافت و سرانجام چون پس از اخذ رای دولت نتوانست تعداد آرای لازم را برای کسب اعتبار به دست آورد ، ساقط شد ·

۸ـ کابینه‌ی

محسن صدر (صدر الاشراف)

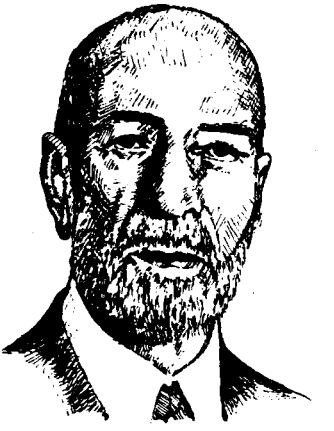

از تیر ماه ۱۳۲۴
تا آبان ماه ۱۳۲۴

دوره‌ی چهارد هم قانون‌گزاری ـ این کابینه در ۲۶ تیرماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با ۱۱ شعبان ۱۳۶۴ هجری قمری (ژوییه‌ی ۱۹۴۵ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی‌شد.

محسن صدر از ابتدای کار با مخالفت شدید حزب توده رو به رو شد، دکتر مصدق و یاران او هم وی را تایید نکردند ولی چون اکثریت مجلس با او موافق بود، موفق به تشکیل و معرفی کابینه گردید. از وقایع مهم در حکومت او است:

کنفرانس پوتسدام* و تصمیمهای، استالین، چرچیل و ترومن ـ روسای دولتهای شوروی، انگلستان و آمریکا ـ که موافقت کردند ایران هر چه زودتر از نیروهای متفقین تخلیه شود، دولت ایران هم به دولتهای مذکور، یادداشتهایی تسلیم کرد و تقاضا نمود تا طبق تعهد و پیمان فی‌مابین طی شش ماه نیروهای خود را از ایران خارج نمایند.

---

* کنفرانس تاریخی پوتسدام در دوم اوت سال ۱۹۴۵ میلادی برگزار شد و آخرین کنفرانس بین‌المللی است که با شرکت سران دول بزرگ شرق و غرب (که در جنگ جهانی دوم با یکدیگر متفق بودند) در شهر پوتسدام واقع در آلمان شرقی (مغرب برلین) تشکیل یافت. در این کنفرانس استالین، ترومن و چرچیل (سپس کلمنت اتلی) مناطق تحت نفوذ خود را قسمت‌بندی کردند. تقویم روز، صفحه‌ی ۶۳۱ حبیب‌الله شاملویی، موسسه‌ی امیرکبیر ۱۳۴۸.

در ایام حکومت کابینه‌ی محسن صدر ، اولین بمب اتمی به وسیله‌ی آمریکا در هیروشیما ی ژاپن منفجر شد که بر اثر آن ۷۸ ، ۱۵۰ نفر کشته ۳۷ ، ۴۲۵ نفر زخمی و ۱۳ ، ۰۸۳ نفر مفقود الاثر شدند .

دومین بمب اتمی آمریکا در ناکازاکی منفجر گردید که ۷۳ ، ۸۸۴ نفر کشته به جای گذاشت .

تسلیم ژاپن و پایان کامل جنگ جهانی دوم نیز در زمان حکومت این کابینه اعلام گردید .

۹ــ کابینه‌ی دوم ابراهیم حکیمی

از آبان ماه ۱۳۲۴
تا بهمن ماه ۱۳۲۴

دوره‌ی چهارد هم قانون‌گزاری ـ این کابینه در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با ۲۹ ذیقعده‌ی ۱۳۶۴ هجری قمری (نوامبر ۱۹۴۵ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد .

در کابینه‌ی حکیمی ، نیروهای آمریکا از ایران خارج شدند . غائله‌ی آذربایجان به دست سید جعفر پیشه وری آغاز شد [۹] و خود مختاری آذربایجان اعلام گردید .

قاضی محمد در کردستان شورش کرد [۱۰] و خود مختاری کردستان اعلام شد .

دولت ایران در مورد این وقایع به سازمان ملل متحد شکایت کرد و دولت اتحاد جمهوریهای شوروی را مسبب این وقایع دانست .

۱۰ــ کابینه‌ی دوم احمد قوام

از بهمن ماه ۱۳۲۴
تا آذر ماه ۱۳۲۶

دوره‌ی چهارد هم و پانزد هم قانون‌گزاری ـ این کابینه در روز ۲۸ بهمن ماه ۱۳۲۴ خورشیدی برابر با ۱۵ ربیع الاول ۱۳۶۵ هجری قمری (فوریه‌ی ۱۹۴۶ میلادی) به مجلس

شورای ملی معرفی شد .

در کابینه‌ی قوام نیروهای انگلیس از ایران خارج شدند . قوام در راس هیات نمایندگی سیاسی و بازرگانی ایران برای مذاکره با استالین رهبر شوروی در مورد تخلیه‌ی آذربایجان از نیروهای شوروی ، به مسکو رفت ـ جلسه‌ی شورای امنیت سازمان ملل تشکیل شد و توصیه کرد ایران و شوروی از راه " مذاکره‌ی مستقیم " رفع اختلاف کنند .

پیشه وری در راس هیاتی از اعضای دولت خود به‌تهران آمد، سه نفر از رهبران حزب توده [11] وارد کابینه‌ی احمد قوام شدند، شوروی نیروهای خود را از آذربایجان خارج کرد، بلوا و اعتصابهای خونین در خوزستان به وقوع پیوست، ایل قشقایی در فارس به سرکردگی ناصر قشقایی و برادرانش یاغی شدند و ناصرقشقایی استقلال فارس را اعلام کرد و بندر بوشهر را متصرف شد. قوام با انجام‌دادن مذاکره با ناصر قشقایی مساله‌ی فارس را به صورت مسالمت آمیز حل کرد .

نیروهای دولتی از تهران به آذربایجان حرکت کردند ، دولت جعفرپیشه‌وری سقوط کرد و پیشه وری و سران حکومتش به شوروی گریختند و به کرملین پناهنده شدند. پایان غائله‌ی کردستان ، اعدام قاضی محمد و برادرانش که عاملان تجزیه‌ی کردستان بودند در مهاباد، بی‌اثر شدن موافقتنامه‌ی ایجاد *شرکت مختلط نفت ایران و شوروی* که طرح آن بوسیله‌ی قوام داده شده بود، انجام گرفتن انتخابات دوره‌ی پانزدهم و رد اعتبارنامه‌ی حسن ارسنجانی مدیر روزنامه‌ی داریا در آن‌مجلس ، تشکیل حزب دموکرات ایران و جشن صد روزه‌ی آن ، ترور احمد کسروی [12] در بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ خورشیدی .

۱۱ــ کابینه‌ی سوم ابراهیم حکیمی

از دی ماه ۱۳۲۶
تا فروردین ماه ۱۳۲۷

دوره‌ی پانزدهم قانون‌گزاری ـ این‌کابینه در ششم دی ماه ۱۳۲۶ خورشیدی برابر با ۱۵ صفر ۱۳۶۷ هجری قمری (دسامبر ۱۹۴۷ میلادی) به مجلس شورای ملی‌معرفی‌شد .

پس از برکناری احمد قوام ازنخست وزیری ، در روز یکشنبه ۲۵ آذر ماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی از صد و هفت رای خود هفتاد و دو رای تمایل به نخست وزیری **رضا حکمت (سردار فاخر)** رییس مجلس داد و با آن که فرمان نخست وزیری هم از طرف شاه به نام او صادر شد، مع ذلك وی از قبول مسوولیت نخست وزیری خود داری کرد و اعلام نمود که در سمت ریاست مجلس بیشتر می‌تواند به مملکت خدمت کند که درنتیجه وکلا ناچار شدند به نخست وزیری ابراهیم‌حکیمی‌ابراز تمایل نمایند.

ابراهیم حکیمی در این کابینه با تظاهرات پیاپی‌مخالفان که از سوی حزب توده رهبری می‌شد و ناآرامیهایی در سراسر مملکت رو به رو بود و در هیچ امر قابل ذکری توفیق به دست نیاورد. در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۶ **محمد مسعود** مدیر روزنامه‌ی **مرد امروز** به قتل رسید[۱۳]. همچنین در روز ۲۹ ژانویه برابر ۸ بهمن ماه ۱۳۲۶ **مهاتما گاندی** روحانی و پیشوای بزرگ هند را یك نفر هندوی متعصب ترور کرد.

۱۲ــ کابینه‌ی

عبدالحسین هژیر

از تیر ماه ۱۳۲۷
تا آبان ماه ۱۳۲۷

دوره‌ی پانزدهم قانون‌گزاری ـ این کابینه در اول تیرماه ۱۳۲۷ خورشیدی برابر ۱۴ شعبان ۱۳۶۷ هجری قمری (ژوان ۱۹۴۸ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد.

مردم، از همان ابتدای کار دولت هژیر ، در تهران دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند، علت آن هم بیشتر این بود که هژیر را منتخب شاه می‌دانستند و او را مسوول توطئه‌ها و نیرنگهای سیاسی می‌شناختند. در این کابینه مذاکرات نفت

با انگلستان تجدید می‌شود. شاه در حکومت هژیر به دعوت پادشاه انگلیس[14] به لندن می‌رود و همین امر باعث می‌شود که تلفن بی‌سیم بین تهران و لندن گشایش یابد. تونل کوهرنگ اصفهان حفر شد. و هژیر که ضمنا به بهاییگری معروف شده بود، مورد حملات شدید در مجلس قرار گرفت.

۱۳ــ کابینه‌ی دوم محمد ساعد

از آبان ماه ۱۳۲۷
تا فروردین ماه ۱۳۲۹

دوره‌ی پانزدهم قانون‌گزاری ـ این کابینه در روز ۳۰ آبان ماه ۱۳۲۷ خورشیدی برابر با ۱۹ محرم ۱۳۶۸ هجری قمری (نوامبر ۱۹۴۸ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد.

با تشکیل کابینه‌ی محمد ساعد، پس از سوءقصدی که در دانشگاه تهران[15] در روز ۱۵ بهمن نسبت به شاه صورت می‌گیرد، شاه برای نخستین بار راسا در فعالیتهای سیاسی مداخله می‌کند.

حزب توده غیر قانونی اعلام و سپس منحل می‌شود. بیشتر روزنامه‌ها توقیف یا به دستور دولت تعطیل می‌شوند.

با تشکیل مجلس موسسان و تجدید نظر در اصول ۴۴ و ۴۸ قانون اساسی، شاه اختیاراتی به دست می‌آورد و حق انحلال مجلسین را می‌گیرد. انتخابات اولین دوره‌ی مجلس سنا انجام می‌شود و عده‌ای از رجال سالخورده و قدیمی روانه‌ی این مجلس می‌شوند.

عبدالحسین هژیر که اکنون وزیر دربار شاه است، ترور می‌شود[16] و حکومت نظامی مجددا برقرار می‌گردد. آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی هم از کشور تبعید می‌شود.

با انجام یافتن محاکمه‌ی سران حزب توده[17] افق سیاست رنگ دیگری به خود می‌گیرد و در همین احوال انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس آغاز می‌شود. ولی با حرکتی که دکتر محمد مصدق و طرفداران عقاید او آغاز می‌کنند، و درنتیجه به تحصن وی و عده‌ای دیگر در دربار می‌انجامد، بسیاری ازمردم

و خصوصا دانشجویان دانشگاه تهران به‌پشتیبانی از مصدق مجددا به صحنه باز می‌گردند و دولت به ناچار در برابر خواست مردم تسلیم می‌شود و بر ابطال انتخابات تهران صحه می‌گذارد.

در این دوران با طرح پیشنهاد قرارداد الحاقی نفت (معروف به قرارداد ساعد-گس یا گس-گلشاییان) از سوی دولت ساعد، که از طرف ایران عباسقلی گلشاییان وزیر دارایی وقت و از سوی انگلستان ان.ای. گس به نمایندگی از طرف کمپانی نفت ایران و انگلیس آن را امضا کرده بودند به مجلس تقدیم می‌شود. برای مخالفت با این طرح جبهه‌ای در مجلس تشکیل می‌شود که ضمن مبارزه برای جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی، مساله‌ی ملی شدن صنعت نفت در ایران به صورتی جدی‌تر از گذشته مطرح می‌شود.

در این کابینه خبر طلاق فوزیه همسر شاه رسما اعلام می‌شود. امیرعبدالله نایب السلطنه‌ی عراق به ایران می‌آید. محمدظاهرشاه پادشاه افغانستان به دعوت شاه وارد ایران می‌شود. "جرج مکگی" معاون وزارت امور خارجه‌ی آمریکا برای بازدید و مذاکره به تهران می‌آید. شاه به دعوت پرزیدنت ترومن به آمریکا می‌رود. قرارداد ترانزیت کالا بین ایران و ترکیه امضا می‌شود. شاه به پاکستان سفر می‌کند، ایران به سازمانهای فرهنگی و تربیتی سازمان ملل متحد و بهداشت جهانی ملحق می‌شود.* انتخابات دوره‌ی شانزدهم پایان می‌گیرد و مصدق و یاران او به مجلس راه می‌یابند. مجرمین غائله‌ی آذربایجان و کردستان عفو می‌شوند. اجازه‌ی تاسیس دانشگاه در شهرستانها داده می‌شود و اولین برنامه‌ی موقت اقتصادی هفت ساله به مرحله‌ی اجرا درمی‌آید.

---

* منشور ملل متحد در تاریخ ۵ تیرماه ۱۳۲۴ (۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ میلادی) به‌امضا رسید و پس از تصویب پنج دولت بزرگ (آمریکا، بریتانیا، شوروی، فرانسه، و چین) و اکثریت سایر امضاکنندگان منشور، در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ دوم آبان‌ماه ۱۳۲۴ رسما به وجود آمد و ایران یکی از بنیادگزاران آن بود.

۱۴ـ کابینه‌ی

علی منصور (منصورالملك)

از فروردین ماه ۱۳۲۹
تا تیر ماه ۱۳۲۹

دوره‌ی شانزدهم قانون‌گزاری ـ این کابینه در روز بیستم فروردین ماه ۱۳۲۹ خورشیدی برابر با ۲۲ جمادی الآخر ۱۳۶۹ هجری قمری (آوریل ۱۹۵۰ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی می‌شود.

دو روز پس از روشن شدن سرنوشت انتخابات تهران ، مجلس شانزدهم شروع به کار می‌کند و علی منصور سیاستمدار کارکشته مامور تشکیل کابینه می‌شود. علی منصور (نخست وزیر دوران حمله‌ی متفقین به ایران ، و پدر حسنعلی منصور نخست وزیر ایران در آینده) در اولین روزهای حکومت با مساله‌ی بزرگ نفت روبه رو است و می‌کوشد تا با خاموشی در برابر آن از جنجال و بحران برکنار باشد، اما با پرسشهای پیاپی نمایندگان مجلس این ترفند به جایی نمی‌رسد. تا آن جا که منصور ناچار می‌شود در پاسخ به این سوال که : " نظر دولت شما پیرامون مساله‌ی نفت چیست ؟ " شانه از زیر این بار سنگین خالی کند و بگوید :

" قرارداد الحاقی ، لایحه‌ای است که دولت قبلی به مجلس آورده است و این قرارداد با دولت من ارتباطی ندارد، این مجلس است که باید درباره‌ی این لایحه تصمیم بگیرد و سرنوشت نفت را روشن کند ".

در پی اظهار این نظر ، دولت خود را کنار می‌کشد و وکلای مجلس ابتکار عمل را به دست می‌گیرند .

در این موقع آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی در میان استقبال پرشور مردم بعد از حدود یك سال تبعید به تهران باز می‌گردد و دولت منصور نمی‌تواند از ناآرامیهای تهران و

حوادث پی درپی آن مصون بماند.

در ششم خرداد ماه "۱۳۲۹" **احمد دهقان مدیر مجله‌ی تهران مصور** و نماینده‌ی مجلس ترور می‌شود و قاتل او **حسن جعفری** پس از محاکمه، اعدام می‌شود.

در کابینه‌ی منصور جسد رضاشاه از مصر به ایران آورده می‌شود.

۱۵ـ کابینه‌ی
حاجیعلی رزم‌آرا

از تیر ماه ۱۳۲۹
تا اسفند ماه ۱۳۲۹

دوره‌ی شانزدهم قانون‌گزاری ـ این کابینه در روز یازدهم تیر ماه ۱۳۲۹ خورشیدی برابر با ۱۷ رمضان ۱۳۶۹ هجری قمری (ژوان ۱۹۵۰ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد.

رزم‌آرا که در مدت ریاست ستاد ارتش خود (از سال ۱۳۲۴) توانسته بود اطمینان وابسته‌های نظامی دول غرب را به دست آورد، مخصوصا با وابسته‌ی نظامی سفارت آمریکا طرح دوستی بسیار صمیمانه‌ای ریخته، با روسای عشایر نزدیك شده بود، و دوستان فراوانی هم در طبقات مختلف مردم داشت و با سران حزب توده در تماس نزدیك بود. رزم‌آرا با اطمینان از حمایت دولتهای انگلیس و آمریکا وارد صحنه شد و ظاهرا "دوهر" دبیر سفارت آمریکا در تهران برای ارتقای او به مقام صدارت بیشترین تلاش و مساعدت را کرد. سپهبد که در آغاز زمامداری از حمایت شاه در برابر مصدق و یاران او برخوردار بود، خود نیز در میان سناتورها و نمایندگان مجلس دوستان فراوانی داشت و در سلسله‌ی علما، **آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مسیح تهرانی و آیت‌الله شیخ‌بهاءالدین نوری** در حلقه‌ی

خاصان وی بودند.

باروی کار آمدن رزم‌آرا مجلس شورای ملی گزارش کمیسیون نفت را مبنی بر رد قرارداد الحاقی تصویب کرد. با طرح پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت، از سوی طرفداران دکتر محمد مصدق، مبارزه‌ی مردم ایران شکل گسترده‌ای به خود گرفت:

در مورد طرح ملی شدن نفت، دکتر مصدق بعدها در نامه‌ای چنین نوشت:

"اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده، باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود سپاسگزاری کرد. و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه‌ی جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عده‌ی نمایندگان جبهه‌ی ملی حاضر در جلسه آن‌را به اتفاق آرا تصویب نمودند. رحمه‌الله علیه که در تمام مدت همکاری با اینجانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد."

درباب نحوه‌ی تشکیل کابینه‌ی رزم‌آرا سخن بسیار است[18] ولی با معرفی کابینه، افکار عمومی که نسبت به رزم‌آرا سخت عصبانی بود، خشمگین‌تر شد و آمریکاییها که به وسیله‌ی او اکنون به صورت علنی در کارهای ایران دخالت می‌کردند، نقاب از چهره برداشتند.[19] رقابت انگلستان و آمریکا برسر بهره‌برداری هر چه بیشتر از منافع روزبه روز شدیدتر می‌شد تا آن جا که به گفته‌ی بعضی از نزدیکان وی، "سپهبد سرانجام از میان دو یار دیرینه انگلستان را برگزید".[20] از آن روز حکومت وی قوس نزولی طی کرد، حملات جراید و نطقهای شدید اللحن نمایندگان برضد او به جایی رسید که مجبور شد ملاقات محرمانه‌ای در منزل اللهیار صالح با دکتر مصدق داشته باشد. از آن ملاقات هم نتیجه‌ی معکوس حاصل شد[21] و حمله‌ی وکلا به ناسزاگویی و بی‌احترامی هم تبدیل یافت و عاقبت جان بر سر نداشتن تجربه و خبطهای سیاسی گذاشت.[22]

رزم‌آرا در ۱۶ اسفند ماه ۱۳۲۹ به وسیله‌ی اسلحه‌ی گرم در مسجد شاه از پا درآمد و گفته شد: گلوله‌ی خلیل طهماسبی[23] که به دستور فداییان اسلام و به هدایت آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و رهبری سید مجتبی میرلوحی (نواب صفوی) شلیک شده بود، او را از پای درآورده است.

وقایع مهم در کابینه‌ی رزم‌آرا عبارت است از: طرح رسمی پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی*، تشکیل کنفرانس اقتصادی کشورهای اسلامی در تهران، عقد قرارداد بین ایران و آمریکا برای استفاده از کمک مالی آمریکا، امضای موافقت نامه‌ی بازرگانی ایران و شوروی، ازدواج شاه با دوشیزه ثریا اسفندیاری، فرار سران حزب توده از زندان[۲۴]، ورود آقاخان محلاتی پیشوای فرقه‌ی اسماعیلیه به تهران، تحصن عده‌ای از مدیران و نویسندگان روزنامه‌ها در مجلس شورای ملی.

۱۶ـ کابینه‌ی

حسین علاء

از اسفند ماه ۱۳۲۹
تا اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

دوره‌ی شانزدهم قانون گزاری ـ این کابینه در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۳۱ خورشیدی برابر با دوم رجب ۱۳۷۰ هجری قمری (آوریل ۱۹۵۲ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی شد.

---

* این طرح که قبلا هم در مجلس شورای ملی عنوان شده بود، نخستین بار به وسیله‌ی غلامحسین رحیمیان نماینده‌ی قوچان (از یاران دکتر مصدق در آغاز راه) هنگام بحث بر سر نفت شمال و منع دولت (وزیران و نخست‌وزیر) از هرگونه مذاکره‌ی مستقیم در این باره، رسما پیشنهاد گردید. رحیمیان پیشنهاد داده بود که تا تنور داغ است، نفت جنوب نیز ملی اعلام شود. رحیمیان ضمن این پیشنهاد، مستقیما خواستار تایید دکتر مصدق شد ولی دکتر مصدق به شدت آن را رد کرد.

پس از کشته شدن رزم‌آرا شاه که فکر می‌کرد باید رابطه‌ی خود را با آمریکا استحکام بخشد، برای جلوگیری از فشارهای روزافزون مخالفان، حسین علاء سیاستمداری را کـــه سالها به‌عنوان سفیر در آمریکا خدمت کرده بود و ضمنا با انگلستان نیز روابط حسنه داشت برای نخست‌وزیری در نظر گرفت و با کمك اکثریت وکلای مجلس راه انتخاب او را به نخست‌وزیری هموار ساخت، در حالی که هیچ پیش‌بینی نمی‌شد که امواج سیل‌آسای نهضت ملی ایران حکومت حسین علاء را نیز خواهد بلعید و دولت او هم قادر به انجام دادن کاری نخواهد بود. علاء با این که برای مدت دو ماه اعلام حکومت نظامی کرد، ولی اقداماتش کوچکترین اثری در ادامه‌ی تظاهرات مردم نداشت، و به همین دلیل نیز سرانجام در ششم اردیبهشت ماه ناچار بـه کنارگیری شد.* از وقـایـع مهم در کابینه‌ی علاء، ترور دکتر

---

* دکتر مصدق در مورد علل سقوط کابینه‌ی علاء می‌گوید: این کابینه جنبه‌ی محلل داشت و زمینه را برای نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبایی مهیا می‌کرد تا بیاید و مساله‌ی ملی شدن نفت را به سبک خود منتفی سازد. به‌همین دلیل متولیان مجلس به این امید که من، نظیر دوره‌ی چهاردهم، نخست‌وزیری را نخواهم پذیرفت در جلسه‌ی خصوصی به زمامداری من ابراز تمایل کردند، در حالی‌که در همان موقع سید ضیاءالدین در دربار منتظر بود تا فرمان به نامش صادر شود، اما من که نهضت را در خطر می‌دیدم، رای تمایل را بلافاصله تنها به‌شرط تصویب قانون طرح اجرای ملی شدن صنعت نفت پذیرفتم. **تقریرات مصدق در زندان** یادداشت شده بـه اهتمام **سرهنگ جلیل بزرگمهر** تنظیم شده به کوشش **ایرج افشار** صفحه‌ی ۱۲۱ از انتشارات سازمان کتاب. اما مخالفان مصدق (از جمله **جمال امامی**) معتقدند: تنها راه مقابله با مصدق این بود که مسوولیت عظیم اجرای طرح ملی شدن نفت بر گردن خود او گذاشته شود زیرا بی‌گمان در اجرای ایـن برنامه درمی‌ماند و شکست می‌خورد، و اگر هم پیشنهاد نخست‌وزیری را نمی‌پذیرفت، باز تحصیل حاصل بود و عملا از دور خارج می‌شد. (از جمله مراجعه کنید به مجموعه‌ی نطقهای جمال امامی در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی.)

عبدالحمید زنگنه رییس وقت دانشکده‌ی حقوق دانشگاه‌تهران به وسیله‌ی نصرت‌اللهقمی و درگذشت محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا) بر اثر بیماری سل بود. بزرگترین اقدام انجام‌شده درحکومت‌علاء تصویب طرح ملی‌شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی بود.

۱۷ــ کابینه‌ی

محمد مصدق (مصدق السلطنه)

از اردیبهشت ماه ۱۳۳۰
تا تیر ماه ۱۳۳۱

دوره‌ی شانزدهم قانون‌گزاری- این کابینه در روز ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ خورشیدی برابر با ۲۷ رجب ۱۳۷۰ هجری قمری (ماه مه ۱۹۵۱ میلادی) تشکیل و در همان روز به مجلس شورای ملی معرفی شد.

دکتر مصدق[۲۵] کابینه‌ی خود را در تاریخ پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ تشکیل داد و همان روز به مجلس معرفی کرد.

او در مجلس اعلام کرد : "برای حفظ قانون اساسی من آن قدر که تاب و توان تحمل رنج و مشقت و تبعید و زندان را داشته‌ام تا سرحد مرگ به ملت حق شناس ایران آزمایش وفاداری داده‌ام، من از سنین جوانی تا امروز خدمت‌گزار مردم بوده‌ام و به سهم ناچیز خویش برای حفظ اصول قانون اساسی رنج سخت‌ترین حوادث را بر خود خریده‌ام".

دکتر غلامحسین مصدق فرزند دکتر محمد مصدق می‌گوید : "او خواستار آن بود که شاه سلطنت کند و نه حکومت، و به شاه گفته بود : شما باید حساب خود تان را ازحساب پدرتان جدا کنید زیرا اگر به کارهای او بخواهید ادامه بدهید، ورشکست خواهید شد".

دولت انگلستان زمامداری دکتر مصدق را باخبری بدین مضمون استقبال کرد ، " انگلستان پس از نخست وزیر شدن دکتر مصدق روابط خود را فقط با اعلیحضرت برقرار می‌سازد " و این رویه را نیز تا کنارگیری مصدق ادامه داد .

رهبری حزب توده هم که از هر فرصتی برای حمله به جبهه‌ی ملی و سران آن تا قبل از زمامداری دکتر مصدق استفاده کرده بود، مبارزه‌ی خود را برضد دکتر مصدق تشدید کرد و در روزنامه‌ی ارگان خود نوشت: " دولت ضد ملی مصدق در راه ملت‌کشی ، فاشیسم ، دروغگویی و اطاعت از سیاست استعماری آمریکا گام نهاده است و روز به روز عمق توطئه‌ی بزرگی که دولت مصدق با الهام از منابع امپریالیستی برضد ملت ایران چیده است، آشکارتر می‌شود. دکتر مصدق برای این که محیط را آماده‌ی مذاکره تسلیم‌آمیز و چاکرانه با نماینده‌ی استعمار آمریکا سازد از هیچ دروغ‌پراکنی خود داری نمی‌کند." (روزنامه به سوی آینده) سرمقاله‌ی شماره‌ی ۳۲۷ مورخ ۴/ ۵/ ۱۳۳۰ . از سوی دیگر ترکیب کابینه‌ی مصدق هم از ابتدای کار رضایت مردم را کاملا جلب نکرد و نمایندگان مخالف وی در مجلس از این فرصت استفاده جستند و حمله به وی را آغاز کردند، و اولین شکافهای تفرقه در میان اعضای موسس جبهه‌ی ملی آغاز شد .

تظاهرات حزب توده و عناصر ارتجاعی و دیگر مخالفان موجب شد که مصدق برای بقای دولت خود به حکومت نظامی توسل جوید. مصدق در حالی حکومت نظامی اعلام کرد که در سراسر عمر خود، به عنوان نماینده‌ی مردم ، توسل به حکومت نظامی را خلاف صریح قانون اساسی ایران دانسته بود و برضد آن مبارزه کرده بود. درنتیجه ، همین مساله نیز وسیله‌ی دیگری در دست مخالفان شد تا او را عوام فریب و قدرت‌طلب معرفی نمایند .

عده‌ی کثیری از ماموران انتظامی هم که عملا در اختیار او نبودند ، و از درباریان و خصوصا خواهر شاه، شاهدخت " اشرف " بیشتر اطاعت می‌کردند، با آزار و اذیت مردم محیط را برای ابراز مخالفت هر چه بیشتر آماده می‌ساختند. در این میان بافشاری که از طرف انگلستان وارد می‌شد، دربار همواره

تلاش می‌کرد تا هر چه زود تر مصدق را برکنار کند و حکومت را به شخص دیگری بسپارد. در بیست و سوم تیر ماه تظاهرات مردم در تهران به خون کشیده شد و ماموران که به هیچ‌وجه دستورهای خود را از مصدق دریافت نمی‌کردند، تظاهرکنندگان را در بعضی از نقاط خود سرانه به رگبار گلوله بستند. مصدق که اشرف را یکی از مسببین این واقعه می‌پنداشت، او را از مملکت اخراج کرد.

جریان مذاکرات نفت هم با مقامات انگلیسی پیشرفتی نداشت و مقامات انگلیسی در لندن در انتظار بودند که هر آن مصدق از کار کناره‌گیری کند و جانشین او آن چه را که انگلستان می‌خواهد به انجام برساند.

بدیهی است که در این جا از نقش آمریکا هم نمی‌توان غافل شد چون واشینگتن می‌خواست از هر فرصتی که می‌شود استفاده کند تا از این "نمد" کلاهی هم برای خود فراهم آورد و انحصار بهره‌برداری از نفت ایران را از دست بریتانیا خارج سازد؛ البته در پی‌گیری این منظور، دوستی و رابطه‌ی نزدیك واشینگتن ـ لندن را هیچ‌گاه از نظر دور نمی‌داشت.

شوروی نیز از پرداخت و استرداد طلاها و مطالبات ایران سر باز می‌زد و حکومت مصدق در این گیر و دار بایستی مواظب توطئه‌ها و نیرنگهای دربار هم باشد. از طرف دیگر یك گروه مخالف (از جمله با شرکت‌عده‌ای از مرتجعین) که اکثریت در مجلس‌را نیز عملا در اختیار داشت، در برابر هرگونه پیشنهاد مصدق سنگ می‌انداخت و عملا جلسات مجلس را از فعالیت باز می‌داشت.

مصدق در برابر تمامی این مخالفتها و مشکلات‌عظیمی که دولت و ملت با آن رو به رو بودند، اعلام کرد که تصمیم به مقاومت دارد و گفت:

"می‌دانید که اگر سه ماه دیگر گذشت، مردم از فرط‌نداری می‌آیند و به مجلس و دولت هجوم می‌آورند و این را انگلیسیها خوب می‌دانند؛ و بعد حضرات می‌آیند و می‌گویند آقایان ما بیست میلیون لیره به شما می‌دهیم بیایید و بگیرید و بعد قرارداد خود را به ما تحمیل می‌کنند. از آن‌جهت برای آن‌که ملت و دولت ایران به زانو در نیاید من قایل شدم به این‌که به دولت انگلیس به‌طور غیرمستقیم اعلام کنم که اگر تا پانزده روز

دیگر شما نیایید و مطابق عدالت عمل نکنید ، دولت ایران تصمیم آخر را خواهد گرفت . "

مصدق در پایان مهلت، خود در راس هیاتی برای شرکت در شورای امنیت به نیویورک رفت. پس از بازگشت از این سفر مصدق اقدام به شروع انتخابات دوره‌ی هفدهم کرد، ولی تظاهرات حزب توده و اقدامات مخالفان یك بار دیگر حوادثی به وجود آورد که در آن عده‌ای کشته و مجروح شدند. هماهنگی حزب توده از یك سو و دستورهای فرماندهان نظامی که از دولت فرمان نمی‌بردند، از سوی دیگر، این جریان را به صورتی وسیع گسترش داد و یك بار دیگر دولت مصدق را در برابر عمل انجام شده‌ای قرار داد .

در این بین مذاکراتی میان "چرچیل" که به تازگی دوباره نخست وزیر انگلستان شده بود با "ترومن" رییس جمهوری آمریکا جریان داشت و نقشه‌هایی برای سرکوبی نهضت مردم ایران و سقوط حکومت مصدق می‌کشیدند .

پس از پایان قسمتی از انتخابات، دکتر مصدق که از تقلبها و جریانهای سوء دیگر در بعضی از حوزه‌ها مطلع شده بود ، تقاضای رسیدگی به کار آنها را کرد ولی در فروردین ماه سال ۱۳۳۱ حادثه‌ی دیگری به دست حزب توده رخ داد که موجبات ناراحتی مردم و دولت را فراهم آورد. در این حادثه که به صورت تظاهرات لگام گسیخته انجام گرفت، عده‌ی زیادی کشته و مجروح شدند .

در خرداد ماه، دکتر مصدق برای پاسخ گویی به شکایات دولت انگلستان به دادگاه "لاهه" رفت و بازگشت، و در تیر ماه مجلس (منتخب در زیر نظر دولت) افتتاح شد .

در بیست و دوم تیرماه مصدق برای اصلاح امور مالی ، اقتصادی ، قضایی ، بانکی و استخدامی و ایجاد سازمانهای ملی برای نخستین بار تقاضای اختیارات شش ماهه از مجلس کرد* و از سوی دیگر از شاه خواست تا برای حل مشکلات، پست

---

* بسیاری از نمایندگان (حتی بعضی از یاران قدیم دکتر مصدق) تقاضای نخست‌وزیر را مغایر قانون اساسی می‌دانستند زیرا بدین‌سان اختیار

وزارت جنگ را نیز به وی بسپارد. شاه با این نظر دکترمصدق به شدت مخالفت کرد و گرچه مذاکره بر سر آن سه روز به طول انجامید مع‌ذلك باز شاه زیر بار نرفت و مصدق فرصت را مناسب دید و استعفا کرد.[۲۶] استدلال دکتر مصدق چنین‌بود که من نخست‌وزیرم وطبق قانون اساسی، وزرا مسوولیت مشترك در برابر مجلس‌دارند، پس باید وزیر جنگ را خود تعیین کنم و در اعمال او مستقیما نظارت داشته باشم.

۱۸ــ کابینه‌ی سوم احمد قوام[۲۷]

از ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۱
تا ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱

در بیست و ششم تیر ماه مجلس شورای ملی بدون حضور نمایندگان طرفدار دکترمصدق به نخست وزیری احمد قوام رای تمایل‌داد و شاه در پی رای تمایل مجلس، فرمان نخست وزیری را به نام او صادر کرد و لقب "جناب اشرف" را که به دنبال حوادث آذربایجان عملا پس گرفته شده بود، به وی مسترد داشت.[۲۸] قوام هم بعد از دریافت فرمان نخست وزیری اعلامیه‌ی غلاظ و شدادی منتشر ساخت و در قسمتهایی از آن چنین گفت:

"ایران دچار دردی عمیق شده است و با داروهای مخدر درمان‌پذیر نیست... وای به حال کسانی‌که در اقدامات مصلحانه‌ی من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را برهم بزنند. این‌گونه آشوبگران با شدیدترین عکس‌العمل از طرف من روبه‌رو خواهند شد... به عموم اخطار می‌کنم که دوره‌ی عصیان سپری شده است و روز اطاعت از اوامر

قوه‌ی مقننه نیز به‌دست قوه‌ی مجریه می‌افتاد. در هرحال، چنین اختیاراتی به دکتر مصدق داده شد و چون آن‌چه انتظار می‌رفت، برآورده نشد، شکاف تفرقه میان یاران مصدق گسترش بیشتری یافت و حالتی جدی‌تر به خود گرفت. این تفرقه در پی آن‌که دکتر مصدق خواستار تمدید همان اختیارات تا شش ماه دیگر شد، از پرده بیرون افتاد..

و نواهی حکومت رسیده است... کشتیبان را سیاستی دگر آمد..."

با اعلام خبر استعفای دکترمصدق، سراسر شهر تهران تعطیل شد و بین مردم و قوای نظامی برخورد های پراکنده ای رخ داد. ماموران انتظامی در همه جا مردم را با کمك اسلحه متفرق می‌کردند. البته این تظاهرات واعتراض منحصر به تهران نبود و به خصوص از روز دوم موج اعتراض سراسر کشور را فراگرفت.

در روز ۲۸ تیر ماه قوام "برای اعاده‌ی امنیت" از شاه تقاضای اختیارات فوق‌العاده کرد. ولی از آن جا که قوام دیگر پیر و فرتوت شده بود، شاهدخت اشرف و شاهپور علیرضا خواهر و برادر شاه عملا زمام قدرت نظامی و انتظامی کشور را در اختیار گرفته بودند و با فرامینی‌که صادر می‌کردند، سرکوبی مردم را از نیروهای انتظامی خواستار بودند. شاهپور علیرضا حتی‌شخصا نیز در عملیات مداخله می‌کرد. از اولین ساعات روز ۳۰ تیر ماه، تهران که وضع یك شهر اشغال شده را داشت، در محاصره‌ی نیروهای پلیس ونظامی وتانکها و زرهپوشها بود ولی مردم هم بدون واهمه از نیروهای مسلح، به اتکای اعلامیه‌های آیت الله کاشانی، از تمام نقاط شهر به حرکت در آمده بودند: شهر یکپارچه تعطیل شد. ادارهها، کارخانهها و کارگاهها تعطیل گردید و در ساعت دوازده ظهر نشانه‌های شروع یك انقلاب تمام‌عیار در تهران به خوبی نمایان بود. دانشجویان دانشگاه تهران و کلیه‌ی مدارس نیز درصف مردم جای داشتند و در برابر نیروهای انتظامی‌مقاومت می‌کردند وبا این‌که نیروهای نظامی‌و انتظامی‌برای پراکندن تظاهرکنندگان پیاپی شلیك می‌کردند، مقاومت مردم هر لحظه اوج می‌گرفت. از سوی دیگر سربازان نیز گروه گروه به صف مردم می‌پیوستند. در ساعت ۵ بعدازظهر که این قیام (برضد قوام و به طرفداری از دکتر مصدق) به اوج خود رسیده بود، عده‌ای کشته و مجروح شدند. سرانجام با توجه به این نکته که ممکن بود نیروهای انتظامی‌عموما به مردم روی آورند و در جهت آنها حرکت کنند، قوام ازسمت خود استعفاکرد و شبانه ناپدید شد و ظاهرا تهران راترك گفت. شاه باتوجه به خواست مردم، امابدون اطلاع دکتر مصدق، فرمان نخست وزیری را مجددا به نام او صادر کرد و

این خبر لحظه به لحظه از رادیو خوانده می‌شد و به گوش همگان می‌رسید.[۲۹]

۱۹ــ حکومت دوم دکتر مصدق

از تیر ماه ۱۳۳۱
تا امرداد ماه ۱۳۳۲

با پیروزی قیام سی‌تیر، طرفداران قوام‌السلطنه خانه‌نشین شدند، و جشن و سرور عمومی برپا شد. در شب سی و یکم تیر ماه خبر اعلام رای دیوان داوری لاهه مبنی برعدم صلاحیت آن دادگاه در رسیدگی به شکایت دولت بریتانیا راجع به مساله‌ی نفت به تهران رسید و این رای که حقانیت مردم ایران را در مبارزه با استعمار به ثبوت می‌رساند، پیروزی مردم را تکمیل کرد و بر جشن و سرور همگان افزود.*

دکتر مصدق که اکنون عوامل موثر در توطئه‌ی سی‌تیر را به خوبی تشخیص داده بود، دستور داد مادر و خواهر شاه (اشرف) ایران را ترک کنند. دفتر کلیه‌ی برادران و خواهران شاه را بست و تماس مستقیم آنها را با سازمانهای دولتی ممنوع کرد. مجلس هم در امرداد ماه با تصویب ماده‌ی واحده‌ای احمد قوام را مفسد فی‌الارض شناخت وکلیه‌ی اموال او رامشمول مصادره قرارداد و ضمنا دومین دور از اختیارات شش ماهه‌ی مورد درخواست دکتر مصدق را به ناچار تصویب کرد و امام جمعه‌ی تهران (دکترسید احمد امامی) را که از هواخواهان سرسخت دربار و مخالفان جدی دولت بود، از ریاست خلع

---

* گرچه قبل از ایران، دولت مکزیک صنایع نفت خود را ملی کرده بود ولی با توجه به این‌که منابع نفت مکزیک عملا خشک شده بود، اقدام این دولت در ملی کردن نفت چندان هیجانی بوجود نیاورد. اما اقدام قاطع ایران، موجی از احساس همدردی در مردم جهان، به خصوص قربانیان استعمار، را به سود ایران برانگیخت. بدین‌سان، اقدام ایران سرسلسله‌ی رویدادهای دگرگون‌کننده‌ی عظیمی در سراسر دنیا، خصوصا در منطقه شد.

کرد و آیت الله کاشانی را به عنوان رییس برگزید .

در شهریور ماه "له وی هندرسن" سفیر آمریکا و "میدلتون" کاردار سفارت انگلیس (بریتانیا) ، پیام مشترک ترومن و "چرچیل" را به پیوست قرارداد مخصوص، تسلیم دکتر مصدق کردند، اما این پیشنهاد و طرح قرارداد، چنان گستاخانه و یك طرفه بود که دکتر مصدق پس ازخواندن آن گفت: "من شرم دارم این پیشنهاد را بخوانم تا چه رسد به قبول آن" وسپس آرای خود را به دولت انگلیس اعلام کرد و چون انگلیسیها از قبول درخواستهای مصدق خودداری کردند، قطع کامل روابط ایران و انگلیس را اعلام داشت و کارمندان انگلیسی (بریتانیایی) را که حاضر به همکاری با شرکت ملی نفت ایران ، با همان دستمزد و مزایای سابق ، نشده بودند، ناگزیر از ایران اخراج کرد و سفارتخانه و کنسولگری انگلیس بسته شد .

دکتر مصدق با این اقدامات تند و درعین حال هماهنگ با خواستهای شورانگیز مردم ، موجب شد که ازیك طرف جناح راست جبههی ملی و نیز هواخواهان آیت الله کاشانی چه آشکار و چه پنهان رابطهی خود را با مصدق قطع کنند . عوامل و هواخواهان دربار هم از فرصت استفاده کردند و با ایجاد آشوب و بلوا ، برتنگناهایی که دولت مصدق با آن روبه رو بود، افزودند. چون غالب این حرکات از سوی افسران وفادار و متعصب به دربار انجام میگرفت، مصدق عدهای از آنها را بازنشسته کرد، این جریانات باعث شد که انگلیس و آمریکا با کمك یك دیگر طرح (آجاکس)* [۳۰] را برای سقوط مصدق تدارك ببینند .

---

* یا آژاکس Ajax که در انگلیسی "ایجکس" تلفظ میشود . آژاکس یا ایجکس نام دو قهرمان در اساطیر یونانی است که دوشادوش یونانیان در جنگ تروا شرکت جستند . جنگ تروا همان جنگی است که یونانیان در آن از خدعه بهره گرفتند و اسبی چوبین را پر از سربازان مسلح و جنگاور به درون شهر فرستادند و دشمن فریب خورده را بدین‌سان شکست دادند .

گرفتاریهای داخلی و فشارهای خارجی و توطئه‌ها چنان مصدق را به خود مشغول کرده بود که از جریانات روز غالبا بی‌اطلاع می‌ماند. از یك طرف اطرافیان دکتر مصدق سخت در فکر کار و بار خود بودند و از سوی دیگر یاران دیروز او نیز که معتقد بودند وی از راه اصلی و اولیه‌اش منحرف شده، هر یك در توطئه‌ای برضد او مشغول و دست اندرکار بودند، و از زیر تیشه برریشه‌ی حکومت وارد می‌کردند ـ در همین احوال سرلشگر فضل الله زاهدی (وزیر کشور سابق کابینه‌ی مصدق) با کمك اطرافیان و هواخواهان شاه که باتوجه به خوابیدن صنایع نفت، حکومت دکترمصدق را عامل فاجعه‌های اقتصادی ـ سیاسی برای ایران می‌دانستند، در فکر کودتا بود و گروههای داخلی وابسته به خود را مسلح می‌کرد.[۳۱]

حزب توده و طرفدارانش نیز از پای ننشسته، خود را "نایب مناب" شهدای سی‌ام تیر می‌دانستند و درصدد بودند که بدین بهانه در سالگرد این روز قدرت نمایی کنند.[۳۲] در احزاب وابسته به مصدق نیز اختلافات روز به روز آشکارتر می‌شد و مجلس نیز خود را برای ساقط کردن مصدق آماده می‌کرد. در این احوال دکتر مصدق به فکر انحلال مجلس و همه پرسی افتاد،* هواخواهان دربار نیز برای تضعیف هر چه بیشتر مصدق اقدام به ربودن رییس شهربانی او ـ سرتیپ افشار طوس[۳۳] ـ کردند.

در این گیر و دار اختلاف جناح آیت الله کاشانی و دکتر مظفر بقایی کرمانی با دکتر مصدق روز افزون می‌شد و در تهران و بیشتر نقاط ایران آشوبهایی به دستور وفاداران به دربار

---

* این تصمیم دکتر مصدق حتی برای یاران وی نیز شگفتی‌انگیز بود زیرا انتخابات این دوره از مجلس زیرنظر دولت دکتر مصدق انجام یافته بود و از سوی دیگر دکتر مصدق مخالفت خود را با انحلال مجلس همواره اعلام داشته بود و همه‌پرسی را نیز به کلی مغایر با قانون اساسی می‌دانست. دکتر مصدق با اعلام این‌که مجلس این‌جا است (در میان مردم کوچه و بازار که گردش را گرفته بودند) ناقوس مرگ مجلس را به‌صدا درآورد.

انجام می‌گرفت. ازسوی دیگر با انجام‌دادن همه پرسی‌پردمها به کنار رفته، هواخواهان مصدق و نیروهای ضد قانون‌اساسی و سلطنت، که عامل اساسی گرفتاریهای خود را شاه و دربار می‌دانستند، ناگهان آشکارا خواهان برچیده شدن بساط سلطنت شدند، و شعار جمهوری را جسته گریخته در اذهان مردم شورید ه حال و احساساتی القا می‌کردند. در همین احوال حزب توده نیز آتش بیار معرکه شده بود و با انجام دادن عملیات تخریبی، سعی در نمایش قدرت خود داشت.

تظاهرات پیاپی خیابانی که از طرف دسته‌ها و حزبهای گوناگون و باشرکت اکثر کسانی‌که از قضایای پشت پرده چندان خبری نداشتند، برپا می‌شد شیرازه‌ی امور را از هم گسیخته بود و با اعلام انحلال مجلس از سوی دکتر مصدق (که مخالفان وی آن را عملی خلاف قانون خواندند) شاه هم فرمان عزل او را صادر کرد." ولی بعدها گفته شد که این نقشه شبه کود تا بوده تا مصدق را سرگرم کنند و در اولین فرصت مناسب نقشه‌ی اصلی را به مرحله‌ی اجرا بگذارند" ـ با انجام یافتن این کود تا شاه از ایران خارج شد.

درهمین زمان دکترسید حسین فاطمی‌که به رغم جوانی به وزارت امور خارجه رسیده بود، بدون پنهانکاری و رعایت آداب، با صراحت نوشت: خیانتکاری که می‌خواست وطن را به خاك و خون بکشد فرار کرد.

ولی بی‌توجه به این غلیان و فوران احساسات، عوامل طرح آجاکس‌همچنان در نهان مشغول کار خود بودند و مقدمات برنامه‌ی اصلی براندازی حکومت مصدق را فراهم می‌ساختند.

در بیست و هشت امرداد ماه ۱۳۳۲ کود تا انجام شد؛ حکومت دکتر مصدق تقریبا بدون درگیری جدی و چشمگیری، سقوط کرد. دکتر مصدق ناگزیر از فرار شد و سرلشگر فضل الله زاهدی به نخست وزیری رسید.[۳۴۰]

رویدادهای مهم در دوره‌ی حکومت دکتر مصدق عبارتند از:

خلع ید از شرکت نفت سابق (ایران و انگلیس) ـ

برداشتن نخستین گامها به امید اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت، آغاز برنامه‌ی لوله‌کشی آب تهران، و شروع عملیات ابتدایی ساختمان فاضل‌آب تهران، اعتصاب کارگران صنعت نفت در خوزستان و اغتشاش وخونریزی در آبادان به سرکردگی حزب توده، اعلام حکومت نظامی، ورود رزمناو انگلیسی موریشس به خلیج فارس به عنوان حفاظت از جان اتباع انگلیس، شکایت دولت انگلیس و شرکت نفت ایران و انگلیس از دولت ایران به دیوان داوری لاهه، به سبب رد تقاضای داوری انگلیس از طرف ایران در مورد اختلافات مربوط به امتیاز نفت ـ رای دیوان داوری لاهه در تایید حقانیت ایران ـ به رسمیت شناخته شدن اصل ملی شدن صنعت نفت ایران از طرف دولت انگلیس، اعزام استوکس مهردار سلطنتی انگلیس برای مذاکره با دولت ایران و رد پیشنهادهای وی (از جمله عقد مناقصه‌ی معروف به پنجاه ـ پنجاه) از سوی دولت ایران، خودکشی صادق هدایت در پاریس[۳۵]، شکایت انگلیس (بریتانیا) از ایران به شورای امنیت راجع به ملی‌کردن نفت به عنوان ایجاد مخاطره‌ای برای صلح جهان، تعطیل کنسولگریهای انگلستان در ایران، کشف مرکز مخفی چاپ ونشر روزنامه‌ی مردم ارگان حزب منحله‌ی توده، حمل شش تن طلای امانی پشتوانه‌ی اسکناس ایران (در بانکهای انگلیس، آفریقا و کانادا) به آمریکا به دستور دولت، حرکت اولین کشتی نفتکش ایتالیایی حامل نهصد تن نفت ایران و توقیف آن در سواحل "عدن" به وسیله‌ی ناوگان انگلیس و تصرف محمولات آن، صدور رای دیوان داوری لاهه مبنی برعدم صلاحیت آن دادگاه در مورد رسیدگی به شکایت انگلیس (بریتانیا) از ایران، تصویب قانون واگذاری اختیارات شش ماهه (در دو نوبت) از طرف مجلس شورای ملی به دکترمصدق مبنی‌بر وضع و اجرای هر قانونی که جنبه‌ی آزمایشی داشته باشد تا شش ماه به وسیله‌ی نخست‌وزیر و هیات دولت، و تقدیم آن برای تصویب نهایی به مجلس شورای ملی، ورود دکتر شافت کارشناس اقتصادی آلمان به ایران، قطع رابطه‌ی سیاسی بین دولت ایران و انگلستان، پایان قرارداد ایران و شوروی راجع به شیلات و ملی شدن شیلات، دستور توقیف صد و هفتاد نفر

از مسوولان دولتی به دستور دکتر محمد مصدق - از جمله سرلشگر فضل‌الله زاهدی، اغتشاش در شیراز و غارت و آتش زدن ادارههای وابسته به آمریکاییها، ربودن و کشتن سرتیپ افشار طوس رییس شهربانی، تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس، خروج زاهدی از مجلس و اختفای وی. همه پرسی از طرف دولت مصدق دایر به انحلال مجلس شورای ملی - اعلام انحلال "سنا" و مجلس شورای ملی، توقیف سرهنگ نعمت‌الله نصیری (این سرهنگ بعدها ارتشبد و رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور و سفیر ایران در پاکستان شد) وعده‌ی دیگری از افسران در رابطه با آن چه بعضیها شبه کودتایش می‌خواندند، صدور اعلامیه‌ی فرمانداری نظامی تهران در مورد پرداخت صد هزار ریال جایزه برای دستگیری سرلشگر زاهدی، هجوم عده‌ای ازنیروهای وفادار به دربار به منزل دکترمصدق برای قتل وی[۳۶]، تصویب ملی‌شدن و مصادره‌ی اموال احمد قوام (که هرگز حتی یك قدم به مرحله‌ی عمل نزدیك نشد و از قوه به فعل در نیامد*)، تاسیس شرکت اتوبوسرانی تهران، تصویب اساسنامه‌ی شرکت سهامی تلفن ایران که اخیرا ملی (دولتی) شده بود. در این گیرودار با افزایش ناآرامی و گسترش هرج و مرج که دولت برای تسلط برآنها درمانده بود، و به حکم اوضاع پیچیده‌ی ایران، محمدرضا شاه پهلوی همراه با همسرش (ملکه ثریا)، سوار بر هواپیمایی که خلبانی آن راخاتم (ارتشبد و فرمانده بعدی نیروی هوایی‌شاهنشاهی و مجری طرح تربیت همافران) برعهده داشت، خاك میهن را ترك گفت و پس از اقامتی کوتاه در بغداد، رهسپار رم شد.

---

* مجلس با اکثریت عظیمی احمد قوام را مفسد فی‌الارض شناخت و به دولت ابلاغ کرد که در دستگیری او درنگ نکند. اما دولت متعذر به این بهانه می‌شد که از محل اختفای احمد قوام (قوام‌السلطنه) خبری ندارد. در همین گیرودار، عکسی از قوام پیر و فرتوت و خفته در بستر، همراه با پسر خردسالش - حسین - درپشت‌جلد مجله‌ی اطلاعات هفتگی چاپ شد. مخالفان می‌پرسیدند: آیا دولت در یافتن قوام از یک عکاس ناتوان‌تر است؟

۲۰ـ کابینه‌ی
فضل الله زاهدی[۳۷]

از امرداد ماه ۱۳۳۲
تا فروردین ماه ۱۳۳۴

دوره‌ی هفدهم قانون‌گزاری ـ عملیاتی که بسیاری آن را شبه کودتا خواندند ـ به ترتیبی که گفته شد و با اجرای "طرح آجاکس" آغاز شد. با اجرای مرحله‌ی دوم این طرح، شاه که از کشور خارج شده بود، به تهران بازگشت. حکومت کودتا ابتدا روابط سیاسی بین ایران و انگلیس را برقرار ساخت و سپس دکتر مصدق و یاران نزدیك او را ـ که همگی گریخته و پنهان شده بودند ـ دستگیر و زندانی کرد و با اعلام حکومت نظامی مشغول اقدام برای اجرای مراحل بعدی طرح آجاکس شد:

دولتهای آمریکا و انگلیس کنسرسیومی مرکب از شرکتهای بزرگ نفتی آمریکا، فرانسه، هلند و شرکت سابق نفت ایران و انگلیس تشکیل دادند و برای نخستین بار آمریکا به صورت رسمی در بهره‌برداری از نفت ایران سهیم شد. تا پیش‌از این بریتانیایی (انگلیسی) ها بهره‌برداری از نفت ایران را در انحصار خود داشتند و خصوصا جلو نفوذ آمریکاییها را در این قلمرو می‌گرفتند. در هر حال این دگرگونی بیش از همه به سود آمریکا پایان یافت و دکتر علی امینی وزیر دارایی دولت زاهدی در مقدمه‌ی نطق خود، در مجلس گفت: "ما موفق شدیم قرارداد را به این شکل تنظیم کنیم ولی در این شرایط امکانی جز آن چه تقدیم می‌شود، نبود".

و شاه در پاسخ پیامی که آیزنهاور رییس جمهوری آمریکا در مورد حل مساله‌ی نفت به ایران داد چنین گفت:

"مساعدت آمریکا نسبت به ما بسیار به‌موقع و مفید بوده است و آن حضرت می‌توانند اطمینان داشته باشند که کمکهای ذیقیمتی که حضرت رییس‌جمهوری

شخصا و دولت آمریکا و سفیرکبیر شایسته‌ی آن لوی هندرسن به این منظور کرده‌اند، موجب سپاسگزاری است."

و ژنرال آیزنهاور، کسی که در پاسخ مصدق گفته بود: "هرگاه آمریکا بخواهد به میزان قابل ملاحظه‌ای از طریق اقتصادی به ایران کمك کند، در حق مودیان مالیاتی آمریکا شرط انصاف را رعایت نکرده است" با صدور اعلامیه‌ای چهل و پنج میلیون دلار به دولت زاهدی کمك فوری داد.

در این احوال زاهدی و پسرش اردشیر زمام قدرت را در دست گرفته بودند، و یکه تاز میدان سیاست به حساب می‌آمدند. از همین روی شاه پس از مسافرت به آمریکا، در سال ۱۳۳۳ در فروردین ماه سال ۱۳۳۴ حسین علاء را به نخست وزیری گماشت و زاهدی را که برای خودش حق آب و گِل قایل بود، از کار برکنار نمود.

رویدادهای مهم در کابینه‌ی زاهدی عبارت بود از:

ارتقای زاهدی به درجه‌ی سپهبدی، دستگیری و محاکمه‌ی دکتر مصدق و همکاران او، کشف شبکه های حزب توده‌ی ایران، برقرار کردن دوباره‌ی روابط سیاسی بین دولتین ایران و انگلیس، صدور فرمان انحلال مجلسین، ورود ریچارد نیکسون معاون رییس جمهوری آمریکا به تهران، ورود "استیونسون" نماینده‌ی سیاسی و سفیر انگلیس به تهران، تشکیل کنفرانس کاخ سفید برای حل مساله‌ی نفت، تاسیس صندوق مشترك ایران و آمریکا، عقد قرارداد استخراج نفت با کنسرسیوم ـ کشف سازمان نظامی حزب توده، سقوط هواپیما و مرگ مرموز علیرضا برادر تنی شاه، مسافرت شاه به آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا، ورود جرج آلن معاون وزارت امور خارجه‌ی آمریکا به اتفاق هیاتی از نمایندگان کنگره‌ی آمریکا به تهران، آغاز بهره‌برداری مجدد از نفت جنوب به وسیله‌ی کنسرسیوم و دوباره به چرخش درآمدن صنایع نفت ـ محکومیت دکتر مصدق به سه سال زندان، اعدام دکتر حسین فاطمی آخرین وزیر امور خارجه‌ی دکتر مصدق، اعدام چهارده نفر از افسران ارتش که در سازمان نظامی حزب توده عضویت داشتند، دستگیری دکتر یزدی و مهندس شرمینی از سران حزب توده، محکومیت دکتر سیدعلی شایگان [۳۸] و مهندس احمد رضوی

از همکاران دکتر مصدق به زندان، وقوع سیل شدید در خرمشهر، وقوع سیل شدید در نقاط شمالی تهران و نیز در امامزاده داود تهران که باعث مرگ یك هزار نفر و خسارت بسیار گردید، امضای پروتکل تحویل زندانیان ایرانی در شوروی و آغاز تحویل زندانیان در مرز باجگیران (خراسان) ـ کشف سازمان جوانان حزب توده و بازداشت ۶۸ نفر از اعضای آن.

۲۱ــ کابینه‌ی دوم حسین علاء

از فروردین ماه ۱۳۳۴
تا فروردین ماه ۱۳۳۶

دوره‌ی هیژد هم قانون‌گزاری ـ با این که حسین علا با نظر و موافقت شاه به نخست وزیری انتخاب شده بود، مع ذلك شاه اکنون می‌خواست هر چه بیشتر کسانی مامور اجرای کارها بشوند که از هر جهت فرمانبردار شخص او باشند و تجربیات گذشته تکرار نشود. به همین دلیل در فکر چاره بود تا این که بالاخره دکتر منوچهر اقبال را برای احراز سمت نخست وزیری برگزید: رویدادهای مهم در کابینه‌ی حسین علا، اشغال حضیرةالقدس مرکز تبلیغات فرقه‌ی بهاییان در تهران به دستور سرلشگر باتمانقلیچ و با مشارکت محمدتقی فلسفی واعظ، تحویل یازده تن طلای امانتی ایران در مرز جلفا از طرف دولت شوروی، حریق بزرگ در انبار دخانیات و انبار غله در تهران با ۵۷ نفر تلفات، مسافرت شاه به مسکو، مرگ احمد قوام (قوام‌السلطنه) در ۷۷ سالگی، اعدام شش افسر ارتش عضو سازمان نظامی حزب توده، ورود جلال بایار رییس جمهوری ترکیه به تهران، الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد[۳۹]، اعتراض دولت شوروی به الحاق ایران در پیمان بغداد، تیراندازی به طرف حسین علاء نخست وزیر[۴۰]، بازداشت و اعدام نواب صفوی و واحدی و دو تن از یارانشان[۴۱]، تخفیف مجازات اعدام دکتر یزدی یکی ازسران حزب توده به حبس ابد به دستورشاه، مسافرت شاه به هندوستان، درگذشت علامه علی‌اکبر دهخدا[۴۲]، بازداشت و سپس اخراج کوزنتسف معاون وابسته‌ی نظامی

شوروی از ایران به عنوان جاسوس ، ورود **سلوین لوید** وزیر امور خارجه‌ی انگلیس به تهران ، انتشار رسمی اسناد حاکمیت ایران برجزایر بحرین ازسوی دولت ایران ، بازدید نخست وزیر عراق ، وزیر دفاع انگلیس و معاون وزارت امور خارجه‌ی آمریکا و فرمانده نیروهای آمریکا در مدیترانه‌ی شرقی از تهران ، ورود **عدنان مندرس** نخست وزیر ترکیه و **چودری محمدعلی** نخست وزیر پاکستان به تهران برای تشکیل اولین شورای پیمان بغداد ، الحاق آمریکا به کمیته‌ی اقتصادی پیمان بغداد ، مسافرت شاه به ترکیه ، ورود ژنرال **اسکندرمیرزا** رییس جمهوری پاکستان به تهران ، آتش گرفتن چاه نفت در نزدیکی شهرقم ومهار کردن آن به وسیله‌ی **کینلی** متخصص آمریکایی ، ورود **کامیل شمعون** رییس جمهوری لبنان به تهران ، گرفتن جشن وافور سوزان از طرف نخست وزیر و وزیر بهداری " دکتر جهانشاه صالح " برای مبارزه با اعتیاد ، برگزاری سرشماری عمومی در کشور ، اعلام خبر نامزدی شاهدخت **شهناز** دختر شاه با **اردشیر زاهدی** ، ورود هیات پارلمانی شوروی به اتفاق معاون رییس جمهوری شوروی و رییس جمهوری ارمنستان به تهران ، اعلام رسمی دولت آمریکا مبنی بر این که " حمله به خاك ایران به منزله‌ی حمله به خاك آمریکا است" ، گشایش نمایشگاه اتم و هدیه‌ی سیصد و پنجاه هزار دلار برای خرید رآکتور اتمی به دانشگاه تهران از طرف دولت آمریکا ، مسافرت شاه به عربستان سعودی .

۲۲ـ کابینه‌ی

منوچهر اقبال

از فروردین ماه ۱۳۳۶
تا شهریور ماه ۱۳۳۹

دوره‌ی نوزدهم قانون‌گزاری ـ با انتصاب دکتر منوچهر

اقبال به نخست وزیری، شاه دیگر دغدغه‌ی خاطری از این نداشت که نخست وزیر شخصا با مقامات خارجی در تماس باشد و بدون نظر او تصمیمهایی اتخاذ گردد، ولی ضمنا این را نیز می‌دانست که تضاد سه دولت انگلستان، آمریکا و شوروی از یك طرف، و ورود سایر کشورهای اروپایی و ژاپن از سوی دیگر، به صحنه‌ی اقتصادی ایران ممکن است جوی را به وجود آورد که مشکلاتی برای شخص او فراهم کند ولی از آن جا که در این سالها تمام رجال صاحب نفوذ قبلی‌را از صحنه خارج کرده، هر یك را به کاری مشغول داشته بود، چندان نگرانی نداشت و چون سر رشته‌ی روابط سیاسی خارجی را شخصا در دست گرفته بود، راضی به نظر می‌رسید. از این رو با کمك اقبال به فکر تشکیل حزب افتاد تا شاید بدین وسیله تمام علاقه‌مندان به سیاست را سرگرم حزب بازی کند. ولی کودتای عراق و سقوط رژیم سلطنتی در عراق شاه را بیمناك و نگران کرد. به همین مناسبت تصمیم گرفت با تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور با هر مساله‌ای که احتمالا به زیان ثبات حکومتش باشد، از قبل به مبارزه برخیزد.

با شروع انتخابات از سوی دولت دکتر منوچهر اقبال و افتضاحاتی که به وجود آمد، شاه دیگر امکان ادامه‌ی خدمت اقبال را ضروری ندانست و مهندس سید جعفر شریف امامی را به نخست وزیری منصوب کرد. شریف امامی ضمنا استاد اعظم لژهای فراماسونری بود.

وقایع مهم کابینه‌ی منوچهر اقبال: مسافرت شاه به اسپانیا، وقوع زلزله‌ی شدید در مناطق شمالی ایران و کشته شدن هزاران نفر، دستگیری و اعدام خسرو روزبه از رهبران فعال حزب توده‌ی ایران، درگذشت آقاخان محلاتی رهبر فرقه‌ی اسماعیلیه، رسیدن میزان استخراج نفت ایران به متجاوز از سه میلیون تن در ماه، ورود "گرونکی" رییس جمهوری ایتالیا به تهران، ازدواج شاهدخت شهناز با اردشیر زاهدی، ورود ملک فیصل پادشاه و امیرعبدالله نایب السلطنه‌ی عراق به تهران. وقوع زلزله در کرمان با تلفات جانی بسیار، درگذشت ابوالحسن صبا استاد موسیقی در ۵۷ سالگی، سرکوبی دادشاه و برادرش در بلوچستان، ورود "جان فاستر دالس" وزیر امور

خارجه‌ی آمریکا به تهران، اعلام جدایی شاه از ثریا، آتش‌سوزی در مخزنهای نفت آبادان، آتش گرفتن چاه شماره‌ی شش نفت اهواز، گشایش راه آهن تهران - تبریز، مسافرت شاه به فرمز (تایوان - چین ملی) به دعوت چیانگ کای شک، محاکمه‌ی سرلشگر ولی‌الله قرنی رییس سابق رکن دوم ستاد ارتش به اتهام سوء استفاده از اختیارات قانونی و توطئه‌ی کودتا و محکومیت وی به دو سال زندان و اخراج از ارتش. مسافرت شاه به آمریکا و ژاپن، وقوع کودتای نظامی در عراق و قتل ملك فیصل و نایب السلطنه‌ی او، به فجیع ترین صورت ممکن. نوری سعید پاشا کارگردان اصلی سیاست عراق نیز در کشاکش همین کودتا کشته شد و کودتاگران جنازه‌ای او را هم در کوچه و خیابان کشیدند. در این کودتا سرتیپ عبدالکریم قاسم با کمك برادران عارف (عبدالرحمان و عبدالسلام) به قدرت رسید.

به رسمیت شناختن دولت جدید عراق، ورود شیخ سالم الصباح امیر کویت به تهران، سفر شاه به ایتالیا، برکناری ابوالحسن ابتهاج رییس سازمان برنامه، آتش‌سوزی در پالایشگاه آبادان، اعتراض رسمی ایران به دولت رومانی در مورد پخش تبلیغات ضد ایرانی از رادیو بخارست، اعطای ۹/۳ میلیون دلار وام از طرف بانك صادرات و واردات آمریکا به ایران، آغاز حملات رادیو مسکو به ایران، نصب بلندگو در مرز شمالی برای پاسخ‌گویی به حملات رادیو مسکو، اعتراض وزارت امور خارجه‌ی ایران به شوروی در مورد پرواز غیر مجاز شش فروند هواپیمای جت شوروی برفراز مناطق شمال غربی ایران، مسافرت شاه به انگلستان، دانمارك و هلند، ورود لودویگ ارهارد وزیر اقتصاد آلمان غربی به تهران،* پناهندگی پنج هزار عراقی به

---

* در جلسه‌ی معارفه و مصاحبه‌ای که برای لودویگ ارهارد در اتاق بازرگانی تشکیل شده بود، از او پرسیدند چرا غرب ذوب‌آهن در اختیار ایران قرار نمی‌دهد؟ ارهارد دوبار از دادن پاسخ مستقیم به این سوال طفره رفت و سرانجام در سومین باری که با این پرسش روبه‌رو شد، گفت: "اگر ایران صاحب ذوب‌آهن بشود، بلژیک و آلمان غربی چه بکنند؟ بمیرند!"

سرکردگی شیخ رشید به ایران پس از جنگ با قوای عراقی و اکراد بارزانی، توقیف سرنشینان جیپ متعلق به سفارت شوروی هنگام پخش اوراق تبلیغاتی در تهران، اعطای ۷۲ میلیون دلار وام از طرف بانك جهانی به ایران، اعدام مهندس محمد علوی عضو کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران. تظاهرات مردم در تهران بر ضد تبلیغات شورویها، ورود ویلیام مکدونالد فرمانده نیروی هوایی انگلستان به تهران، اعلام جدایی شاهدخت فاطمه خواهرشاه از شوهرآمریکاییش: علی هیلر، ایجاد اختلاف بین ایران و ژاپن و ایران و آلمان در مورد روابط اقتصادی، تبدیل نام پیمان بغداد به سنتو به علت خارج شدن عراق از این پیمان، شروع مذاکره بین ایران، پاکستان و ترکیه برای تسریع در اتصال راههای بین کشورها، دیدار شیخ راشد حاکم دوبی از تهران، آغاز حفاری چاههای نفت در آبهای خلیج فارس، دیدار جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند از ایران، قطع تبلیغات مسکو و تهران برضد یك دیگر، دیدار هیات نظامی پاکستان از ایران، اطمینان دادن دولت آمریکا به وسیله‌ی سفیر خود به دولت ایران که "آیزنهاور رییس جمهوری آمریکا در آستانه‌ی ملاقات با خروشچف نخست وزیر شوروی با صراحت اعلام داشته است که آمریکا توافقی به ضرر ایران با شوروی نخواهد کرد".

وقوع زلزله در گرگان و مشهد، مسافرت دکترمنوچهراقبال نخست وزیر به نیویورك برای شرکت در کنفرانس سنتو، گشایش دومین دوره‌ی اجلاسیه‌ی سنا در ساختمان نو بنیادی که به مبلغ چهل و پنج میلیون تومان به‌اتمام رسید (محل کنونی مجلس شورای اسلامی)، درگذشت ابراهیم حکیمی نخست وزیر اسبق در ۹۱ سالگی، دیدار کریم آقاخان چهارم رهبر فرقه‌ی اسماعیلیه ازایران و اهدای پنجاه هزارلیره به دانشگاه تهران، وقوع سیل در مازندران، دیدار آنتوان پینه وزیر دارایی فرانسه از تهران، ورود شیخ علی‌ابن عبدالله حاکم قطر به تهران، مسافرت شاه به اردن، ورود مارشال ایوب‌خان رییس جمهوری پاکستان به تهران، دیدار جیمز هاگوتی مشاور رییس جمهوری آمریکا از تهران، دیدار عدنان مندرس نخست وزیر ترکیه از تهران، تشکیل کنفرانس پیمان سنتو به

ریاست شاه در تهران، ازدواج شاهدخت فاطمه‌ی پهلوی خواهر شاه با سرلشگر (ارتشبد بعدی) محمد خاتم[۴۳]، تیرگی روابط ایران و عراق به سبب اظهارات "عبد الکریم قاسم" رییس جمهوری حکومت نظامی عراق و ادعای او در مورد مالکیت قسمتی از اراضی ایران، دیدار پنج ساعته‌ی آیزنهاور رییس جمهوری آمریکا از تهران، برگزاری مراسم عقد و ازدواج شاه با دوشیزه فرح دیبا، ورود میسیون نظامی آمریکا به ریاست "چارلز پالمر" معاون فرماندهی کل نیروهای آمریکا به تهران، تجدید و تشدید تبلیغات رادیوهای شوروی، چین کمونیست، افغانستان، عراق و رادیوهای مخفی دیگر برضد ایران، انتصاب اردشیر زاهدی به سمت سفیر ایران در آمریکا، افزودن یک کرسی وکالت برای بحرین در جدول جدید انتخابات کشور، مسافرت شاه به کراچی برای شرکت در کنفرانس سنتو، اعطای چهل و دو میلیون دلار وام از طرف بانک جهانی به ایران، محکومیت سه هزار و هفتصد نفر از کارمندان دولت به انفصال از خدمت به سبب اختلاس و ارتشا، تشکیل یک جبهه ضد شاه به وسیله‌ی جمال عبد الناصر[۴۴] و عبد الکریم قاسم، و جعل نام عربستان به جای خوزستان، مذاکره با دولت اسراییل برای ایجاد روابط دوفاکتو، تشکیل جلسات کمیته‌ی نظامی پیمان سنتو در تهران، قطع حملات تبلیغاتی بین تهران و بغداد، ورود ملک حسین پادشاه اردن به تهران، وقوع زلزله در لار با خسارات بسیار، اعدام پنج نفر از کمونیستهای آذربایجان، مسافرت شاه به بلژیک، سوئد، و اتریش، ورود ژنرال "هیدن" رییس جدید گروه مستشاری نظامی آمریکا به تهران، کودتا در ترکیه و به رسمیت شناختن دولت جدید به ریاست ژنرال "گورسل" از سوی ایران، امضای موافقت نامه‌ی بازرگانی بین ایران و شوروی و تعیین حجم مبادلات کالا به میزان چهار میلیارد ریال در سال، آغاز مذاکره با عراق برای تجدید روابط، عقد قرارداد ایجاد ذوب آهن بین ایران و شرکتهای ماک و کروپ، حمله‌ی جمال عبد الناصر به ایران در یک نطق رادیویی در مورد شناسایی دوفاکتو اسراییل از طرف دولت ایران و قطع روابط سیاسی مصر با ایران (ترکیه از این حملات مصون ماند، در حالی که

ایـن کشـور مسلمـان اسـراییـل را نـه بـه صـورت دوفاکتـو که به شکل کامل به رسمیت شناخته بود) ، اعلام جرم از طرف چند نفر از نامزد ها در مورد تقلب در انتخابات که تازه پایان یافته بود .

۲۳ـ کابینه‌ی

جعفر شریف امامی

از شهـریور مـاه ۱۳۳۹
تا اردیبهشت ماه ۱۳۴۰

فترت بین دوره‌ی نوزدهم و بیستم قانون‌گـزاری ـ ازاواسط حکومت اقبـال که بـا ورود ایـران به پیمـان سنتـو خـط مشی مشخصی از سوی شاه در ارتباط با بلوك غرب تعیین شده بود و آمریکا در امور ایران از لحاظ اقتصادی و نظامـی بیش از دیگر ممالك میاندار بود، دولت شوروی شروع به اقداماتی برضد شـاه و دولت او کرد تا بدین وسیله بتواند منافع خـود را در ایران که بعد از سقوط دولت دکتر مصدق در حال از بیـن رفتن بود، به دست آورد و برای انجام دادن این کار از عوامل داخلی و خارجی خود کمك می‌گرفت: آمریکا و انگلستـان نیز که ازجریان واهداف شوروی کاملا آگاه بودند، برای نفوذ هرچه بیشتر در ایران و حفظ مقام خود به عنوان شرکای شماره‌ی یك ایـران در بهره‌برداری از منـابـع اقتصـادی ، از تلاش باز نماندند، وگاهی با وساطت آنها و دادن امتیازاتی به شوروی در ایجاد روابط منفی بین شاه و سران شوروی اقدام می‌کردند و هـرگـاه تضـادی بین آمـریکـا و دوستـان اروپاییش خصوصـا انگلستان بر سر تقسیم منافع به وجود می‌آمد، شوروی بی‌درنگ دوباره شروع به چانه زدن می‌کرد و سرانجام شاه بر اثـر فشار لندن و مسکو، به رغم روابط حسنه‌ی خود با آمریکا ناچار شـد

یك مهره‌ی طرفدار سیاست انگلستان یعنی مهندس سید جعفر شریف امامی را مامور تشکیل دولت کند.

وقایع مهم در کابینه‌ی سید جعفر شریف امامی: صدور دستور مبنی بر متوقف ساختن انتخابات در سراسر کشور، استعفای کلیه‌ی نمایندگان انتخاب شده بر اثر دستور شاه، و تجدید انتخابات در کشور، مبادله‌ی پیام بین شاه و "نیکیتا خروشچف" نخست وزیر شوروی و آغاز مذاکره بین تهران و مسکو، تولد رضا نخستین فرزند پسر شاه و فرح، دیدار ولیعهد ژاپن از ایران، مسافرت سید جعفر شریف امامی به کابل، خرید دویست هزار تن گندم از آمریکا، اعطای ۲۶ میلیون دلار وام از طرف آمریکا زیر نظر شرکت "کامپاکس" به ایران، تظاهرات دانشجویان و تعطیل دانشگاه، اعتصاب معلمان و کشته شدن دکتر "خانعلی" یکی از معلمان، ادامه‌ی اعتصابات در سراسر کشور، ورود ملکه‌ی انگلستان و شوهرش به تهران، درگذشت آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین بروجردی مرجع مسلم تقلید شیعیان جهان، گشایش دانشگاه پس از شصت و شش روز تعطیل، عقد پیمان بازرگانی ایران و هند و موافقتنامه‌ی جدید بازرگانی ایران و شوروی که هر یك از طرفین را مجاز به صدور معادل ۲/۵ میلیارد ریال کالا به کشورهای یك دیگر رعرض سال می‌کرد.

۲۴ـ کابینه‌ی

علی امینی

از اردیبهشت ماه ۱۳۴۰
تا تیر ماه ۱۳۴۱

دوره‌ی بیستم قانون‌گزاری ـ نخست وزیری شریف امامی که باعث ایجاد نفوذ سیاسی انگلستان ازیك سو و ادن امتیازات

بیشتری به شوروی ازسوی دیگر بود، واشینگتن رابه خشم آورد و به واکنش‌وادار ساخت. این‌بار بافشاری که آمریکابه ایران وارد کرد و درنتیجه‌ی مضیقه‌هایی‌که ایران با آن روبه رو گشت، شاه ناچار به قبول نخست‌وزیری امینی و برکناری شریف امامی شد.

وقایع مهم کابینه‌ی دکتر علی‌امینی: انحلال‌مجلسین طبق ماده‌ی ۴۸ اصلاحی قانون اساسی، توقیف ۵ نفر از امرای ارتش (سپهبد حاجی علی کیا، سپهبد مهدی‌قلی‌علوی‌مقدم، سرلشگر علی‌اکبر ضرغام، سرتیپ فرج‌الله نویسی و سرتیپ آجودانی) به جرم اختلاس، پایان اعتصاب معلمان و انتخاب محمد درخشش - رییس جامعه‌ی لیسانسیه‌های دانشسرای عالی و مدیر روزنامه‌ی مهرگان - به عنوان وزیر فرهنگ، مسافرت شاه به نروژ، میتینگ جبهه‌ی ملی در میدان جلالیه و تقاضای انجام گرفتن فوری انتخابات، اعلام محدودیت واردات ازسوی دولت، اعلام محدودیت مسافرت به خارج از کشور، وقوع زلزله در لار، توقیف سپهبد آزموده رییس سابق دادرسی ارتش، امضای قرارداد بازرگانی بین ایران و لهستان، بازداشت احمد آرامش [۴۵] وزیر مشاور کابینه‌ی شریف امامی، اعتراض‌به دولت شوروی در مورد اظهارات رادیو مسکو برضد ایران، توقیف سران جبهه‌ی ملی به مناسبت برگزاری میتینگ و سپس آزادی آنها، اعزام یك هیات اقتصادی از طرف دولت به آلمان، موافقت دولت آلمان با پرداخت دویست میلیون مارك وام به ایران، اعلام این مطلب ازسوی دولت که ایران تبدیل به یك پایگاه اتمی برضد شوروی نخواهد شد، دیدار "تالبوت" معاون وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، دیدار صدر اعظم افغانستان "سردار محمد داودخان" از تهران، محدودیت اعزام دانشجو به خارج، ایجاد روابط سیاسی با دولت کویت، ایجاد بنیاد پهلوی با سرمایه‌ی ده میلیارد ریال زیر نظر امیر اسدالله علم، شناسایی‌دولت جدید سوریه پس از برهم خوردن اتحاد آن با مصر، اعطای اسناد مالکیت املاك پهلوی به کشاورزان، مسافرت شاه به فرانسه، ورود "ایورل هریمن" وزیر کشاورزی آمریکا به تهران، گشایش سد کرج، بازداشت ابوالحسن ابتهاج مدیرعامل اسبق سازمان برنامه به اتهام حیف و میل ۶۹ میلیون دلار، کشف شبکه‌ی حزب توده در

اصفهان، دستور شاه خطاب به "دکتر امینی" در مورد تشکیل انجمنهای ده، شهر، ایالت و ولایت، اعلان جنگ دکترعلی امینی به همطبقه‌های خود در یک سخنرانی تبلیغاتی، ورود رییس جمهوری آرژانتین به‌تهران، ورود حاکم شارجه‌به تهران، امضای موافقت نامه‌ی اقتصادی و فنی بین ایران و آمریکا، پرداخت بیست میلیون دلار وام ازطرف آمریکابه ایران، دیدار پادشاه دانمارك از ایران، تعطیل دانشگاه به علت تظاهرات دانشجویان، حمله‌ی پلیس‌به دانشگاه واعلام این‌مطلب ازسوی دولت که تظاهرات به تحریك مالکان بوده است و عوامل کمونیست هم در آن شرکت داشته‌اند، بازداشت مجدد سران جبهه‌ی ملی، اعطای هیژده میلیون دلار کمك برای اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی از سوی آمریکا، خروج **سپهبد تیمور بختیار** [۴۶] از ایران، اعتراض دولت ایران به شوروی در مورد وقایع دانشگاه تهران، ورود "**چستر باولز**" مشاور کندی رییس جمهوری آمریکا به تهران، درگذشت **سیدعلی‌نصر** از بنیان گزاران تآتر ایران در شصت و شش سالگی، ورود "**هانری فور**" فرستاده‌ی مخصوص **ژنرال دوگل** به‌تهران، دریافت بیست میلیون دلار وام از آمریکا، سفر دکتر امینی به بلژیك، فرانسه، انگلیس و آلمان غربی. در این سفر امینی اعلام کرد: "اگر دولت ایران در اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی شکست بخورد کمونیستها در ایران نیرومند خواهند شد".

اجرای اولین مرحله‌ی قانون اصلاحات ارضی، درگذشت **آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی**، ورود **ژاکلین کندی** همسر رییس جمهوری آمریکا به تهران، درگذشت **کاظم‌زاده ایرانشهر** فیلسوف و نویسنده‌ی شهیر ایرانی در سویس، تشکیل شرکت هواپیمایی ملی‌ایران (هما)، گشایش دانشگاه تهران پس از هفتاد و دو روز تعطیل، مسافرت شاه به آمریکا، بازداشت چهارتن از افسران ارتش (**سرلشگر دفتری، سرلشگر خزاعی، سرهنگ شب‌پره** و **سرهنگ نیاکان**) به جرم اختلاس، انتشاراعلامیه‌ی مشترك شاه و کندی مبنی بر تایید پیمان دفاعی دو جانبه بین ایران و آمریکا، گشایش سد سفید رود، مسافرت برادر شاه (غلامرضا) به مسکو، آزادی ابوالحسن ابتهاج پس از هشت ماه بازداشت، سفر شاه به پاکستان، استقلال کشور الجزایر.

در روزهای پایان دولت دکتر علی‌امینی ، آمریکا اعلام کرد، طی چهارده ماه زمامداری امینی ۶۷،۳۰۰،۰۰۰ دلار به دولت او کمك مالی کرده است.

۲۵ـ کابینه‌ی

اسدالله علم

از تیر ماه ۱۳۴۱
تا اسفند ماه ۱۳۴۲

فترت بین دوره‌های بیستم و بیست و یکم قانون‌گزاری ـ پس از بازگشت موفقیت‌آمیز شاه از سفر آمریکا ، در روز ۲۸ تیر ماه ، شاه هنگامی فرمان نخست‌وزیری علم را صادر و به او ابلاغ کرد که دکتر امینی غافل از همه جا در مورد ادامه‌ی برنامه‌های خود داد سخن داده بود [۴۷] .

با تشکیل کابینه‌ی علم که اعضای آن را افرادی از جناحهای مختلف تشکیل داده بودند [۴۸] ، "حسنعلی منصور" (فرزند علی منصور نخست‌وزیر اسبق) اقدام به تشکیل گروه مترقی نمود [۴۹] و عده‌ای از این گروه روانه‌ی مجلس شورای ملی شدند.

وقایع مهم در کابینه‌ی امیر اسدالله علم :

مسافرت شاه به افغانستان ، برای میانجیگری بین افغانستان و پاکستان، اعلام رسمی تقلیل بودجه‌ی ارتش ایران تا ۱۵ درصد، امضای قرارداد بازرگانی بین ایران و چکوسلواکی ، امضای قرارداد بین ایران و شوروی ، دیدار "لیندن جانسون" رییس جمهوری آمریکا از ایران ، بازداشت ارتشبد عبدالله هدایت [۵۰] و رحیمعلی خرم مقاطعه‌کار ، وقوع زلزله در قزوین و به هلاکت رسیدن بیش از بیست هزار نفر ، مبادله‌ی یادداشت بین ایران و شوروی در مورد رفع اختلافات ، درگذشت محسن صدر (صدرالاشراف) نخست‌وزیر اسبق در ۹۱ سالگی ، و

به روایتی ۱۵۴ سالگی، مسافرت شاه به ترکیه، درگذشت صبحی مهتدی داستان‌گو، اعلام حکومت نظامی در فارس، قیام ۱۵ خرداد[51]، مسکوت‌گذاشتن قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی بر اثر فشار روحانیون، اعلامیه‌ی رسمی خروشچف مبنی بر این که روابط ایران و شوروی عمیقا بهبود یافته است. انتشار مواد شش گانه از سوی شاه به عنوان انقلاب سفید. اجرای همه پرسی برای تصویب مواد شش گانه، سفر شاه به قم و سخنرانی برضد روحانیون مخالف انقلاب سفید، بازداشت عده‌ای از روحانیون و سران جبهه ملی، بازداشت مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و یاران آنان، پیام جان.اف. کندی رییس جمهوری آمریکا به شاه در مورد پیروزی همه پرسی و تصویب مواد انقلاب سفید، به رسمیت شناختن رژیم جدید عراق به ریاست عبدالسلام عارف که حکومت عبدالکریم قاسم را پس از کشته شدن او در دست گرفته بود (سرمبرید ه‌ی قاسم به وسیله‌ی تلویزیون عراق به نمایش درآمد).

تعبیر علم، نخست وزیر، مبنی براین که: مواد شش گانه‌ی شاه قانون اساسی جدید ایران است و وظیفه‌ی استانداران و فرمانداران اجرای دقیق آن است، دستگیری آیت‌الله روح‌الله الموسوی خمینی و تظاهرات در کلیه‌ی شهرستانها. سفر ملکه‌ی هلند، رییس جمهوری هند، پادشاه دانمارک، ریاست جمهوری آلمان و وزیر امور خارجه‌ی انگلیس به ایران، شورش عشایر در فارس.

۲۶ـ کابینه‌ی

حسنعلی منصور[52]

از اسفند ماه ۱۳۴۲
تا بهمن ماه ۱۳۴۳

منصور در ابتدای کار عوامل مختلفی را برای اجرای مقاصد

از قبل تعیین شده به همکاری گرفت و در ترکیب کابینه که با نظر و صوابدید شاه تشکیل شده بود از چهره‌های شناخته شده‌ای استفاده کرد، او با طرح لوایح و پیشنهادهایی که به مجلس می‌داد (از آن جمله لایحه‌ی اجرای کاپیتولاسیون در مورد نظامیان آمریکایی که در خدمت ایران بودند) علاقه‌مندیش را به سیاست آمریکا و دوری از سیاست بریتانیا (انگلستان) بدون هیچ گونه پنهانکاری نشان داد.

شاه که در این موقع خود را از هر جهت حاکم مطلق به حساب می‌آورد از یك موضوع در رنج بود و آن هم وجود تشکیلات فراماسونها بود که در نهایت به دنبال مقاصد خویش بودند و به آرای او باطنا اعتنایی نداشتند [۵۳] و منصور هم از آنها دل خوشی نداشت. [۵۴]

منصور در مدتی که نخست وزیر بود، بیشترین هم خود را مصروف اجرای برنامه‌هایی می‌کرد که به او داده شده بود، تا این که در روز پنجشنبه اول بهمن ماه ۱۳۴۳ در مقابل مجلس شورای ملی ترور شد. [۵۵] مرگ منصور پس از برگزاری مراسم مربوط به بزرگداشت سالروز انقلاب سفید رسما اعلام شد.

شاه با ترور منصور و پس از اعلام رسمی خبر درگذشت وی، وزیر دارایی کابینه‌ی او یعنی امیرعباس هویدا را در روز هفتم بهمن ماه ۱۳۴۳ به نخست وزیری گماشت که برنامه‌های منصور را ادامه دهد.

هویدا که در کابینه‌ی منصور سمت وزارت داشت چهره‌ی سرشناسی نبود و کمتر کسی به درستی او را می‌شناخت و جز در بین درباریان و محافل بهایی (به سبب آن که پدرش به‌این فرقه منسوب بود) و فراماسونها، چندان آشنایی با او و سابقه‌ی خانوادگیش نداشتند، از همین رو همگان را عقیده بر آن بود که دولت او یك کابینه‌ی موقتی است و به زودی جای خود را به دیگری خواهد سپرد. ولی این پیش‌بینی با حقیقت سازگار نشد و امیرعباس هویدا بیش از سیزده سال در مقام نخست وزیر ایران ماند.

توضیحات

۱ـ متن استعفای رضاشاه:

"نظر به این‌که من همه‌ی قوای خود را در این چندساله مصروف امور کشور کرده‌ام و ناتوان‌شده‌ام، حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که قوه و بنیه‌ی جوان‌تری به کارهای کشور که مراقبت دایم لازم دارد بپردازد که اسباب سعادت ملت را فراهم آورد، بنابراین امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم. از امروز که روز ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری ولیعهد و جانشین قانونی مرا به سلطنت بشناسند و آن‌چه از پیروی مصالح کشور نسبت به من می‌کردند نسبت به ایشان منظور دارند." سه‌شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰

۲ـ مرحوم احمدعلی سپهر (مورخ‌الدوله) نقل می‌کرد: در یکی از روزهای تابستان سال ۱۳۲۴ در وزارت امور خارجه که در آن موقع نخست وزیری در آن جا مستقر بود، با قوام ناهار می‌خوردم، اکبرخان مستخدم مخصوص قوام وارد شد و اطلاع داد طبق دستوری که داده بودید، رییس شهربانی آمده است. قوام اجازه‌ی ورود داد و سرتیپ صفاری وارد شد. قوام بدون هیچ مقدمه‌ای گفت فورا بروید و این میرزا کریم‌خان رشتی را توقیف کنید و خبر آن را هم به من بدهید:

"میرزا کریم‌خان رشتی یکی از رجال طرف اعتماد شاه و پدر خانواده‌ی اکبر بود. اعضای خانواده‌ی اکبر سالها در مقامات مختلف مملکتی صاحب مقام بودند. سرتیپ صفاری نقل می‌کرد هنگامی‌که میرزا کریم‌خان در سال ۲۶ درگذشت از او تجلیل فوق‌العاده‌ای به‌عمل آمد و شاه به همراه حسین‌فردوست (سپهبد) با یک هواپیمای دوموتوره از بالا در این مراسم شرکت کرد و این خبر در تمام شهر منتشر گردید. میرزا کریم‌خان هیچ‌گاه مقام دولتی نداشت، و از زمان رضاشاه و محمدرضا شاه تا هنگامی‌که زنده بود، از کارگردانهای سیاست ایران به‌حساب می‌آمد و از فراماسونهای صاحب‌مقام بود."

سرتیپ صفاری با ادای احترام اتاق را ترک کرد. ولی هنوز لحظاتی نگذشته بود که اکبرخان وارد شد و گفت: قربان رییس شهربانی اجازه‌ی شرفیابی می‌خواهد! قوام در پاسخ گفت: "او که همین حالا رفت‌چه می‌خواهد! بگو بیاید!..."

سرتیپ صفاری وارد شد و با احترام و کمی هم تردید گفت: "قربان حکومت نظامی است، در صورتی که قرار باشد کسی توقیف شود بایستی از طرف آنها اقدام گردد، من رییس شهربانی هستم، من چه کاره‌ام که بتوانم کسی را توقیف کنم" و بعد با احترام ساکت ایستاد...

قوام در حالی که کاملا عصبانی به نظر می‌رسید، دسته‌ی یادداشتی‌راکه روی میز بود برداشت وخطاب به صفاری مطلبی نوشت و سپس نوشته را که هنگام جدا شدن از دسته‌ی یادداشت "مارك" آن پاره شد به طرف صفاری دراز کرد و گفت: طبق این دستور کتبی "نخست وزیر" شما باید او را توقیف کنید. صفاری هم یادداشت را گرفت و پس از ادای احترام نظامی اتاق را ترك کرد ...

مرحوم سپهر همچنین می‌گفت که از تصادف روزگار، حدود یك ماه بعد روز دیگری من و مرحوم **میرزا محمدصادق طباطبایی** رییس مجلس شورای ملی با قوام ناهار می‌خوردیم. ساعت حدود دو بعد ازظهر بود. قوام گفت امروز باید به‌دربار بروم، شاه خواسته او را ببینم و بعد در این مورد گفت: امروز شاه خواسته است که به دیدنش بروم چون می‌دانم کاری ندارد و تنها هم نمی‌خواهم باشم شماها هم بیایید.

با این‌که ماعلاقه‌ای به این همراهی‌نشان ندادیم‌مع ذلك قوام اصرار کرد که همراه او برویم.

هنگام ورود به دفتر، شاه از این که قوام دو نفر راهمراه آورده بود، بسیار ناراحت شد و به همین دلیل پس از مدتی صحبتهای مختلف روی به قوام کرد و گفت: من با جناب اشرف کاری خصوصی دارم. در صورتی‌که آقایان(اشاره به ما) مطلب خاصی ندارند، اجازه بدهید خودمان صحبت کنیم. در حالی که ما عزم حرکت کرده بودیم، قوام به تندی گفت: "ما مطلب خصوصی نداریم".

"آقایان با من آمده‌اند و من با آنها کار دارم اگر مطلبی هست بفرمایید، این آقایان که غریبه نیستند" و بعد هم با اشاره به ما گفت:

"ایشان که وزیر هستند و ایشان هم که رییس مجلس و هر دو مورد اعتماد ..."

به هر حال ملاقات در یك محیط سرد مدتی دیگر ادامه پیدا کرد تا سرانجام قوام از جای خود بلند شد و گفت: اگر فرمایشی ندارید مرخص می‌شویم، و بدون آن که توجهی به شاه بکند به راه افتاد...

مرحوم سپهر می‌گفت: رسم تشریفات این بود که شاه بایستی در جلو و ما پشت سر او حرکت می‌کردیم. به همین جهت وی (شاه) ناچار شد از جای خود برخیزد و در جلو ما به راه افتد و همین کار را هم کرد.

ولی هنگامی‌که به درگاه اتاق دفتر رسیدیم، توقف کرد و در حالی که دو دست خود را به دو طرف در گرفته بود و مانع خروج قوام از اتاق می‌شد، گفت: "من از جناب اشرف خواهشی دارم که می‌خواهم قبل از بیان آن، قبول مساعد در پذیرفتن آن را بدهید".

ولی قوام بدون تامل دست شاه را کنار زد و در حال عبور گفت:

"من تا خبری را ندانم نمی‌توانم قولی بدهم، و به راه خود ادامه داد، که شاه ناچار دوباره جلو افتاد و این بار در مدخل سالنی‌که باید ما را ترك می‌کرد یك بار دیگر خواهش خود را تکرار کرد، و گفت "اطمینان دارم جناب اشرف" ... "که قوام حرف را قطع کرد و گفت: من می‌دانم شما چه می‌خواهید. آن آدم با مادر و خواهر شما برضد من تحریك می‌کند، همان بهتر که در توقیف باقی بماند و سپس با سردی با شاه دست داد... ما هم ادای احترام کردیم و از کاخ خارج شدیم.

مرحوم سپهر می‌گفت: "هیچ وقت قیافه‌ی شاه را فراموش نمی‌کنم که چگونه درخواست می‌کرد و قوام کوچکترین اعتنایی به حرف او نکرد... به هر حال پس از سوارشدن به ماشین قوام گفت: او می‌خواهد من، کریم رشتی را رها کنم که برضد من توطئه کند ولی من فعلا این کار را نخواهم کرد و او هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند!

۳ـ نقل قولهایی که در این کتاب آمده، بیشتر مطالبی است که شخصا از افراد مسوول و مطلع و دست اندر کار امور

دولتی شنیدمام و با کسب اجازه از گوینده یادداشت کردمام ·

۴ـ محمدعلی فروغی کابینه‌ی خود را در تاریخ ۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ تشکیل داد و در تاریخ ششم شهریور ماه ۱۳۲۰ به مجلس معرفی کرد ولی پس از استعفای رضاشاه و معرفی پادشاه جدید، فروغی کابینه‌ی خود را با تغییراتی مجدداً به مجلس معرفی کرد ·

۵ـ دکتر تقی ارانی مسبب اصلی دستگیری ۵۲ نفر دیگر بود و شخص او بود که با نشر افکار مارکسیستی، آغازگر فعالیت کمونیستها در ایران شده بود، ولی هنگامی که ۵۲ نفر آزاد شدند از دکتر تقی ارانی خبری نبود وعلت هم بیماری و مرگ زودرس او در زندان بود "·

اسامی پنجاه و سه نفر و رای دادگاه درباره‌ی آنها

۱ـ دکتر تقی ارانی ۱۰ سال حبس مجرد·
۲ـ عبدالصمد کامبخش ۱۰ سال حبس مجرد·
۳ـ محمد شورشیان ۱۰ سال حبس مجرد·
۴ـ دکتر محمد بهرامی ۱۰ سال حبس مجرد·
۵ـ محمود بقراطی ۱۰ سال حبس مجرد·
۶ـ علی صادق پور ۱۰ سال حبس مجرد·
۷ـ ضیاء الموتی ۱۰ سال حبس مجرد·
۸ـ عباس آذری ۱۰ سال حبس مجرد·
۹ـ محمود پژوه ۱۰ سال حبس مجرد·
۱۰ـ محمد باقر فرجامی ۱۰ سال حبس مجرد·
۱۱ـ بزرگ علوی ۷ سال حبس مجرد·
۱۲ـ مهدی رسائی ۶ سال حبس مجرد·
۱۳ـ نصرت الله اعزازی ۶ سال حبس مجرد·
۱۴ـ انور خامه‌ای ۶ سال حبس مجرد·
۱۵ـ ایرج اسکندری ۵ سال حبس مجرد·

۱۶ـ دکتر مرتضی یزدی ۵ سال حبس مجرد.
۱۷ـ دکتر رضا رادمنش ۵ سال حبس مجرد.
۱۸ـ مهدی لاله ۵ سال حبس مجرد.
۱۹ـ نصرت الله جهانشاهلو ۵ سال حبس مجرد.
۲۰ـ دکتر علینقی حکمی ۵ سال حبس مجرد.
۲۱ـ محمد رضا قدوه ۵ سال حبس مجرد.
۲۲ـ عزت الله عتیقه چی ۵ سال حبس مجرد.
۲۳ـ اکبر افشار متولی ۵ سال حبس مجرد.
۲۴ـ مجتبی احمد سجادی ۵ سال حبس مجرد.
۲۵ـ دکتر مرتضی سجادی ۵ سال حبس مجرد.
۲۶ـ رحیم الموتی ۵ سال حبس مجرد.
۲۷ـ زکی خواجوی ۵ سال حبس مجرد.
۲۸ـ نورالدین الموتی ۵ سال حبس مجرد.
۲۹ـ انا قلیج خضر بابا ۵ سال حبس مجرد.
۳۰ـ مرتضی رضوی ۵ سال حبس مجرد.
۳۱ـ خلیل انقلاب آذر ۵ سال حبس مجرد.
۳۲ـ شعبان زمانی ۵ سال حبس مجرد.
۳۳ـ تقی شاهین ۵ سال حبس مجرد.
۳۴ـ رضا ابراهیم‌زاده ۵ سال حبس مجرد.
۳۵ـ فریدون منو ۵ سال حبس مجرد.
۳۶ـ میرعماد الموتی ۵ سال حبس مجرد.
۳۷ـ تقی مکی‌نژاد ۴ سال حبس مجرد.
۳۸ـ دکتر سید حسین سجادی ۴ سال حبس مجرد.
۳۹ـ مهندس ابوالقاسم اشتری ۴ سال حبس مجرد.
۴۰ـ فضل الله گرکانی ۴ سال حبس مجرد.
۴۱ـ علی اکبر شاندرمنی ۴ سال حبس مجرد.
۴۲ـ رجبعلی نسیمی ۴ سال حبس مجرد.
۴۳ـ بهمن شمالی ۴ سال حبس مجرد.
۴۴ـ سید جلال حسن نایینی ۴ سال حبس مجرد.
۴۵ـ سیف الله سیاح سجادی ۴ سال حبس مجرد.
۴۶ـ یوسف ثقفی ۴ سال حبس مجرد.
۴۷ـ خلیل ملکی ۴ سال حبس مجرد.
۴۸ـ حسین تربیت ۴ سال حبس مجرد.

۴۹ـ احسان الله طبری ۳/۵ سال حبس مجرد.
۵۰ـعباس نراقی ۳ سال حبس مجرد.
۵۱ـ حبیب الله منصوری ۳ سال حبس مجرد .
۵۲ـ سید حسن حبیبی تبرئه ولی ۱۸ ماه در زندان بود .
۵۳ـ مهدی دانشور تبرئه ولی ۱۸ ماه در زندان بود.

۶ـ دکتر آرتور میلسپو و هیات همراه او یك بار دیگر هم در گذشته به دعوت دولت وقت به ایران آمده بودند که پس‌از چندی با تصویب مجلس قرارداد آنها لغو شد و از ایران رفتند .

۷ـ روز ۲۵ نوامبر ۱۹۴۳ مارشال استالین از مسکو و در ۲۶ نوامبر وینستن چرچیل و پرزیدنت روزولت به اتفاق همراهان پس از برگزار کردن کنفرانس قاهره وارد تهران شدند و روز بعد (هفتم آذر ماه ۱۳۲۲) کنفرانس تهران میان سران سه کشور به مدت چهار روز منعقد گردید. تاریخ روابط خارجی در ایران ، عبدالرضا هوشنگ مهدوی ۱۳۴۹ امیرکبیر صفحه‌ی ۲۳۴.

۸ـ دکتر فریدون کشاورز ، شهاب فردوس ، دکتر رضا رادمنش ، ایرج اسکندری ، عبدالصمد کامبخش ، محمد پروین گنابادی ، آرداشس آوانسیان (معروف به اردشیر و فولاد)* ، تقی فداکار.

۹ـ فرقه‌ی دموکرات آذربایجان درحالی که اعضای حزب توده در متن آن فعالیت می‌کردند ، بی‌اطلاع کمیته‌ی مرکزی حزب توده ، پس از ملاقات سیدجعفر پیشه‌وری با میرجعفر باقراوف رییس جمهوری آذربایجان شوروی در باکو با صلاحدید

---

* آرداشس آوانسیان از رهبران حزب توده بود که در دوران انقلاب اسلامی دستگیر شد و به زندان افتاد. او مقالات خود را معمولا با نام اردشیر یا فولاد امضا می‌کرد . آوانسیان نام مستعار فولاد را به تقلید از لقب استالین (استال در زبان روسی یعنی آهن و فولاد) انتخاب کرده بود .

دولت شوروی وپشتیبانی ومساعدت مادی و معنوی ماموران آن دولت در آذربایجان تشکیل شد ـ پیشه وری در روز ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۴ کابینه‌ی خود را به این شرح به مجلس ملی آذربایجان معرفی کرد ـ سید جعفر پیشه‌وری باش وزیر ، دکتر سلام‌الله جاوید وزیر کشور ، جعفر کاویان وزیر قشون خلق ، دکتر جاوید مهتاش وزیر کشاورزی ، محمد بی‌ریا وزیر فرهنگ ، دکترحسن اورنگی‌وزیر بهداری ،یوسف عظیما وزیر دادگستری ، غلامرضا الهامی وزیر دارایی ، رضا رسولی وزیر تجارت و اقتصاد ، ربیع‌کبیری وزیر راه و پست و تلگراف و تلفن ·

مسوولیت وزارت کار نیز به عهده‌ی سید جعفر پیشه‌وری (باش‌وزیر) بود ·

۱۰ـ در روز ۲۴ آذر ماه ۱۳۲۴ قاضی‌محمد طی تظاهرات وسیعی تشکیل حکومت کردستان را رسما اعلام نمود و در دوم بهمن ماه همان سال مجلس ملی‌کردستان منعقد شد و قاضی محمد را به سمت‌صدر حکومت ملی انتخاب کرد·ضمناحسین سیف تاخی به سمت وزیر جنگ منصوب گردید و ملا مصطفی بارزانی و عمرخان شکاک و عده‌ی دیگری از روسای قبایل کرد به مقام ژنرالی نایل آمدند،در راس نیروهای مسلح کرد قرار گرفتند·

تشکیل حکومت ملی کردستان نیز مانند حکومت ملی آذربایجان متعاقب ملاقات قاضی‌محمد با میرجعفر باقراوف در باکو و با مساعدت و پشتیبانی مادی و معنوی دولت شوروی انجام پذیرفت·

۱۱ـ دکتر فریدون کشاورز وزیر فرهنگ ، دکتر مرتضی یزدی وزیر بهداری ، ایرج اسکندری وزیر پیشه و هنر·

۱۲ـ احمد کسروی نویسنده‌ی تاریخ مشروطیت ایران و بسیاری آثار تاریخی دیگر ، در ابتدا فقط در نوشته‌های خود به مطالب تاریخی می‌پرداخت ولی بعدها در مسایل دینی هم کتب و رسالاتی منتشر کرد وعده‌ای از جوانان را هواخواه خویش ساخت·او شدیدا عزاداری حسینی و اعمال مربوط به آن را مردود می‌دانست و برضد معتقدات اسلامی و شیعی

نیز مطالبی منتشر کرد و به همین سبب به دست سید حسین امامی یکی از افراد فدائیان اسلام به عنوان مرتد کشته شد.

۱۳ـ محمد مسعود مدیر روزنامه‌ی مرد امروز، نویسنده‌ای با قلم تند و تیز و سرکش بود. او در سر مقاله‌های روزنامه‌ی خود بی‌محابا به صاحبان جاه و مقام حمله می‌کرد و از هیچ‌کس ابایی نداشت. در مورد عاملین قتل او روایتهای مختلفی نقل شده:

حزب توده (تا پیش از اعترافات سران آن) مدعی بود که او به دست درباریان و خصوصا شاهدخت اشرف خواهر شاه کشته شده، ولی دکتر مظفر بقائی کرمانی عقیده دارد او چون از ارتباط حزب توده با رزم‌آرا مطلع شده بود، به قتل رسید. دکتر فریدون کشاورز یکی از سران قبلی حزب توده عقیده دارد او به وسیله‌ی گروه ترور حزب توده به سر دستگی کامبخش و کیانوری کشته شد. با اعترافات سران حزب توده، دو نظریه‌ی اخیر (عقیده‌ی دکتر مظفر بقائی کرمانی و دکتر کشاورز) تایید شد.

۱۴ـ در این سفر، که به دعوت جرج ششم انجام گرفت، شاه برای اولین بار کوشش می‌کند شخصا رابطه‌ی لازم را با مقامات انگلیسی برقرار کند که توفیق هم به دست می‌آورد.

۱۵ـ تیراندازی به وسیله‌ی شخصی به نام ناصر فخرآرایی انجام شد که در دم به وسیله‌ی اطرافیان شاه کشته می‌شود. در مورد انگیزه‌ی او در این کار و عواملی که مسبب انجام این عمل بودند اقوال مختلفی وجود دارد.

عده‌ای آن را از سوی مذهبیون دانستند، عده‌ای انگیزه‌ی شخصی را موجب این عمل خواندند. دکتر فریدون کشاورز در کتاب من متهم می‌کنم انتشارات توس ۱۳۵۷ صفحه‌ی ۱۰۶ چنین گفته است:

روز یاد بود مرگ دکتر تقی ارانی ۱۴ بهمن است نه ۱۵ بهمن و در آن روز معمولا هرسال جمعیت زیادی در امامزاده

عبدالله جمع می‌شدند ولی در سال ۱۳۲۷ یعنی تیراندازی به شاه دکتر کیانوری چند روز قبل از تاریخ فوت ارانی به کمیته‌ی مرکزی پیشنهاد کرد که چهارده بهمن را به ۱۵بهمن تبدیل کنیم تا یاد بود به روز جمعه نیفتد، به این بهانه که جمعیت بیشتری خواهد آمد. این اولین باری بود که از ۱۳۲۰ یعنی تاسیس حزب چنین تغییری در روز یاد بود داده می‌شد.

بنابه گفته‌ی قاسمی و بقراطی برای همه‌ی ما روشن شد که کیانوری این پیشنهاد را با علم به این که روز جمعه به شاه تیراندازی خواهد شد به کمیته‌ی مرکزی داد، و تنها کیانوری و کامبخش در این جریان وارد بودند.

در تکمیل این اعتراف بایستی توجه خواننده را به اعترافات انکارناپذیر سران حزب توده خصوصا نورالدین کیانوری دبیرکل حزب و دکتر حسین جودت یکی از اعضای کمیته‌ی مرکزی که در دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه می‌شدند و جریان آن مستقیما از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد و در مطبوعات روز نیز انتشار یافت، معطوف کنم. این افراد صراحتا اعتراف کردند که: اکثر ترورهای سیاسی از شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی تا سال ۱۳۵۷ به دستور مستقیم رهبری حزب توده صورت می‌گرفت و در تمام این برنامه‌ها هدف، ملکوک کردن دیگران بوده است.

۱۶ـ هژیر به وسیله سیدحسین امامی یکی از افراد فداییان اسلام که قبلا احمد کسروی را نیز به قتل رسانده بود، کشته شد.

۱۷ـ در دو محکمه دو دسته از سران حزب توده محاکمه شدند که عبارت بودند از:

الف: دکتر مرتضی یزدی، دکتر حسین جودت، اکبر شهابی، غفور رحیمی، امیر عبدالملك پور، عبدالحسین نوشین، ضیاءالدین الموتی، محمدعلی جواهری، محمدعلی شریفی، احمد قاسمی، محمد شورشیان، صمد حکیمی و نورالدین کیانوری.

ب: بانو اخترکیانوری (خواهر نورالدین) همسرعبدالصمد کامبخش، محمد شهریاری، جواد معینی، کولیا خاچاطور، آرزو مانیانس، محمود هرمز، ابراهیم محضری، نوروزعلی غنچه، علی اکبر شاندرمنی، احمد میر احمدی، مهندس علوی.

ضمنا عده‌ای از سران حزب توده مخفی شدند و بعدا فرار کردند، از آن جمله: فریدون کشاورز، رضا رادمنش و احسان طبری را باید نام برد.

۱۸ـ در باب تشکیل کابینه می‌دانستم که مستر دوهر لیستی از جوانان به او تسلیم کرده است و وقتی از من پرسید آیا برای خدمات دولتی به جوانان بیشتر معتقدم یا به پیران؟ به شوخی گفتم: هرگاه هوانورد بخواهید خوب است از میان جوانان و چنان چه وزیر یا سفیر بخواهید از بین اشخاص معمر انتخاب نمایید.

مقالات سیاسی صفحه‌ی ۱۳ ناشر مطبوعاتی عطایی ۱۳۴۱.
مورخ الدوله سپهر (گردآوری احمد سمیعی).

۱۹ـ رقابت تندی میان آمریکاییها وانگلیسیها بروز کرده بود. یک نفر آمریکایی به نام ترن برگ، که ظاهرا رییس مهندسین ماورای بحار در سازمان برنامه بود و باطنا ید طولایی در میدانهای نفت شیخ نشینهای خلیج فارس داشت یک مرتبه نقاب از چهره برگرفت و باکمک، دوهر، به نخست وزیر فشارآوردند که درمقابل اجحافات شرکت نفت جنوب ایستادگی کند و بهره‌ی زیادتری برای این مطالبه نماید. رزم آرا خود ترن برگ را مامور این اقدام نمود و مشارالیه به لندن رفت ولی انگلیسیها او را به سردی پذیرفتند و مدعی شدند که دولت ایران تنها ازمجاری دیپلماتیک می‌تواند چنین مذاکراتی را آغاز نماید نه از طریق اتباع دولت ثالث.
همان ماخذ صفحه‌ی ۱۵.

۲۰ـ ترن برگ به تهران بازگشت و کمر به لغو امتیاز نفت جنوب بست انگلیسیها نیز اخراج او و سایر مهندسین ماورای بحار را از خدمت سازمان برنامه خواستار شدند. رزم آرا در محظور عجیبی گیر کرده بود تا سرانجام پس از چند روز دودلی و بی‌تکلیفی تصمیم به عزل مهندسین ماورای بحار گرفت و از آن روز ابری تیره در آسمان روابط او با سفارت آمریکا پدیدار شد.
همان ماخذ صفحه‌ی ۱۶.

۲۱ـ نطقهای شدید اللحن نمایندگان برضد او به جایی رسید که مجبور شد...

همان ماخذ صفحه‌ی ۱۶۰

۲۲ـ به موجب سند محرمانه‌ی مکشوفه از خانه‌ی سدان، رزم آرا در ماه فوریه‌ی ۱۹۵۲ آرای کارشناسان انگلیسی را به عنوان نظر دولت خود برای کمیسیون نفت خواند. این مدرك مهم را دولت ایران به شورای امنیت برد و فتوکپی آن در بایگانی شورای امنیت ضبط است. اسرارخانه‌ی سدان، اسماعیل رایین، امیرکبیر ۱۳۵۸ صفحه‌ی ۴۹۰

۲۳ـ آیت الله کاشانی در یك مصاحبه در پاسخ به خبرنگاری درباره‌ی ترور رزم‌آرا گفت: "این عمل به نفع ملت ایران بود و این گلوله و ضربه عالی‌ترین و مفید ترین ضربه‌ای بود که به پیکر استعمار و دشمنان ملت ایران وارد آمد. قاتل رزم‌آرا باید آزاد شود زیرا این اقدام او در راه خدمت به ملت ایران و برادران مسلمانش بوده است." ایران و کوه آتشفشان، حسنین هیکل، ترجمه‌ی سید محمد اصفیایی، قسمت ضمایم، صفحه‌ی ۱۸۴.

۲۴ـ در شب شنبه ۲۵ آذر ماه سال ۱۳۲۹، سروان خسرو روزبه به اتفاق نه نفر دیگر: دکتر مرتضی یزدی، دکتر جودت، بقراطی، دکتر کیانوری، عبدالحسین نوشین، احمد قاسمی، شاندرمنی، حکیمی و مهندس علوی از زندان فراری داده شدند. در مورد عوامل موثر در اجرای عملیات مربوط به این فرار، اقوال مختلفی وجود دارد ولی به هر حال در پایان کار، رزم‌آرا از این اقدام که به دست هرکس نقشه‌ی آن می‌توانست طرح شده باشد، سودی نبرد، گرچه عده‌ای هم مسبب این اقدام را خود او می‌دانستند زیرا با توده‌ایها رابطه‌ی نزدیك داشت. دکتر مظفر بقایی کرمانی نقل کرد: محمد مسعود گفته بود از ملاقاتی که بین سروان خسرو روزبه و رزم‌آرا انجام شده، مقاله‌ای در دست نوشتن دارد که پس از انتشار چون بمب منفجر خواهد شد ولی وی قبل از آن که این مقاله چاپ شود، کشته شد.

۲۵ـ دکتر محمد مصدق (مصدق السلطنه) فرزند میرزا هدایت‌الله از خانواده‌ای آشتیانی بود. وی اولین فعالیت آزادیخواهانه‌ی خود را در دوران مشروطیت و سلطنت محمدعلی‌شاه انجام داد و چون محمدعلی‌شاه برآزادیخواهان چیره شد، مصدق نیز به اروپا تبعید گردید و در آن جا با استفاده از فرصت به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. مصدق در دولت حسن پیرنیا (مشیرالدوله) که با حمایت افکار عمومی برای مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و رد آن بر سرکار آمد، سمت وزیر عدلیه را داشت و هنگام کودتای ۱۲۹۹ در مقام استانداری فارس بود. همین که سیدضیاء الدین باکمک انگلستان دست به کودتا زد، دکتر مصدق از اولین کسانی‌بود که به مخالفت با کودتاچیان برخاست. پس از سقوط سیدضیاء و رد قرارداد ۱۹۱۹، مجلس چهارم جهت موازنه‌ی بودجه و اصلاح و تصفیه‌ی تشکیلات وزارت مالیه اختیاراتی به مدت سه ماه به دکتر مصدق داد.

در دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی‌از تهران‌به نمایندگی انتخاب شد و در نهم آبان ماه۱۳۰۴ با تفویض پادشاهی به رضاخان سردار سپه طی نطقی در مجلس مخالفت‌کرد. مصدق گفت: "خوب اگر آمدیم گفتیم قاجاریه بد، خیلی خوب کسی منکر نیست، باید تغییر کند خیلی خوب، کی باید بیاید؟ البته امروز کاندیدای مسلم ما آقای رییس الوزرا است. خیلی خوب رییس الوزرا رفت مسند سلطنت را اشغال کرد آیا امروز در قرن بیستم می‌شود گفت یك مملکتی مشروطه است و پادشاهش مشغول کار است؟ که می‌تواند بگوید؟ آقایان درس خوانده‌ی اروپا دیده می‌توانند چنین چیزی بگویند؟ اگر ما سیر قهقرایی بکنیم، پادشاه، رییس الوزرا، وزیر جنگ و رییس عالی کل قوا یك نفر را بدانیم این استبداد صرف نیست؟ من اگر سرم را ببرند، قطعه قطعه و ریز ریزم کنند به این شکل حکومت رای نخواهم داد. (مجله‌ی آینده شماره‌ی ۴ آبان ماه۱۳۰۴ صفحه‌ی ۲۲۸) .

درپایان همین مخالفت بود که رضاشاه بعدا دکترمصدق را توقیف و به بیرجند تبعید کرد و پس از چندی با وساطت

محمد رضا پهلوی که ولیعهد بود به احمدآباد ملک شخصی خود در نزدیک تهران منتقل شد و در همان جا تا سال ۱۳۲۰ تحت نظر بود. پس از حوادث شهریور ماه ۱۳۲۰ دکتر مصدق مانند سایر زندانیان سیاسی آزاد گردید و با شرکت در انتخابات دوره‌ی چهاردهم فعالیت سیاسی خود را از نو آغاز کرد.

۲۶ـ چون در نتیجه‌ی تجربیاتی که در دولت سابق به دست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصا عهده‌دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشده، البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملا مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند. با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده است، پیروزمندانه خاتمه دهم. ۲۵ تیر ماه ۱۳۳۱ فدوی دکتر محمد مصدق.

۲۷ـ درباره‌ی نخست وزیری قوام: روزنامه‌ی فرانسوی "پاری پرس" بیست روز قبل از وقایع سی تیر ضمن بحث از نامزدهای نخست وزیری در ایران نوشت: انگلیسیها و آمریکاییها بیشتر از همه به قوام السلطنه معتقدند زیرا به عقیده‌ی دیپلماتهای انگلیسی پس از سقوط مصدق فقط یک مرد قوی مانند قوام می‌تواند آتش احساسات مردم را فرونشاند و با دول غرب سازش کند.

۲۸ـ بازیگر پشت پرده‌ی این حادثه، اشرف، خواهرشاه بود. او که چند روز قبل از بیست و پنجم تیر ماه وارد تهران شده بود با قوام تماس گرفت و با نمایندگان مجلس برای زمینه‌سازی و تحمیل حکومت قوام وارد گفت و گو شد و فرمانداری نظامی که مستقیما به دستور دربار عمل می‌کرد، اعلامیه‌ی شدیداللحنی برای حفظ انتظامات صادر کرد و سپس ماموران انتظامی با تانک و زرهپوش به خیابانها ریختند و مجلس را محاصره کردند.

۲۹ـ در این جا بیان این واقعیت ضرورت دارد که آن چه موجب انسجام و وحدت مردم گردید، هماهنگی و اتحاد کلیه‌ی رهبران مذهبی، سیاسی و اجتماعی بود. آیت الله کاشانی با اطلاعیه‌ای که در پاسخ به اعلامیه‌ی قوام صادر کرد، چنین گفت:

"احمد قوام باید بداند در سرزمینی که مردم رنج دیده‌ی آن پس از سالها رنج و تعب شانه از زیر دیکتاتوری بیرون کشیده‌اند نباید رسما اختناق افکار و عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دسته جمعی تهدید نماید. من صراحتا می‌گویم بر عموم برادران مسلمان لازم است که در این جهاد اکبر کمر همت محکم بربندند و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعمار ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره‌ی گذشته محال است."

این انسجام در رهبری و خصوصا همرزمی توده‌های روشنفکر اعم از کارمند و دانشجو با بازاری و کارگر و کشاورز موجب شد که شاه ناچار در مقابل مصدق سرتسلیم فرود آورد و به خواست او پاسخ مثبت دهد.

۳۰ـ قصد از برنامه‌ی "آژاکس" یک اقدام مشترک بود. این برنامه شاه، وینستن چرچیل و آنتونی ایدن، نخست وزیر و وزیر امور خارجه‌ی انگلیس، آیزنهاور و جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، و "سیا" را در برمی‌گرفت. "کرمیت روزولت" (نوه‌ی تیودور روزولت رییس جمهوری پیشین آمریکا) طراح وعامل اصلی این طرح می‌نویسد: مقصود این اتحاد برانداختن نخست وزیر ایران دکتر محمد مصدق بود. نقل از کتاب: **کودتا در کودتا** نوشته‌ی کرمیت روزولت صفحه‌ی ۶ ناشر انتشارات جاما ۱۳۵۹.

۳۱ـ در روز ۲۶ امرداد ماه سال ۱۳۳۲ نگارنده به نمایندگی "جمعیت آزادی مردم ایران" برای ملاقات سرهنگ اشرفی به فرمانداری نظامی رفته بودم، متاسفانه وی در اتاق

خودش نبود. معاونش سرهنگ دوم واثقی* در پشت میز در حالی‌که پشت به در داشت با کسی مشغول صحبت تلفنی بود. من که وارد شدم متوجه نشد و به مکالمه‌ی خود ادامه داد. او دستورهایی برای تدارک یك حمله می‌داد و می‌گفت چه میزان لباس سربازی و تفنگ آماده‌ی تحویل است، نماینده‌ی خودتان را برای دریافت بفرستید. موقعی که متوجه حضور من در اتاق شد، در حالی که بسیار نگران بود، پرسید: خیلی وقت است تشریف دارید؟ من گفتم خیر، همین حالا وارد شدم. یکی دو دقیقه‌ای با او صحبت کردم و سراغ سرهنگ اشرفی را گرفتم و سپس او را ترك کردم. از آن جا به دفتر نخست‌وزیری که در شمس‌العماره بود رفتم و به "آقای قاسم تویسرکانی" مدیر کل دفتر نخست‌وزیری جریان را گفتم ... او گفت باید مطلب به دکتر مصدق اطلاع داده شود. شخصاً با وسیله‌ای که در اختیارم گذاشته شد، به خانه‌ی دکتر مصدق رفتم و پس ازمذاکره باریيس دفترش به اتاق خواب و کار دکتر مصدق وارد شدم. پس از احوال پرسی عین جریان را برای ایشان بازگو کردم. او که روی تخت استراحت می‌کرد، از جای برخاست، مقداری "گز" در مقابل من گذاشت و گفت: ازاین مسایل زیاد است ولی شما نگران نباشید. اینها "هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند" بعد هم من از منزل ایشان خارج شدم ولی هنوز هم با خودم راجع به "هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند" فکر می‌کنم چون وقایع درست خلاف نظر دکتر مصدق اتفاق افتاد.

۳۲ـ طبق دعوت فرمانداری نظامی تهران دیروز ساعت هشت صبح نمایندگان جامعه‌ی اصناف و بازرگانان، جمعیت آزادی مردم ایران، حزب ایران، حزب ملت ایران ونیروی سوم در محل فرمانداری نظامی اجتماع کردند. منظور از این دعوت تهیه‌ی مقدمات جریان روز سی‌ام تیر بود ولی از آن جهت که بین نمایندگان احزاب و سرهنگ اشرفی فرماندار نظامی در مورد جریان تظاهرات توافقی حاصل نشد، طبق تصمیم قرار

---

* این شخص بعد از کودتا رییس شهربانی شهرری شد.

شد این آقایان : داریوش فروهر ، احمد سمیعی ، اصغر گیتی‌بین ، حاج محمود مانیان ، حاج قاسمیه و اطمینانی با آقای دکتر مصدق ملاقات نمایند .

پس از حضور ، آقای فروهر در پی مقدمه‌ای گفت: در شرایط کنونی دولت بایستی اقدامی بنماید که احزاب ملی جواب‌گوی آن باشند و برای این منظور در شرایطی‌که انگلستان می‌کوشد باتمام قوا جریان مبارزات ملت ایران را یک جنبش کمونیستی جلوه دهد، بجا است که دولت در تقویت احزاب ملی بکوشد و اجازه‌ی اخلال‌گری به عناصر بیگانه پرست داده نشود. نخست‌وزیر پس از شمه‌ای که در مورد جریان سی تیر بیان داشتند متذکر شدند این تظاهرات مخصوص یک دسته‌ی معین نیست. تمام مردم ایران در جریان سی ام تیر سهیم بودند و در برقراری یادبود شهدای سی‌تیر هم بایستی همه‌ی مردم‌ایران شرکت نمایند. آقای احمد سمیعی نماینده‌ی جمعیت آزادی مردم ایران اظهار داشت: بنده نظر آقای نخست‌وزیر را به این موضوع‌جلب می‌نمایم که در جریان سی‌ام تیر و در مراحل مختلف مبارزه‌ی ضد استعماری ، حساب مردم ایران از اجرا کنندگان شناخته شده‌ی سیاست اجنبی جدا بوده است وهست و در دوساله‌ی زمامداری شمانه تنها عناصر معروف به " توده‌ای" اقدام اساسی در راه پیشرفت مقاصد ملی ننموده‌اند، بل همیشه از عوامل موثر تخریب شناخته شده‌اند و به همین جهت امروز ما می‌خواهیم دولت اجازه ندهد آنها که همیشه در راه ملت سنگ انداخته‌اند وعلاقه به آزادی و استقلال میهن عزیز نداشته‌اند، در صف مردم جای بگیرند .

" روزنامه‌ی مردم ایران ارگان جمعیت آزادی مردم ایران سال دوم شماره‌ی۳۷ یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۳۲ ."

۳۳ـ گرچه افشارطوس گذشته‌ی درخشانی نداشت، مع‌ذلك نحوه‌ی ربودن او و طرز کشتنش چنان نفرتی از این اقدام در میان مردم برانگیخت که دوست و دشمن گذشته‌ی او را فراموش کردند و در ردیف شهدای راه میهن قلمداد شد .

سازمان محرمانه‌ی انگلیس با اجرای موفقیت‌آمیز عملیات "چکمه" موجبات این قتل فجیع را فراهم آورد. برای اطلاع

بیشتر به کتاب " پیشه‌ی من خیانت است" از انتشارات شباویز مراجعه فرمایید ·

۳۴ـ اسامی افسران وافرادی که در تدارک واجرای عملیات کودتای بیست و هشت امرداد مشارکت داشتند: بدیهی است امکان دارد نام عده‌ای در این فهرست نیامده باشد و یا نامهایی بدون ارتباط با کودتا در این لیست ذکر گردیده باشد ·

سرهنگ نعمت‌الله نصیری (ارتشبد) ، سرلشگر نادر باتمانقلیچ (سپهبد) ، سرتیپ فرهاد دادستان(سرلشگر) ، سرگرد پرویز خسروانی (سپهبد) ، سرهنگ اسکندر آزموده (سپهبد) ، سرهنگ حسین آزموده(سپهبد) ، ستوان یکم نراقی (سرتیپ) ، سرگرد جاوید پور (سرتیپ) ، سرهنگ مصطفی امجدی (سپهبد) ، سرهنگ بابا امجدی(سرتیپ) ، سرهنگ فرهنگ خسرو پناه (سرلشگر) ، سرگرد واثقی (سرتیپ) ، سرهنگ اردوبادی (سرلشگر) ، سروان کاظم خزاعی (سرلشگر) ، سرهنگ عزیزاله رحیمی* ، سرلشگر گیلانشاه (سپهبد) ، سروان جهانبانی (سرلشگر) ، سرهنگ نوذری (سرلشگر) ، سروان وجدانی (سپهبد) ، سروان معتضد (سپهبد) ، سروان مصطفی مجلسی (سرهنگ) ، سروان اسماعیل یاوری (سرهنگ) ، سروان بیوك ساعدی (سرتیپ) ، سروان محمد اسکویی (سرهنگ) ، سروان نوشین زاد (سرلشگر) ، ستوان یکم ریاحی (سرلشگر) ، سروان کاووسی (سرتیپ) ، سروان نجمی مرعشی(سرهنگ) ، سروان

---

* بعد از انقلاب بیست و دوم بهمن سرتیپ شد و فرمانده دژبان مرکز گردید ، وی پس از بیست و هشت امرداد در کابینه‌ی علاء هنگامی که قرار می‌شود لباس ارتشیها تغییر کند و به فرم لباس افسران آمریکا تبدیل شود و مقداری هم لباس از آمریکا برای ارتش ایران آورده می‌شود، شدیدا به این موضوع اعتراض می‌کند، به‌همین جهت بازنشسته می‌شود و بعدا در محاکمه‌ی مهندس بازرگان و آیت‌اله طالقانی وکالت آنها را برعهده می‌گیرد .

مهدی رحیمی (سپهبد) ، سروان عباس شقاقی (سرلشگر) ، سروان صیادیان (سرلشگر) ، سروان اکبر زند (سرهنگ) ، سرتیپ علی‌اکبر سیاسی (سرلشگر) ، سرهنگ تیمور بختیار (سپهبد) ، سرهنگ شاه خلیلی (سرتیپ) ، سرتیپ محمد دفتری (سرلشگر) ، سروان منوچهر خسرودا د (سرلشگر) ، سروان هوشنگ امیرقهاری (سرهنگ) ، سرهنگ حسین‌فرد وست (سپهبد) ، سرهنگ غلامعلی اویسی (ارتشبد) ، سروان پژمان (سپهبد) ، سروان بیگلری (سرلشگر) ، سروان نشاط (سرلشگر) ، ستوان یکم جعفریان (سرتیپ) ، سرتیپ ولی‌الله قرنی (سرلشگر)* ، سرهنگ مجیدی (سپهبد) ، سرهنگ علی محمد روحانی (سپهبد) ، سروان جناب (سرلشگر) ، سرلشگر عبدالله هدایت (ارتشبد) ، سرهنگ زاهدی (سپهبد) ، سرگرد ایلخانی (سرلشگر) ، سرگرد سبحانی (سرتیپ) ، سرهنگ منصور اختیار (سرتیپ) ، سروان نوذری بقا (سرلشگر) ، سرهنگ خواجه نوری (سپهبد) ، سرهنگ حسن اخوی (وزیر راه شد.) ، سرتیپ مزینی ، رضا جعفری (وزیر شد.) ، سرلشگر (سپهبد) فضل الله زاهدی (نخست وزیر شد.) ، اردشیر زاهدی ، سرتیپ بایندر ، سرلشگر عباس گرزن ، فتح‌الله امیرعلایی ، مصطفی کاشانی ، سرتیپ رامندی ، دکتر جهانشاه صالح ، سرتیپ عباس فرزانگان (وزیر شد.) ، سرتیپ دکتر منزه ، حسین خطیبی ، ابوالقاسم پناهی ، سرتیپ شعری (استاندار اصفهان شد) ، ابوالفتح آتابای ، امیرحسین ایلخان ظفر بختیار ، شعبان جعفری ، هیراد ، سرهنگ وزیری ، دکتر محمد سجادی ، ملکه‌ی اعتضادی ، امیراسدالله علم ، سرلشگر کیهان خدیو ، سرلشگر محمد حسین جهانبانی ، پری آژدان قزی ، دکتر منوچهر اقبال ، سرگرد الهیاری ، غلامرضا فولادوند ، سید مهدی میراشرافی ، دکتر علی امینی ، سروان هوشنگ میردامادیان ، موسی سرابندی ،

---

* قرنی بعدا به جرم این‌که مقدمات کودتایی را برضد شاه فراهم می‌کند ، از ارتش اخراج می‌شود . قرنی پس از انقلاب رییس ستاد ارتش گشت و پس از چندی هم ترور شد .

سرهنگ وحدانیان (سپهبد)، محمدعلی مسعودی، اسدالله رشیدیان و برادران، ابوالحسن حایری زاده (سفیر سیار در اروپا شد)، سرتیپ مجیدی، سرتیپ دیهیمی، سروان مهدی همایون**، سرهنگ عباس نفیسی، سرتیپ منصور مزین، سرتیپ یاوری، سروان حمید خیرخواه**، سروان صالح (سپهبد)، امیر زرین کیا (معروف به امیر موبور)، نصرت الله معینیان، سرگرد ایلخانی (سرلشگر)، مهندس خلیل طالقانی، شمس قنات‌آبادی، جعفر بهبهانیان، سرهنگ عزیز فرزانگان، سرلشگر جوادی، حسین مکی، حاجبی، محمد تقی "واعظ"، سرهنگ مبصر (ارتشبد)، سرهنگ زند کریمی (سرلشگر)، سرتیپ خردمند، اشرف پهلوی، سرگرد محمد خاتم (ارتشبد و فرمانده نیروی هوایی)، عده‌ای از روحانیون معروف... علیرضا پهلوی، احمد شفیق، ارنست پرون، سرهنگ اشرفی (فرماندار نظامی)، سرهنگ نادری (رییس آگاهی)، سرهنگ شاهرخی، سرهنگ علی پارسا، سرتیپ عطاءالله کیانی و سرلشگر دفتری رییس شهربانی (مقامات انتظامی دولت).

۳۵ـ در مورد علت خودکشی صادق هدایت تحقیقات فراوان شده است و اهل قلم در این مورد آرای گوناگونی ابراز کرده‌اند، او بزرگ‌ترین داستان نویس عصر ما بود که آثارش تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است و به غالب زبانهای زنده‌ی دنیا ترجمه گردیده است. تنها اثر هدایت که فقط یک بار در پاریس به چاپ رسید، و تاکنون ناشران در ایران موفق به طبع آن نشده‌اند، جزوه‌ای است با نام ("افسانه‌ی آفرینش" خیمه شب بازی در سه پرده) صورتها در این نمایشنامه عبارتند از: خالق اف، جبراییل پاشا، میکاییل افندی،

** این دو نفر (**سروان مهدی همایون و سروان حمید خیرخواه**) از افسران شبکه‌ی حزب توده بودند که با کودتا همکاری می‌کرده‌اند. در مورد افرادی که مشاغل آنها ذکر نشده باید گفته شود که اینها به دو دسته تقسیم می‌شوند دسته‌ای که معروفیت تام دارند و کاملا شناخته شده‌اند و عده‌ای که از گود سیاست خارج شده، به کار تجارت پرداختند.

ملا عزراییل ، اسرافیل بیك، مسیو شیطان ، بابا آدم ، ننه حوا ، حوریها ، غلمانها ، فیل و شترمرغ (آدرین‌مزون نو پاریس ۱۹۴۶) ۰

۳۶ـ سپهبد شاه‌بختی ، سپهبد امیراحمدی ، شعبان جعفری و جمعی از افسران شاغل و بازنشسته ...

۳۷ـ کرمیت روزولت اجراکننده ی طرح "آژاکس" می‌نویسد: پس از خروج شاه از تهران و عزیمتش به رامسر ، دو کار باقی مانده بود که شاه انجام دهد۰ یکی بایستی فرمان عزل مصدق را امضا می‌کرد و دیگر فرمان نخست وزیری زاهدی را، ما این دو فرمان را در تهران تهیه کردیم و سپس با وسایلی به رامسر فرستادیم که شاه امضا کرد و برای ما فرستاد ۰

از کتاب: کودتا در کودتا (صفحه‌ی ۱۸۳) ۰

۳۸ـ دکتر سیدعلی شایگان پس از مدتی از زندان نامه‌ای به شاه نوشت و به‌علت بیماری تقاضای عفو کرد ، که مورد قبول واقع شد و پس از آزادی از زندان به آمریکا رفت و تا آغاز انقلاب در آن جا بود ۰ بعد از انقلاب به ایران بازگشت و نامزد ریاست جمهوری شد ، ولی مورد تمسخر قرار گرفت و مجددا به آمریکا رفت و در سال ۱۳۵۹ درگذشت ۰

۳۹ـ پیمان‌بغداد عبارت از یك خط دفاعی بود در برابر تهدید شوروی ، که انگلستان ، پاکستان ، عراق و ترکیه و ایران تشکیل دهنده ی آن بودند، (و آمریکا به‌عنوان میهمان و ناظر در آن شرکت داشت) پس از سقوط رژیم سلطنتی عراق و خروج حکومت جدید از پیمان ، نام آن به سنتو تبدیل شد ۰

۴۰ـ ضارب یکی از فداییان اسلام به نام ذوالقدر بود۰

۴۱ـ در مورد فداییان اسلام کتب و رسالات بسیار منتشر شده است، ولی بیان این نکته ضرورت دارد که به محض اعلام نخست وزیری حسین علاء، نواب صفوی رهبر فداییان اسلام در اعلامیه‌ی شدید اللحنی به علاء اخطار کرد اگر فورا از نخست وزیری کنار نرود، به سزای عملش خواهد رسید.

روزنامه‌ی نبرد ملت فروردین ماه ۱۳۳۱.

۴۲ـ علامه علی‌اکبر دهخدا یکی از آزادیخواهان معروف ایران بود. او نویسنده‌ی مقالات چرند و پرند با امضای دخو، و گردآورنده‌ی امثال و حکم، و مولف فرهنگ بزرگ فارسی است.

۴۳ـ سرلشگر محمد خاتم که بعدا ارتشبد شد، همان افسری است که خلبانی شاه را در ۲۶ امرداد ماه ۱۳۳۲ هنگام خروج از ایران به بغداد و از آن جا به ایتالیا به‌عهده داشت. او سالها فرمانده نیروی هوایی بود و تشکیلات همافران را پایه‌گذاری کرد. او هنگام پرواز با کایت در حوالی سد دز (دزفول) کشته شد.

۴۴ـ پیر سالینجر در کتاب "آمریکا در بند" (ترجمه‌ی فیروزه خلعت بری، صفحه‌ی ۹۸) در این باره می‌نویسد: "دشمنی خاص میان محمدرضا پهلوی و آیت‌الله خمینی به بازگشت شاه پس از کودتای ۱۳۳۲ برمی‌گردد. چند نفری در جریان بازگرداندن شاه به تخت طاووس کشته شدند. در مقابل این عمل، آیت‌الله نامه‌ای برای رهبران مسلمان کشورهای عرب فرستاد و برای قربانیان آن چه وی آن را قساوت شاه نامید، یاری طلبید. در میان تمام رهبرانی که آیت‌الله با آنها تماس گرفت، فقط یك نفر پاسخ داد و او هم جمال عبدالناصر سرهنگ ارتش مصر بود که سال پیش از آن ملك فاروق را سرنگون کرده بود.

۴۵ـ احمد آرامش پس از آزادی از زندان شروع به فعالیتهای سیاسی کرد، و با رژیم به مبارزه پرداخت و در نتیجه به هفت سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از زندان در ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۲ در پارک فرح تهران به وسیله‌ی ماموران امنیتی کشته شد. همسر او خواهر مهندس شریف امامی بود که در سالهایی که آرامش در زندان بود، از او طلاق گرفت.

۴۶ـ تیمور بختیار در سال ۱۳۳۳ بعد از سرتیپ دادستان به فرمانداری نظامی تهران منصوب شد و درجه‌ی سرتیپی گرفت. او عامل اساسی کشتار و شکنجه‌های بعد از کودتا بود، سپس با درجه‌ی سرلشگری سازمان اطلاعات و امنیت را ایجاد کرد. شاه به او درجه‌ی سپهبدی داد ولی بختیار ادعاهای دیگری داشت تا سرانجام مورد غضب قرار گرفت و از ایران به بغداد رفت، در آن جا آزادیخواه شد و برضد شاه و رژیم شروع به مبارزه کرد، و عاقبت به دستور سازمانی که خود بنیاد نهاده بود، به قتل رسید.

۴۷ـ هنگامی که فرمان انتصاب علم به نخست وزیری از رادیو اعلام شد، دکتر علی امینی در محل اداره‌ی روزنامه‌ی اطلاعات به عنوان نخست وزیر مشغول سخنرانی بود و برنامه‌های آتی خود را شرح می‌داد.

۴۸ـ در کابینه‌ی علم، دکتر محمد باهری و دکتر پرویز خانلری از چپ روهای گذشته، عباس آرام و مهدی پیراسته از مشاهیر برخوردار از حمایت سیاست انگلستان، دکتر علینقی عالیخانی مدیر کل مالی ساواک، حسن ارسنجانی سیاست باز همه فن حریف، و بعدا جهانگیر تفضلی و جمعی از فراماسونهای معروف شرکت داشتند. این کابینه را آن روزها اهل نظر به *سالاد روسی* تشبیه می‌کردند.

از جمله اقدامات تفضلی در این دولت لغو امتیاز

اکثر روزنامه‌هایی بود که آن روزها در مملکت منتشر می‌شدند ·

۴۹ـ با عنوان گروه مترقی ، متشکل از تحصیلکرده‌های آمریکا و اروپا و سپس کانون مترقی و بعدا حزب ایران نوین ، وارد صحنه‌ی سیاست شد ·

۵۰ـ عبدالله هدایت اولین ارتشبد در ارتش شاهنشاهی ایران بود، که پس از بازداشت، خلع درجه شد و هنگامی که تحت نظر بود در گذشت·

۵۱ـ چون در مورد قیام ۱۵ خرداد و نتایج حاصل از آن مطالب متنوع و گوناگونی به صورت مقاله جزوه و کتاب منتشر شده است، در این جا از تکرار وقایع و حوادث آن روز خودداری شد ·

۵۲ـ حسنعلی منصور پس از تشکیل کانون مترقی در تابستان سال ۱۳۴۲ از تهران وکیل شد و پس از گشایش مجلس، حزب ایران نوین را بنیان گزاری کرد و بیشتر اعضای کابینه را از میان افراد حزب خود برگزید ·

۵۳ـ شاه از ابتدای سلطنت از فعالیتهای فراماسونها در ایران اطلاع داشت ولی هیچگاه تا سال ۱۳۴۲ این امکان را نیافت که بتواند در اداره‌ی این تشکیلات شخصا صاحب نظر باشد· هنگامی که در سال ۱۳۴۲ قدرت مطلق را در ایران به دست آورد و ارتش را آن طور که مورد نظرش بود زیر فرمان گرفت، این فکر در او پیدا شد که این تشکیلات را هم در اختیار بگیرد· به همین دلیل از سیدجعفر شریف امامی که دارای عالی‌ترین منصب در لژهای فراماسونری بود خواست که سمت خود را به او تفویض کند· ولی شریف امامی با کمک دیگر فراماسونها، شاه را از این نظر منصرف ساخت و به او پیشنهاد کرد که شخصا لژی ترتیب بدهد تا

پس از تصویب آن در مراجع بین‌المللی ماسونها، این مقام رسما به او داده شود.

شاه در ابتدا به این امر راضی می‌شود و به برادرش غلامرضا دستور می‌دهد نسبت به انجام این کار اقدام نماید. ضمنا بخشنامه‌ای محرمانه هم به کلیه‌ی سازمانهای دولتی صادر می‌شود تا افرادی که در مشاغل "بالا" هستند و تا آن روز عضو فراماسونری نبوده‌اند در این "لژ" نام نویسی کنند که این بخشنامه شامل امرای ارتش هم می‌شود.

به‌این ترتیب "لژ" پهلوی تشکیل می‌شود و مدارک لازم را نیز تدارک می‌بینند، ولی مدتی می‌گذرد و این لژ از طرف مراجع بین‌المللی فراماسونری به رسمیت شناخته نمی‌شود. شاه که از این طریق موفق نمی‌شود، دستور می‌دهد کلیه‌ی کسانی که در لژهای فراماسونری فعالیت و عضویت دارند بایستی پرسش نامه‌هایی را پرکنند و به ساواک بدهند و این کار انجام می‌گیرد که از همین پرسش نامه‌ها و اطلاعات دیگری که افراد به علت ترس از فاش شدن اسرار، پیشقدم شده خودشان در اختیار می‌گذارند، مدارک لازم برای تهیه‌ی کتاب **فراماسونری در ایران** تالیف **اسماعیل رایین** فراهم می‌شود. این کتاب که بار اول در سه جلد با تیراژی محدود در ایتالیا چاپ شد، مطالبی دارد که در چاپهای بعدی آن حذف گردید. "رایین" در صفحه‌ی ۶۹۲ جلد اول چاپهای دوم و سوم این کتاب (فراموشخانه یا فراماسونری در ایران ۱۳۵۷ انتشارات امیرکبیر) می‌نویسد: "در چاپ دوم کتاب باکمال تاسف مجبور شدیم فصل چهارد هم آن راحذف کنیم و بعد توضیح می‌دهد: "در این فصل اعمال و کردار برخی از فراماسونهای ایرانی که در قرون گذشته سبب سیه روزی هم میهنان و جدایی قسمتی از خاک ایران شده بودند، کاملا تشریح شده بود و سعی کرده بودیم این افراد میهن فروش و ضعیف النفس را به مردم میهن خود بشناسانیم. در همین فصل اقدامات و عملیات تنی چند از فراماسونهای زشت کردار که بازماندگان آنها هم‌اکنون در لژهای ماسونی و سازمانها فعالیت می‌کنند، تشریح شده

است که باکمال تاسف ناگزیر به حذف قسمتهای مذکور در چاپ دوم گردیدیم وبدین وسیله ازهم میهنان عزیز پوزش می‌طلبیم.

در این جا بیان این نکته هم ضرورت دارد که چاپ اول کتاب هم با حذف فصل چهارد هم به تهران می‌رسد و کسی از مفاد آن فصل آگاهی حاصل نمی‌کند.

پس از انتشار کتاب مورد بحث، فراماسونها انسجام سابق را از دست می‌دهند و در بسیاری از موارد برادران، به جان یك دیگر می‌افتند، تا آن جا که دشمنی علنی هم با یك دیگر می‌کنند.

در حالی که ماسونهای اولیه از جمله تقی‌زاده و حکیم‌الملک چنان با یك دیگر صمیمی و برادر بودند که حتی برای احراز عالی‌ترین مقامات دولتی به خاطر هم حاضر به گذشت بودند.

مورخ‌الدوله سپهر نقل می‌کرد: هنگامی که تقی‌زاده پس از بهبودی حالش از اروپا به تهران بازگشت، حکیمی ریاست سنا را عهده دار بود، یعنی مدتی جانشین تقی‌زاده شده بود. در فرودگاه حکیمی در حضور جمع پس از روبوسی با تقی‌زاده در حالی که دست او را می‌بوسید اعلام کرد، از جلسه‌ی آینده‌ی سنا، استاد ریاست را به عهده خواهید داشت. مطلبی که در آن روز تعارف به حساب آمد، ولی این امر به همین صورت در اولین جلسه‌ی سنا تحقق یافت یعنی حکیم الملك از سمت خود استعفا کرد و تقی‌زاده به ریاست سنا انتخاب شد.

۵۴ـ حسنعلی منصور در هیچ یك از لژهای فراماسونری پذیرفته نشد، حتی در لژی که امیرعباس هویدا و برادرش جواد منصور عضویت آن را داشتند.

فراماسونری در ایران چاپ سوم نوشته‌ی اسماعیل رایین جلد سوم زیرنویس صفحه‌ی ۶۷۴.

۵۵ـ حسنعلی منصور به وسیله‌ی افرادی که تحت تاثیر شدید افکار مذهبی فعالیت می‌کردند، کشته شد. برای اطلاع بیشتر در این باب بایستی به کتب و رسالات منتشرشده در این باب مراجعه شود.

تذکر لازم جهت آگاهی :

اسامی وزرای هر کابینه و تغییرات بعدی آن را به این ترتیب مشخص کرده‌ایم :

الف : وزرایی که در ابتدای کار از طرف هر نخست‌وزیر معرفی شده‌اند با شماره‌ی ردیف مشخص گردیده‌اند .

ب : تغییراتی که در هر وزارتخانه به‌عمل آمده در مقابل نام اولین وزیر به ترتیب ثبت شده است.
مثال : وزیر دادگستری مجید آهی ـ عباسقلی گلشاییان در معرفی اولیه آهی و بعد از مدتی گلشاییان به این سمت انتخاب شده است.

پ : در صورتی که وزرایی برای وزارتخانه‌های جدیدالتاسیس پس از معرفی اولین کابینه، معرفی شده‌اند، در همان ردیف اول اسامی آنها آمده است ولی بدون ذکر شماره و با علامت * .

اسامی وزیران کابینه‌های بعد از شهریورماه ۱۳۲۰ خورشیدی با تغییرات تا کابینه‌ی حسنعلی منصور سال ۱۳۴۳ .

۱ـ کابینه‌ی محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا اسفند ماه ۱۳۲۰ .

دوره‌ی دوازدهم قانون‌گزاری ـ محمدعلی فروغی کابینه‌ی خود را در تاریخ پنجم شهریور ماه ۱۳۲۰ بعد از واقعه‌ی سوم شهریور (حمله به ایران) تشکیل داد و در تاریخ ششم شهریور ماه ۱۳۲۰ به مجلس شورای ملی معرفی کرد. افراد این کابینه به این شرح معرفی شدند :

۱ . وزیر دادگستری : مجید آهی .
۲ . وزیر امور خارجه : علی سهیلی .
۳ . وزیر کشور : جواد عامری .
۴ . کفیل وزارت دارایی : عباسقلی گلشاییان .

۵ · کفیل وزارت جنگ: سرلشگر احمد نخجوان·
۶ · وزیر فرهنگ: اسماعیل مرآت·
۷ · وزیر راه: دکتر محمد سجادی·
۸ · وزیر پست و تلگراف: ابراهیم علم·
۹ · کفیل وزارت بازرگانی: صادق وثیقی·
۱۰ · رییس کل کشاورزی: مصطفی قلی رام·

ولی پس از اعلام استعفای رضاشاه و معرفی پادشاه جدید فروغی کابینه‌ی خود را به این شرح در یکشنبه سی‌ام شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی برابر با ۲۸ شعبان ۱۳۶۰ هجری قمری و سپتامبر ۱۹۴۱ میلادی مجددا به مجلس معرفی می‌کند·

۱ · وزیر دادگستری: مجید آهی- عباسقلی گلشاییان·
۲ · وزیر امور خارجه: علی سهیلی·
۳ · وزیر کشور: سرلشگر امان الله جهانبانی- سپهبد احمد امیر احمدی- باقر کاظمی·
۴ · وزیر جنگ: سرلشگر احمد نخجوان - محمد علی فروغی·
۵ · وزیر دارایی: دکتر حسن مشرف نفیسی- ید الله عضدی·
۶ · وزیر فرهنگ: دکتر عیسی صدیق - سید محمد تدین - مصطفی عدل·
۷ · وزیر راه: دکتر محمد سجادی - سرلشگر امان‌الله جهانبانی·
۸ · وزیر بهداری: اسماعیل مرآت - باقر کاظمی - علی اصغر حکمت·
۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن: حمید سیاح - حسنعلی کمال هدایت·
۱۰ · وزیر پیشه و هنر: علی‌اصغر حکمت - عباسقلی گلشاییان - عبدالحسین هژیر·
۱۱ · وزیر بازرگانی و اقتصاد ملی: عباسقلی گلشاییان·
۱۲ · وزیر کشاورزی: علی اکبر حکیمی·
۱۳ · وزیر کشاورزی و اقتصاد و خواربار: مجید آهی·

۲ـ کابینه‌ی علی سهیلی

۱ · وزیر دادگستری : مجید آهی ·
۲ · وزیر امور خارجه : علی سهیلی ـ محمد ساعد ·
۳ · وزیر کشور : علی‌سهیلی ـ سید مهدی فرخ ·
۴ · وزیر جنگ : سرلشگر امان الله جهانبانی ·
۵ · وزیر دارایی : محمود بدر ·
۶ · وزیر فرهنگ : مصطفی عدل ·
۷ · وزیر راه : یدالله عضدی ·
۸ · وزیر بهداری : علی اصغر حکمت ·
۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن : فضل الله بهرامی ·
۱۰ · وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : عبدالحسین هژیر ·
۱۱ · وزیر کشاورزی : احمد حسین‌عدل ·

۳ـ کابینه‌ی احمد قوام

۱ · وزیر دادگستری : علیرضا قره گوزلو ـ جواد عامری ·
۲ · وزیر امور خارجه : محمد ساعد ·
۳ · وزیر کشور : باقر کاظمی ـ جواد عامری ـ فضل الله بهرامی ·
۴ · وزیر جنگ : احمد قوام ـ سپهبد امیر احمدی ·
۵ · وزیر دارایی : سیدحسن تقی‌زاده ـ باقر کاظمی ـ اللهیار صالح ·
۶ · وزیر فرهنگ : دکتر علی اکبر سیاسی ·
۷ · وزیر راه : یدالله عضدی ـ علی معتمدی ·
۸ · وزیر بهداری : دکتر اسماعیل مرزبان ـ نصرالله انتظام ·
۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن : حمید سیاح ـ محسن رییس ·
۱۰ · وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : عبدالحسین هژیر ·
۱۱ · وزیر کشاورزی : احمد حسین‌عدل ·

۱۲ . وزیر مشاور : صادق صادق .
۱۳ . وزیر مشاور : ابراهیم حکیمی .
۱۴ . معاون نخست وزیر : دکتر علی امینی .
* وزیر خواربار : مهدی فرخ .

۴ـ کابینه‌ی دوم علی سهیلی

۱ . وزیر دادگستری : علی اصغر حکمت ـ محسن صدر .
۲ . وزیر امور خارجه : محمد ساعد .
۳ . وزیر کشور : علی سهیلی ـ حسین سمیعی .
۴ . وزیر جنگ : سپهبد احمد امیر احمدی .
۵ . وزیر دارایی : اللهیار صالح ـ مرتضی قلی بیات .
۶ . وزیر فرهنگ : دکتر علی اکبر سیاسی .
۷ . وزیر راه : عبدالحسین هژیر .
۸ . وزیر بهداری : امان الله اردلان .
۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : نصرالله انتظام .
۱۰ . وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : محمود بدر .
۱۱ . وزیر مشاور : حسین سمیعی .
* وزیر خواربار : محمد تدین .
* وزیر کشاورزی : احمد اعتبار .
* معاون پارلمانی نخست وزیر : زین العابدین رهنما .
* وزیر مشاور : خلیل فهیمی .
* وزیر مشاور : محمد تدین .

۵ـ کابینه‌ی اول محمد ساعد

۱ . وزیر دادگستری : اسدالله معقانی ـ اللهیار صالح .
۲ . وزیر امور خارجه : محمد ساعد .
۳ . وزیر کشور : عبدالحسین هژیر ـ محمد سروری .
۴ . وزیر جنگ : ابراهیم زند ـ سرلشگر محمد حسین فیروز ، کفیل وزارت جنگ : سرتیپ عبدالله هدایت .

۵ · وزیر دارایی : محمود نریمان ـ ابوالقاسم فروهر ـ علی اصغر زرین کفش ·
۶ · وزیر فرهنگ : سرلشگرعلی ریاضی ـ دکتر قاسم غنی ـ باقر کاظمی ·
۷ · وزیر راه : حمید سیاح ـ محمود نریمان ·
۸ · وزیر بهداری : دکتر قاسم غنی ـ دکتر سعید مالك، کفیل وزارت بهداری : دکتر منوچهر اقبال ·
۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن : ابوالقاسم فروهر ـ یوسف مشار ·
۱۰ · وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : امان الله اردلان ـ دکتر محمد نخعی ·
۱۱ · وزیر کشاورزی : محمود فاتح ـ ناصر اعتمادی ·
۱۲ · وزیر مشاور : مصطفی عدل ·
۱۳ · وزیر مشاور : مرتضی قلی بیات ـ خلیل فهیمی ·
* معاون پارلمانی : دکتر محمد نخعی ـ غلامحسین اشرفی ·

۶ـ کابینه‌ی مرتضی قلی بیات

۱ · وزیر دادگستری : مصطفی عدل ·
۲ · وزیر امور خارجه : محسن رییس ـ نصرالله انتظام ·
۳ · وزیر کشور : محمد سروری ·
۴ · وزیر جنگ : ابراهیم زند ·
۵ · وزیر دارایی : امان الله اردلان ·
۶ · وزیر فرهنگ ، دکترعیسی صدیق ·
۷ · وزیر راه : عبدالله انتظام ·
۸ · وزیر بهداری : دکتر سعید مالك ·
۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن : نادر آراسته ·
۱۰ · وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : حسنعلی کمال هدایت ·
۱۱ · وزیر کشاورزی : مرتضی قلی بیات ·
۱۲ · وزرای مشاور : دکترعلی اکبر سیاسی ـ خلیل فهیمی ·

۷ـ کابینه‌ی اول ابراهیم حکیمی

۱ ۰ وزیر دادگستری : اللهیار صالح ۰
۲ ۰ وزیر امور خارجه : انوشیروان سپهبدی ۰
۳ ۰ وزیر کشور : ابراهیم حکیمی ۰
۴ ۰ وزیر جنگ : ابراهیم زند ۰
۵ ۰ وزیر دارایی : عبدالحسین هژیر ۰
۶ ۰ وزیر فرهنگ : غلامحسین رهنما ۰
۷ ۰ وزیر راه : نادر آراسته ۰
۸ ۰ وزیر بهداری : دکتر اسماعیل مرزبان ۰
۹ ۰ وزیر پیشه و هنر و بازرگانی : ابوالقاسم نجم ۰
۱۰ ۰ وزیر کشاورزی : نصرالله خلعت بری ۰
۱۱ ۰ وزرای مشاور : حسنعلی کمال هدایت ـ مصطفی عدل ۰

۸ـ کابینه‌ی محسن صدر

۱ ۰ وزیر دادگستری : حسنعلی کمال هدایت ۰
۲ ۰ وزیر امور خارجه : انوشیروان سپهبدی ۰
۳ ۰ کفیل وزارت کشور : احمد فریدونی ۰
۴ ۰ وزیر جنگ : ابراهیم زند ۰
۵ ۰ وزیر دارایی : محمود بدر ۰
۶ ۰ وزیر فرهنگ : غلامحسین رهنما ۰
۷ ۰ وزیر راه : نادر آراسته ۰
۸ ۰ وزیر بهداری : دکتر سعید مالك ۰
۹ ۰ وزیر پیشه و هنر و بازرگانی :عباسقلی گلشاییان ۰
۱۰ ۰ وزیر کشاورزی : دکتر محمد نخعی ۰
۱۱ ۰ وزیر مشاور : مصطفی عدل ۰

۹ـ کابینه‌ی دوم ابراهیم حکیمی

۱ ۰ وزیر دادگستری : امان الله اردلان ۰
۲ ۰ وزیر امور خارجه : ابوالقاسم نجم ۰
۳ ۰ وزیر کشور : خلیل فهیمی ـ اللهیار صالح ۰
۴ ۰ وزیر جنگ : سرلشگر علی ریاحی ۰
۵ ۰ وزیر دارایی : عبدالحسین هژیر ۰

۶ . وزیر فرهنگ: غلامحسین رهنما .
۷ . وزیر راه: سرلشگر محمد حسین فیروز .
۸ . وزیر بهداری: دکتر سعید مالك .
۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن: محمود نریمان .
۱۰ . وزیر پیشه وهنر وبازرگانی: ابراهیم حکیمی ـ هاشم صهبا .
۱۱ . وزیر کشاورزی: احمد حسین عدل .
۱۲ . وزرای مشاور: حسنعلی کمال هدایت ـ اللهیار صالح .

۱۰ـ کابینه‌ی دوم احمد قوام

۱ . وزیر دادگستری: انوشیروان سپهبدی ـ اللهیار صالح ـ علی اکبر موسوی زاده ـ مصطفی عدل .
۲ . وزیر امور خارجه: احمد قوام ـ انوشیروان سپهبدی ـ موسی نوری اسفندیاری .
۳ . وزیر کشور: احمد قوام ـ سرلشگر فرج الله آق اولی .
۴ . وزیر جنگ: سپهبد امیر احمدی ـ احمد قوام ـ سپهبد امیر احمدی ـ محمود جم .
۵ . وزیر دارایی: مرتضی قلی بیات ـ عبدالحسین هژیر .
۶ . وزیر فرهنگ: محمد تقی بهار ـ دکتر فریدون کشاورز ـ دکتر علی شایگان ـ دکتر عیسی صدیق .
۷ . وزیر راه: سرلشگر محمد حسین فیروز ـ ابوالحسن صادقی ـ غلامحسین فروهر .
۸ . وزیر بهداری: دکتر منوچهر اقبال ـ دکتر مرتضی یزدی ـ دکتر منوچهر اقبال .
۹ . وزیر پست و تلگراف و تلفن: سهام الدین غفاری ـ دکتر منوچهر اقبال ـ اعزاز نیک پی ـ سیدعلی نصر ـ جواد بوشهری .
۱۰ . وزیر پیشه و هنر: احمد علی سپهر ـ ایرج اسکندری ـ حمید سیاح ـ ابوالحسن صادقی .
۱۱ . وزیر کشاورزی: شمس الدین امیرعلایی ـ احمد حسین عدل .
۱۲ . معاون سیاسی و پارلمانی: مظفر فیروز .
۱۳ . نایب نخست وزیر: مرتضی قلی بیات .

* وزیر کار و تبلیغات: مظفر فیروز- محمد ولی فرمانفرماییان - سلمان اسدی.
* وزیر مشاور: انوشیروان سپهبدی.
* وزرای مشاور: علی اصغر حکمت - سیدعلی اکبر موسوی زاده- محمد علی همایون جاه.
* وزیرپیشه وهنر وبازرگانی: دکتر محمد سجادی.
* وزرای مشاور: دکترعلی‌شایگان - سید جلال‌الدین تهرانی.

۱۱- کابینه‌ی سوم ابراهیم حکیمی

۱. وزیر کشور: سرلشگر فرج الله آق اولی- سپهبد امیر احمدی.
۲. وزیر جنگ: سپهبد مرتضی یزدان پناه.
۳. وزیر دارایی: ابوالقاسم نجم.
۴. وزیر فرهنگ: دکترعلی اکبر سیاسی.
۵. وزیر راه: علی معتمدی- امان الله اردلان.
۶. وزیر بهداری: دکتر سعید مالك.
۷. وزیرپست وتلگراف وتلفن: محمدعلی‌وارسته.
۸. وزیر اقتصاد ملی: دکتر محمد سجادی.
۹. وزیر کار و تبلیغات: دکتر محمد سجادی.
۱۰. وزیر مشاور: مصطفی عدل.
* وزیرامورخارجه: باقرکاظمی- موسی‌نوری‌اسفندیاری.
* وزیر کشاورزی: باقر شاهرودی.
* وزیر مشاور: عبدالحسین هژیر-علی سهیلی.
* معاون پارلمانی: دکترعبدالحمید زنگنه.

۱۲- کابینه‌ی عبدالحسین هژیر

۱. وزیر دادگستری: محمدعلی نظام مافی-عباسقلی گلشاییان.
۲. وزیر امور خارجه: موسی نوری اسفندیاری.
۳. وزیر کشور: خلیل فهیمی-عبدالحسین هژیر.
۴. وزیر جنگ: سپهبد احمد امیر احمدی.
۵. وزیردارایی: امان‌الله اردلان - محمدعلی‌وارسته.

۶ . وزیر فرهنگ: دکتر منوچهر اقبال .
۷ . وزیر بهداری: دکتر عباس ادهم .
۸ . وزیر پست و تلگراف و تلفن: نادر آراسته .
۹ . وزیر اقتصاد ملی: دکتر فخرالدین شادمان - آقاخان اشرفی .
۱۰ . وزیر کشاورزی: جواد بوشهری- دکتر فخر الدین شادمان .
۱۱ . وزرای مشاور: مصطفی عدل- جمال امامی .
* معاون پارلمانی: لطفعلی معدل .

۱۳- کابینه‌ی دوم محمد ساعد

۱ . وزیرد ادگستری: محسن صدر- دکترمحمد سجادی .
۲ . وزیرجنگ: سپهبد امیراحمدی - سپهبد یزدان‌پناه .
۳ . وزیر دارایی: عباسقلی گلشاییان .
۴ . وزیر امور خارجه: علی اصغر حکمت - حسین علاء، کفیل وزارت امور خارجه: دکترعلیقلی اردلان .
۵ . وزیر فرهنگ: دکتر محمد سجادی - دکتر عبد المجید زنگنه .
۶ . وزیر بهداری: دکتر امیراعلم- دکتر منوچهراقبال- دکترعباس‌ادهم .
۷ . وزیر پست و تلگراف و تلفن: نادر آراسته - سید جلال الدین تهرانی .
۸ . وزیراقتصاد ملی: آقاخان اشرفی- دکترتقی‌نصر .
۹ . وزیرکشاورزی: دکتراحمد مقبل- اسد الله علم .
۱۰ . وزرای مشاور: جمال‌امامی- دکترهادی طاهری .
* وزیر راه: دکتر محمد سجادی- نادر آراسته - حمید سیاح- دکتر منوچهر اقبال .
* معاون پارلمانی: سید محمد طباطبایی .
* وزرای مشاور: مصطفی عدل- خلیل فهیمی - علی اصغر حکمت .
* وزیر کشور: دکتر منوچهر اقبال- ابراهیم زند .
* معاون نخست‌وزیر: دکتر مشیر فاطمی .
* وزیر کار: دکتر محمد نخعی .

۱۴ــ کابینه‌ی علی منصور

۱ ۰ وزیر دادگستری: علی هیات.
۲ ۰ وزیر امور خارجه: حسین‌علاء. کفیل وزارت امور خارجه: دکتر علیقلی اردلان.
۳ ۰ وزیر کشور: ابراهیم زند ـ امان الله اردلان.
۴ ۰ وزیر جنگ: سپهبد یزدان پناه.
۵ ۰ وزیر دارایی: علی‌منصور ـ محمدعلی وارسته ـ دکتر محمد سجادی.
۶ ۰ وزیر فرهنگ: مسعود کیهان.
۷ ۰ وزیر راه: دکتر منوچهر اقبال.
۸ ۰ وزیر بهداری: محمد علی وارسته.
۹ ۰ وزیر پست و تلگراف و تلفن: سید جلال‌الدین تهرانی.
۱۰ ۰ وزیر اقتصاد ملی: دکتر علی‌امینی ـ صادق وثیقی.
۱۱ ۰ وزیر کشاورزی: اسد الله علم.
۱۲ ۰ وزیر کار: دکتر محمد نخعی.

۱۵ــ کابینه‌ی سپهبد حاجی علی رزم‌آرا

۱ ۰ وزیر دادگستری: محمد علی بوذری.
۲ ۰ کفیل وزارت امور خارجه: محمود صلاحی. وزیر امور خارجه: محسن رییس.
۳ ۰ وزیر کشور: سپهبد رزم‌آرا ـ امان الله اردلان.
۴ ۰ وزیر جنگ: سرلشگر عبد الله هدایت.
۵ ۰ وزیر دارایی: دکتر تقی‌نصر ـ غلامحسین فروهر.
۶ ۰ وزیر فرهنگ: دکتر شمس‌الدین جزایری ـ دکتر عبد المجید زنگنه.
۷ ۰ وزیر بهداری: دکتر جهانشاه صالح.
۸ ۰ وزیر اقتصاد ملی: دکتر مرتضی آزموده ـ دکتر عبد الله دفتری.
۹ ۰ وزیر کشاورزی: مهندس ابراهیم مهدوی.
۱۰ ۰ وزیر کار: دکتر محمد نخعی ـ غلامحسین فروهر ـ اسد الله علم.
* وزیر راه: مهندس جعفر شریف امامی.

* وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس اشراقی ·
* وزیر مشاور : خلیل فهیمی ·

۱۶ــ کابینه‌ی اول حسین علا

۱ · وزیر دادگستری : شمس‌الدین امیرعلایی ·
۲ · وزیر امور خارجه : عبدالله انتظام ، کفیل وزارت امور خارجه : حسین قدس نخعی ·
۳ · وزیر کشور : سرلشگر فضل الله زاهدی ·
۴ · وزیر جنگ : سپهبد نقدی ·
۵ · وزیر دارایی : محمدعلی وارسته ·
۶ · وزیر فرهنگ : حبیب الله آموزگار ·
۷ · وزیر راه : سرلشگر حسن ارفع ·
۸ · کفیل وزارت بهداری : دکتر عباس نفیسی ، وزیر بهداری : دکتر عباس نفیسی ·
۹ · وزیر پست وتلگراف وتلفن : مهندس احمد زنگنه ·
۱۰ · وزیر اقتصاد ملی : دکتر جمشید مفخم ·
۱۱ · وزیر کشاورزی : ضیاء الملك فرمند ·
۱۲ · وزیر کار : مهندس حبیب نفیسی ·
۱۳ · وزیر مشاور : علی دشتی ·

۱۷ــ کابینه‌ی اول دکتر محمد مصدق

۱ · وزیر دادگستری : علی هیات ـ شمس‌الدین امیرعلایی ·
۲ · وزیر امور خارجه : باقر کاظمی ·
۳ · وزیر کشور : سرلشگر فضل‌الله زاهدی ـ شمس‌الدین امیرعلایی ـ امیر تیمور کلالی ·
۴ · وزیرجنگ : سپهبد نقدی ـ سپهبد یزدان پناه ·
۵ · وزیر دارایی : محمد علی وارسته ـ محمود نریمان ، کفیل وزارت دارایی : علی اصغر فروزان ·*

---

* ۱ــ در تاریخ ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۰ فروزان سرپرست شهرداری تهران بود و هنگام پرده‌برداری از مجسمه‌ی رضاشاه در میدان ۲۴ اسفند

نطقی به این شرح ایراد کرد: " خلاصه‌شده"

"سپاسگزاری و قدردانی غریزه‌ای است که طبیعت در نهاد بشر به ودیعت گذارده... چون همه‌ی اعمال یکسان نیست طبعا نحوه‌ی قدردانی هم متفاوت است... کشور ما به‌علت نبودن سرپرست مقتدر می‌رفت که آخرین نفس حیات را بکشد که ناله‌ی سوزنده‌ی قلب بیمار به هدف اجابت رسید... آفتاب اقبال ایران‌درخشیدن‌گرفت.ایران به‌دست عزیزترین فرزندش از ذلت و پریشانی رهایی یافت... افراد در قبال این معجزه... از فرط عشق و علاقه به ناجی حقیقی خویش تمثال مبارکش را زینت مساکن خود نمودند و هر صبح و شام در مقابلش زانوی بندگی و عبودیت خم کردند. غبطه بود که بیرون خانه معبود حقیقی از نظرشان دور باشد. پیکر مقدسش‌را برفرق‌خودجای‌دادندو در شمال شهر زینت‌بخش پایتخت نمودند. ... این افتخار نصیب شهرداری تهران شد." (از روزنامه‌ی تجدد ایران شماره‌ی۳۱۴۸ به تاریخ ۱۳۲۰/۲/۱۷)

۲- فروزان در تاریخ اول مهرماه ۱۳۲۰ گزارشی از وضع شهرداری تهران را به انجمن شهر می‌دهد: "خلاصه شده"

" در این موقع که از طرف دولت اقداماتی برای استرداد مطالبات خود از دربار سابق به‌عمل می‌آید، شهرداری تهران نیز به‌نوبه‌ی خود لازم دید نسبت به حقوق خود و هزینه‌هایی که برای ساختمانها و غیره‌ی دربار سابق نموده است آقایان نمایندگان شهر را متذکر نماید که نسبت به دعاوی شهرداری تصمیم قطعی و فوری اتخاذ نمایند... ضمنا فهرستی از دعاوی شهرداری و اقداماتی‌که برای ساختمانهای دربار سابق نموده است و تا این ساعت به‌نظر رسید، برای استحضار آقایان ارسال می‌دارد...

به طوری‌که هزینه‌هایی که شهرداری برای ساختمانهای دربار از سال ۱۳۰۵ به بعد برحسب اجبار عهده‌دار بوده به سه قسمت تقسیم می‌شود... اقلامی که بابت ساختمانهای دربار متحمل شده... از جمله ساختمان کاخ شهری ملکه... ساختمان دو کاخ بزرگ والاحضرتها اشرف و شمس... ساختمان کاخ ییلاقی والاحضرت، کاخهای ییلاقی والاحضرتها شمس و اشرف با استخر و میدان تنیس... میهمانخانه‌های

۷ ۰ وزیر راه : جواد بوشهری ۰
۸ ۰ وزیر بهداری : دکتر حسن ادهم ـ دکترمحمدعلی ملکی ۰
۹ ۰ وزیر پست و تلگراف و تلفن : یوسف مشار ـ دکتر غلامحسین صدیقی ۰
۱۰ ۰ وزیر کشاورزی : ضیاءالملك فرمند ـ مهندس خلیل طالقانی ۰
۱۱ ۰ وزیر کار : امیر تیمور کلالی ۰
* وزیر اقتصاد ملی : شمس‌الدین امیرعلایی ـ دکتر علی امینی ۰
* معاون پارلمانی : دکتر حسین فاطمی ۰

جدید آبعلی ، دربند ، مبارک‌آباد ، گچسر و کلیه‌ی لوازم و اثاث آنها و تعمیر سایر قصرهای متعلق به دربار . . . در خاتمه استحضار می‌دهد که دعاوی شهرداری نسبت به دربار سابق برحسب همین گزارش متجاوز از "۳۵۰" میلیون ریال است . در سال حاضر شهرداری تقریبا تمام اعتبارات خودرا به مصرف امورساختمانی دربار رسانیده‌است وبا نکت درآمدی که درنتیجه‌ی وضعیت حاضر پیش‌آمده ،تمام کارهای فوری و ضروری شهرداری به علت‌نداشتن وجه معطل و راکد گردیده . . .
کفیل شهرداری تهران فروزان (نقل از روزنامه‌ی کوشش شماره‌ی ۴۷۱۵ به تاریخ ۱۳۲۰/۷/۳ ۰)

۳ـ فروزان در کفالت وزارت دارایی حکومت دکتر مصدق در سال ۱۳۳۰ این بخشنامه را صادر می‌کند :

محرمانه مستقیم ۱۳۳۰/۱۰/۹
جناب آقای رییس اداره‌ی دارایی شهرستان رشت .
بنا به امر جناب آقای نخست‌وزیر و توصیه‌ی حضرت آیت‌الله کاشانی به‌مجرد دریافت این نامه مقرر دارید که کارمندان کلیه‌ی دوایر و بنگاههای تابعه از تبلیغات و فعالیت انتخاباتی که برخلاف مصالح کاندیداهای ملی تشخیص‌داده شود، جلوگیری و با استفاده از بودجه‌ی ترفیعات و اضافات کارمندان دولت توصیه فرمایید که کارمندان آرای خود را به نفع کاندیداهای ملی به صندوق بریزند. ازطرف وزیر دارایی فروزان (روزنامه‌ی به‌سوی آینده شماره‌ی۴۶۶ به‌تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۲۵).

* کفیل نخست وزیر : باقر کاظمی ·
* وزیر مشاور : دکتر حسن ادهم ·

۱۸ــ کابینه‌ی سوم احمد قوام

دولت قوام جمعا شش روز عمر کرد و موفق به تعیین کابینه نشد و باقیام سی‌ام تیرناچار به کناره‌گیری گردید· در این شش روز دکتر حسن ارسنجانی به‌عنوان معاون سیاسی و پارلمانی نخست وزیر فعالیت می‌کرد· وی جزوه‌ای باعنوان "وقایع حکومت شش روزه‌ی احمد قوام" ابتدا در روزنامه‌ی بامشاد و سپس جداگانه منتشر کرد ·

در این جزوه ارسنجانی درباره‌ی اعلامیه‌ی "کشتیبان را سیاست دگر آمد" چنین نوشت:

"وارد اتاق کار قوام شدم و اعلامیه‌ای راکه برای خواندن در رادیو تهیه کرده بودم با خود داشتم ولی متوجه حضور مورخ الدوله سپهر شدم که مشغول نوشتن بود· من سخنی نگفتم ولی قوام به من رو کرد و گفت:

ـ چند دقیقه‌ی دیگر بیایید· اعلامیه‌ی دولت را نوشته‌ام به شما بدهم که در رادیو خوانده شود ·

بعدا که مراجعه کردم قوام اعلامیه‌ای را به من داد، مورخ الدوله حضور نداشت و من پس از خواندن اعلامیه گفتم: خیلی تند است··· ولی قوام گفت: خوب است·

ارسنجانی اظهار نظر می‌کند که: اعلامیه را مورخ‌الدوله نوشته بود و به این ترتیب می‌خواست تلافی گذشته را در مورد قوام درآورد··· *

مورخ‌الدوله در پاسخی که به نوشته‌ی ارسنجانی داد(در مجله‌ی سپید و سیاه) و بعدها نیز برای نویسنده بازگو کرد، گفت: "قوام السلطنه خود اهل قلم بود و احتیاج نداشت

---

* احمد قوام در حالی‌که سپهر وزیر پیشه و هنر در کابینه‌ی او بود (سال ۱۳۲۴) دستور دستگیری او را می‌دهد و سرتیپ صفاری هم که رییس شهربانی است مامور اجرای حکم می‌شود. مورخ‌الدوله به کاشان تبعید می‌شود، و بعدها با قوام آشتی می‌کند . . .

به من بگوید چیزی برای او بنویسم ·ضمنا ملاقات من با او بیش از ربع ساعت ادامه نداشت و فرضا اگر او می‌خواست من اعلامیه‌ای تهیه کنم در این فرصت مجال نبود· موضوع این طور بود، قوام اعلامیه‌ی خود را برای من خواند و از من خواست در صورتی که ضروری بدانم شعری که مناسب باشد برای اضافه کردن به متن برایش نقل‌کنم و من بدون توجه به این که او با این شعر چه خواهد کرد خواندم :

عمر خوش دختران رز به سر آمد
کشتنیان را سیاستی دگر آمد

بعد هم به او گفتم : به نظر من این اعلامیه با شرایط روز سازگار نیست (ولی قوام که خیال می‌کرد اوضاع همان اوضاع گذشته است) گفت نه ·بسیار هم خوب است···

هنگامی که اعلامیه از رادیو خوانده شد متوجه شدم از آن "بیت" این مضمون را ساخته، نوشته است "کشتیبان را سیاستی دگر آمد ···"

۱۹ــ کابینه‌ی دوم دکتر محمد مصدق

۱ · وزیر دادگستری : عبدالعلی لطفی ·
۲ · وزیر امور خارجه : حسین نواب ـ دکتر حسین فاطمی ·
۳ · وزیر کشور : دکتر غلامحسین صدیقی ·
۴ · وزیر دفاع‌ملی : دکتر محمد مصدق ·
۵ · وزیر دارایی و نایب نخست‌وزیر : باقر کاظمی . کفیل وزارت دارایی : مبشر ·
۶ · وزیر فرهنگ : دکتر مهدی آذر ·
۷ · وزیر راه : مهندس داود رجبی ـ مهندس جهانگیر حق شناس ·
۸ · کفیل وزارت بهداری : دکتر جبار فرمانفرماییان ، وزیر بهداری : دکتر محمد علی ملکی ·
۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس سیف‌الله معظمی ·
۱۰ · وزیر اقتصاد ملی : دکتر علی‌اکبر اخوی ·
۱۱ · وزیر کشاورزی : مهندس خلیل طالقانی . کفیل

وزارت کشاورزی: مهندس منصور عطایی.

۱۲. وزیر کار: دکتر ابراهیم عالمی. کفیل وزارت کار: دکتر شاپور بختیار.

* معاون پارلمانی: دکتر محمد حسین علی‌آبادی.

* معاون سیاسی و پارلمانی: دکتر ملك اسماعیلی.

* وزیر مشاور: مهندس داود رجبی.

۲۰ـ کابینه‌ی سپهبد فضل‌الله زاهدی

۱. وزیر دادگستری: جمال‌الدین اخوی ـ دکتر سید فخر الدین شادمان.

۲. وزیر جنگ: سرلشگر عبد الله هدایت.

۳. وزیر دارایی: دکتر علی امینی.

۴. کفیل وزارت فرهنگ: رضا جعفری، وزیر فرهنگ: رضا جعفری.

۵. وزیر راه: غلامعلی میکده ـ سرلشگر عباس گرزن.

۶. وزیر بهداری: دکتر جهانشاه صالح.

۷. کفیل وزارت پست و تلگراف و تلفن: سرتیپ عباس فرزانگان. وزیر پست و تلگراف و تلفن: سرتیپ عباس فرزانگان.

۸. وزیر اقتصاد ملی: دکتر علی اصغر پور همایون ـ دکتر فخرالدین شادمان.

۹. وزیر کشاورزی: احمد حسین عدل.

۱۰. وزیر کار: ابوالقاسم پناهی ـ مسعود ملکی.

۱۱. وزرای مشاور: علی‌اصغر حکمت ـ امیر حسین ایلخان ظفر بختیار ـ دکتر محمد سجادی.

* وزیر امور خارجه: عبد الله انتظام.

* وزیر کشور: سپهبد فضل الله زاهدی. (معاون سرتیپ محمد حسین جهانبانی).

* وزرای مشاور: محمد حسین جهانبانی ـ محمد نمازی.

* معاون پارلمانی: غلامرضا فولادوند.

* معاون اداری: موسی سرابندی.

۲۱ـ کابینه‌ی دوم حسین علا

۱ · وزیر دادگستری: حسین علا ـ دکتر علی امینی ـ جمال اخوی ـ عباسقلی گلشاییان ·

۲ · وزیر امور خارجه: عبدالله انتظام ـ دکتر علیقلی اردلان ·

۳ · وزیر کشور: اسدالله علم ·

۴ · وزیر جنگ: سپهبد عبدالله هدایت ـ سرلشگر احمد وثوق ·

۵ · وزیر دارایی: دکتر علی امینی . کفیل وزارت دارایی: علی اصغر فروزان ـ دکتر محمد سجادی ـ غلامحسین فروهر ·

۶ · وزیر فرهنگ: دکتر محمود مهران ·

۷ · وزیر راه: سرلشگر ولی انصاری ·

۸ · وزیر بهداری: دکتر جهانشاه صالح ·

۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن: مهندس امیر قاسم اشراقی ·

۱۰ · وزیر اقتصاد ملی: ابراهیم کاشانی ·

۱۱ · وزیر کشاورزی: مهندس خلیل طالقانی ـ محمود ناصری ·

۱۲ · وزیر کار: محسن نصر ·

۱۳ · وزرای مشاور: علی معتمدی ـ حاج محمد نمازی ·

۱۴ · معاون نخست وزیر: محمود هدایت ـ ناصر ذوالفقاری ـ مهندس خسرو هدایت ·

* نایب نخست وزیر و وزیر امور خارجه: عبدالله انتظام · وزیر صنایع و معادن: دکتر علیقلی اردلان ـ غلامحسین فروهر ـ مهندس رضاگنجه‌ای ·

* وزیر بازرگانی: ابراهیم کاشانی ·

* نایب نخست وزیر و وزیر مشاور: عبدالله انتظام ·

* وزیر مشاور: دکتر علیقلی اردلان ـ مهندس خلیل طالقانی ـ دکتر احمد مقبل ·

۲۲ـ کابینه‌ی دکتر منوچهر اقبال

۱ · کفیل وزارت دادگستری: محمد مجلسی . وزیر

دادگستری: دکتر محمد علی هدایتی.
۲. وزیرامور خارجه: دکترعلیقلی اردلان ـ علی‌اصغر حکمت ـ دکتر جلال عبده ـ عباس آرام.
۳. وزیر کشور: دکتر فتح الله جلالی ـ سپهبد نادر باتمانقلیچ ـ رحمت اتابکی.
۴. وزیر جنگ: سرلشگر احمد وثوق.
۵. وزیر دارایی: علی‌اصغر ناصر ـ سرلشگر علی اکبر ضرغام.
۶. وزیر فرهنگ: دکتر محمود مهران.
۷. وزیر راه: سرلشگر ولی‌انصاری.
۸. وزیر بهداری: دکتر عبدالحسین راجی، دکتر محمد حسین ادیب.
۹. وزیر پست و تلگراف و تلفن: مهندس امیر قاسم اشراقی.
۱۰. وزیر بازرگانی: مصطفی تجدد ـ عباسقلی‌نیساری ـ حسنعلی منصور.
۱۱. وزیر کشاورزی: سرتیپ حسن اخوی ـ دکترجمشید آموزگار.
۱۲. وزیر کار: آقاخان بختیار ـ دکتر جمشید آموزگار ـ حسنعلی منصور ـ مهندس علیرضا انصاری.
۱۳. وزیر صنایع و معادن: جعفر شریف امامی.
۱۴. وزیر گمرکات و انحصارات: سرتیپ علی‌اکبر ضرغام.
کفیل وزارت گمرکات و انحصارات: موسی‌خطاطان.
وزیر گمرکات و انحصارات: موسی خطاطان.
۱۵. وزیر مشاور: مهندس خلیل طالقانی.
۱۶. معاون پارلمانی: ناصر ذوالفقاری ـ دکتر غلامرضا کیان.
۱۷. معاون اداری: اشرف احمدی.
۱۸. معاون پارلمانی وقائم مقام نخست وزیر درسازمان برنامه: خسرو هدایت.
۱۹. معاون نخست وزیر و رییس سازمان امنیت و اطلاعات کشور: سرلشگر تیمور بختیار.
* وزیر مشاور: دکتر نصرت الله کاسمی، وزیر مشاور

در سازمان برنامه : خسرو هدایت.

* کفیل نخست‌وزیر و وزیر صنایع و معادن : جعفر شریف امامی .

* معاون در امور بازرسی : دکتر مصطفی‌الموتی .

* معاون و سرپرست تبلیغات : نصرت‌الله معینیان .

۲۳ـ کابینه‌ی مهندس جعفر شریف امامی

۱ . وزیر دادگستری : دکتر محمدعلی هدایتی ـ محمد علی ممتاز .

۲ . وزیر امور خارجه : ید الله عضدی ـ حسین قدس نخعی .

۳ . وزیر کشور : سپهبد مهدیقلی علوی مقدم ـ سپهبد صادق امیر عزیزی .

۴ . وزیر دارایی : سرتیپ علی اکبر ضرغام ـ عبد الباقی شعاعی .

۵ . وزیر فرهنگ : دکتر محمود مهران ـ دکتر عیسی صدیق ـ دکتر جهانشاه صالح .

۶ . وزیر راه : سرلشگر ولی انصاری ـ مهندس ابوالحسن بهنیا .

۷ . وزیر بهداری : دکتر جهانشاه صالح ـ دکتر جواد آشتیانی .

۸ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : دکتر عبد الحسین اعتبار .

۹ . وزیر بازرگانی : دکتر علی‌اصغر پور همایون .

۱۰ . وزیر کشاورزی : ابراهیم مهدوی .

۱۱ . وزیر کار : دکتر احمد علی بهرامی .

۱۲ . وزیر صنایع و معادن : دکتر طاهر ضیایی .

۱۳ . وزیر گمرکات و انحصارات : محمد رضی ویشکایی .

۱۴ . نایب نخست‌وزیر و وزیر مشاور و سرپرست وزارت بازرگانی : دکتر محمد سجادی .

۱۵ . وزیر مشاور و قائم مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه : مهندس خسرو هدایت ـ احمد آرامش .

۱۶ . وزیر مشاور : اشرف احمدی .

* وزیر جنگ: سپهبد علی‌اصغر نقدی.
* وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر: حسن نبوی.

۲۴ـ کابینه‌ی دکتر علی امینی

۱. وزیر دادگستری: نورالدین الموتی.
۲. وزیر امورخارجه: حسین قدس نخعی ـ عباس آرام.
۳. وزیر کشور: سپهبد صادق امیرعزیزی.
۴. وزیر جنگ: سپهبد علی اصغر نقدی.
۵. وزیر دارایی: عبدالحسین بهنیا.
۶. سرپرست وزارت گمرکات: عبدالحسین بهنیا.
۷. وزیر فرهنگ: محمد درخشش.
۸. وزیر راه: مهندس جمال گنجی.
۹. وزیر بهداری: دکتر عبدالحسین طبا.
۱۰. وزیر بهداری: دکتر ابراهیم ریاحی.
۱۱. وزیر پست و تلگراف و تلفن: مهندس هوشنگ سمیعی.
۱۲. وزیر بازرگانی: جهانگیر آموزگار.
۱۳. وزیر کشاورزی: دکتر حسن ارسنجانی.
۱۴. وزیر کار: عطا الله خسروانی.
۱۵. وزیر صنایع و معادن: مهندس غلامعلی فریور ـ مهندس تقی سرلک.
۱۶. وزیر مشاور و سرپرست امور اقتصادی: دکتر علی‌اصغر پور همایون.
۱۷. وزیر مشاور: هادی اشتری ـ ناصر ذوالفقاری ـ دکتر تقی نصر.

۲۵ـ کابینه‌ی اسدالله علم

۱. وزیر دادگستری: دکترغلامحسین خوشبین ـ دکتر محمد باهری.
۲. وزیر امور خارجه: عباس آرام.
۳. وزیر کشور: سپهبد صادق امیرعزیزی ـ دکتر مهدی پیراسته.
۴. وزیر جنگ: سپهبد علی اصغر نقدی. کفیل

وزارت جنگ: سپهبد اسدالله صنیعی ·
۵ · وزیر دارایی: عبدالحسین بهنیا ·
۶ · وزیر فرهنگ: دکتر پرویز ناتل خانلری ·
۷ · وزیر راه: مهندس داود رجبی ـ نصرت الله معینیان ـ مهندس حسن شالچیان ·
۸ · وزیر بهداری: دکتر ابراهیم ریاحی ·
۹ · وزیر پست و تلگراف و تلفن: مهندس هوشنگ سمیعی ·
۱۰ · وزیر بازرگانی: دکتر غلامحسین جهانشاهی ·
۱۱ · وزیر کشاورزی: دکتر حسن ارسنجانی ـ سپهبد اسماعیل ریاحی ·
۱۲ · وزیر کار و خدمات اجتماعی: عطاءالله خسروانی ·
۱۳ · وزیر صنایع و معادن: دکتر طاهر ضیایی ·
۱۴ · وزرای مشاور: نصرالله انتظام ـ مسعود فروغی ـ دکتر غلامحسین خوش بین ـ سپهبد صادق امیر عزیزی ·
۱۵ · قایم مقام نخست وزیر در سازمان برنامه: مهندس صفی اصفیا ·
* وزیر بازرگانی و صنایع و معادن: دکتر علینقی عالیخانی ·
* معاون نخست وزیر و مسوول وزارت دارایی: غلامرضا برزگر ·
* وزیر مشاور و سرپرست انتشارات و رادیو: جهانگیر تفضلی ـ نصرت الله معینیان ·
* معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اطلاعات و امنیت کشور: سرلشگر حسن پاکروان ·
* معاون نخست وزیر در شورای استخدام: دکتر منوچهر گودرزی ·
* معاون نخست وزیر و رییس جلب سیاحان: مهندس مهدی شیبانی ·
* معاون نخست وزیر: دکتر علینقی کنی ·

۲۶ـ کابینه‌ی حسنعلی منصور

۱ · وزیر دادگستری: دکتر باقر عاملی ·

۲ ۰ وزیر امور خارجه : عباس آرام ۰
۳ ۰ وزیر کشور : دکتر جواد صدر ۰
۴ ۰ وزیر جنگ : سپهبد اسد الله صنیعی ۰
۵ ۰ وزیر دارایی : امیر عباس هویدا ۰
۶ ۰ وزیر فرهنگ : دکتر عبد العلی جهانشاهی ۰
۷ ۰ وزیر راه : دکتر محمود کشفیان ۰
۸ ۰ وزیر بهداری : دکتر جمشید آموزگار ۰
۹ ۰ وزیر پست و تلگراف و تلفن : دکترفرهنگ شفیعی- مهندس فتح الله ستوده ۰
۱۰ ۰ وزیر اقتصاد : دکتر علینقی عالیخانی ۰
۱۱ ۰ وزیر کشاورزی : سپهبد اسماعیل ریاحی ۰
۱۲ ۰ وزیر کار و خدمات اجتماعی : عطاءالله خسروانی ۰
۱۳ ۰ وزیر اطلاعات : نصرت الله معینیان ۰
۱۴ ۰ وزیر آبادانی و مسکن : دکتر هوشنگ نهاوندی ۰
۱۵ ۰ وزیر آب و برق : مهندس منصور روحانی ۰
۱۶ ۰ وزیر مشاور در امور استخدامی : دکتر منوچهر گودرزی ۰
۱۷ ۰ وزیر مشاور و معاون پارلمانی : دکتر ناصر یگانه ۰
۱۸ ۰ وزرای مشاور : دکتر محمد نصیری - دکتر هادی هدایتی- دکتر عبد العلی جهانشاهی- دکتر محمود کشفیان - مهندس حسن شالچیان ۰
۱۹ ۰ معاون نخست وزیر در هنرهای زیبا : مهرداد پهلبد ۰
۲۰ ۰ معاون نخست وزیر و رییس سازمان امنیت و اطلاعات کشور : سرلشگر حسن پاکروان ۰
۲۱ ۰ معاون نخست وزیر و رییس سازمان جلب سیاحان : دکتر قاسم رضایی ۰
* وزیر فرهنگ و هنر : مهرداد پهلبد ۰
* وزیر آموزش و پرورش : دکتر هادی هدایتی ۰

سی و هفت سال
۲

در این بخش این مطالب را می‌خوانید:

- دولتهای امیرعباس هویدا در سیزده سال زمامداری.
- وقایع مهم در دولتهای هویدا.
- دولت دکتر جمشید آموزگار و وقایع مهم آن.
- توضیحات متن.
- آتشهای زیر خاکستر.
- اسامی وزرای کابینه‌های هویدا و آموزگار.

الف ـ کابینه‌ی

امیرعباس هویدا

از بهمن ماه ۱۳۴۳
تا امرداد ماه ۱۳۵۶

امیرعباس هویدا* که در آغاز به نظر می‌رسید محللی بیش نباشد، به طور قطع در تاریخ حکومت مشروطه‌ی ایران واحتمالا در قرون اخیر تاریخ ایران بیش از هر صدر اعظم دیگری بی‌وقفه برمسند صدارت تکیه زد، او که فرزند حبیب‌الله آل رضا (عین‌الملک) کارمند وزارت امور خارجه و از مبلغین فرقه‌ی بهایی بود، در سال ۱۲۹۲ زاده شد. عده‌ای معتقدند که پدر امیرعباس هویدا به اصرار همسرش مادر امیرعباس و

---

* برای اطلاع بیشتر در باب هویدا به کتاب (هویدا گماشته‌ی امپریالیسم و صهیونیسم) نوشته‌ی ابوالفضل قاسمی مراجعه شود. نشریه‌ی حزب ایران ۱۳۵۷.

فریدون هویدا از بهاییگری تبری جست. البته در این مورد هیچ‌گونه مدرك مستندی در دست نیست. به هرحال مادر امیر عباس هویدا مسلما در این فرقه عضویت نداشت و خود هویدا نیز وابستگیش را به بهاییان همواره تکذیب می‌کرد. هویدا در مدرسه‌ی فرانسوی بیروت و دانشگاههای پاریس و بروکسل در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد و تاریخ درس خواند و در مجموع شخص زباندان و آگاهی بود. وی زمانی عضو حزب کمونیست لهستان بود و بعدا به یکی از لژهای فراماسونری پیوست[1] در بیست و دو سالگی پس از پایان خدمت افسری وظیفه وارد خدمت وزارت امور خارجه شد و به سمت وابسته‌ی مطبوعاتی سفارت ایران در پاریس منصوب گردید.[2] درهمان‌جا با حسنعلی منصور طرح دوستی می‌ریزد و سالهابعد به اتفاق او "کانون مترقی" و سپس حزب ایران نوین را تشکیل می‌دهد و هنگامی‌که منصور به نخست وزیری می‌رسد، پست مهم وزارت دارایی را به او می‌دهد.

به طور قطع خود شاه نیز هنگامی‌که پس از گلوله خوردن منصور، هویدا اداره‌ی جلسات کابینه را عهده‌دار شد او را به درستی نمی‌شناخت و نمی‌دانست که بعد از آن ایام پر حادثه، این مرد همیشه متبسم، شیکپوش، خوش محضر و خوانندهی دایمی تازه‌ترین کتابهای منتشر شده در اروپا و ایران، سیزده سال آزگار همچنان لایحه‌ی بودجه‌ی سال بعد را به مجلس خواهد برد و هر سال هم اظهار اطمینان خواهد کرد که لایحه‌ی بودجه‌ی سال بعد را نیز خودش به مجلس خواهد داد.

"ضمنا این حقیقت را نمی‌توان منکر شد که امیر عباس هویدا یکی از اعضای فراماسونری بود و در بهایی بودن پدرش هم شکی باقی‌نیست" (هویدا گماشته‌ی امپریالیسم نوشته‌ی قاسمی صفحه‌ی ۷۸) اگر چه به نظر می‌رسد خود امیرعباس اصولا پایبند هیچ آیین الهی یا فرقه‌ای نبود.

هویدا در سالهایی نخست وزیر ایران بود که با وجود شاه هیچ یك از قدرتهای خارجی اصولا نیازی به داشتن ارتباط خصوصی با نخست وزیر نداشتند، اما هویدا هرچه بیشتر در مسند صدارت

ماند، قوی تر شد.

هویدا در آغاز کار آشنایی چندانی با دولتمردان ایران نداشت و شاید هم در خود چنین تمایلی به ایـن آشناییها چنان کـه رسم آن روزگار بـود، نمی‌دید ـ تنها کسانی که طرف مشورت دایمی او بودند: "علی منصور" (پدر حسنعلی و جواد) نخست وزیر رضاشاه در آستانه‌ی شهریور ماه ۱۳۲۰ و رییس دولت قبل از حکومت دکتر مصدق و زین‌العابدین رهنمـا ـ بود کـه دو فـرزنـدش در کـابینـه‌هـای هویدا وزیـر شدند (مجید و حمید).

هویدا به وسیله‌ی علی منصور با آن دسته از رجالـی که بایستی آشنا شود، ارتباط برقرار کرد و از سوی دیگر چون در زمان خدمت خود در شرکت نفت کارمند عبدالله انتظام بـود، از آن شاخه هم مشغول میوه چینی شد.

هویدا پس ازچندی که ازمعرفی‌اولین کابینه‌اش می‌گذرد متوجه این موضوع می‌شود که وزرا باید از نخست وزیـر حرف شنوی داشته باشند و بـا شاه فقط خود او در ارتباط مستقیم باشد. به همین دلیل یك یك کسانی را که به نظر او با شاه در ارتباط بودند از کارهای حساس برکنار کرد و کسانی رابر جای آنها گماشت کـه چون خود او که فرمانبردار شـاه بـود آنها هم فرمانبردار او باشند، البته در همه‌ی موارد در این امـر توفیق حاصل نکرد ولی از تلاش هم باز نماند. در ایـن جا بیان این نکته هم ضرورت دارد که در ابتدای کارهویدا، چون شاه آشنایی لازم با روحیات او نداشت، وی را در محاصره‌ی اطرافیان قرار می‌دهد و حتی ترتیبی به کار می‌گیرد که هویدا همیشه خود را درمیان دو و یا سه رقیب پر قدرت تر از خویش احساس نماید. ولی او کـه خود را آماده‌ی اجـرای نقشی طولانی کرده بود، بیدی نبود که از این بادها به لـرزه در آید، و تنها ارد شیر زاهدی بود که با او واقعا پنجه درپنجه افکند و سرانجام هم ناچار به تسلیم شد [۴]. هویدا بـا توجه به این که زبان عربی و چند زبان اروپایی را به خوبی تکلم‌می‌کرد، در ملاقاتهای خود با سفرا و نمایندگان کشورهای خارجـی به هیچ‌وجه لنگ نمی‌ماند و شخصا قادر بود در هرنشستی از کم و کیف قضایا آگاه شود. در ابتدای نخست وزیری گـاه گاهی

به تقلید از فرنگیها که عادت ثانویه‌ی او بود، در سخن گفتن صراحت دانشجویان تازه از فرنگ برگشته را به کار می‌گرفت، ولی به زودی متوجه این نقص خود شد تا آن جا که در تمامی دوران سیزده ساله‌ی صدارتش کمتر کسی یافت می‌شد که با وی ملاقات نموده، او را ناراضی ترك کرده باشد ·

در دوران نخست وزیری هویدا جز حادثه‌ی تیراندازی به شاه[5] واقعه‌ی دیگری که ظاهرا فوق‌العاده باشد به وقوع نپیوست، چون با تقویت روزانه‌ی ساواك و مراقبت شبانه روزی دیگر دستگاهها، هویدا آسوده‌ترین نخست وزیر ایران در دوره‌ی زمامداری خود به حساب می‌آید ·

بدیهی است در تمام دوران حکومت هویدا مسایل و مشکلاتی در بطن جامعه وجود داشت که از سوی سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی بر روی آنها سرپوش گذاشته می‌شد و جز آن جمعیتهایی که در این گونه فعالیتها مشارکت داشتند، توده‌ی مردم اعم از باسواد و بی‌سواد از کم و کیف قضایا آگاهی چندانی پیدا نمی‌کردند ·

امیرعباس هویدا پس از سیزده سال و چند ماه و چند روز نخست وزیری پست خود را به جمشید آموزگار وزیر دارایی خود تحویل داد و به عنوان وزیر راهی دربار شاه شد، پستی که از مدتی پیش، با درگذشت اسدالله علم، خالی از سرپرست مانده بود ·

در حکومت سیزده سال و چند ماهه‌ی هویدا کارهای انجام شده به قدری مشخص است که نیازی به بازگو کردن ندارد · فقط کافی است گفته شود که اگر دولتی دلسوز بر سر کار می‌بود، سودی عاید اکثریت مردم می‌شد · ما در این جا فقط اشاره‌ی کوتاهی به چند سر فصل می‌کنیم :

گذشته از پی‌ریزی صنایع مادر و ایجاد کارخانه در نقاط مختلف کشور، احداث مراکز بهداشتی و درمانی، موسسات آموزشی و پرورشی، راههای سرتاسری، شبکه‌های ارتباط جمعی، مناطق کشاورزی، تاسیسات نفتی و شبکه‌ی گازرسانی، بندر و باراندازو عقد قراردادهای گوناگون در زمینه‌های

بازرگانی ، فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی ، می‌توان از وقایع زیر به عنوان اهم رویدادهای دوران نخست وزیری هویدا نام برد : تشکیل مجلس موسسان سوم که در آن نیابت سلطنت فرح پهلوی به تصویب رسید، تاج‌گذاری شاه در ۴ آبان ماه ۱۳۴۶، به دست آوردن مقام سلطانی فوتبال آسیا در ۱۳۴۷، برگزاری بازیهای آسیایی در تهران ، صرف نظر کردن از حقانیت ایران در مورد حاکمیت بحرین ، تصرف سه جزیره‌ی تنب کوچك و بزرگ و ابو موسی ، شرکت در جنگ ظفار و امضای قرارداد با کشور عراق در الجزایر به سال ۱۳۵۲ که موجب قطع حمایت ایران از کردهای عراقی و تعیین مرزهای دو کشور گردید .

همچنین ، باید اذعان کرد که اگر کارهای برنامه ریزی شده توسط اشخاص مسوول و ملی به اجرا درمی‌آمد، منافع ملت ایران از هر لحاظ تامین می‌گردید. به هر حال درباره‌ی آن چه آنها انجام دادند، تاریخ قضاوت خواهد کرد .

بـه کابینه‌ی

جمشید آموزگار

از امرداد ماه ۱۳۵۶
تا شهریور ماه ۱۳۵۷

جمشید آموزگار با این که از اولین کابینه‌ی هویدا با او همکاری داشت ، همواره به عنوان یك رقیب، در صحنه بازیگری می‌کرد و تا آن جا هم که در قدرت داشت نسبت به او و اعمالش منتقد بود، ولی هیچ‌گاه از همکاری نزدیك با او دست برنداشت و همیشه زبان حالش این بود که :

سر و جان فدای مقام .

و اما روزی که آموزگار بر مسند صدارت جای گرفت اوضاع عمومی کشور که خود نیز یکی از سلسله جنبانان آن بود چنین وضعی داشت :

- نارضایی زایدالوصف طبقات روشنفکر، از ادامه‌ی حکومت عده‌ی معدودی به ریاست امیرعباس هویدا.
- خستگی دایم التزاید مردم و تبدیل آن به نارضایی درنتیجه‌ی وقایعی چون جشنهای پرهزینه، افزایش بی‌دریغ و بلاانقطاع تشریفات و زرق برقهایی که معمولا برای توده‌ی ایرانی خوش آیند نیست.
- عوارض قهری ناشی از افزایش درآمد نفت و شتاب نسنجیده‌ی رشد اقتصادی وتوزیع ناسالم درآمد عمومی کشور.
- تبدیل سرمایه داران کوچك به غولهای اقتصادی و صنعتی وابسته، بی‌آن که سرمایه داران فرهنگ و اهلیت لازم را داشته باشند.
- آغاز مسابقه‌ی پولدارشدن باکمك علنی وابستگان درباری.
- جنگ وجدال بی‌سابقه‌ی دولتمردان برضد یك دیگر که ریشه جز در قدرت طلبی وایجاد درد سر برای حریفان نداشت.
- تشکیل "باندهای" عظیم و پرقدرت پنهان و آشکار در عالی‌ترین سطوح مقامات اجرایی و امنیتی که بالمآل نارضایی عمومی را صد چندان می‌کرد.
- توجه همه جانبه و اغراق آمیز شاه به سیاست خارجی - مسایل نظامی و نفتی و سپردن کارمردم به افراد بی‌تجربه.
- نارضایی بسیار شدید وحتی خشم و کینه‌ی اروپای غربی به رهبری انگلستان از توجه شاه به آمریکا و افزایش فوق‌العاده‌ی قیمت نفت و در همان حال نارضایی بعضی از محافل "لیبرال - تجاری" آمریکا از شاه.
- انتقاد نامعقول و فضل فروشیهای شاه در هرفرصتی نسبت به حکومتهای اروپای غربی.
- تاکید شاه بر این نکته که نفت ایران تا بیست سال بعد پایان خواهد یافت - با توجه به این مطلب که تا بیست سال دیگر نه تنها ایران نفتی برای فروش نخواهد داشت، بل به دلیل نداشتن پول نفت و در اختیار داشتن منابع غیر نفتی کشور از صورت بازار مصرف کالاهای غربی خارج خواهد شد و ادعای رسیدن به خودکفایی.
- بلند پروازیهای شاه در بیان این که ایران به زودی پنجمین قدرت نظامی و اقتصادی جهان خواهد شد.

ـ شرایط ناشی از شکست آمریکا در ویتنام و به خصوص افتضاح ماجرای "واترگیت"[۶] که سرانجام ورود "کارتر" را به کاخ سفید واشینگتن تسهیل کرد.

ـ ارتش تا دندان مسلحی که شاه خیال می‌کرد فقط از وی حرف شنوی دارد.

ـ منسجم و متحد شدن گروههای داخلی و خارجی مخالف رژیم که تا اوایل ۱۳۵۶ هرگز به فکر ائتلاف با یك دیگر نبودند.

در چنین شرایطی جمشید آموزگار با اتکا به پشتیبانی شاه به قول خودش "سکان کشتی در حال غرق شدن را در اختیار گرفت" بدون آن که شخصا چندان آشنایی و شناختی از واقعیتهای درونی و بیرونی جامعه داشته باشد. ضمنا افرادی را برای همکاری انتخاب کرد که هیچ کدام جز "احراز پست" اندیشه‌ای در سر نداشتند و جز یکی دو نفر بقیه‌ی اعضای کابینه حتی نسبت به او دشمنی نیز در قبل نشان داده بودند.

در این جا بیان این نکته ضرورت دارد که در آبان ماه ۱۳۵۵ "جیمی کارتر" وارد کاخ سفید شده بود و روابط کاخ سفید و کاخ نیاوران به شدت سرد و متزلزل و مواجه با بسیاری پرسشهای نگران کننده بود، چنان که "کارتر" روزهای متمادی از دادن پاسخ به تلگراف تبریك شاه خودداری کرد.

سنت همیشگی روسای جمهوری آمریکا که تقریبا بلافاصله پس از استقرار در کاخ سفید با شاه ملاقات می‌کردند برهم خورده بود و مدتها طول کشید تا کارتر "فرح" ـ و نه شاه را ملاقات کند.

این تزلزل، سنت همیشگی رژیم را که در سرکوبی مخالفان بود کاهش می‌دهد، اما روال و روش حکومت کمترین تغییری نمی‌کند تا آن‌جا که، در این میان حزب رستاخیز مامور می‌شود فلسفه‌ی "انقلاب شاه و ملت" را تدوین نماید. جشنواره‌ی جهانی فیلم در تهران افتتاح می‌گردد. با کسب اجازه، انجمن شاهنشاهی موسیقی ایرانی تشکیل و اولین ساعت اتمی ایران هم نصب می‌شود.

در چنین شرایطی نامه‌ی توهین‌آمیز "برضد امام خمینی" با امضای مستعار در روزنامه‌ی اطلاعات چاپ می‌شود[۷].

با انتشار این نامه‌ی توهین آمیز، تظاهراتی با شرکت روحانیون در قم برپا می‌شود که بر اثر مقابله‌ی نیروهای امنیتی عده‌ای کشته و جمعی مجروح می‌شوند. به

همین مناسبت مراسم یادبود کشته شدگان و مجروحان در تبریز برپا می‌گردد که این مراسم هم با مقابله‌ی نیروهای نظامی رو به رو می‌شود. درباره‌ی این واقعه وزیر مشاور در امور پارلمانی در مجلس شورای ملی اعلام کرد: عده‌ای از خارج از مرز به آذربایجان آمده‌اند و بلوا راه انداخته‌اند[8].

در همین اوان سینمای رکس در آبادان به آتش کشیده می‌شود و عده‌ی کثیری از مردم بی‌گناه و بی‌دفاع طعمه‌ی لهیب آتش می‌گردند. *

در چنین احوالی آموزگار به جا به جایی وزیران کابینه مشغول است و چون اصولا آدم خشک سری است، آماده‌ی شنیدن هیچ حرف منطقی هم نیست.

به همین دلیل دولت انجام تظاهرات را، که اینک سراسر مملکت را فراگرفته، ممنوع می‌نماید ولی مردم به این دستور دولت اعتنایی نمی‌کنند، اعتصابها گسترش می‌یابد و در تمام ایران تظاهرات به صورت خشونت آمیز ادامه پیدا می‌کند و چون کابینه‌ی جمشید آموزگار توان مقابله با اوضاع را ندارد، به دستور شاه از کار برکنار می‌گردد.

---

* در شهریور ماه ۱۳۵۹ دادگاه ویژه‌ی فاجعه‌ی سینما رکس آبادان تشکیل شد. حاکم شرع دادگاه حجت الاسلام موسوی بود. این دادگاه پس از هیژده جلسه و پرده‌برداشتن از حقایق، سرانجام رای خودرا درباره‌ی شش نفر از متهمان صادر کرد و آنها محکوم به اعدام واعدام شدند: حسین تکبلی‌زاده، علی‌نادری، اسفندیار رمضانی، سیاوش امینی‌آل‌آقا، منوچهر بهمنی و فرج‌الله مجتهدی. همچنین، در مورد چند نفراز جمله سرتیب رزمی رای غیابی اعدام صادر گردید. (در ۴ اسفند ماه ۱۳۵۷ نیز به حکم دادگاه انقلاب سروان منیر طاهری افسر شهربانی به جرم دست داشتن در آتش سوزی سینما رکس اعدام شده بود.) روزنامه‌ی اطلاعات شماره‌ی ۱۶۲۲۵ مورخ ۱۳۵۹/۶/۶.

توضیحات

۱ـ کتاب فراموشخانه وفراماسونری در ایران صفحه‌ی ۶۸۰.

۲ـ در آن هنگام انوشیروان سپهبدی دایی امیرعباس هویدا سفیر ایران در فرانسه بود.

۳ـ منوچهر اقبال، اسدالله علم، اردشیر زاهدی، جمشید آموزگار، ارتشبد نصیری.

۴ـ هنگامی که دشمنی هویدا و اردشیر زاهدی به اوج می‌رسد وعموم "خواص درگاه" در پیش‌بینی عاقبت کار و تعیین برنده‌ی منازعه انگشت به دهان می‌مانند و مخصوصا بعد از غروب روزی که اردشیر زاهدی در روی پله‌های زیرزمین خانه‌ی هویدا به او فحش رکیك می‌دهد، عاقبت به گفته‌ی مرحوم کاظم زاده رییس دفتر معینیان، در پایان یکی از شرفیابیهای معمول و روزمره، وقتی که "معینیان" می‌خواهد از اتاق کار شاه در کاخ نیاوران خارج شود، شاه او را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: "ضمنا به زاهدی بگویید به خانه‌اش برود".

معینیان بلافاصله بعد از ترك دفتر متوجه می‌شود که منظور از "زاهدی" هم می‌تواند اردشیر زاهدی وزیر امورخارجه باشد و هم حسن زاهدی وزیر کشور، اما جرات نمی‌کند دوباره به اتاق کار شاه برود و توضیح بخواهد.

فردای آن روز از طریق "فرح" در می‌یابد که منظور، اردشیر زاهدی بوده است. عصر همان روز بر اساس برنامه‌ی قبلی قرار بوده است اردشیر زاهدی "بی‌آن که از مغضوب شدن خود آگاهی داشته باشد" با شاه در سعدآباد ملاقات کند، معینیان سرهنگ بازنشسته "فرخنده کیش" رییس انتظامات دفتر مخصوص را به در بزرگ و اصلی ورودی سعدآباد می‌فرستد تا منتظر زاهدی شود و او را لدی الورود نزد معینیان ببرد، زاهدی می‌آید و یکسره به اتاق معینیان می‌رود.

هنوزچند دقیقه از ورود ارد شیر زاهدی به اتاق معینیان نگذشته بود که صدای اوشنیده شد که بلند وباعصبانیت می‌گفت:
ای مادر... ! ای مادر... !

۵ـ گروه واقعه‌ی کاخ مرمر و سرنوشت آنها :

پرویز نیکخواه تا سال ۱۳۳۳ عضو سازمان جوانان حزب توده بود و به علت آن که برادر و خواهر بزرگتر او نیز عضو حزب بودند، در فاصله‌ی سال ۱۳۳۲ تا پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۳۷ فعالیتی نداشت. پس از مسافرت به اروپا برای ادامه‌ی تحصیل، به حزب توده می‌پیوندد، البته وضع خانوادگی او در این امر بی‌تاثیر نبوده است. پس از چندی با حزب بر سرخط مشی اختلاف پیدا می‌کند و جدا می‌شود، ازسال ۱۳۳۹ به بعد شخصا نقش موثری در سازماندهی فعالیتهای خارج از کشور به عهده می‌گیرد. در اواخر سال ۱۳۴۲، به رغم فعالیتهایی که در اروپا برضد رژیم کرده بود، با تحقیقات مختصری مورد اغماض قرار می‌گیرد و در پلی‌تکنیک تهران مشغول تدریس می‌شود.

نیکخواه در سال ۱۳۴۳ به تشکیل گروهی دست می‌زند و برنامه‌ی خود را تعلیمات وتبلیغات ایده‌اولوژیك وتدارك عملیات پارتیزانی قرار می‌دهد. جزوه‌ها ونشریه‌های حزب کمونیست چین را ترجمه و تکثیر می‌کند. این گروه معتقد بودند که با نفوذ در میان دهقانان باید به جنگ چریکی روی آورد و به تدریج نیز بر تعداد افراد گروه خود اضافه می‌کردند. از جمله افرادی که به گروه می‌پیوندند دو جوان کاشانی به نامهای احمد کامرانی و رضا شمس آبادی بودند، که اولی با شرکت شخصی به نام طلایی در جوادیه‌ی تهران مغازه‌ی رادیوسازی داشت و دیگری برای خدمت در گارد شاهنشاهی انتخاب شده بود، در فروردین ماه ۱۳۴۴ شمس آبادی قصد خود را مبنی بر ترور شاه به کامرانی اظهار می‌کند و کامرانی نیز مطلب را از طریق رابط خود (منصوری) به نیکخواه اطلاع می‌دهد. ولی پس از طرح موضوع در کمیته‌ی گروه، این اقدام مورد تصویب قرار نمی‌گیرد. شمس آبادی که زیاد تحت‌کنترل گروه نبود، در ۲۱ فروردین ماه با مسلسل دستی به سوی شاه شلیك می‌کند

که به جای شاه دو نفر نظامی از پای در می‌آیند و خود شمس‌آبادی هم کشته می‌شود، ولی از سوی دولت خبری در این باره منتشر نمی‌شود. در حالی که مردم کم و بیش از واقعه خبردار شده بودند، افراد گروه شناسایی و همگی دستگیر می‌شوند.

بازداشت این عده در اروپا سروصدای زیادی برپا می‌کند و از مجامع بین‌المللی برای نظارت بر محاکمه‌ی آنها عده‌ای به تهران می‌آیند.

برای این هیات اروپایی مساله‌ی اساسی نحوه‌ی رعایت اصول مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و رسیدگی به امر شکنجه است. نیکخواه در این مرحله خود را به نفهمی می‌زند و با توافقی که با سازمان امنیت به عمل آورده بود، از طرح مساله‌ی شکنجه، و حمله به رژیم در دادگاه خودداری می‌کند.

در آبان ماه ۱۳۴۴ در دادگاه بیشتر متهمان اظهار ندامت و اعلام وفاداری به رژیم می‌کنند (منصوری و کامرانی به اعدام و نیکخواه به حبس ابد محکوم می‌شوند و دیگران به حبسهای کمتر)، در دادگاه تجدید نظر نیکخواه به ده سال زندان محکوم می‌شود، ولی منصوری و کامرانی موردعفو شاه قرار می‌گیرند. در سال ۱۳۴۶ نیکخواه و منصوری به بروجرد تبعید می‌شوند و از همان جا نیکخواه تغییر چهره می‌دهد و با انجام مصاحبه‌هایی با رسانه‌های گروهی خود از مبلغین رژیم می‌شود. تا آن جا که در اواخر حکومت هویدا و در تمام دوره‌ی حکومت جمشید آموزگار از نظریه پردازان حزب رستاخیز و مفسر رادیو و تلویزیون در مسایل سیاسی و اجتماعی بود. این شخص پس از پیروزی انقلاب اعدام شد.

۶ـ افتضاح "واترگیت" عبارت بود از استراق سمع غیرقانونی از گفت و گوهای محرمانه‌ی حزب دموکرات در مجتمع "واترگیت واشینگتن" توسط حزب جمهوری خواه. افشای این مذاکرات موجب کناره‌گیری نیکسون از ریاست جمهوری شد.

۷ـ روزنامه‌ی اطلاعات هفدهم دی ماه ۱۳۵۶ شماره‌ی ۱۵۵۰۶

ایران و استعمار سرخ و سیاه: احمد رشیدی مطلق.

این روزها به مناسبت ماه محرم و عاشورای حسینی بار دیگر اذهان متوجه استعمار سیاه و سرخ یا به تعبیر دیگری اتحاد استعمار کهن و نو شده است، استعمار سرخ وسیاهش، کهنه و نویش روح تجاوز و تسلط و چپاول دارد و با این که خصوصیت ذاتی آنها همانند است خیلی کم اتفاق افتاده است که این دو استعمار شناخته شده ی تاریخ با یك دیگر همکاری نمایند مگر در موارد خاصی که یکی از آنها همکاری نزدیك و صمیمانه و صادقانه‌ی هر دو استعمار در برابر انقلاب ایران، به خصوص برنامه‌ی مترقی اصلاحات ارضی در ایران است. سرآغاز انقلاب شاه و ملت در روز ششم بهمن ماه ۲۵۲۱ شاهنشاهی، استعمار سرخ و سیاه ایران را که ظاهرا هرکدام در کشور ما برنامه و نقشه‌ی خاصی داشتند با یك دیگر متحد ساخت که مظهر این همکاری صمیمانه در بلوای روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ماه ۲۵۲۲ در تهران آشکار شد.

پس از بلوای شوم ۱۵ خرداد که به منظورمتوقف ساختن و ناکام ماندن انقلاب درخشان شاه و ملت پایه‌ریزی شده بود، ابتدا کسانی که واقعه را مطالعه می‌کردند دچار یك نوع سرگیجی عجیبی شده بودند زیرا در یك جا رد پای استعمار سیاه و در جای دیگر اثر انگشت استعمار سرخ در این غایله به وضوح دیده می‌شد. از یکسو عوامل توده‌ای که با اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی همه‌ی امید های خود را برای فریفتن دهقانان و ساختن (انجمنهای دهقانی) نقش بر آب می‌دیدند، در برابر انقلاب دست به آشوب زدند و از سوی دیگر مالکان بزرگ که سالیان دراز میلیونها دهقان ایرانی را غارت کرده بودند و به امید شکستن این برنامه و رجعت به وضع سابق، پول در دست عوامل توده‌ای و ورشکستگان دیگر سیاسی گذارده بودند و جالب این که این دسته از کسانی که باور داشتند می‌توانند چرخ انقلاب را از حرکت باز دارند و اراضی واگذار شده به دهقانان را از دست آنها خارج سازند دست به دامن عالم روحانیت زدند، زیرا می‌پنداشتند که مخالفت عالم روحانیت که در جامعه‌ی ایران از احترام خاصی برخوردار است، می‌تواند نه تنها برنامه‌ی انقلاب را دچار مشکل سازد بلکه همان طور که یکی از مالکان بزرگ تصور کرده

بود (دهقانان زمینها را به عنوان زمین غصبی پس بدهند!) ولی عالم روحانیت هشیارتر از آن بود که برضد انقلاب شاه وملت که منطبق با اصول و تعالیم اسلامی و به منظور اجرای عدالت و موقوف شدن استثمار فرد از فرد توسط رهبر انقلاب ایران طراحی شده بود، برخیزد.

مالکان که برای ادامه‌ی تسلط خود همواره از ژاندارم تا وزیر، از روضه خوان تا چاقوکش را در اختیار داشتند وقتی باعدم توجه عالم روحانیت و در نتیجه مشکل ایجاد هرج و مرج علیه انقلاب رو به رو شدند و روحانیون برجسته حاضر به همکاری با آنها نشدند، درصدد یافتن یك (روحانی) برآمدند که مردی ماجراجو، بی‌اعتقاد و وابسته و سرسپرده به مراکز استعماری و به خصوص جاه طلب باشد و بتواند مقصود آنها را تامین نماید و چنین مردی را آسان یافتند. مردی که سابقه‌اش مجهول بود و به قشری ترین و مرتجع ترین عوامل استعمار وابسته بود و چون در میان روحانیون عالیمقام کشور با همه‌ی حمایتهای خاص موقعیتی به دست نیاورده بود، درپی فرصت می‌گشت که به هرقیمتی هست خود را وارد ماجراهای سیاسی کند و اسم و شهرتی پیدا کند. روح الله خمینی عامل مناسبی برای این منظور بود و ارتجاع سرخ و سیاه او را مناسب ترین فرد برای مقابله با انقلاب ایران یافتند و او کسی بود که عامل واقعه‌ی ننگین روز ۱۵ خرداد شناخته شد.

روح الله خمینی معروف به (سید هندی) بود. درباره‌ی انتصاب او به هند هنوز حتی نزدیکترین کسانش توضیحی ندارند. به قولی او مدتی در هندوستان به سر برده، درآن جا با مراکز استعماری انگلیس ارتباطاتی داشته است و به همین جهت به نام (سید هندی) معروف شده است. قول دیگر این بود که او در جوانی اشعار عاشقانه می‌سروده است و به نام (هندی) تخلص می‌کرده است و به همین جهت به نام هندی معروف شده است وعده‌ای هم عقیده دارند که چون تعلیمات او در هندوستان بوده، فامیل هندی را از آن جهت انتخاب کرده است که از کودکی تحت تعلیمات یك معلم بوده است: آن چه مسلم است شهرت او به نام غایله ساز ۱۵ خرداد به خاطر همگان مانده است، کسی که علیه انقلاب ایران و

به منظور اجرای نقشه‌ی استعمار سرخ و سیاه کمر بست و به دست عوامل خاص وشناخته شده علیه تقسیم املاك، آزادی زنان و ملی شدن جنگلها وارد مبارزه شد و خون بی‌گناهان را ریخت و نشان داد هستند هنوز کسانی که حاضرند خود را صادقانه در اختیار توطئه‌گران وعناصر ضد ملی بگذارند.

برای ریشه یابی از واقعه‌ی ۱۵ خرداد و نقش قهرمان آن توجه به مفاد یك گزارش و یك اعلامیه و یك مصاحبه کمك موثر خواهد کرد. چند هفته قبل از غایله‌ی ۱۵ خرداد گزارشی از طرف سازمان اوپك منتشر شد که در آن ذکر شده بود (درآمد دولت انگلیس از نفت ایران چند برابر مجموع پولی است که در آن وقت عاید ایران می‌شد) ... چند روز قبل از غایله اعلامیه‌ای در تهران فاش شد که یك ماجراجوی عرب به نام (محمد توفیق القیسی) با یك چمدان محتوی ده میلیون ریال پول نقد در فرودگاه مهرآباد دستگیر شده که قرار بود این پول در اختیار اشخاص معینی گذارده شود. چند روز پس از غایله نخست وزیر وقت در یك مصاحبه‌ی مطبوعاتی فاش کرد (بر ما روشن است که پولی از خارج می‌آمده، به دست اشخاصی می‌رسیده، در راه اجرای نقشه های پلید بین دستجات مختلف تقسیم می‌شده است) خوشبختانه انقلاب ایران پیروز شد. آخرین مقاومت مالکان بزرگ و عوامل توده‌ای درهم شکسته شد و راه برای پیشرفت و تعالی و اجرای اصول عدالت اجتماعی هموار شد. در تاریخ انقلاب ایران روز ۱۵ خرداد به عنوان خاطره‌ای دردناك ازدشمنان ملت ایران باقی خواهد ماند و میلیونها مسلمان ایرانی به خاطر خواهند آورد که چه گونه دشمنان ایران هر وقت منافعشان اقتضا کند با یك دیگر همدست می‌شوند، حتی در لباس مقدس و محترم روحانی.

۸ـ هلاکو رامبد وزیر مشاور و معاون پارلمانی دولت آموزگار در مجلس اعلام کرد عده‌ای از خارج مرزها به آذربایجان وارد شده، در آن جا آشوب به پا کرده‌اند.

به ویرانی این اوضاع هستم مطمئن زان رو
که بنـیان جفـا و جور بی‌بنیـاد می‌گردد
" فرخی یزدی "

آتشهای زیرخاکستر*

از سال ۱۳۴۱ گروههای سیاسی در ایران و اروپا دوباره دست به فعالیتهایی زدند. از شروع‌کار کابینه‌ی حسنعلی منصور هر چند وقت یکبار این گروهها با فعالیتهای پنهان و آشکار خود آتشی روشن می‌کردند، ولی پس از مدتی به ظاهر خاموش می‌شدند.

۱ـ جبهه‌ی ملی:

این جبهه که پس از کودتای بیست و هشت امرداد عملا هسته‌ی مرکزی خود را از دست داد، چند بار فعالیتهایی را آغاز کرد، تا این که در سال ۱۳۳۶ اقدام به تشکیل جبهه‌ی ملی دوم شد ـ چند اطلاعیه هم در این زمینه منتشر شد ولی دستگاههای انتظامی و امنیتی این حرکت را به ظاهر در "جنین" خفه کردند. متعاقب این جریان فعالیت‌عده‌ای از دانشجویان وابسته به جبهه‌ی ملی در اروپا آغاز شد. در سال ۱۳۴۱ جبهه‌ی ملی سوم فعالیت‌آشکاری را در ایران آغاز کرد که منجر به دستگیری عده‌ای از سران آن شد، ولی جوانان و دانشجویان کوششهای خود را در ایران و اروپا دنبال کردند.

۲ـ کنفدراسیون:

این تشکیلات بین سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ به وسیله‌ی عده‌ای از اعضای فراری حزب توده زیر پوشش یک سازمان

---

* آن‌چه در این قسمت می‌خوانید فشرده‌ای است از مطالبی که نهادها و سازمانهای مختلف در سالهای بعداز انقلاب منتشر کردند. بدیهی است برای اطلاعات بیشتر بایستی به آن نشریات مراجعه شود.

صرفا "صنفی دانشجویی" از به هم پیوستن فدراسیونهای دانشجویان و محصلین ایرانی در اروپا و آمریکا تشکیل شد.

این سازمان ابتدا مدتی کاملا در اختیار حزب توده بود، اما پس از چندی جناحهای دیگری که عموما با حزب توده و رهبران و کارنامه‌ی گذشته‌ی آن حزب مخالف بودند، مانند کمونیستهای ضد شوروی، اعضای جبهه‌ی ملی و اعضای مارکسیست شده‌ی جبهه‌ی ملی که به کنفدراسیون پیوسته بودند، تغییر شکل داد.

در حدود سال ۱۳۴۰ که اختلافهای مسلکی چین و شوروی علنی شد، کمونیستهای ایرانی نیز به تبع سایر کمونیستهای دنیا به دو جناح (اردوگاه مسکو- اردوگاه پکن) تقسیم شدند. قبل از این واقعه، همه‌ی کمونیستهای ایرانی باحزب توده و البته با مسکو همکاری می‌کردند. رهبران و نظریه پردازان حزب به شوروی و برخی کشورهای اروپایی (اروپای شرقی) گریخته بودند و در آن کشورها به سر می‌بردند. اینان همچنان کمونیست به سبك مسکو باقی ماندند، اما تقریبا تمامی کمونیستهای جوان وجوانانی که بعدا کمونیست شدند، به مسکو پشت کردند. تعدادی از این گروهها راطرفداران افکار (مااوتسه دون) و در درجه‌های بعدی چه گوارا، و سایر انقلابیون آمریکای مرکزی و حتی "تروتسکی" تشکیل می‌دادند.

تشکیلات جبهه‌ی ملی در خارج از ایران در همین سالها کوشید در کنفدراسیون و تشکیلات حزب توده نفوذ کند. اما برعکس گروهی از اعضای آن جذب گروههای مارکسیستی شدند وعملا از سایر اعضای جبهه جدا گشتند و جبهه‌ی ملی به سه جناح مشخص تبدیل گردید. اعضای مارکسیست شده که اکثرا هوادار افکار "مااو" بودند و در اوایل افکار خود را مخفی و حتی انکار می‌کردند و نشریه‌ی "باختر امروز" را منتشر می‌نمودند، برای فعالیت در داخل ایران اقداماتی انجام دادند و دسته‌ای از آنها با حمایت دولت عراق سازمان جدیدی با نام "جبهه‌ی ملی ایران در خاورمیانه" به وجود آوردند. اما، توفیقی نداشتند و بعد از آشتی "شاه با صدام" در الجزایر فعالیت آنها رفته رفته کاهش یافت و سپس جذب

گروههای دیگر شدند.

دسته‌ای همان افکار و عقاید مصدق را دنبال‌کردند و به کوششهای خود ادامه دادند وکتاب ونشریه‌های ناسیونالیستی منتشر می‌کردند. جناح دیگری که افکار مذهبی داشتند، انجمنهای اسلامی "دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا" را تشکیل دادند و نشریه‌ی آنها "پیام مجاهد" بود. این جناح با عناصری که بعدها از طرف "رژیم شاه" مارکسیست اسلامی نامیده شدند، همکاری داشتند و در نتیجه دست به مبارزه‌ی مسلحانه زدند و روابط گسترده‌ای با فلسطینیها برقرار کردند.

ضمنا سازمانهای اطلاعاتی غرب (خصوصا آمریکا) نیز در تعقیب هدفهای خود در کنفدراسیون نفوذ کردند.

اما حزب توده که به یاری سرویسهای جاسوسی شوروی از ماوقع آگاه شده بود، از طریق عوامل خود که هنوز فعال ترین اعضای کنفدراسیون در اروپا بودند نه تنها توانست کنفدراسیون را از سازمان آمریکایی "کنفرانس بین‌المللی دانشجویان" خارج سازد، که توفیق یافت آن را به عضویت "اتحادیه‌ی بین‌المللی دانشجویان" که مستقیما با "شوروی" در تماس بود درآورد، از این پس تسلط کمونیستها (اعم از هواداران مسکو و یا مخالفان آنها) بر کنفدراسیون قطعیت یافت و پس از آن هر مساله و درگیری و انشعاب و تغییری که در کنفدراسیون پدید آمد، صرفا بر محور اختلافات داخلی خود کمونیستها استواربود. اما درگیری جناحهای مختلف مارکسیست بر سر کنترل کنفدراسیون که به طور عمده عبارت بود ازمبارزه‌ی حزب توده ازیکسو و سازمان انقلابی‌حزب توده‌ی ایران ازسوی دیگر، به زودی چنان کارش بالا گرفت که در طول سال ۱۹۷۶ در اروپا و آمریکا سه کنگره به نام کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی‌تشکیل شد و هر یك از آنها سایر کنگره‌های تشکیل شده را تحریم و به قلابی بودن متهم می‌کردند.

از آن پس آن چه می‌تواند فعالیت ومبارزه‌ی کنفدراسیون نامیده شود، در حقیقت تکرویهایی است که جناحهای مختلف و متضادی که با وجود اختلافات شدید درونی هنوز زیرعنوان مشترك کنفدراسیون قرار دارند، به انتخاب و ابتکار خود انجام

می‌دهند، و چه بسا وقتی اقدامی از طرف یك گروه و البته از جانب کنفدراسیون به عمل می‌آمد، سایر گروهها از جزییات تدارکاتی آن بی‌خبر بودند. ولی همه‌ی گروهها در تظاهرات شرکت می‌کردند و همگی پرچم کنفدراسیون را به دوش می‌کشیدند. اما در درون با یك دیگر مبارزه داشتند و هر گروه، برنامه‌ی مورد نظر خود را بر اساس، ایدئولوژی و سلیقه‌ی خود به مرحله‌ی اجرا در می‌آورد.

۳ـ سازمان مارکسیستی ـ لنینیستی توفان:

سازمانی ضد حزب توده و از نظر مسلکی هوادار مشروط حزب "کمونیست چین": موسسین این سازمان عده‌ای از کمونیستهای منفرد و تعدادی از منشعبین از حزب توده در اروپا بودند، از جمله غلامحسین فروتن و احمد قاسمی.

۴ـ گروه تروتسکیستهای ایرانی:

این گروه متمایل به نظریه‌های "تروتسکی" و پایه گذار آن "بابك زهرایی" یکی از اعضای اتحادیه‌ی جوانان سوسیالیست در آمریکا بود.

۵ـ سازمان جوانان دانشجویان دموکرات ایران:

حزب توده پس از شکست قطعی در کنفدراسیون، نسبت به تشکیل این سازمان اقدام کرد.

۶ـ سازمان رهایی‌بخش:

این سازمان در تهران تشکیل می‌شود و به حمله به بانکها و طرح ریزی ربودن سفیر آمریکا و افراد صاحب نام اقدام می‌کند، ولی چون غیر از حمله به بانکها در امر دیگری توفیق پیدا نمی‌کند، پس از چندی ظاهرا به علت اختلافات درونی از فعالیت باز می‌ماند.

۷ـ فداییان اسلام:

این سازمان که پس از ترور حسنعلی منصور هسته‌ی مرکزیش به ظاهر پراکنده می‌شود، بعدا به فعالیت خود ادامه

می‌دهد. فداییان اسلام سخت پایبند مذهب و معتقد به اجرای بی‌چون و چرای قوانین شرع مقدس اسلام اند.

۸ـ حزب ملل اسلامی:

این حزب در اوایل سال ۱۳۴۰ تشکیل می‌شود و چهار اصل را مبنای حرکت خود تعیین می‌کند: تاکید به اسلام، استناد به قرآن، سنت به عقل، تایید به همبستگی ملل و سرزمینهای اسلامی و اعتقاد به انقلاب. سازمان دهنده‌ی این حزب سید کاظم بجنوردی است.

از سال ۱۳۴۴ این حزب به سرعت رشد می‌کند و عده‌ی زیادی از جوانان با تمایلات مذهبی به آن می‌پیوندند، حزب به شبکه‌هایی تقسیم می‌شود و به اعضای خود اعلام می‌نماید که باید در فرصت مقتضی به دنبال قیام باشند و جنگ توده‌ای برپا دارند.

کادر رهبری این حزب در سال ۱۳۴۴ دستگیر می‌شود. سید کاظم بجنوردی به‌اعدام وپنجاه وپنج نفر دیگر به حبسهای ابد و بلند مدت محکوم می‌گردند، سپس حکم اعدام بجنوردی به حبس ابد تبدیل می‌شود، اما فعالیت گروههای وابسته به آنها در خارج ادامه می‌یابد و اقدامات خود را تا پیروزی انقلاب در تهران و اکثر شهرستانها ادامه می‌دهند.

۹ـ گروه سیاهکل ـ فداییان خلق:

پایه گذاران اصلی سازمان چریکهای فدایی خلق همان مارکسیستهایی بودند که به مبارزه‌ی مسلحانه با رژیم شاه عقیده داشتند و از اواسط سال ۱۳۴۹ به عملیاتی پرداختند که شامل بمب‌گذاری و حمله‌ی مسلحانه به بانکها بود. مهم‌ترین فعالیتی که این افراد از شروع کار انجام دادند، عبارت بود از ربودن یک هواپیمای "همـا" و بردن آن به بغداد، حمله به پاسگاه ژاندارمری در "سیاهکل" لاهیجان، و ترور سپهبد فرسیو رییس دادرسی ارتش. عده‌ای از افراد فدایی خلق در این مبارزات به دست ماموران رژیم کشته یا تیرباران شدند، جمعی به خارج از کشور رفتند و عده‌ای در ایران باقی ماندند.

۱۰ـ مجاهدین خلق :

در مورد این گروه چون نشریات و کتابهای زیادی منتشر شده است، برای آشنایی با سوابق آنها بایستی به آن نشریات مراجعه شود ·

۱۱ـ روحانیت :

در مورد فعالیتهای روحانیون که از سال ۱۳۴۱ و به صورت علنی به رهبری "امام خمینی" آغاز گردیده است نیازی به توضیح نیست، زیرا در این باب مطالب گفتنی به رشته‌ی تحریر در آمده است· برای اطلاع بایستی به کتب و نشریات عدیده‌ای که از سوی جامعه‌ی روحانیت و نهادهای انقلابی منتشر شده است مراجعه شود ·

۱۲ـ نهضت آزادی :

قبل از جریان ملی شدن صنعت نفت، به رهبری مهندس بازرگان فعالیت داشت و بیشتر به نشر کتاب و جزوه و اشاعه‌ی افکار مذهبی می‌پرداخت، مدتی با جبهه‌ی ملی همراه بود · بازرگان با دکتر مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت همکاری کرد· ولی پس از چندی خود را کنار کشید· در اواخر حکومت دکتر مصدق مدیر کل آب تهران شد، اما پس از کودتای ۲۸ امرداد با دولت زاهدی نیز همکاری کرد چون رسما علاقه‌مند بود که در انتخابات بعد از کودتا فعال باشد· همکاری بازرگان با زاهدی با کنار گذاشتن او از کار خاتمه می‌پذیرد· از سال ۱۳۴۱ با شروع مجدد فعالیت جبهه‌ی ملی با آنها هماهنگی می‌کند ولی مجددا این رابطه قطع می‌گردد· پس از قیام پانزده خرداد با آیت الله طالقانی و تنی چند از یاران خود از جمله دکتر سحابی و فرزندش مهندس سحابی به زندان می‌رود و به ده سال حبس محکوم می‌شود، ولی پس از چند سال از زندان آزاد می‌گردد و به کوششهای خود در مبارزه برضد رژیم در ایران و همکاری با دانشجویان مسلمان در خارج از کشور ادامه می‌دهد· (در مورد مهندس بازرگان و یاران او به فصل چهارم کتاب مراجعه شود·) سرانجام، بازرگان اولین نخست وزیر ایران بعد از انقلاب

می‌شود که دولت او را به نام دولت موقت نام‌گذاری کردند.

۱۳ـ جاما:

این حزب که اکثریت اعضای آن دانش‌آموز و چند تنی از دانشجویان حزب مردم ایران بودند پس ازکودتای ۲۸ امرداد مدتی با همان نام فعالیت کرد، ولی از سال ۱۳۳۴ که فعالیتهای سیاسی محدود شد، مدتی کوشش آشکاری نداشت. در سال ۱۳۴۱ مدتی با جبهه‌ی ملی و سپس با مهندس بازرگان همکاری کرد. در آن موقع دکتر کاظم سامی و دکتر حبیب‌الله پیمان از اعضای فعال این گروه بودند، ولی بعداً در نوع فعالیت اختلاف پیدا می‌کنند و از یك دیگر جدا می‌شوند و طبعاً در دو شاخه به فعالیت می‌پردازند: یکی به رهبری دکتر کاظم سامی و دیگری به رهبری دکتر حبیب‌الله پیمان. پس از چندی هر دو نفر دستگیر و مدتی زندانی می‌شوند.

۱۴ـ حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم:

از سال ۱۳۲۴ در مقابل فعالیتهای حزب توده عده‌ای از جوانان دانش آموز میهن پرست تشکیلاتی به نام پان ایرانیست بر مبنای مکتب پان ایرانیسم تشکیل می‌دهند. در دوره‌ی حکومت دکتر مصدق ابتدا این گروه به دو دسته تقسیم می‌شوند، ولی مجدداً به هم می‌پیوندند. پس از کودتای ۲۸ امرداد، گروه بار دیگر کاملا به دو قسم تقسیم می‌گردد. گروهی به رهبری محسن پزشکپور و دکتر محمدرضا عاملی تهرانی زیر عنوان حزب پان ایرانیست به فعالیت آشکار ادامه داد و برخی از اعضای این حزب در دو دوره به نمایندگی مجلس انتخاب شدند و دکتر عاملی تهرانی در کابینه‌های شریف امامی و ازهاری وزیر هم شد.

گروه دوم زیر نام حزب ملت ایران و به رهبری داریوش فروهر به فعالیت پرداخت این گروه بعد از ۲۸ امرداد با جبهه‌ی ملی در یك صف بود و فروهر چند بار زندانی شد ولی هیچ‌گاه از مبارزه برضد رژیم دست برنداشت.

۱۵ـ حسینه‌ی ارشاد:

این کانون تبلیغاتی که پس از کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد که به رهبری محمد تقی شریعتی مزینانی و یاران او فعالیت می‌کرد شروع به کار نمود، با سخنرانیهای دکتر علی شریعتی مزینانی "فرزند محمد تقی" رونق فوق‌العاده‌ای گرفت تا آن جا که دولت هویدا ناچار مبادرت به تعطیل آن کرد. ولی آثار چاپی و سخنرانیهای دکتر شریعتی با این اقدام دولت نه تنها رونق خود را از دست نداد، که حتی در میان طبقه‌ی جوان و خصوصا دانشجویان و دانش‌آموزان "پسر و دختر" طرفداران بی‌شماری پیدا کرد. این آثار که در زمان دولت شریف امامی مجددا به وسیله‌ی ناشران مبادرت به چاپ آنها شد، چنان تیراژی در ایران به دست آورد که به عقیده‌ی بسیاری از صاحب نظران در تاریخ مطبوعات کشور ما بی‌سابقه بود. اگر چه یك سال بعد از انقلاب اسلامی فروش این آثار هم رونق خود را از دست داد و دیگر به آن صورت قبلی چاپ و منتشر نشد.

در این جا نویسنده تذکر این نکته را لازم می‌داند که: ممکن است در جریانات سیاسی این سالها گروههای دیگری هم فعالیت می‌کردند و نشریاتی منتشر می‌نمودند، ولی چون نویسنده از کوششهای آنها آگاه نیست و به آن نشریات دسترسی نداشته است، ممکن است نام آنها ازقلم افتاده باشد.

الف: اسامی وزرا و معاونان هویدا در کابینه‌های او از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶.

۱. وزیر دادگستری: دکتر باقر عاملی، دکتر جواد صدر، منوچهر پرتو، صادق احمدی، غلامرضا کیانپور.

۲. وزیر امور خارجه: عباس آرام، اردشیر زاهدی، عباسعلی خلعت بری.

۳. وزیر کشور: دکتر جواد صدر، عبدالرضا انصاری، عطاءالله خسروانی، حسن زاهدی، محمد سام، دکتر جمشید آموزگار، امیر قاسم معینی.

۴. وزیر جنگ: سپهبد اسدالله صنیعی، ارتشبد

عظیمی ·

۵ · وزیر دارایی : امیرعباس هویدا ، دکتر جمشید آموزگار ·

۶ · وزیر فرهنگ و هنر : مهرداد پهلبد ·

۷ · وزیر آموزش و پرورش : دکترهادی هدایتی، خانم فرخ رو پارسا ، دکتر احمد هوشنگ شریفی ، دکتر منوچهر گنجی ·

۸ · وزیر راه : مهندس حسن شالچیان، مهندس جواد شهرستانی ، مهندس ابراهیم فرح بخشیان ·

۹ · وزیر بهداری : دکتر جمشید آموزگار، دکترمنوچهر شاهقلی ، پروفسور انوشیروان پویان ، دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام زاده ·*

۱۰ · وزیر پست و تلگراف و تلفن : مهندس فتح الله ستوده · دکتر کریم معتمدی ·

۱۱ · وزیر اقتصاد : دکتر علینقی عالیخانی ، هوشنگ انصاری ·

۱۲ · وزیرکشاورزی : سپهبد اسماعیل ریاحی ، دکترحسن زاهدی ، دکتر ایرج وحیدی ، منصور روحانی ·

۱۳ · وزیر کار و امور اجتماعی : عطاءالله خسروانی، دکتر عبدالمجید مجیدی ، امیر قاسم معینی ، دکتر منوچهر آزمون ·

۱۴ · وزیر اطلاعات : سرلشگر حسن پاکروان ، هوشنگ انصاری ، جواد منصور ، دکتر محمد سام ، حمید رهنما ، دکتر غلامرضا کیانپور ، کریم پاشابهادری ·

۱۵ · وزیر آبادانی و مسکن : دکتر هوشنگ نهاوندی ، غلامرضا نیك پی ، دکتر محمد یگانه ، دکتر کورس آموزگار ، مهندس همایون جابر انصاری ·

۱۶ · وزیر آب و برق : مهندس منصور روحانی ، ایرج وحیدی ، حکمت ·

۱۷ · وزیر مشاور در امور استخدامی : دکتر منوچهر

---

* وزیر بهداری و رفاه اجتماعی ·

گودرزی ، دکتر حسین کاظم زاده .

۱۸ . وزیر مشاور در امور پارلمانی : دکتر ناصر یگانه ، محمود قوام صدری ، دکتر عزت الله یزدان پناه ، دکتر ضیاء الدین شادمان .

۱۹ . وزرای مشاور : دکتر محمود کشفیان ، دکتر محمد نصیری ، دکتر عبد العلی جهانشاهی ، جواد منصور ، دکتر هادی هدایتی ، دکتر منوچهر کلالی .

۲۰ . معاون نخست وزیر در جلب سیاحان : دکتر قاسم رضایی .

۲۱ . معاون نخست وزیر : دکتر غلامرضا نیك پی ، سپهبد تقی مشاور ، دکتر فرهنگ مهر ، احمد کاشفی ، یدالله شهبازی ، دکتر حسین تدین ، کریم پاشا بهادری .

۲۲ . معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اطلاعات و امنیت کشور : سپهبد نعمت الله نصیری .

* معاون نخست وزیر وسرپرست سازمان اوقاف : نصیر عطار ، دکتر منوچهر آزمون ، محمد حسین احمدی .

* وزیر مشاور و معاون اجرایی : غلامرضا نیك پی ، دکتر هادی هدایتی .

* معاون نخست وزیر ورییس دفتر بودجه : عبد المجید مجیدی ، دکتر حسین کاظم زاده ، دکتر علی هزاره .

* وزیر علوم و آموزش عالی : دکتر مجید رهنما ، دکتر حسین کاظم زاده ، دکتر منوچهر شاهقلی ، دکتر عبد الحسین سمیعی .

* وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی : دکتر عبد المجید مجیدی ، دکتر منوچهر گودرزی ، سپهبد اسد الله صنیعی .

* وزیر منابع طبیعی : مهندس ناصر گلسرخی .

* وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی : دکتر عبد العظیم ولیان ، مهندس رضا صدقیانی *.

---

* وزیر تعاون و امور روستاها .

* وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه : مهندس صفی اصفیا، عبدالمجید مجیدی.
* نایب نخست‌وزیر و وزیر مشاور در امور عمرانی و اقتصادی : مهندس صفی اصفیا.
* وزیرمشاور ومسوول طرح حمل‌ونقل : دکتر منوچهر گودرزی.
* وزیر بازرگانی : دکتر فریدون مهدوی، دکتر منوچهر تسلیمی.
* وزیر صنایع و معادن : فرخ نجم‌آبادی.
* معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان انرژی اتمی : دکتر اکبر اعتماد.
* معاون نخست‌وزیر و سرپرست تربیت بدنی : منوچهر قره‌گوزلو، سپهبد پرویز خسروانی، سپهبد مصطفی امجدی، سپهبد علی حجت کاشانی.

ب : اسامی وزرا و معاونان نخست‌وزیر در کابینه‌ی جمشیدآموزگار.

۱. وزیر دادگستری : صادق احمدی.
۲. وزیر امور خارجه : عباسعلی خلعتبری.
۳. وزیر کشور : نصر اصفهانی.
۴. وزیر جنگ : ارتشبد عظیمی.
۵. وزیر فرهنگ و هنر : مهرداد پهلبد.
۶. وزیر آموزش و پرورش : دکتر منوچهر گنجی.
۷. وزیر راه : مرتضی صالحی، مهدی صفویان.
۸. وزیر بهداری : دکتر نصراله مقتدر مژدهی.
۹. وزیر پست و تلگراف و تلفن : کریم معتمدی.
۱۰. وزیر اقتصاد : حسن‌علی مهران.
۱۱. وزیر کشاورزی : منصور روحانی.
۱۲. وزیر کار و امور اجتماعی : امیر قاسم معینی.
۱۳. وزیر اطلاعات : داریوش همایون.
۱۴. وزیر مسکن : فیروز توفیق.
۱۵. وزیر آب و برق : توکلی.
۱۶. وزیر مشاور در امور اجرایی : منوچهر آگاه، محمود

کاشفی ·

۱۷ · وزیر مشاور در امور پارلمانی : هلاکو رامبد ·

۱۸ · معاون نخست وزیر : علی فرشچی ·

۱۹ · معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اطلاعات و امنیت کشور : ارتشبد نصیری ، سپهبد مقدم ·

۲۰ · معاون نخست وزیر و سرپرست اوقاف : علی فرشچی ·

۲۱ · وزیر صنایع و معادن : دکتر رضا امین ·

۲۲ · وزیر علوم و آموزش عالی : دکتر قاسم معتمدی ·

۲۳ · وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه : منوچهر آگاه، مرتضی صالحی ·

۲۴ · وزیر مشاور در امور بانوان : مهناز افخمی ·

سی و هفت سال
۳

در این بخش این مطالب را می‌خوانید :*

- مقدمه‌ای کوتاه برای ورود.
- کابینه‌ی شریف امامی و حوادث آن.
- کابینه‌ی ازهاری و حوادث آن.
- قبول نخست‌وزیری از سوی شاپور بختیار.
- اسامی وزرای کابینه‌های شریف امامی و ازهاری.

---

* در این بخش مطالب به صورت روزشمار آورده شده‌است، ولی به علت آن که مملکت‌گرفتار آشوب و تظاهرات خیابانی بود و اعتصاب کارها را فلج کرده بود و روزنامه‌ها هم به‌مدت شصت و یک روز به علت اعتصاب منتشر نشدند، جمع‌آوری کلیه‌ی مطالب به‌نحو مطلوب مقدور نشد.

همان طور که در جریان قرار گرفتیم، شاه با استفاده از امکاناتی که پیدا می‌کند تشکیلات فراماسونری راظاهرا متلاشی می‌سازد و با تقویت ساواک هر روز موقع خود را بر اریکه‌ی قدرت استوارتر می‌نماید و با تجربه‌ای که در مدت سلطنت به دست آورده، با کلیه‌ی سران کشورها نرد دوستی می‌بازد، در سالهای حکومت هویدا دو نفر در یاری رساندن به شاه بسیار موثر بودند، دکتر منوچهر اقبال و امیر اسدالله علم که هر دو پس از سپری کردن دوره‌های وزارت وصدارت به وزارت دربار هم منصوب شده بودند و شاه به خوبی از نحوه‌ی تفکر و عبودیت آنها آگاه بود. با دست اقبال و گماردن او به مدیریت عامل شرکت نفت عواید سرشار نفت را کنترل می‌کرد و به وسیله‌ی علم ضمن تماس با سیاستهای خارجی کنترل و عزل و نصب کلیه‌ی مقامات لشگری و کشوری را در دست داشت. در حکومت طولانی هویدا با امکاناتی که فروش فوق‌العاده‌ی نفت برای کشور فراهم کرده بود، اطرافیان بدون واهمه به مال اندوزی مشغول شدند، شاه هم که در امرداد ۱۳۳۲ طعم بی‌پولی را در خارج از کشور چشیده بود*، از این اقدام نزدیکان جلوگیری نمی‌کرد.

* در رم موقعی که شاه می‌خواست برای خودش کفش بخرد، تنی چند به کمک او می‌شتابند و با دادن دسته چک خود شاه را از بی‌پولی نجات می‌دهند.

این دولت که با نام دولت آشتی ملی تشکیل شده بود با اوج‌گیری تظاهرات وشروع اعتصابهای گسترده و راهپیماییهایی که تا آن تاریخ در تهران وشهرستانها سابقه نداشت، روبه رو شد.

مردم انقلابی در اکثر شهرها سربازان را گلباران می‌کردند تا بدین وسیله پشتیبانی آنها را در پیوستن به جنبش جلب نمایند. روز سیزدهم شهریور ماه که مصادف با عید فطر بود جمعیت عظیمی در قیطریه گرد آمد و با راهنمایی دکترمفتح پس از ادای نماز، جمعیت در یك راهپیمایی کم‌سابقه شرکت کردند.

صبح روز جمعه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ که مردم انقلابی در تهران خود را برای تظاهرات دیگری آماده می‌کردند با هجوم قوای انتظامی رو به رو شدند و در خیابان ژاله که جمعیت از نقاط مختلف شهر، خصوصا از محلات جنوبی به آن جا روی آورده بودند، درگیری سختی بین مردم و قوای انتظامی درگرفت که تعداد تلفات آن را مقامات دولت صد نفر اعلام کردند.*

---

* دولت شریف امامی از ساعت ۶ صبح روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران، قم، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، جهرم، کازرون، قزوین، کرج، اهواز و آبادان حکومت نظامی اعلام کرد و اعلامیه‌های فرمانداری نظامی یکی پس از دیگری صادر می‌شد و مردم را از تشکیل هرگونه اجتماع منع می‌کرد. دکتر سید جلال‌الدین مدنی در جلد دوم کتاب تاریخ سیاسی معاصر ایران صفحه‌ی ۲۶۳ در مورد این روز می‌نویسد: اعلام حکومت نظامی فرمان جنگ علیه توده‌های مردم بود. نویسنده‌ای حادثه را چنین ضبط نموده است "ابتدا خاک اره‌های آغشته به بنزین را که به کف خیابان ریخته بودند آتش زدند و چون انبوه جمعیت هراسان در تلاطم افتاد، چند اتومبیل و اتوبوس را مشتعل ساختند

در پی این درگیری علامه‌ی نوری که در شکل دادن این تظاهرات نقش اصلی را برعهده داشت به اتفاق عده‌ای بر اساس ماده‌ی ۵ قانون حکومت نظامی بازداشت شدند. در ۱۸ شهریور ماه ۱۳۵۷ ژنرال ضیاءالحق رییس جمهوری پاکستان برای ملاقات شاه به تهران آمد و شاه نیز که در تدارک سفر به کشورهای اروپای شرقی بود، برنامه‌ی خود را باطل کرد و امیرعباس هویدا نخست وزیر پیشین را که تا آن زمان به عنوان وزیر دربار در خدمت او بود از کار برکنار نمود.

کابینه‌ی شریف امامی در نوزدهم شهریور ماه ۱۳۵۷ به مجلس شورای ملی معرفی شد و با ۱۷۶ موافق و ۳۵ مخالف و هفت ممتنع از مجلس رای اعتماد گرفت. اقلیت مجلس و در راس آنها محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست، احمد بنی‌احمد نماینده‌ی تبریز و مظهری نماینده‌ی کرمان شدیدا با روی کارآمدن دولت و اعلام حکومت نظامی به مخالفت برخاستند و عمل دولت را در اعلام حکومت نظامی غیر قانونی خواندند.

همزمان با روی کار آمدن دولت جدید، اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت تهران نیز آغاز گردید.

در بیست و پنجم شهریور ماه ۱۳۵۷ زلزله‌ی سهمگینی با قدرت هفت "ریشتر" طبس و روستاهای اطراف آن را درهم کوبید و در حدود بیست هزار نفر قربانی و هزاران نفرمجروح و بی‌خانه‌مان برجای گذاشت.

تظاهرات گسترده در بسیاری از شهرها به ویژه بروجرد، سنندج، مشهد و اراک ادامه یافت و با مقاومتی که از سوی فرماندارن نظامی اعمال می‌گردید هر روز عده‌ای کشته و مجروح می‌شدند. در همین اوان "بومدین" رهبرکشورالجزایر و "یاسر عرفات" رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین پیامهای جداگانه‌ای در تایید مبارزات مردم ایران برای امام خمینی به

و سپس فروشگاه بزرگ خیابان فرح‌آباد را به آتش کشیدند و آن‌گاه آتش مسلسلها گشوده شد.

هنوز روز از نیمه نگذشته بود که هزاران تن شریف در خون غلتید و جمعه‌ی سیاه نقطه‌ی اوج بود."

نجف اشرف ارسال کردند، و نویسندگان روزنامه‌ها نیز برای آزادی قلم و بیان یك هفته به دولت مهلت دادند.

اعتصاب کارگران راه آهن زاهدان، کارکنان ذوب آهن اصفهان، کارکنان پتروشیمی آبادان و مس سرچشمه‌ی رفسنجان شیرازه‌ی امور اقتصادی مملکت را مختل ساخت. کارکنان بانك ملی شعبه‌ی مرکز اعلام اعتصاب کردند و انفجار لوله‌ی گاز، گاز رسانی به شوروی را قطع کرد. در چنین هنگامه‌ای ارتشبد نصیری رییس سابق سازمان امنیت، که به عنوان سفیر در پاکستان خدمت می‌کرد، به دستور دولت توقیف شد.

با شروع مهرماه و بازگشایی مدارس، دانش آموزان هم به صورت فشرده‌تری به صف مخالفان رژیم پیوستند. در دوم مهر ماه ۱۳۵۷ دولت عراق اقامتگاه امام خمینی را در نجف اشرف محاصره کرد و این عمل نیز با اعتراض شدید مردم در سرتاسر کشور روبه رو شد. کارکنان پالایشگاه آبادان نیز به اعتصابیون پیوستند. در دوم مهر ماه ۱۳۵۷ حزب رستاخیز به دلیل نداشتن پایگاه مردمی اعلان انحلال کرد. و در چهارم مهر علیقلی اردلان ازسوی شاه به وزارت دربار منصوب شد و دربار طی اعلامیه‌ای کلیه‌ی افراد خاندان پهلوی را از دخالت در امور مالی و بازرگانی منع کرد. در نهم مهرماه به خاطر اعتراض به دولت عراق، اعلام اعتصاب عمومی شد و در دهم مهر از اقامتگاه "امام خمینی" در نجف رفع محدودیت به عمل آمد. در سیزدهم مهر ماه ۱۳۵۷ "امام خمینی" ابتدا به قصد عزیمت به کویت، عراق را ترك کرد ولی به علت عدم دریافت اجازه‌ی ورود به کویت، عازم پاریس شد.

در ۱۵ مهر ماه به دنبال اعتصابهای گسترده اعتصاب سراسری معلمان هم آغاز گردید و با گشایش دانشگاهها، دانشجویان نیز به صورت متشکل به جنبش پیوستند و به علت حضور "گارد" در دانشگاهها، کلاسهای درس را تحریم کردند.

رادیو مسکو که تا این زمان در مورد وقایع ایران مطلبی عنوان نمی‌کرد، مهر سکوت از لب برداشت و به پخش "جدی" خبرهای سیاسی ایران پرداخت. لایحه‌ی استفاده از تاریخ شاهنشاهی در کنار تاریخ هجری شمسی وقمری که در جلسه‌ی مشترك سنا و شورا به ریاست شریف امامی "تصویب شده بود"

منتفی اعلام شد . در ۱۹ مهر نویسندگان روزنامه‌های کشور به انگیزه‌ی کسب آزادی قلم و نشر خبرهای واقعی دست به اعتصاب زدند که پس از چهار روز با اعلامیه‌ای که به امضای منوچهرآزمون وزیر مشاور در امور اجرایی ونویسندگان مطبوعات منتشر شد کار خود را در روزنامه‌ها آغاز کردند و چهره‌ی روزنامه‌ها از لحاظ مطالب و محتوا دگرگون گردید .

بازار تهران اعلام کرد در صورتی‌که دولت فرانسه برای "امام خمینی" محدودیتهای سیاسی فراهم سازد، کالاهای فرانسوی را تحریم خواهند کرد و شریف امامی در مجلس‌شورا اعلام کرد، "من دیگر شریف امامی بیست روز پیش نیستم" که مورد تشویق اکثریت وکلای رستاخیزی قرار گرفت. در ۲۴ مهرماه امام خمینی طی‌اعلامیه‌ای برای ادای احترام به شهدای روز ۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷، در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرد و دولت نیز خود این روز را عزای ملی‌اعلام داشت. به گفته‌ی خبرگزاریهای خارجی در این روز بزرگترین عزاداری تاریخ معاصر ایران در بهشت زهرای تهران برگزار شد .

در کرمان به دنبال حمله‌ی مهاجمان ناشناس مسجد این شهر به آتش کشیده شد که در این واقعه عده‌ای کشته و صدها نفر زخمی شدند. در مشهد منزل "آیت‌الله شیرازی" از طرف حکومت نظامی محاصره شد و در اغلب شهرها تظاهرات باخشونت ادامه یافت و هر روز عده‌ای کشته و مجروح می‌شدند.

در ۲۵ مهر به دنبال انفجار بمبی در اتوبوس آمریکاییهای مقیم اصفهان به توصیه‌ی دولت آمریکا اتباع آن کشور در صدد ترك ایران برآمدند و دکتر علی امینی اعلام کرد برای مذاکره و پیدا کردن راه حل مشکلات کشور با امام خمینی در پاریس ملاقات و مذاکره خواهد کرد، ولی امام طی اعلامیه‌ای به طور کلی هرگونه مذاکره و سازش را با رژیم حاکم رد کرد .

عباس اخباری نماینده‌ی کرج در مجلس شورای ملی‌دولت شریف امامی‌را استیضاح کرد ودولت نیز پس‌از پاسخ به‌استیضاح موفق به دریافت رای اعتماد از مجلس گردید. منوچهرآزمون وزیر مشاور در امور اجرایی از دولت کناره گیری کرد و اعلام نمود اقدام به تشکیل حزب اتحاد خلق خواهد کرد. در ۲۸ مهر در همدان فرهنگیان و مردم دست به تظاهرات زدند. در

این تظاهرات ساختمان حزب رستاخیز به آتش کشیده شد و مجسمه‌ی شاه به وسیله‌ی مردم در میدان شهر آتش زده شد.

در تهران کارمندان وزارت دارایی ضمن ادامه‌ی اعتصاب در اعلامیه‌ای خواستار خروج کامل مستشاران خارجی و تحریم مبادلات بازرگانی بین ایران و اسراییل و آفریقای جنوبی شدند.

در قم، نجف‌آباد، زنجان، دزفول و بوشهر تظاهرات مردم با مقاومت نیروهای نظامی روبه رو شد که عده‌ای کشته و مجروح شدند.

در تهران و اکثر شهرها مردم خواستار اصلاحات عمیق اجتماعی و لغو حکومت نظامی شدند. در سی مهر ماه مردم تهران کاخ دادگستری را اشغال کردند. مهندس مهدی بازرگان و میناچی عازم پاریس شدند تا با امام ملاقات و مذاکره نمایند.

در تهران به علت اعتصاب کارکنان و کارگران پالایشگاه نفت، صفهای طولانی اتومبیل (گاهی تا سه کیلومتر) در مقابل جایگاههای تحویل بنزین تشکیل می‌شد و در این صفها اخبار و اطلاعات و اعلامیه‌ها بین مردم رد و بدل می‌گردید.

کارکنان رادیو و تلویزیون خواستار بی‌طرفی کامل سیاسی این دستگاههای ارتباط جمعی شدند و تهدید به اعتصاب کردند. در اول آبان ماه ۱۳۵۷ فلسطینیها به رهبری یاسر عرفات تظاهراتی برضد رژیم ایران در لبنان برپا کردند و یک نماینده‌ی پارلمان انگلیس در مجلس آن کشور از پشتیبانی جیمز کالاهان نخست وزیر انگلستان از دولت و رژیم شاه به شدت انتقاد کرد.

محمود اعتمادزاده معروف به، به‌آذین نویسنده و مترجم تودهای به دنبال پخش و اعلام مرامنامه‌ی *حزب اتحاد دموکراتیک مردم ایران* به وسیله‌ی فرمانداری نظامی تهران بازداشت شد. معاون وزیر دفاع آمریکا برای بررسی اوضاع نظامی ایران وارد تهران شد.

سپهبد پالیزبان در مجلس سنا اظهار داشت دولت در جنگ سرد از مردم شکست خورده است.

از طرف جعفر شریف امامی نخست وزیر اعلام شد که کلیه‌ی خریدهای تسلیحاتی ارتش از آمریکا لغو می‌شود.

چهارم آبان ماه ۱۳۵۷. بـه علـت ادامه‌ی اعتصابها ارسال گاز به شوروی که پس از تعمیر لوله به علت انفجار مدتی بود از سر گرفته شده بود دوباره قطع گردید. به دستور دولت در مقابل فشار روز افزون مردم بیش از هزار نفـر از زندانیان سیاسی از زندان آزاد شدند که از جمله‌ی آزاد شدگان حضرات آیات عظام: سید محمود طالقانی و حسینعلی منتظری را می‌توان نام برد.

هفتم آبان ماه ۱۳۵۷. در بیشتـر شهرهای بزرگ و کوچک تظاهرات و راهپیمایی توام با خشونت و خونریزی ادامه داشت. عده‌ای "چماقدار" هم در این تظاهرات به مردم حمله می‌کردند و همین "چماقداران" باعث بیشترین کشتارهـا می‌شدند. در این موقع هویدا نخست وزیر اسبق توقیف شد.

در همین روز خبرگزاری فرانسه اعلام کرد: روزانـه پنجاه میلیون دلار ارز از ایران به وسیله‌ی عمال رژیم خارج می‌شود.

وزارت دربار طی اعلامیه‌ای اعلام کرد کلیه‌ی آجودانهای تشریفاتی شاه از کار برکنار شده‌اند.

نهم آبان ماه ۱۳۵۷. علـی امینی با شاه ملاقات کـرد و کریم سنجابی در یک گفت و گو بـا روزنامه‌ی "لـوماتـن" چاپ پاریس اعلام نمود: "راه حل نظامی ممکن است کشور را به آشوبهای وحشتناک بکشد". ایرانیان مقیم واشینگتن تظاهراتی در مقابل کاخ سفید برپا کردند. روز دهم آبان عده‌ی کثیری از مردم تهران برای دیدار از آیت الله طالقانـی به منزل او رفتند. محله‌ی بدنام شیراز توسط گروهی از مـردم به آتش کشیده شد و شعله‌های آتش و خونریزی اغلب شهرهای کشور را در خود گرفت.

یازدهم آبان ماه ۱۳۵۷. کـارتـر، رییس جمهوری آمریکا، در پیامی از شاه و حکومت او شدیدا پشتیبانی کرد. و امام خمینی نیز در یک گفت و گو با روزنامه نگاران اظهار داشت در صورت لزوم دستور پیکار مسلحانه را صادر خواهد کرد. در دوازدهم آبـان تفنگداران **سالارجاف** به سرکردگی خود او بـه شهر پـاوه حملـه کـردند که عده‌ای کشته و زخمی شدند. "**هـایلـه ماریام**" رهبر کشور اتیوپی (از دست نشاندگان مسکو) در یک مصاحبه شدیدا شاه و رژیم ایران را مورد حمله قرار داد. پنجاه

نماینده‌ی حزب کارگر انگلیس در پارلمان آن کشور از ملکه الیزابت خواستند دیدار خود را به ایران به نشانه‌ی اعتراض به اختناق در ایران لغو کند.

مستشاران نظامی آمریکا و خانواده‌های آنها ایران را ترک کردند، عشایر قشقایی در فارس طی اعلامیه‌ای پیوند خود را با مردم برضد رژیم اعلام داشتند.

سیزدهم آبان ماه ۱۳۵۷. در کلیه‌ی شهرهای ایران به مناسبت سالروز تبعید امام خمینی تظاهرات و راه پیماییهای گسترده و عظیمی برپا شد. امام خمینی طی تلگرافی به آیات عظام طالقانی و منتظری از ایشان خواست جنبش مردم را رهبری و هدایت کنند. تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران با حمله‌ی ماموران فرمانداری نظامی مواجه شد و خبر آن در شهر منتشر گردید. کانال دوم تلویزیون برخلاف رویه‌ی قبلی، ناگهان در پایان اخبار شب خود فیلمی از این واقعه را به معرض تماشا گذاشت و در روزچهاردهم آبان مردم تهران که از شب قبل با دیدن فیلم حوادث دانشگاه از تلویزیون به خشم آمده بودند، دست به تظاهرات خشونت آمیز زدند. عده‌ای نیز به فروشگاههای بزرگ، برخی از سفارتخانه‌ها، سینماها و تآترها، بانکها، کاباره‌ها و مغازه‌های مشروب فروشی حمله کردند و آتش‌سوزیهای بزرگ برپا داشتند. در محوطه‌ی دانشگاه تهران نیز مجسمه‌ی شاه را پایین کشیدند. در این حوادث نیروهای انتظامی خود را از معرکه دور نگاه می‌داشتند و کوچکترین ممانعتی به عمل نمی‌آوردند.

وزیر علوم و آموزش عالی دکتر ابوالفضل قاضی که کمتر از پانزده روز بود به این سمت انتخاب شده بود، به علت وقوع حادثه‌ی دانشگاه طی نامه‌ای خطاب به شریف امامی از سمت خود استعفا کرد و مهندس جواد شهرستانی شهردار تهران هم به مناسبت حمله به دانشجویان شدید ادولت شریف امامی را با مخابره‌ی تلگرافی مورد سرزنش قرار داد.

چهاردهم آبان ماه اطرافیان امام خمینی و جبهه‌ی ملی تشکیل کابینه‌ی احتمالی "علی‌امینی" را محکوم کردند.

شریف امامی از سمت نخست وزیری استعفا کرد و همه‌ی کسانی‌که به ادامه‌ی دولت او امید بسته بودند، ناامید شدند.

" همسفرانش سپر انداختند، بال شکستند و پراند اختند " و به این‌ترتیب حکومت ۵۷ روزه‌ی مهندس جعفرشریف امامی ، استاد اعظم ،عمرش به پایان رسید وکار به دست ازهاری سپرده شد.

در روز ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۷ شاه برصفحه‌ی‌تلویزیون ظاهر شد و این پیام را خواند:

در فضای باز سیاسی که از دو سال پیش به تدریج ایجاد می‌شد، شما ملت ایران علیه ظلم و فساد به پاخاستید. انقلاب ملت ایران نمی‌تواند مورد تایید من به‌عنوان پادشاه ایران و به‌عنوان یك فرد ایرانی نباشد.

متاسفانه در کنار این انقلاب، د سیسه و سوء استفاده‌ی دیگران از احساسات و خشم شما ، آشوب و هرج‌ومرج وشورش نیز به بار آورد. موج اعتصابها نیز که بسیاری از آنها برحق بود، اخیرا ماهیت و جهت یافت تا چرخهای اقتصاد مملکت و زندگی روزمره‌ی مردم بازایستد و حتی جریان نفت که زندگی مملکت به آن بستگی دارد قطع‌گردد، تا عبور و مرور روزانه و تامین مایحتاج زندگی مردم نیزتعطیل‌شود. ناامنی ، اغتشاش ، شورش و کشتار در بسیاری از نقاط میهنمان به جایی رسیده است که استقلال مملکت را در خطر انداخته است. وقایع اسفباری که پایتخت را دیروز به آتش کشید برای مردم ومملکت دیگر قابل ادامه و تحمل نیست. در پی استعفای دولت وبرای جلوگیری از اضمحلال مملکت و از بین رفتن وحدت ملی ، برای جلوگیری از سقوط و هرج و مرج و آشوب وکشتار و به منظور برقراری حکومت قانون و ایجاد نظم و آرامش ، تمام کوشش‌خود را در تشکیل یك دولت ائتلافی مبذول داشتیم و فقط هنگامی که معلوم شد که امکان انجام این ائتلاف نیست، به ناچار یك دولت موقت را تعیین کردیم. من آگاهم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج و مرج این امکان وجود دارد که اشتباههای گذشته و فشار و اختناق تکرار شود، من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که به‌نام مصالح و پیشرفت مملکت وباایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود. اما من به نام پادشاه شما که سوگند خورده‌ام ، که تمامیت ارضی مملکت ، وحدت ملی و مذهب شیعه‌ی اثنی عشری را حفظ کنم ، بار دیگر در برابر ملت ایران

سوگند خود را تکرار می کنم ومتعهد می‌شوم که خطاهای گذشته و بی‌قانونی و ظلم و فساد دیگر تکرار نشود، بلکه خطاها از هر جهت جبران نیز گردد. متعهد می‌شوم که پس از برقراری نظم و آرامش در اسرع‌وقت یك دولت ملی برای حفظ آزادیهای اساسی و انجام انتخابات آزاد تعیین شود تا قانون اساسی که خونبهای انقلاب مشروطیت است به صورت کامل به مرحله‌ی اجرا درآید. من نیز پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم.

من حافظ سلطنت مشروطه که موهبتی است الهی که از طرف ملت به پادشاه تفویض شده است، هستم. و آن چه را که شما برای به دست آورد نش قربانی‌داده‌اید تضمین می‌کنم، که حکومت ایران در آینده بر اساس قانون اساسی و عدالت اجتماعی و اراده‌ی ملی و به دور از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود.

در وضع فعلی برقراری نظم و آرامش برای جلوگیری از سقوط و اضمحلال ایران وظیفه‌ی اصلی نیروهای مسلح شاهنشاهی است که همیشه با حفظ ماهیت ملی خود متکی بر ملت ایران و وفادار به سوگندهای خود بوده و هست. باید باهمکاری شما هموطنان عزیزم این نظم و آرامش هرچه زودتر برقرار شود تا دولت ملی بعدی که استقرار آزادیها، اجرای اصلاحات وبه خصوص برقراری انتخابات آزاد را برعهده خواهد داشت در اسرع‌وقت کار خود را شروع‌کند. من و شما در این سی و چند سال وقایع حساسی را دیده‌ایم وخطرات بسیار را پشت سرگذاشتیم، امیدوارم در این لحظات حساس وخطیر و سرنوشت ساز، خداوند بزرگ ما را مشمول عنایت خود فرماید تا بتوانیم در کنار هم به هدفهای اصلی که آسایش و رفاه و آزادی و سربلندی ایران و ایرانی است برسیم. من در این جا از آیات عظام و علمای اعلام که رهبران روحانی ومذهبی‌جامعه و پاسداران اسلام و به خصوص مذهب شیعه هستند، تقاضا دارم تا با راهنماییهای خود و دعوت مردم به آرامش و نظم برای حفظ تنها کشور شیعه‌ی جهان بکوشند. من از رهبران فکری جوانان می‌خواهم تا با دعوت آنان به آرامش و نظم راه مبارزه‌ی اصولی برای برقراری یك دموکراسی واقعی را هموار

کنند. من از شما پدران و مادران ایرانی که مانند من نگران آینده‌ی ایران و فرزندان خود هستید می‌خواهم که با راهنمایی آنان مانع شوید تا از راه شور و احساسات در آشوب و اغتشاش شرکت کنند، به خود و به میهنشان لطمه وارد سازند. من از شما جوانان و نوجوانان که آینده‌ی ایران متعلق به شما است می‌خواهم تا میهنمان را به خون و آتش نکشید و به امروز خود و فردای ایران ضرر نزنید. من از شما رهبران سیاسی جامعه می‌خواهم تا به دور از اختلافهای عقیدتی و با توجه به موقعیت تاریخی حساس و استثنایی کشورمان نیروهای خود را برای نجات میهن به کار برید.

من از همه‌ی شما کارگران و کارکنان و دهقانان که با کوششهای خود چرخهای اقتصادی کشور را به حرکت در می‌آورید می‌خواهم تا با فعالیت هر چه بیشتر در حفظ و احیای اقتصادی کشور بکوشید.

من از همه‌ی شما هموطنان عزیزم می‌خواهم تا به ایران فکر کنید، همه به ایران فکر کنیم. در این لحظات تاریخی بگذارید همه با هم به ایران فکر کنیم.

بدانید که در راه انقلاب ملت ایران علیه استعمار، ظلم و فساد، من در کنار شما هستم و برای حفظ تمامیت ارضی، وحدت ملی وحفظ شعایر اسلامی وبرقراری آزادیهای اساسی و پیروزی و تحقق خواستها و آرمانهای ملت ایران همراه شما خواهم بود.

امیدوارم در روزهای خطیری که در پیش داریم خداوند ما را مورد عنایت و لطف خود قرار دهد و همواره موید وحافظ ملك و ملت ایران باشد. انشاءالله.

لازم به تذکر است که:*

ازهاری که با درجه‌ی ارتشبدی در مقام رییس ستاد کل

---

* در این‌جا بیان این نکته ضرورت دارد که از نخست‌وزیران ایران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی تاکنون فقط این افراد در قید

ارتش خدمت می‌کرد، عملا محلی از اعراب نداشت. فرماندهان نیروهای سه گانه سالها بود که از شاه دستور می‌گرفتند و روسای ستاد کل از همان ابتدای ایجاد این پست هر یك سرنوشتی عجیب پیدا کردند، چنان که ارتشبد هدایت از کار برکنار و توقیف و زندانی گردید و سرانجام هم با نام "عبدالله هدایت" به خاك سپرده شد. جانشین او ارتشبد حجازی خودکشی کرد.

سومین وچهارمین رییس ستاد کل ارتشبد آریانا و ارتشبد جم ناچار به ترك ایران شدند، شگفت آن که ازهاری هم در موقع انتصاب به مقام نخست وزیری قسمتهایی از بدنش فلج بود. ولی با زرق و برق لباس نظامی این نقص را می‌پوشاند. او در نیمه راه نخست وزیری متوجه شده بود او را به کاری گمارده‌اند که در توان و قدرتش نیست و خود هم یکبار صراحتا این مطلب را در مجلس عنوان کرد. پس ازنخست وزیر شدن ازهاری، آخرین رییس ستاد کل ارتشبد قره باغی بود که تا امروز از سرنوشت او همانند ازهاری اطلاع درستی در دست نیست. ولی به هر حال قره باغی بود که در پایان کارش در این پست دیگر از ارتش شاهنشاهی چیزی به جای نگذاشت.

در انتخاب ازهاری و اعضای کابینه‌ی او شریف امامی نقش اساسی را به‌عهده داشت و گویا اگر سفارش و اصرار او نبود عده‌ای این مسوولیتها را نمی‌پذیرفتند.

پس از شکل گرفتن حکومت ازهاری، شریف امامی ازکشور خارج شد و دیگر هم تا امروز کسی از او خبری ندارد.*

حیات هستند: دکتر علی امینی، مهندس جعفر شریف امامی، دکتر جمشید آموزگار، ارتشبد ازهاری و شاپور بختیار.

* شریف امامی پس از کناره‌گیری با چند تن از وزیرانش ایران را ترك کرد، در صورتی‌که هنگام معرفی کابینه‌اش در مجلس گفته بود: "من برای نجات ایران قبول مسوولیت کرده‌ام، می‌مانم و تا جان در بدن دارم کوشش خواهم کرد".

کابینه‌ی

غلامحسین ازهاری

از آبان ماه ۱۳۵۷
تا دی ماه ۱۳۵۷

کابینه‌ی ازهاری در پانزدهم آبان ماه ۱۳۵۷ تشکیل شد در حالی که شایعه‌ی نخست‌وزیری ارتشبد اویسی فرماندار نظامی تهران بر سر زبانها بود. از همان لحظه‌ی اعلام روی کارآمدن کابینه‌ی نظامی، اکثریت مردم اعلام حکومت ازهاری را نوعی کودتای نظامی به حساب آوردند. در صورتی که آگاهان می‌دانستند این کابینه به منزله‌ی اعلام ختم رژیم شاهنشاهی پهلوی است.

با آغاز اعتصاب هشتصد نفر از کارکنان رادیو و تلویزیون به عنوان اعتراض به روی کارآمدن دولت نظامی و ادامه‌ی اعتصابها در سازمانهای دولتی وهمزمان با شروع موج دوباره‌ی تظاهرات و خشونت در شهرستانها آن انتظاری که شاه از روی کار آمدن کابینه‌ی ازهاری در سر می‌پروراند، چون شمعی به پایان گرفتن و خاموشی گرایید. ژنرالهای وزیر شده جرات رفتن به وزارتخانه‌ها را نکردند و آن چند نفری هم که به محل کار خود رفتند، جز میز و صندلی چیزی در آن جا نیافتند.

کارکنان بانك ملی و صندوق پس انداز تهران به عنوان اعتراض به رژیم، مجسمه‌ی شاه را پایین کشیدند و در محوطه‌ی بانك به تظاهرات و به جای آوردن نماز جماعت پرداختند. بازارها در سراسر کشور تعطیلی نامحدودی را به خاطر اعتراض به روی‌کارآمدن دولت نظامی آغاز کردند و روزنامه‌نگاران به سبب اشغال نظامی دفتر روزنامه‌ها اعلام اعتصاب نمودند. دولت ازهاری برای تسکین افکار عمومی به خیال خود

عده‌ای از بلندپایگان رژیم را توقیف کرد. این عمل دولت نظامی کوچکترین عکس‌العملی در مردم به جا نگذاشت و کسی اعتنایی به این اعمال نکرد.

شانزدهم آبان ماه. در زنجان و همدان مردم به عنوان اعتراض به روی کارآمدن دولت نظامی دست به تظاهرات زدند که در نتیجه عده‌ای کشته و زخمی شدند و در بین کشته شدگان چند نظامی هم آمار داده شد.

هفدهم آبان ماه. در نجف‌آباد، کرمانشاه و آمل به دنبال تظاهرات عده‌ای کشته و زخمی شدند.

هیژدهم آبان ماه. مردم انقلابی تهران در گورستان بهشت زهرا گرد آمدند و شعارهایی تند علیه رژیم و دولت دادند.

نوزدهم، بیستم و بیست و یکم آبان ماه. تظاهرات در سرتاسر کشور همچنان ادامه داشت و جبهه‌ی ملی در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی از اعمال شاه و دولت نظامی به شدت انتقاد کرد. پس از انجام این مصاحبه دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر دو تن از رهبران جبهه‌ی ملی بازداشت شدند.

بیست و دوم آبان ماه. کارکنان شرکت مخابرات تهران، کارمندان آمریکایی این شرکت را از ساختمانها و کاخ مخابرات اخراج کردند.

بیست و هفتم آبان ماه. تظاهرات در سراسر شهرهای ایران ادامه دارد، در این روزها مدیره‌ی سندیکای نویسندگان در اعلامیه‌ای انتشار روزنامه‌های فرمایشی را که قصد شکستن اعتصاب مطبوعات را دارند تقبیح کرد. روزنامه‌ها و مجلاتی که در این اعلامیه از آنها نام برده شده بود، عبارت بودند از:

روزنامه‌ی آتش به مدیریت میرا شرافی، بورس به مدیریت دکتر رحمتی، جوانمردان به مدیریت دکتر جعفر شاهید، مهر ایران به مدیریت مجید موقر، ستاره‌ی اسلام به مدیریت شکوهیده، اراده‌ی آذربایجان به مدیریت زهتاب فرد، مجله‌ی تهران اکونومیست به مدیریت باقر شریعت، کاریکاتور به مدیریت محسن دولو، خواندنیها به مدیریت علی اصغر امیرانی.

بیست و هشتم آبان ماه. در اصفهان و شیراز تظاهرات خونینی برپا شد.

بیست و نهم آبان ماه. امام خمینی " طی مصاحبه‌ای با

هفته نامه‌ی "اشپیگل" چاپ آلمان گفت: ما با "رضا پهلوی" به عنوان جانشین شاه موافقت نخواهیم کرد و در مورد آتش زدن بانکها و سینماها که مرتب هدف تیر اعتراض قرار گرفته بود، اظهار داشت: بانکها وسیله‌ی نابودکردن اقتصاد مردم بوده است و فیلمهای سینمایی فرمایشی روحیه‌ی مقاومت جوانان را ضعیف می‌کند. امام همچنین در گفت و گو با خبرنگار هفته نامه‌ی "نیوزویک" اعلام کرد: من قصد ریاست در جامعه‌ی آینده‌ی ایران را ندارم.

سی‌ام آبان ماه. دولت شوروی آمریکا را از دخالت در امور سیاسی ایران برحذر داشت، در مجلس شورای ملی پیشنهاد شد بانکهای کشور ملی شوند، بازار تهران پس از شانزده روز تعطیل باز شد.

به دنبال اعتصاب کارکنان وزارت دارایی میزان وصول مالیات که در شهریورماه ۱۳۵۷ (صد وپنجاه میلیون) ریال بود در مهرماه به (پنجاه میلیون) ریال و در آبان به صفر رسید.

ازهاری اعضای دولت خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد و با صد و نود و یك رای موافق و بیست و هفت رای مخالف و یازده رای ممتنع رای اعتماد گرفت.

اول آذر ماه ۱۳۵۷. "امام خمینی" در اعلامیه‌ای ماه محرم را "ماه پیروزی خون بر شمشیر" نامید و به مردم نوید داد که شاه به زودی خواهد رفت.

دوم و سوم آذر ماه. تظاهرات در تهران و اکثر شهرها ادامه داشت.

چهارم آذر ماه. گروهی از ایرانیان مقیم آلمان با همراهی اعراب و ترکهای مقیم آلمان در فرانکفورت به سفارت آمریکا حمله کردند و علیه شاه و آمریکا تظاهرات برپا داشتند. در این حادثه دویست نفر زخمی و دوازده نفر بازداشت شدند.

پنجم آذر ماه. از سوی امام خمینی عزای عمومی در سرتاسر کشور اعلام شد و به همین مناسبت در اغلب شهرها به علت درگیری انقلابیون با قوای نظامی عده‌ای کشته، مجروح و بازداشت شدند.

ششم آذر ماه. کارکنان برق تهران به دلیل اعتراض به دولت نظامی از ساعت هشت و نیم شب (شروع اخبار تلویزیون) تا

گارد متفرق شدند. در مشهد حدود پانصد سرباز وظیفه از پادگان فرار کردند.

پانزدهم آذر ماه. کارکنان بانک مرکزی صورت اسامی دانشجویان و دانش آموزانی را که با بورس بنیاد پهلوی در خارج از کشور تحصیل کردند، منتشر نمودند.

شانزدهم آذر ماه. در خوانسار در یک جنگ تن به تن بین مردم و قوای نظامی عده‌ای کشته و زخمی شدند.

هفدهم و هیژدهم آذر ماه. در تبریز به علت ممانعت ماموران حکومت نظامی با تشکیل اجتماع در حسینیه‌ی بازار تبریز، مردم شهر به خیابانها ریختند و شروع به دادن شعار برضد شاه کردند. در اصفهان مراکز آمریکاییها به آتش کشیده شد. در تهران علی‌اصغر حاج سیدجوادی از طرف فرمانداری نظامی به عنوان اهانت به ارتش توقیف گردید.

نوزدهم آذر ماه، تاسوعا. راهپیمایی میلیونی مردم تهران به دعوت آیت‌الله طالقانی صورت گرفت. و در اغلب شهرستانها نیز راه پیماییهای عظیمی انجام شد. در همدان یک سرباز وظیفه قدرت الله خدایاری استاندار را به گلوله بست و خود نیز خودکشی کرد.

بیستم آذرماه، عاشورا. بزرگترین راه پیمایی تاریخ ایران در این روز در تهران برگزار شد و در قطعنامه‌ای هفده ماده‌ای که در پایان راه پیمایی خوانده شد، اجتماع‌کنندگان امام خمینی را به عنوان رهبر سیاسی، اجتماعی و دینی خود برگزیدند.

در اصفهان پس از راه پیمایی محل سازمان امنیت و کلانتری یک اصفهان به آتش کشیده شد. در بیشتر شهرها مجسمه‌ی شاه از میدانها برداشته، به آتش کشیده شد.

در داخل پادگان باغشاه در تهران صدای تیراندازی شنیده می‌شد و عده‌ای از سربازان فرار کردند، حدود سیصد سرباز وظیفه از پادگان نیروی هوایی و حدود صد و پنجاه نفر سرباز از پادگان "جی" تهران گریختند.

در پادگان لویزان، محل گارد شاهنشاهی، یک درجه‌دار و یک سرباز وظیفه هنگام ناهار به افسران حمله کردند و عده‌ای از آنها را که مشغول صرف ناهار بودند، ناگهان به رگبار

گلوله بستند و به قتل رساندند.

بیست ویکم آذر ماه. در نجف‌آباد مردم پس از تظاهرات، کلانتری را اشغال کردند، در رقم چند مامور فرمانداری نظامی به دست مردم کشته شدند. دولت طی اعلامیه‌ای گفت: از فردا جلو هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت.

بیست ودوم آذر ماه. در آبادان چون میزان استخراج و پالایش از شش میلیون بشکه در روز به یك میلیون بشکه رسیده بود، دولت اعلام کرد که کارگران بایستی از خانه‌های سازمانی بیرون بروند، و پالایشگاه به تصرف نیروهای نظامی درآمد.

بیست و سوم آذر ماه. در یك حمله‌ی نظامیها به بیمارستان شاهرضا در مشهد عده‌ای از اطبا و پرستارها مجروح شدند. "امام خمینی" در پیامی خطاب به مردم اعلام کرد: "اعتصابات خود را گسترش دهید و از هیچ نیرویی ترس به دل راه ندهید. شاه باید برود."

کریم سنجابی اعلام کرد در ملاقاتی که با شاه داشته به او تکلیف نخست‌وزیری شده، ولی او قبول نکرده است و به شاه گفته است": تنها راه بازگشت آرامش به کشور کنار رفتن او است".

بیست و چهارم آذر ماه. امام جمعه‌ی اصفهان به عنوان اعتراض به کشتارهای وحشیانه‌ی مردم به دست نظامیان از مقام خود استعفا کرد.

بیست و پنجم، بیست و ششم و بیست و هفتم آذر ماه. تظاهرات در شهرها ادامه داشت". رادیو مسکو اعلام کرد: ماموران نظامی آمریکا و "سیا" برای انجام یك کودتا وارد ایران شده‌اند، در شیراز مردم به عده‌ای از بهاییها حمله کردند، محسن پزشکپور و بنی احمد نمایندگان خرمشهر و تبریز دولت ازهاری را در مجلس شورای ملی استیضاح کردند.

بیست و هفتم آذر ماه. به دعوت "امام خمینی" عزای عمومی و تعطیل همگانی در سراسر کشور اعلام شد. در تبریز عده‌ای از سربازان و درجه داران پادگان تبریز به صفوف انقلابیون پیوستند.

بیست و هشتم آذر ماه. دکتر غلامحسین صدیقی با شاه ملاقات کرد. شایعه‌ی نخست‌وزیری صدیقی موجب شد که جبهه‌ی

ملی طی اعلامیه‌ای اعلام کند، سلطنت شاه غیرقانونی است و دکتر صدیقی عضو جبهه‌ی ملی نیست.

لوله‌ی نفت گچساران به خارك منفجر شد. جامعه‌ی معلمان تهران طی اعلامیه‌ای رفتن به کلاس درس را تحریم کرد.

بیست و نهم آذر ماه. شصت و پنج نفر از استادان دانشگاه در ساختمان دبیرخانه‌ی دانشگاه تهران متحصن شدند. بنی احمد نماینده‌ی تبریز خواستار استعفای شاه شد.

سی‌ام آذر ماه. در خمین مردم اکثر ادارات و موسسات نظامی را آتش زدند. چهار صد زندانی سنندجی پس از آتش زدن زندان و غارت اسلحه خانه‌ی زندان گریختند. در آباد ان در یك درگیری مردم با نیروهای نظامی عده‌ای کشته شدند.

اول دی ماه. صندوقهای دریافت اعانه برای کمك به کارکنان شرکت نفت و روزنامه نگاران ایجاد شد.

دوم دی ماه. "امام خمینی" در پیامی به مناسبت فرارسیدن تولد حضرت مسیح از ملتهای جهان خواست که دولتهای خود را در صورت پشتیبانی از شاه ایران استیضاح کنند.

سوم دی ماه. در پی ناآرامی در دبیرستانهای تهران، دولت نظامی مدارس را تعطیل اعلام کرد. عده‌ای از مردم به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند که با مقاومت مسلحانه‌ی نیروهای نظامی متفرق شدند. در سنندج مردم زندان را فتح کردند و زندانیان سیاسی را آزاد ساختند.

چهارم دی ماه. تظاهرات خونینی در شهرهای کرج، سقز، بابل، رضاییه، سنندج، اندیمشك، شوش، دزفول و لنگرود برپا شد و در اکثر این شهرها مجسمه‌ی شاه را در میدانها به آتش کشیدند.

پنجم دی ماه. صدور نفت به علت اعتصاب کامل کارکنان نفت قطع شد. در تیراندازی به محل تحصن اساتید دانشگاه، یك استاد کشته شد.

ششم دی ماه. کارکنان هواپیمایی کشوری اعلام کردند از فرود هواپیماهای آمریکایی و اسراییلی در فرودگاه تهران جلوگیری خواهند کرد.

هفتم دی ماه. در قزوین با حمله‌ی مردم به یک پادگان نظامی عده‌ای کشته و زخمی شدند و نیروهای ارتشی به شهر حمله کردند. آیت‌الله طالقانی از مردم خواست از به وجود آوردن صفهای طولانی و مصنوعی برای نفت، بنزین و نان خودداری کنند و خود را ملتی مغلوب و تسلیم شده نشان ندهند. ازهاری رییس دولت نظامی به عنوان بیماری در نخست وزیری حاضر نشد و دولت نظامی عملا قدرتی در اداره‌ی امور کشور نداشت.

هشتم دی ماه. "امام خمینی" طی ابلاغیه‌ای از مهندس بازرگان خواست در مورد چه گونگی مصرف نفت تحقیق کند و کارگران نفت را فقط در مورد رفع نیازهای داخلی تشویق به کار کند. جبهه‌ی ملی هیاتی را به ریاست مهندس کاظم حسیبی به آبادان فرستاد تا در مورد وضع نفت با کارگران مذاکره نماید. در بعضی از شهرها از جمله جیرفت مردم شهربانی را تصرف کردند. طبق توافق دولت نظامی قوای مستقر در تاسیسات نفتی از آن محلها خارج شدند.

کابینه‌ی

شاپور بختیار

نهم دی ماه ۱۳۵۷. شاپور بختیار پس از مذاکره با شاه نخست وزیری را پذیرفت. آخرین بازماندههای خانواده‌ی پهلوی ایران را ترک کردند. جبهه‌ی ملی طی اعلامیه‌ای شاپور بختیار را از جبهه‌ی ملی اخراج کرد. مردم دولت بختیار را "نسخه‌ی جدید سیا" خواندند، با سرکار رفتن کارگران شرکت نفت برای رفع نیازهای داخلی تولید نفت به دویست و

بیست هزار بشکه در روز رسید.

دهم دی ماه موج تظاهرات برضد شاه و بختیار تمام ایران را فرا گرفت. در مشهد کلانتریها، اداره‌ی آگاهی و نیروی پایداری مورد حمله‌ی مردم قرار گرفت، که در این درگیریها عده‌ای کشته و زخمی شدند، نیروهای نظامی با تانك و وسایل جنگی سنگین به مردم حمله کردند، در یك تهاجم مسلحانه به منزل آیت‌الله شیرازی در مشهد عده‌ای که در آن جا متحصن بودند کشته شدند. انقلابیون مشهد که سخت‌عصبانی زده شده بودند، چند افسر و مامور ساواك را در میدانهای شهر اعدام کردند. در قزوین منزل عده‌ای از روحانیون به آتش‌کشیده شد.

یازدهم دی ماه. شاه در یك مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام کرد چند روز دیگر ایران را برای معالجه ترك خواهد کرد، در بهشت زهرای تهران تظاهرات عظیمی برضد دولت بختیار برپا شد.

دوازدهم دی ماه. در فیروز آباد مردم زندانیان سیاسی را آزاد کرده، زندان را متصرف می‌شوند. "امام خمینی" در اعلامیه‌ای از کشاورزان خواست تا از شهرها به روستاها برگردند. در چند شهر مردم عده‌ای از ماموران ساواك را اعدام کردند.

سیزدهم دی ماه. ارتشبد قره باغی از سوی شاه به عنوان رییس ستاد بزرگ ارتشتاران منصوب شد. در کرمانشاه مردم محل استانداری را به آتش کشیدند.

چهاردهم دی ماه. ارتشبد اویسی از فرمانداری نظامی تهران استعفا کرد و از ایران خارج شد. بر سر نحوه‌ی خروج اویسی بین دادگستری و شهربانی اختلاف افتاد و هر یك دیگری را در مورد دادن اجازه‌ی خروج به وی محکوم می‌کردند. سپهبد امیرعزیزی استاندار خراسان از سمت خود استعفا کرد. افراد زیادی از مقامات رژیم با هواپیماهای ارتشی ایران را ترك کردند که در بین آنها عده‌ای از وزرای کابینه‌ی شریف امامی و ازهاری هم بودند.

پانزدهم دی ماه. در این روز عمر کابینه‌ی نظامی با اعلام اعضای کابینه‌ی جدید که فردا به شاه معرفی می‌شدند، پایان

یافت.

اسامی وزرای شریف امامی با تغییرات

۱ . وزیر دادگستری : دکتر محمد باهری ، دکترحسین نجفی .
۲ . وزیر اطلاعات و جهانگردی : دکتر محمد رضا عاملی تهرانی .
۳ . وزیر بهداری : دکتر نصرالله مقتدر مژدهی ، دکتر حسین مرشد .
۴ . وزیر امور خارجه : امیر خسرو افشار قاسملو .
۵ . وزیر مشاور در امور اجرایی : دکتر منوچهرآزمون ، دکتر مصطفی پایدار .
۶ . وزیر جنگ : ارتشبد عظیمی .
۷ . وزیر آموزش و پرورش : دکتر منوچهر گنجی .
۸ . وزیر صنایع و معادن : دکتر محمد رضا امین .
۹ . وزیر امور اقتصادی و دارایی : دکتر محمد یگانه .
۱۰ . وزیر راه : مهندس حسن شالچیان .
۱۱ . وزیر مشاور و سرپرست اوقاف : دکترعلینقی کنی ، محسن شریعتمداری .
۱۲ . وزیر کشاورزی : امیر حسین امیر پرویز .
۱۳ . وزیر کشور : ارتشبد عباس قره باغی .
۱۴ . وزیر علوم و آموزش عالی : دکتر هوشنگ نهاوندی ، دکتر ابوالفضل قاضی .
۱۵ . وزیر مشاور : دکترعزت الله همایونفر .
۱۶ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : کریم معتمدی .
۱۷ . وزیر مسکن و شهرسازی : مهندس پرویز آوینی .
۱۸ . وزیر فرهنگ و هنر : محسن فروغی .
۱۹ . وزیر بازرگانی : محمد رضی ویشکایی .
۲۰ . وزیر مشاور در امور پارلمانی : عزت الله یزدان پناه .
۲۱ . وزیر مشاور و رییس سازمان برنامه وبودجه : حسن علی مهران .
۲۲ . وزیر کار و امور اجتماعی : کاظم ودیعی .

۲۳ . وزیر نیرو : مهندس جهانگیر مهد مینا .

اسامی وزرای کابینه‌ی ارتشبد غلامرضا ازهاری

ازهاری در ابتدای کار این افراد را برای همکاری دعوت به کار کرد :

۱ . وزیر امور خارجه : امیر خسرو افشار قاسملو .
۲ . وزیر جنگ : ارتشبد رضا عظیمی .
۳ . وزیر صنایع و معادن : محمدرضا امین .
۴ . وزیر کشور و سرپرست وزارت امور اقتصادی و دارایی : ارتشبد عباس قره باغی .
۵ . سرپرست وزارت کار و امور اجتماعی : ارتشبد غلامعلی اویسی .
۶ . سرپرست وزرات مسکن و شهرسازی : سپهبد امیرحسین ربیعی .
۷ . سرپرست وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و هنر : دریاسالار کمال حبیب اللهی .
۸ . سرپرست وزارت اطلاعات و جهانگردی : سپهبد ابوالحسن سعادتمند .
۹ . سرپرست وزارت نیرو : سپهبد ایرج مقدم .
۱۰ . وزیر دادگستری : دکتر حسین نجفی .

پس از چند روز کابینه‌ی ازهاری به صورت زیر ترمیم و تکمیل شد :

۱ . وزیر کار و امور اجتماعی : سپهبد کاتوزیان .
۲ . وزیر آموزش و پرورش : دکتر محمدرضا عاملی تهرانی .
۳ . وزیر بازرگانی : دکتر معمارزاده .
۴ . وزیر راه : حسن شالچیان .
۵ . وزیر مشاور در امور اجرایی : دکترمصطفی پایدار .
۶ . وزیر مشاور در برنامه و بودجه : مرتضی صالحی .
۷ . وزیر پست و تلگراف و تلفن : کریم معتمدی .
۸ . وزیر علوم و آموزش عالی : دکتر مفیدی .
۹ . وزیر مشاور در امور پارلمانی : احمد ناظمی .
۱۰ . وزیرمشاور وسرپرست اوقاف : محسن شریعتمداری .

سی و هفت سال

در این بخش این مطالب را می‌خوانید :*

- دولت شاپور بختیار.
- شورای انقلاب.
- خروج شاه.
- ورود امام.
- تشکیل دولت موقت.
- سقوط رژیم شاهنشاهی.
- استقرار جمهوری اسلامی.
- توضیحات.

---

* در این بخش وقایع به‌صورت روزشمار آمده‌است و درصورتی که‌خبری مفصل‌بوده ،عنوان آن در وقایع روز و تفصیل‌خبر درپاورقی‌درج‌شده است .
در نقل وقایع روزانه‌تقدم و تاخر در نظر گرفته نشده است و آن چه در یک روز اتفاق افتاده ،به ترتیب ثبت نگردیده است .
عناوین مطالب این بخش از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان از تاریخ ۱۶ دی ماه ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ استخراج شده است .

شانزدهم دی ماه ۱۳۵۷.

- شاپور بختیار کابینه‌ی خود را برای اولین و آخرین بار بدون رعایت تشریفات معمول دربار به شاه معرفی کرد.*
- در موقع معرفی کابینه، شاه صریحا رعایت مواد ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی را مبنی بر این که از این پس منحصرا سلطنت خواهد کرد، تعهد نمود.
- آمریکا حمایت کامل خود را از شاه و دولت بختیار مورد تاکید قرار داد.
- اعتصاب مطبوعات پایان یافت و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان منتشر شد.**

---

* اسامی اعضای کابینه‌ی شاپور بختیار: احمد میرفندرسکی، وزیر امور خارجه. ارتشبد فریدون جم (در موقع معرفی حضور نداشت)، وزیر جنگ. یحیی صادق وزیری، وزیر دادگستری. منوچهر کاظمی، وزیر کشاورزی. محمد امین ریاحی، وزیر علوم و آموزش عالی. دکتر منوچهر رزم‌آرا، وزیر بهداری. سیروس آموزگار، وزیر مشاور و سرپرست وزارت اطلاعات. ابراهیم پیراسته، وزیر دارایی. علی صمیمی، وزیر پست و تلگراف و تلفن. عباسقلی بختیار، وزیر صنایع و معادن. جوادخادم، وزیر آبادانی و مسکن. منوچهر آریانا، وزیر کار و امور اجتماعی. مشیری، معاون نخست‌وزیر.

** این اعتصاب که به‌عنوان اعتراض علیه حکومت نظامی ازهاری صورت گرفته بود شصت و یک روز طول کشید.

ـ شاپور بختیار، در دو مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت کرد و رووس برنامه‌های دولت خود را به این شرح توضیح داد:

امیدوارم آیت الله خمینی این افتخار را به ما بدهند که هر چه زودتر به ایران بازگردند.

اعلیحضرت سلطنت می‌کنند و دولت حکومت.

به اسراییل و آفریقای جنوبی نفت فروخته نخواهد شد.

لوایح محاکمه‌ی عاملان فساد و متجاوزان به حقوق عمومی و لایحه‌ی انحلال ساواک به مجلس داده خواهد شد.*

وزارت اطلاعات و جهانگردی و چند وزارتخانه‌ی دیگر منحل خواهد شد.

در شهربانی و ژاندارمری خانه تکانی خواهم کرد.

ماده‌ی ۵ و ۸ قانون حکومت نظامی در مورد مطبوعات معلق می‌ماند و مطبوعات در چارچوب قانون اساسی آزاد خواهند بود.

دولت من مروج دین اسلام در کشور خواهد بود و در ضمن مذاهب شناخته شده را با دیده‌ی احترام می‌نگرم.

کلیه‌ی زندانیهای سیاسی را به شرط سیاسی بودن آنها از زندان آزاد می‌کنم.

حکومت نظامی را به تدریج لغو می‌کنم.

کلیه‌ی آزادیهای فردی واجتماعی مصرحه در قانون اساسی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را در اسرع وقت جامه‌ی عمل می‌پوشانم.

به بازماندگان شهدای سه ماه اخیر در صورت لزوم تمام مساعدتهای مادی و معنوی خواهد شد.

کلیه‌ی احزاب سیاسی می‌توانند شروع به فعالیت کنند.

---

* این لوایح به مجلس شورای ملی داده شد، ولی تنها لایحه‌ی انحلال ساواک در مجلس به تصویب رسید.

مردم باید به من اطمینان کنند و در صورتی که ظرف یك مدت معقول تمام وعده‌های من جامه‌ی عمل نپوشید، می‌توانند در قضاوت خود درباره‌ی من تجدید نظر کنند و اعتبار سی ساله‌ی مرا باطل نمایند ·

من مرغ توفانم نیندیشم ز توفان
موجم نه آن موجی که از دریا گریزد

" نقل از روزنامه‌ی کیهان شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۵۷ شماره‌ی ۱۰۶۰۵ "

- امام خمینی حکومت بختیار را "غیر قانونی" اعلام کرد ·
- آیت الله طالقانی دولت بختیار را به اعتبار "نامشروع بودن رژیم و مجلسین" بی‌اعتبار خواند ·
- دکترعلی امینی و دکترغلامحسین صدیقی دولت بختیار را تایید کردند ·
- مهندس مهدی بازرگان حاضر به اظهار نظر نشد ·
- سپهبد مهدی رحیمی به فرمانداری نظامی تهران منصوب شد.
- ژنرال هوایی "رابرت هویزر" * معاون نیروهای مسلح آمریکا در اروپا وارد تهران شد ·**

---

* روزنامه‌ی "پراودا" ارگان حزب کمونیست شوروی نوشت: هویزر به عنوان یک معاون نایب‌السلطنه عمل می‌کند و روابط نزدیکی با فرماندهان نظامی دارد و تا مطمئن نشود و دستورات واشینگتن به خوبی اجرانگردد تهران را ترک نخواهد کرد. او مسوولیت خونریزیهای بعدی در تهران و شهرستانها را به‌عهده می‌گیرد و همچنین نظارت بر عملیات گروه نظامی آمریکا در ایران را.

** در مورد این ژنرال آمریکایی و نحوه‌ی ورود وی به ایران شاه در آخرین کتاب خود (پاسخ به تاریخ) می‌نویسد: معمولا این قبیل افراد قبل از ورود به ایران می‌بایستی برنامه‌هایشان با نظر من تنظیم می‌شد ولی این بار من موقعی از ورود او به تهران آگاه شدم که چند روزی بود در تهران سرگرم دیدوبازدید افراد بود. البته هنگامی که این گزارش را دریافت کردم قبول آن برایم بسیار دشوار و ناگوار بود. سرانجام

ـ امیر فهد ولیعهد عربستان سعودی قویا به حمایت از شاه برخاست و در یك مصاحبه این مطلب را عنوان کرد ·
ـ رادیو مسکو از قول "رمزی کلارك" * گفت: سیاست خارجی آمریکا برپایه‌ی توهمات و تخیلات استوار است نه برپایه‌ی واقعیتها ·

هفدهم دی ماه ۱۳۵۷

ـ امام خمینی پیشنهاد کمك نظامی سازمان آزادی‌بخش فلسطین را رد کرد ·**
ـ اسراییل ادعا کرد که: مخالفان رژیم شاه به وسیله‌ی کارشناسان شوروی و فلسطینی تعلیم نظامی می‌بینند ·
ـ حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی عضو هیاتی که به ریاست مهندس بازرگان به شیراز رفته بود، خواستار گسترش اعتصابها شد ·***
ـ سران آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی در "گوادولوپ" مستعمره‌ی فرانسه در آبهای اقیانوس اطلس گرد می‌آیند، در آغاز کارتر سیاست حمایت قاطع از شاه ایران را مطرح و توجیه می‌کند، اما ابتدا رییس جمهوری فرانسه و سپس رهبران انگلستان و آلمان غربی نظر خود را دایر به قطع حمایت غرب از ادامه‌ی سلطنت شاه ابراز می‌دارند ·

هم او (هویزر) به همراه سفیر آمریکا در تهران وقت ملاقات از من خواست و تنها مساله‌ای که مورد بحث قرار گرفت این بود که من تاریخ خروج خود را از ایران به وی اطلاع دهم. او کوچکترین اشاره‌ای به ملاقاتها و زمینه‌ی فعالیتهای خود در ایران نکرد.

* "رمزی کلارک" مدتی سمت وزارت دادگستری آمریکا را عهده‌دار بود.

** (قطب‌زاده) در پاریس اعلام کرد که امام خمینی "فاروق قدومی" رهبر سیاسی سازمان مذکور و "صالح‌الدین" یک مقام لیبیایی را پذیرفته، با آنان مذاکره داشته است.

*** این هیات ماموریت داشت در مورد شروع کار پالایشگاه شیراز دستورهایی صادر کند و بازرگان هم در همین زمینه سخنرانی کرد.

هیژدهم دی ماه ۱۳۵۷ .

- سپهبد علی محمد خادمی مدیرعامل سابق هواپیمایی ملی ایران خودکشی کرد .*
- جبهه‌ی ملی و آیات عظام شریعتمداری ، گلپایگانی و مرعشی نجفی با تایید امام خمینی عزای عمومی برای کشته شدگان یك هفته‌ی اخیر اعلام کردند .
- ارتشبد ازهاری از ایران خارج شد .
- شوروی شدیدا به آمریکا اولتیماتوم داد که در اوضاع داخلی ایران دخالت نکند .
- روزنامه‌ی فیگارو نوشت: ارتشبد اویسی سعی می‌کند کارتر را به انجام کودتای نظامی در ایران متقاعد سازد .
- ارتش به بختیار هشدار داد که مطبوعات علیه ارتش سمپاشی می‌کنند .
- یکی از نزدیکان اردشیر زاهدی گفت: او از سفارت ایران در واشینگتن کناره گرفته است و برای " انجام امور شخصی " در تهران خواهد ماند .
- مطبوعات تهران ضمن مصاحبه‌ای با مقامات زندانی نوشتند : آزمون این شایعه را که قصد داشته باهمکاری سپهبد علی‌محمد خادمی ، سپهبد صدری و باکمك قذافی رهبر لیبی علیه شاه کودتا کند، تکذیب کرد. " داریوش همایون می‌گوید : **مقاله‌ی علیه حضرت آیت الله خمینی را " از جایی " برای من فرستادند که در یکی از جراید چاپ شود. قبل از آن " این دستگاه " به طور مستقیم مقالاتی برای مطبوعات می‌فرستاد و من توصیه کرده بودم از طریق وزارت اطلاعات این کار را انجام دهند، به این

---

* سپهبد خادمی از رهبران سرشناس فرقه‌ی بهایی بود و در تمام سالهایی که مدیرعامل هواپیمایی ملی بود (از فروردین ماه ۱۳۴۱) هیچیك از نخست‌وزیران قدرت معارضه با او را نداشتند .

** داریوش همایون از جمله کسانی بود که توانست از زندان فرار کند . او شوهر خواهر اردشیر زاهدی ، "هما" زاهدی نماینده‌ی همدان در آخرین دوره‌ی مجلس شورا بود .

جهت بود که در کنگره‌ی حزب رستاخیز به دنبال تلفنی که به من شد، رییس دفتر "آن دستگاه" پاکت بزرگی را به من داد و گفت که این همان مقاله است. من وقت خواندن مقاله را نداشتم و آن را به نخستین روزنامه‌نگاری که برخوردم و از قضا خبرنگار اطلاعات بود، دادم. بلافاصله و همان جا متوجه شدم که مقاله در داخل پاکت مارکدار است و به این دلیل مقاله را از پاکت بیرون آوردم و بدون پاکت آن را به خبرنگار اطلاعات دادم."

- امیرعباس هویدا خود را از هر اتهامی مبرا دانست و گفت که اگر لازم باشد حاضر است برای فروکش کردن خشمی که به پاخاسته است، از جان بگذرد. ارتشبد نصیری سکوت کرد. نیک پی هنوز خود را سناتور و مصون از تعرض می‌دانست و گفت که سپهبد رحیمی لاریجانی معاون فرمانداری نظامی تهران قلم خود را به دست او داده، تکلیف به استعفا کرده است و در واقع به زور اسلحه مرا از "سنا" به زندان کشانیده‌اند.

منصور روحانی از همه‌ی فعالیتهای دولتی و اجتماعی خود دفاع کرد.

- دکتر کریم سنجابی پیشنهاد عضویت و ریاست شورای سلطنت را رد می‌کند.

- ارتشبد جم از قبول پست وزارت جنگ خودداری می‌کند و از ایران می‌رود.*

- سپهبد خسروداد به بختیار اخطار می‌کند که اگر مانع خروج شاه نشود، گور خود را به‌دست خویش کنده است.**

---

* شاه در انتخاب جم نقشی نداشت و بختیار او را به خاطر قدردانی که در ایجاد میانه‌روی در ارتش و به‌طور کلی به سبب محبوبیتی که در بین ارتشیان داشت، به وزارت برگزید ولی چون بختیار حاضر نبود اختیار انتخاب فرماندهان نیروهای سه‌گانه را به وی بسپرد جم استعفا کرد. اما شاید انگیزه‌ی اصلی او این بود که برای بختیار شانسی قایل نبود.

** گفته شد که هنگام خروج شاه از ایران، خسروداد در فرودگاه مهرآباد

ـ امام خمینی در پاریس اعلام کرد که به غرب در برابر بهای عادلانه نفت فروخته خواهد شد ·
ـ در تهران تظاهرات خونینی انجام می‌شود که در نتیجه یك نفر کشته می‌شود ·
ـ دویست افغانی مسلح در تهران دستگیر می‌شوند ·
ـ بانك مرکزی در تهران به اشغال فرمانداری نظامی در می‌آید ·*
ـ حجت الاسلام شیخ محمد رضا مهدوی کنی امام جمعه‌ی مسجد جلیلی دستگیر می‌شود ·
ـ بختیار اعلام کرد رژیم پادشاهی در ایران باقی خواهد ماند ·

نوزدهم دی ماه ۱۳۵۷ ·

ـ تظاهرات در تهران و شهرستانها ادامه دارد ·
ـ سخنگوی دربار اعلام کرد که شاه قبل از رای اعتماد مجلسین به کابینه‌ی بختیار ایران را ترك نخواهد کرد ·
ـ دو نظامی در برابر دانشگاه تهران هدف گلوله قرار گرفتند ·
ـ امام خمینی اعلام کرد، اگر کودتای نظامی بشود، مردم با آن مقابله خواهند کرد ·
ـ مردم اردبیل اداره و حفاظت شهر را به دست گرفتند·
ـ با لغو حکومت نظامی در شیراز سیصد جوان شیرازی اداره و حفاظت شهر را به دست گرفتند ·
ـ چند تن از اعضای اقلیت مجلس شورای ملی بختیار را

خود را روی پاهای او انداخت و اجازه خواست که با بمباران تهران و شدت عمل، به انقلاب پایان دهد. حجت‌الاسلام خلخالی که خسرو داد را محکوم به اعدام کرد بعدها از او به عنوان زبون‌ترین افسر عالی‌مقام ارتش شاه یاد کرد.

* انتشار لیست کسانی که ارز از کشور خارج کرده بودند از سوی کارکنان بانک مرکزی در همه‌ی شهر مورد بحث بود و هر روز تمام روزنامه‌ها تکذیب‌نامه‌ی افراد متهم را چاپ می‌کردند.

به حمایت از کودتا کنندگان احتمالی آینده متهم کردند.
- سنجابی گفت: تکرار واقعه‌ی ۲۸ امرداد برای همه زیان دارد و توصیه کرد به ارتش "بی‌احترامی" نشود.
- وزیر دادگستری بختیار طرح تشکیل کمیته‌ی تحقیق و دادگاه ملی برای رسیدگی به تخلفات مقامات سابق را انتشار داد.
- بازرگان ضمن تکذیب خودداری از اظهار نظرش درباره‌ی دولت بختیار در دو روز قبل، نامه‌ای به روزنامه‌ها نوشت:
"...چون این مساله خارج از مسایل امروزی ما است و ارتباط و دخالتی در کار ایشان نداشته‌ام، اظهارنظری از بنده نخواهید".
- فرودگاه مهرآباد ظاهرا به علت ریزش برف و اعتصاب، به روی پروازهای داخلی و خارجی بسته شد.

بیستم دی ماه ۱۳۵۷

- سنجابی می‌گوید: اگر مردم بخواهند و "امام" تایید کند، حکومت موقت را تشکیل خواهد داد.
- سپهبد عبدالعلی بدره‌ای فرماندهگارد سلطنتی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد.
- بختیار اعلام کرد که شاه استعفا نخواهد کرد و او چنین چیزی را از وی نخواسته است.
- محافل خبری غرب با توجه به سابقه‌ی کار "سالیوان" سفیر آمریکا در ایران، کامبوج و هند و چین می‌گویند او طرفدار شدت عمل در ایران است.
- "امام" از مردم می‌خواهد به عنوان ساواکی متعرض افراد نشوند.
- امام می‌گوید: خروج شاه بدون کناره گیری از سلطنت وضع را تغییر نمی‌دهد.
- سپهبد شفقت وزیر جنگ می‌شود.
- یک مقام آگاه در لندن اعلام کرد که: دولت بریتانیا نیز خروج شاه را بهترین راه تقویت دولت بختیار می‌داند.
- تظاهرات در سراسر ایران ادامه داشت.

بیست و یکم دی ماه ۱۳۵۷ .

ـ شصت و پنج زندانی سیاسی در تهران از طرف دولت آزاد شدند .

ـ با آغاز هفته‌ی بازگشایی دانشگاهها مردم تهران به سوی دانشگاه روانه شدند و تظاهرات شدیدی برضد شاه و بختیار انجام گرفت.

ـ ساواك شیراز به تصرف مردم درآمد و شش نفر کشته شدند .

ـ دکتر امینی طی نامه‌ای به روزنامه‌ها درباره‌ی نقش خود در وقایع اخیر توضیح داد .*

ـ در کرمانشاه تظاهرات خونینی انجام شد .

بیست و دوم دی ماه ۱۳۵۷

ـ ناصر قشقایی پس از ۲۵ سال تبعید به ایران بازگشت.

ـ ارد شیر زاهدی تهران را به سوی آمریکا ترك گفت.

ـ تظاهرات در تهران ادامه یافت و در اغلب شهرستانها تظاهرات خونینی انجام گرفت.

بیست و سوم دی ماه ۱۳۵۷

ـ بختیار کابینه‌ی خود را به سنا معرفی کرد. نخستین سخنران، سید اسدالله موسوی بود که در موافقت با دولت سخن گفت.**

ـ روزنامه‌ی "پراودا" اخطار کرد که "هویزر" می‌خواهد در ایران کودتا کند .

---

* در این نامه دکتر علی امینی نخست‌وزیر اسبق، سوابق خود را در مسایل مملکت و کوششهایی که برای رفع بحران فعلی به عمل آورده، بازگو می‌کند و می‌نویسد: "مردم درخواست تامین نان و آب و گوشت خود را دارند" ـ روزنامه‌ی اطلاعات.
چند روز بعد علی‌اصغر حاج سیدجوادی با عنوان (نان و آب و گوشت دکتر امینی) طی مقاله‌ای عقاید و نظرات امینی را رد کرد.

** وی بعدا در بهبهان به‌دست مردم کشته شد.

- برژزنسکی* تایید کرد که آمریکا نگران تجهیزات سری خود در ایران است و مشغول کار روی این قضیه است.
- اعضای شورای سلطنت تعیین شدند.**
- در تظاهرات اصفهان یك نفر که گفته شد ساواکی بود، کشته شد.
- "تاس" خبرگزاری شوروی اظهار عقیده کرد که: کودتا دردی را در ایران دوا نمی‌کند.
- اطرافیان امام در پاریس گفتند که ایشان به محض خروج شاه به ایران باز خواهد گشت.
- یك مقام دربار ایران به خبرگزاریهای خارجی گفت: شاه مخالفت خود را با هر کودتایی به فرماندهان ارتش ابلاغ کرده است.
- در دانشگاه تهران*** آیت‌الله طالقانی برای مردم سخن گفت: در این سخنرانی "طالقانی" شدیدترین حملات را به رژیم کرد. کثرت جمعیت به حدی بود که تمام خیابانهای اطراف دانشگاه مملو از جمعیت شده بود. طالقانی بازگشایی دانشگاه را برای ادامه‌ی مبارزات به مردم تبریك گفت.

بیست و چهارم دی ماه ۱۳۵۷

- مطبوعات خارجی گزارش دادند که: آمریکا تاسیسات حساس نظامی خود را در ایران منفجر کرده است.
- یك سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد: آمریکا از ارتش ایران خواسته است از بختیار حمایت کند.

---

* برژزنسکی مشاور "کارتر" در مسایل امنیتی بود.

** دکتر بختیار نخست‌وزیر، دکتر جواد سعید رییس مجلس شورای ملی، دکتر محمد سجادی رییس مجلس سنا، ارتشبد قره‌باغی (رییس ستاد بزرگ)، سید جلال‌الدین تهرانی، محمدعلی وارسته، علیقلی اردلان (وزیر دربار)، دکتر علی‌آبادی دادستان سابق کل کشور و عبدالله انتظام.

*** از روز پانزدهم آبان ماه ۱۳۵۷ دانشگاه تهران به وسیله‌ی ماموران حکومت نظامی اشغال شده بود.

ـ بختیار فقط دو هفته مهلت (آرامش ،امنیت و تعطیل اعتصاب) خواست تا آب رفته را به جوی بازگرداند .
ـ حجت الاسلام دکترمفتح امام جماعت مسجد " قبا " گفت: به گروههایی از مردم دوربین داده شده است تا از کسانی‌که به مردم حمله می‌کنند، عکس بگیرند .
ـ بختیار کابینه‌ی خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد. محمد حسین اسحاقی نژاد نماینده‌ی تبریز اولین کسی بودکه به‌عنوان مخالف با برنامه‌ی دولت صحبت کرد.
ـ در پاریس گفته‌می‌شود که اعضای شورای انقلاب اسلامی عبارت‌خواهند بود از: دکتر ابراهیم یزدی عضو نهضت آزادی و رهبر دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا ، صادق قطب زاده عضو نهضت‌آزادی که سالها است در خارج از ایران زندگی می‌کند. فضل الله بنی صدر* از جوانان فعال‌عضوجبهه‌ی ملی‌که کتابهای متعددی در زمینه‌های علمی و مذهبی تاکنون منتشر کرده است. مهندس‌مهدی بازرگان رهبر نهضت‌آزادی ، و سرتیپ مدنی از اعضای جبهه‌ی ملی .
ـ در تبریز تظاهرات خونینی صورت گرفت‌که رییس کلانتری و بازپرس دادسرای نظامی جزو کشته شدگان بودند .
ـ در تهران و بقیه‌ی شهرستانها اعتصابات به صورت گسترده و تظاهرات و راه پیمایی ادامه دارد .

بیست و پنجم دی ماه ۱۳۵۷ .

ـ ارتشبد قره باغی رییس ستاد ارتش اعلام کرد : ارتش کودتا نخواهد کرد و هرگونه تمردی در ارتش سرکوبی خواهد شد .
ـ دولت بختیار از سنا رای اعتماد گرفت.**

---

* این اشتباه از طرف خبرگزاریها شده بود و الا نام بنی‌صدرابوالحسن است .

** با ۳۸ رای موافق ،دو ممتنع و یک مخالف (محمدرضاجلالی نایینی) .

ـ بختیار گفت: دولت مرا شورای انقلاب نمی‌تواند "جارو" کند.
ـ امام گفت: تا چند روز دیگر دولت تازه تشکیل می‌شود و من اختیارات شاه را نخواهم داشت و نخست وزیر هم نخواهم شد.
ـ رادیوی بی‌بی‌سی اعلام کرد: بختیار باید تضمین کند که شاه خواهد رفت و باز نخواهد گشت.
ـ حزب توده خواهان جنگ مسلحانه شد و از همه‌ی نیروها تقاضای تشکیل "جبهه‌ی واحد" کرد.
ـ آیت الله سید صادق روحانی گفت: کمونیستها در نهضت عظیم اسلامی نقشی ندارند.
ـ رادیو مسکو ضمن حمله‌ی شدید به بختیار او را متهم کرد که می‌کوشد جنبش تمام خلق مردم ایران را توطئه‌ی کمونیستها جلوه دهد.
ـ در مسجد سلیمان و کرمان تظاهرات خونینی صورت گرفت.
ـ فریده دیبا، علیرضا و لیلا پهلوی و سپهبد محسن هاشمی نژاد و ابوالفتح آتابای با یك هواپیمای نظامی از ایران خارج شدند.
ـ مدیرعامل دخانیات* به جرم سوء استفاده از طرف دیوان کیفر بازداشت شد.
ـ موج اعتصاب کار را در تمام سازمانهای دولتی تعطیل کرد.
ـ بحث مجلس شورای ملی درباره‌ی کابینه‌ی بختیار ادامه یافت.
ـ یك مقام عالی رتبه‌ی دولت "سوریه" پشتیبانی قاطع دولت سوریه را از "امام خمینی" برضد رژیم ایران اعلام کرد و گفت "صادق قطب زاده" خبرنگار رسمی روزنامه‌ی "الثوره" ارگان رسمی حزب بعث سوریه در اروپا است.
ـ دولت فرانسه رسما اعلام کرد که "امام خمینی" می‌تواند

---

* دیلمقانی.

از همه‌ی مزایای یك خارجی مقیم فرانسه استفاده کند .
ـ دکتر علی امینی امکان کودتای ارتش پس از خروج شاه را منتفی دانست.

بیست و ششم دی ماه ۱۳۵۷

ـ ساعت یازده و چهل پنج دقیقه‌ی صبح امروز شاه* به اتفاق "فرح" تهران را به سوی مصر ترك کرد .
ـ جسد یك سرهنگ ارتش آمریکا** در خانه‌اش در حالی‌که به دار آویخته شده بود و نیز جسد یك سرهنگ دیگر آمریکایی*** در کرمان پیدا شد .
ـ بختیار اعلام کرد بازجویی از ارتشبد نصیری آغاز شده است.
ـ کابینه‌ی بختیار از مجلس شورای ملی رای اعتماد گرفت.****
ـ "مسکو" بار دیگر به بختیار حمله کرد .
ـ عراق اعلام کرد : که "امام خمینی" به میل خود عراق را ترك گفته است و عراق هیچ‌گونه احساسات خصمانه‌ای نسبت به ایشان ندارد .
ـ "امام" دستور داد نمایندگان مجلسین و اعضای شورای سلطنت سمتی ندارند و باید استعفا کنند .
ـ علی اصغر حاج سید جوادی در مقاله‌ای نوشت "مواظب سرعت حرکت باشید" .
ـ هشتاد افغانی مخفیانه وارد بندرعباس شدند .
ـ آیت‌الله "منتظری" از طریق مرز خسروی ـ از پاریس ـ به تهران بازگشت.

---

* شاه از چند ساعت قبل در فرودگاه آماده‌ی پرواز بود ولی به دلیل آن‌که نتیجه‌ی اعلام رای اعتماد به دولت طول کشید ، آن‌قدر در فرودگاه ماند تا بختیار پس از گرفتن رای اعتماد از مجلس شورای ملی به فرودگاه رفت و در ردیف بدرقه‌کنندگان قرار گرفت .

** "آرتور ـ دبلیو ـ هاین هایت" رییس ستاد مستشاری آمریکا در ایران.

*** "مارتین برکوییکز" .

**** صد و چهل و نه موافق ، چهل و سه مخالف و سیزده ممتنع .

- کارمندان شعبه‌ی مرکزی بانک سپه عکسهای "امام خمینی" را به جای عکس شاه نصب کردند.*
- دکتر کریم سنجابی و داریوش فروهر به نمایندگی از طرف جبهه‌ی ملی برای ملاقات با امام رهسپار پاریس شدند.

بیست و هفتم دی ماه ۱۳۵۷

- ارتشبد قره باغی - شایعه‌ی کودتا و تمرد لشگر اهواز را تکذیب کرد.
- وزیر دادگستری دولت بختیار** با این عنوان که در شرایط فعلی قادر به کار نیست، استعفا کرد.
- اولین دسته از نمایندگان مجلس شورای ملی در اجرای دستور امام مستعفی شدند.***
- وزیر امور خارجه به خدمت ده سفیر و نماینده‌ی ایران در خارج از کشور خاتمه داد.****
- زلزله‌ی شدیدی طبس را ویران کرد و هزار نفر بر اثر

---

* از ساعتی که اعلام شد شاه ایران را ترک کرده‌است، مردم انقلابی در تهران و اکثر شهرستانها که از رفتن شاه با خبر شده بودند، به خیابانها ریختند و با روشن کردن چراغ اتومبیلها و تقسیم گل و شیرینی به رقص و پایکوبی پرداختند. باقیمانده‌ی عکسهای شاه از اداره‌ها برداشته شد و شماری از مردم عکس شاه را از روی اسکناسها قیچی می‌کردند و در خیابانها به نمایش می‌گذاشتند، صدای بوق ممتد اتومبیلها در تهران تا پایان شب شنیده می‌شد و پس از روزها جنگ و خونریزی مردم روز شادی را پشت سر می‌گذاشتند.

** یحیی صادق وزیری.

*** محسن پزشکپور، پرویز ظفری، حسین‌طبیب، منوچهر یزدی اردکان، عنایت‌الله خاتمی، شهبازی، صادق فرمان، افتخار، عادل رانکوهی، حسین متولی، محمد جزایری، قدمی، کاظم اسکویی، پارسا مطلق، نواب صفا.

**** پرویز عدل، فریدون هویدا، پرویز راجی، مهین دولتشاهی، شجاع‌الدین شفا، سپهبد علی معتضد، غلامرضا تاج‌بخش، شاهپور بهرامی، اردشیر زاهدی، خسرو اکمل.

این حادثه کشته شدند .
ـ آیت الله شریعتمداری طی اعلامیه‌ای مردم را ازتوهین به ارتش و ایجاد مزاحمت برای مردم به‌عنوان عمال رژیم شاه برحذر داشت و خواستار تامین امنیت شهرها شد.
ـ رییس‌مجلس‌شورای ملی گفت: اگر مطمئن شود که شخص امام‌دستوراستعفا داده‌اند، اوهم استعفاخواهدکرد.*
ـ سید جلال‌الدین تهرانی رییس شورای سلطنت برای مذاکره با امام راهی پاریس شد .

بیست و هشتم دی ماه ۱۳۵۷

ـ تظاهرات و راه پیمایی در تهران و شهرستانها ادامه داشت.
ـ امام اعلام کرد که : شاه خلع شده است و وزرای بختیار و خود او باید استعفا بدهند .
ـ در تهران گفته شد که اعضای شورای انقلاب احتمالا عبارتند از : دکتر کریم سنجابی ، مهندس بازرگان ، سرتیپ مدنی ، مهندس کتیرایی ، وحجت الاسلام هاشمی رفسنجانی .
ـ دسته‌ی دیگری ازنمایندگان مجلس شورای ملی‌استعفا کردند .**
ـ بختیار اعلام کرد : در ارتش بدون نظر من احدی نمی‌تواند تصمیم بگیرد .
ـ ستاد ارتش اعلام کرد : عده‌ای شورشی‌کُرد به رهبری جلال طالبانی به یك پاسگاه ژاندارمری در منطقه‌ی "سردشت" حمله کرده‌اند و دو کیلومتر واردخاك ایران شده‌اند .
ـ دویست و چهل نفر محکوم دادگاههای نظامی در تهران آزاد شدند .
ـ "رضا پهلوی" در آمریکا گفت: اگر مردم بخواهند، حاضر

---

* دکتر جواد سعید .
** دکتر شیروانی ، مظهری ، مشیر ، افتخاری .

است جانشین پدرش بشود .

بیست و نهم دی ماه ۱۳۵۷

- تظاهرات عظیم "اربعین حسینی" که از روزهای قبل تدارک دیده می‌شد، در سراسر کشور برگزار گردید و طبق آمار خبرگزاریهای خارجی تعداد شرکت‌کنندگان در تهران بیش از سه میلیون نفر اعلام شد. تظاهرات تهران با قطعنامه‌ای که مورد تایید مردم قرار گرفت پایان یافت . *
- ژاندارمری اعلام کرد جا به جایی نیروهای نظامی در کشورهای همسایه نگران کننده است .
- در آمریکا اعلام شد بختیار روی پوست موز ایستاده است.

سی‌ام دی ماه ۱۳۵۷.

- بختیار گفت که : بر سر دو راهی است. مقاومت کند خونریزی می‌شود. استعفا کند کودتا می‌شود .
- سفارت ایران در واشینگتن در اختیار طرفداران" امام خمینی " قرار گرفت.
- " مسکو" اعلام کرد : شوروی نگران یك کودتای نظامی آمریکایی در ایران است.
- بختیار دستور آزادی تمامی زندانیان سیاسی را صادر کرد .

---

* در این قطعنامه که مورد تایید مردم قرار گرفت این مسایل عنوان شده بود :

- تشکیل جمهوری اسلامی .
- خلع شاه از سلطنت و غیرقانونی بودن سلطنت خاندان پهلوی .
- غیرقانونی بودن دولت بختیار .
- غیرقانونی بودن مجلسین و شورای سلطنت .
- تقاضای تشکیل شورای انقلاب .
- تقاضای تشکیل دادگاههای انقلابی .

ـ عده‌ی دیگری از نمایندگان مجلس شورای ملی استعفا کردند. *
ـ اولین "دادگاه اسلامی" درمسجد جامع شهرستان سلماس تشکیل می‌شود.
ـ دکتر سید علی شایگان، دکتر سیف پور فاطمی و خسرو قشقایی در پاریس با امام ملاقات می‌کنند.
ـ چند صد نظامی که با فرماندهان خود اختلاف دارند در پایگاه شاهرخی همدان دست به اعتصاب غذا می‌زنند.
ـ چهار مرد مسلح با تهدید و ارعاب یك میلیون و نیم تومان از بانك ملی زنجان سرقت می‌کنند.
ـ تظاهرات در تهران و شهرستانها با خشونت ادامه دارد.

اول بهمن‌ماه ۱۳۵۷

ـ آیت الله شریعتمداری مخالفت خود را با دولت بختیار اعلام می‌کند.
ـ بختیار می‌گوید: مسوولیت هر کشتاری ناشی ازحوادث احتمالی آینده به گردن کسانی است که موجبات آن را فراهم کنند.
ـ وزارت امور خارجه پنج سفیر و کنسول را برکنار می‌کند.
ـ سازمان آزادی بخش فلسطین اعلام می‌کند که در آموزش دادن و مسلح کردن مخالفان شاه نقش بسیار اساسی داشته است وسرهنگ قذافی‌رهبر لیبی از طریق این سازمان به مخالفان شاه کمك نظامی‌می‌کرده است.
ـ روزنامه‌ی انگلیسی (ساندی تلگراف) گزارش داد که از یك سال پیش یك ارتش تعلیم دیده‌ی چریکی‌دوهزار نفری در ایران آماده‌ی کارزار برای ساقط کردن شاه بوده است.

---

* قدرت‌الله‌واحدی، حاج رستم رفعتی، خانم دکتر صنیع، کمیلی‌زاده، پارسا.

- شش هزار نفر "همافر" و درجه دار کارمند در پایگاه شاهرخی همدان به‌عنوان همبستگی با مردم اعتصاب غذا کردند.

- در پاریس اطرافیان امام گفتند: دو هزار و سیصد نفر در پایگاههای هوایی دستگیر و تنی چند از آنها در دادگاه نظامی محکوم و اعدام شده‌اند.

- بازرگان استقرار جمهوری اسلامی را قطعی اعلام کرد و گفت: بین امام و بختیار توافق شده که بختیار به محض تشکیل دولت موقت استعفا کند و اعلام داشت که شورای انقلاب * طی چند روز آینده تشکیل می‌شود. همچنین تاکید کرد که مذاکرات با فرماندهان ارتش در جریان است.

دوم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- امام خمینی در پاریس اعلام کرد: در حکومت اسلامی دیکتاتوری وجود ندارد.

---

* شورای انقلاب از اواسط حکومت شریف‌امامی تشکیل شد و وظیفه‌ی آن شناسایی افراد برای تشکیل دولت احتمالی آینده بود که اداره‌ی امور مملکت را به‌دست بگیرند.

اعضای اولیه‌ی شورای انقلاب عبارت بودند از حضرات آیات طالقانی و منتظری (چون این دو نفر در زندان بودند در جلسات اولیه شرکت نداشتند) مطهری، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، باهنر، دکتر بهشتی، خامنه‌ای و مهدوی کنی.

سپس مهندس بازرگان، دکتر سحابی، مهندس کتیرایی و احمد صدر حاج سیدجوادی به شورا اضافه شدند.

پس از آن‌که دولت موقت تشکیل شد اعضایی که به عضویت کابینه درآمده بودند از شورای انقلاب خارج شدند و جای وزرا به آقایان ابوالحسن بنی‌صدر، ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده داده شد، ولی مهندس بازرگان و بعضی از اعضای کابینه غالبا در جلسات شورا شرکت می‌کردند. (از سخنرانی دکتر بهشتی در دانشکده‌ی فنی در چهارم اسفندماه ۱۳۵۸ به نقل از روزنامه‌ی اطلاعات.)

- سید جلال الدین تهرانی پس از آن که از ریاست شورای سلطنت استعفا کرد و شورای مذکور را "غیر قانونی" خواند در پاریس به حضور امام پذیرفته شد .
- آیت الله طالقانی هشدار داد که اگر ارتش کودتا کند، مردم مسلح می‌شوند .
- ارتشبد قره باغی گفت: ارتش از دولت قانونی بختیار حمایت خواهد کرد .
- پس از آن که اعلام شد "امام" بامداد فردا وارد تهران خواهد شد، بختیار به کارکنان اعتصابی هواپیمایی ملی گفت: در صورتی می‌توانند برای بازگشت امام پرواز اختصاصی ترتیب دهند که قبلا اعتصاب خود را بشکنند .
- یوسف خوش کیش از ریاست بانک مرکزی به دلیل "کسالت مزاج" کناره گرفت.
- نه نفر از نمایندگانی که قبلا گفته بودند به دستور امام استعفا خواهند داد: اعلام کردند که "سنگر" را رها نخواهند کرد. دانشی‌تنها نماینده‌ی مجلس شورای ملی که ملبس به لباس روحانیت است این گفته‌ی وکیلان را تایید کرد .
- جبهه‌ی ملی طی نامه‌ای به توضیحات دکتر علی امینی که در روز بیست یکم دی ماه در روزنامه‌ها چاپ شده بود شدیدا حمله کرد و علی امینی را عاقد قرارداد نفت بعد از کودتای ۲۸ امرداد خواند .
- اردشیر زاهدی در آمریکا گفت: اگر دولت بختیار سقوط کند، ممکن است ارتش کودتا کند .
- شاه و فرح از مصر به مراکش رفتند .
- تظاهرات و راه پیمایی در سراسر مملکت ادامه داشت و در بعضی از شهرها تظاهرات به خون کشیده شد .

سوم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- یک سناتور از مقام خود استعفا کرد . *

---

* محمدرضا جلالی‌نایینی رییس کانون وکلای دادگستری تنها سناتوری بود که به دولت شاپور بختیار هم رای مخالف داد .

ـ روزنامه‌ی " ایزوستیا " در شوروی برای نخستین بار از " امام خمینی " در برابر تبلیغات غرب و خصوصا آمریکا حمایت کرد .
ـ تظاهرات، اعتصاب و زد و خورد در سراسر کشور ادامه دارد .

چهارم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

ـ گروهی از افسران، درجه داران و همافران نیروی هوایی در تهران به طرفداری از " امام خمینی " راهپیمایی کردند .
ـ خبرگزاریها گزارش دادند : ممکن است علیه جان "امام" هنگام ورود به تهران سوء قصد شود و دولت پنج هزار مامور مخفی را برای حفظ جان او بسیج کرده است. خبر مشابهی از قول بختیار از رادیو " مونت کارلو " پخش شد .
ـ رادیو مسکو از قول روزنامه‌ی " پراودا " گفت: شعارهای آیت الله خمینی " مترقی " است.
ـ آیت الله پسندیده* در قم با آیت الله شریعتمداری ملاقات کرد و پیام دوستانه‌ی امام را به ایشان تسلیم نمود.
ـ رجوی طی نطقی در مسجد دانشگاه تهران گفت: اسلام دینی نیست که مبارزه را در انحصار گروه خاصی بداند.
ـ بختیار به کارکنان اعتصابی تلویزیون گفت: برای پخش مستقیم جریان ورود " امام " اول باید اعتصاب خود را بشکنند .
ـ دولت آمریکا اعلام کرد : دو هزار بشکه سوخت برای مصرف ارتش به ایران می‌فرستد .
ـ تظاهرات در سراسر کشور ادامه داشت.

پنجم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

ـ از ساعت یك بامداد فرودگاه مهرآباد تهران برای مدت

---

* برادر بزرگ امام خمینی .

سه روز به دستور دولت به روی همه‌ی هواپیماها بـه جز هواپیماهای نظامی بسته شد ·

ـ دکتر ابراهیم یزدی در پاریس اعلام کرد : عزیمت" امام" به ایران سه روز عقب افتاده ، زیرا فرودگاههای ایـران بسته است·

ـ دکتر فریدون کشاورز* طی نامه‌ای از "لوزان" سویـس به امام توصیه کرد که برای اجتناب از خطر نظامیان قبل از موقع به تهران عزیمت نکند ·

ـ عده‌ای** در تهـران بـه هـواداری از قانون اساسی تظاهرات کردند ·

ـ بختیار در مصاحبه‌ای با رادیو پاریس تاکید کرد که برای حفظ قانون اساسی خواهد کوشید ·

ـ جبهه‌ی ملی طی اعلامیه‌ای تظاهرات طرفداران قانون اساسی را به شدت محکوم کرد ·

ـ در تهران تظاهرات خونینی در گرفت·

ـ پسر بختیار (نخست وزیر) به پاریس رفت و گفته شـد که نامه‌ای از طرف پدرش برای امام برده است·

ـ کمیته‌ی استقبال از امام که با شرکت روحانیـون تشکیل شده بود با دخالت مستقیم دولت در حفظ امنیـت امام مخالفت کرد ·

ـ نماینده‌ی یاسرعرفات با پیامی از سوی وی در پاریس با امام ملاقات کرد ·***

---

* دکتر فریدون کشاورز از سران حزب توده بود که در کابینه‌ی قوام السلطنه وزیر شد ــ پس از واقعه‌ی دانشگاه در سال ۱۳۳۷ از کشور گریخت . سالها در مسکو و بغداد و الجزیره به سر می‌برد. کتابی برضد دیگر سران حزب توده زیر عنوان (من متهم می‌کنم)منتشر کردو هم‌اکنـون در سویس زندگی می‌کند . بعد از انقلاب هم یک نامه‌ی سرگشاده بـه عنوان امام نوشت .

** خبرگزاریها تعداد این افراد را بین بیست تا سی هزار نفر مخابـره کردند .

*** "ابراهیم سوسن" .

ـ تظاهرات در شهرستانها ادامه داشت.

ششم بهمن ماه ۱۳۵۷.

ـ نیمه شب پنج نفر روزنامه نگار به وسیله‌ی فرمانداری نظامی دستگیر و توقیف شدند.*

ـ وزیر دفاع آمریکا برضد دخالت احتمالی نظامی شوروی در ایران به مسکو شدیدا اخطار کرد.

ـ در تظاهرات گسترده‌ی تهران و شهرستانها چهل نفر کشته و عده‌ی کثیری زخمی شدند.

ـ هفته نامه‌ی "روزالیوسف" چاپ قاهره گزارش داد که: تعدادی از افسران ارتش و ساواك ایران به اسراییل پناهنده شده‌اند.

هفتم بهمن ماه ۱۳۵۷.

ـ صد تن از روحانیون از جمله حضرات آیات: مطهری، آذری قمی، مهدی ربانی و یوسف صانعی به عنوان اعتراض به بسته بودن فرودگاه در مسجد دانشگاه تهران متحصن شدند.

ـ یك نفر ازمدیران کل** در وزارت امورخارجه طی نامه‌ای مجلس شورای ملی را ساخته و پرداخته‌ی "ساواك" نامید و از وزیر امور خارجه*** خواست کناره گیری کند.

ـ آیت الله شریعتمداری طی اطلاعیه‌ای ارتش را از دست زدن به کودتا برحذر داشت.

ـ بختیار طی اعلامیه‌ای اعلام کرد: طی چهل و هشت ساعت آینده شخصا برای دیدار با امام راهی پاریس خواهد شد تا "از محضر امام کسب فیض نماید".

---

* مهدی بهشتی‌پور، جلیل خوشخو، فیروز گوران، مسعود مهاجر، نعمت ناظری.

** فریدون فرخ ـ پدر او (مهدی فرخ ـ معتصم‌السلطنه) سالها در کابینه‌های بعداز شهریور سمت وزارت داشت.

*** میرفندرسکی.

- ارتش طی اعلامیه‌ای حمایت خود را از مسافرت بختیار به پاریس و دیدار با امام اعلام کرد .
- " امام خمینی " طی نامه‌ای به علمای مقیم ایران گفت که " بختیار " را نخواهد پذیرفت.
- کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران در پاریس از اقدامات " بعضی گروههای مذهبی که می‌خواهند مانع آزادی دسته‌های دموکراتیک " شوند، انتقاد کرد .
- ارتش اعلام کرد صد " همافر " از یکی از شهرستانها به پادگان جمشیدیه تهران منتقل شدند .

هشتم بهمن ماه ۱۳۵۷ .

- یك نماینده‌ی مجلس شورای ملی هدف گلوله قرارگرفت.*
- حاج مهدی عراقی** در پاریس اعلام کرد : رزم آرا ، هژیر و منصور را فداییان اسلام اعدام کرده‌اند و بعد از آنها نوبت نصیری ، ایادی و دکتر اقبال بود .
- در تهران گفته شد امام ممکن است بختیار را بپذیرد .
- صادق قطب زاده در پاریس اعلام کرد اگر بختیار از سمت خود استعفا کند، امام او را خواهد پذیرفت.
- چند خبرگزاری خارجی اعلام کردند بختیار به بعضی از وزرای خود گفته است امکان دارد از نخست وزیری استعفا کند .

---

* غلامحسین دانشی تنها نماینده‌ی مجلس شورا که ملبس به لباس روحانیت بود ،از این حادثه جان سالم به در برد . " وی بعدا در دادگاه انقلاب محکوم به مرگ شد . "

"سازمان موحدین وابسته به فداییان اسلام " یک روز بعد مسوولیت این ترور را به‌گردن گرفت و اخطار کرد سایر نمایندگانی را که از امر امام پیروی نکنند نیز اعدام خواهد کرد . این سازمان در اطلاعیه‌ی خود ، ترور رییس کنسرسیوم اهواز ، انفجار شهربانی کرمان، ترور سرهنگ سروری رییس یکی از دوایر ساواک تهران و حمله به پایگاه شماره‌ی ۲ فرمانداری نظامی اهواز را به عهده گرفت .

** ازرهبران فداییان اسلام که در ترور منصور بازداشت و محکوم‌شده بود.

ـ حضرات آیات طالقانی ، دکتر بهشتی ، منتظری صدوقی ، طاهری اصفهانی ، خلخالی ، خامنه‌ای و ناطق نوری به متحصنین مسجد دانشگاه پیوستند وتعداد متحصنین به پانصد نفر رسید ·
ـ درتظاهرات این روزتهران که به خون‌کشیده شد اماکن عمومی‌از قبیل سینماها ، کاباره‌ها و اتوبوسها به آتش کشیده شدند ·
ـ در ستاد کل ژاندارمری تهران که مورد حمله قرار گرفت‌عده‌ای کشته و زخمی شدند ·
ـ کنسول آمریکا در اصفهان از ترس مردم به خانه‌ی آیت‌الله خادمی پناهنده شد ·
ـ ازپاریس‌گزارش‌شد:کسانی‌که با امام‌به ایران بازخواهند گشت‌عبارتنداز: دکترابراهیم یزدی ، ابوالحسن بنی‌صدر، صادق قطب زاده ، هادی غفاری ، فردوسی ، حاج‌مهدی عراقی ، آیت‌الله اشراقی و حاج احمد آقا خمینی ·

نهم بهمن ماه ۱۳۵۷ ·

ـ بختیار دریك مصاحبه اعلام کرد: فرودگاه برای ورود امام بازشده است· شاه به‌عنوان‌این‌که مسوولیت ندارد فرمانده ارتش‌نیست· هرگونه تغییری‌درقانون اساسی‌باید ازطریق قانون باشد·او پست نخست‌وزیری را ترك نخواهد کرد ·
ـ تهران و اکثر شهرستانها در آتش و خون بود وعده‌ی کثیری کشته و مجروح شدند ·
ـ پنج روزنامه نگار بازداشتی آزاد شدند ·
ـ یك سرلشگر به دست مردم شدیدا مضروب شد · *
ـ رادیو لندن اعلام کرد : ایران به سرعت به سوی هرج و مرج پیش می‌رود ·

دهم بهمن ماه ۱۳۵۷ ·

ـ در اکثر خیابانهای‌تهران آتش‌زبانه می‌کشید و عده‌ای

---

* تقی لطیفی رییس پرسنل ژاندارمری کل کشور ·

کشته و مجروح می‌شدند.

- در اغلب شهرستانها موج خشونت شهرها را فرا گرفته است.

- ابوالحسن بنی‌صدر در پاریس اعلام کرد: با وجود بازشدن فرودگاه بازگشت امام بیست و چهار ساعت به تاخیر افتاده است.

- نمایندگان غیر مستعفی مجلس اعلام‌کردند تامین جانی ندارند ولی سنگر را خالی‌نخواهند کرد.

- دولت آمریکا دستور تخلیه‌ی کلیه‌ی غیر نظامیان و خانواده‌های آمریکایی مقیم ایران را صادر کرد.

- پراودا از قول مقامات دولت شوروی نوشت: کودتای نظامی آمریکایی در شرف انجام است.

یازدهم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- صد و هفتاد و دو نفر از نمایندگان مجلس‌شورای ملی اعلام کردند مجلس را ترک نمی‌کنند.*

- گروهی از خبرنگاران خارجی از پاریس وارد تهران شدند** و امیر قطب زاده آنها را همراهی می‌کرد.***

- ارتش در خیابانهای تهران با اسلحه‌ی سنگین یک نمایش قدرت وسیع ترتیب داد.

- دولت لیبی اعلام کرد: به انقلاب ایران از نظر مادی، اخلاقی و سیاسی کمك خواهد کرد.

دوازدهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷

- ازنیمه‌های شب به بعد تهران وآن عده که ازشهرستانها به تهران آمده بودند: از فرودگاه مهرآباد، میدان

---

* دفتر مجلس به روزنامه‌ها اعلام کرد تا امروز سی و دو استعفا به مجلس رسیده است.

** چهل نفر.

*** برادر صادق قطب‌زاده.

شهیاد، خیابان آیزنهاور، شاهرضا* و تمامی خیابانهایی که تا بهشت زهرا امتداد داشت، گرد آمده بودند. در حدود ساعت هشت صبح رفت و آمد در پیاده روهای کلیه‌ی این جاده‌ها و خیابانها غیرممکن بود. افراد عادی و جوانان که آرم انتظامات داشتند سطح خیابانها را کنترل می‌کردند. در کلیه‌ی پشت بامها و ساختمانهای نیمه تمام جمعیتی که به شمارش نمی‌آمد موج می‌زد.** ـ در فرودگاه مهرآباد هیات مستقبلین که عبارت از روحانیون، اعضای نهضت آزادی، بعضی از اعضای جبهه‌ی ملی، وسایر احزاب بودند حضور داشتند. جمعیت در محوطه‌ی فرودگاه قابل شمارش نبود، ولی نکته‌ی جالب آن که با همه‌ی این ازدحام به هیچ‌وجه نظم و ترتیب از دست داده نمی‌شد و به این ترتیب در میان استقبالی که در تاریخ ایران و شاید نسبت به جمعیت (ایران) در جهان سابقه نداشت امام خمینی وارد تهران شد.*** از فرودگاه تا بهشت زهرا اتومبیل حامل امام چون نگین انگشتری درمیان سیل جمعیت بود و در بهشت زهرا کثرت جمعیت به حدی بود که عبور و مرور امکان نداشت. "امام" در بهشت زهرا سخنرانی مفصلی ایراد کرد**** و

---

* اسامی خیابانها به ترتیبی که آن روز خوانده می‌شد آورده شده است (بدیهی است که این نامها بعدا تغییر کرد).

** بعضی خبرگزاریهای خارجی تعداد جمعیت را بین سه تا چهار میلیون نفر تخمین زدند و برخی جمعیت را نزدیک به دو میلیون نفر دانستند.

*** افرادی که همراه امام به تهران آمدند عبارت بودند از: بنی‌صدر، حسن حبیبی، قطب‌زاده، دکتر یزدی، حاج احمد خمینی، صادق طباطبایی، حجت‌الاسلام حسن لاهوتی، داریوش فروهر، همسر امام، و حجت الاسلام اشراقی.

**** در این سخنرانی، امام پس از تشکر از ملتی "که همه چیزش را در راه خدا داد"، به انتقاد از رژیم پرداخت و نارساییهای گذشته را برشمرد: "فرهنگ ما را به صورت یک فرهنگ عقب‌مانده نگاه داشت. ارتش را

از آن جا به مدرسه‌ی علوی که به عنوان اقامتگاه برای ایشان آماده شده بود، رفت.

- فرمانداری نظامی اجتماعات را به مدت سه روز آزاد اعلام کرد.
- دکتر علی آبادی از عضویت شورای سلطنت استعفا کرد.
- در کرمان تظاهرات مردم به خون کشیده شد و یک سرهنگ شهربانی به قتل رسید.*

بیوگرافی امام خمینی

سید روح الله موسوی در تاریخ ۲۰ جمادی الآخر سال

تابع ارتش ومستشاران غیر کرد. مملکت را خراب کرد. قبرستانهای مارا آبادکرد. مملکت را از ناحیه‌ی اقتصاد خراب کرد. تمام نفت ما را به غیر دادند. اصلاحات ارضی یک لطمه‌ای بود. زراعت ما به کلی از بین رفت و شما در همه چیز به خارج محتاج هستید. و . . . " سپس، ضمن تاکید براین‌که " مجلس که بدون رای و بدون اطلاع و رضایت مردم تعیین شده، غیرقانونی است "، بدون آن که اسمی از بختیار ببرد، افزود : " من توی دهن این دولت خواهم زد. من دولت تعیین خواهم کرد. " تاریخ سیاسی معاصر ایران ـ جلد دوم ـ صفحه‌های ۸ـ۲۳۲.

* رضا معتمدی رییس شهربانی کرمان.

۱۳۲۰ هجری قمری در شهرستان خمین زاده شد. پدر وی مرحوم مصطفی موسوی از روحانیون خمین بود که در راه "خمین ـ اراك" مورد سوءقصد افراد یکی از مالکان خمین قرار می‌گیرد و بر اثر اصابت گلوله در ۴۷ سالگی بدرود حیات می‌گوید.

امام خمینی در پانزده سالگی با شرایط فرهنگی آن زمان تحصیلات ابتدایی خود را به پایان می‌برد و سپس در محضر برادر خود آیت‌الله پسندیده به تحصیل علوم اسلامی می‌پردازد. در سال ۱۳۳۹ قمری عازم اراك می‌شود و در حوزه‌ی درس مرحوم آیت‌الله حایری به تحصیلات خویش ادامه می‌دهد. در سال ۱۳۴۰ قمری که حوزه‌ی علمیه به قم منتقل می‌شود، وی نیز همراه مرحوم حایری به قم می‌آید و در مدرسه‌ی "دارالشفا" مسکن می‌گزیند. تا سال ۱۳۴۵ قمری سطوح عالیه را به پایان می‌رساند و در سال ۱۳۵۵ قمری پس از درگذشت آیت‌الله حایری به عنوان مجتهد، به تدریس معقول و منقول می‌پردازد. در زمان رضاشاه بارها مجلس درس ایشان تعطیل می‌شود.

پس از شهریور بیست حوزه‌ی درسی خود را به مدرسه‌ی فیضیه منتقل می‌کند و کتاب کشف الاسرار را درباره‌ی (گوشه‌هایی از جنایتهای رضاخان قلدر) منتشر می‌کند. در زمان مرحوم بروجردی حوزه‌ی درس ایشان برقرار بود.

در دولت اسدالله علم در سال ۱۳۴۱، جنبش اسلامی به رهبری امام آغاز می‌گردد. در مهرماه سال ۱۳۴۱ که لایحه‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی به تصویب می‌رسد، امام خمینی علمای حوزه‌ی علمیه‌ی قم را به شور می‌گیرد و سپس طی تلگرافی به شاه اعلام مخالفت با اجرای این لایحه می‌نماید و الغای فوری آن را خواستار می‌شود. تلگراف در روز ۱۷ مهر ماه ۱۳۴۱ مخابره می‌شود و پس از یك هفته تلگرافی به قم از سوی دربار مخابره می‌گردد که: شاه در جواب کوشیده بود با خطاب عنوان حجةالاسلام مساله را ساده جلوه داده، به "امام" گوشزد نماید که اول، شما را به عنوان آیت‌الله و مرجع تقلید نمی‌شناسم و دوم، کار شما هدایت عوام است، نه دخالت در سیاست مملکت و در پایان گفته بود موضوع محول به دولت گردیده است.

امام خمینی پس از دریافت این جواب تلگرافی به اسدالله

علم مخابره می‌کند و در آن اضافه بر اخطار به دولت در مورد جلوگیری از اعمال خلاف اسلام و قانون اساسی، لغو فوری لایحه را خواستار می‌شود. پس از آن دو تلگراف دیگر هم با لحنی تند به شاه و نخست وزیر مخابره می‌کند و طی نامه‌ها و اعلامیه‌هایی مردم را دعوت به مبارزه برای حفظ اسلام می‌نماید.

نفوذ روز افزون امام در سراسر کشور شاه را سراسیمه می‌کند و می‌کوشد او را از صحنه خارج سازد. به همین دلیل پس از یك ماه ونیم طی تلگرافی به عنوان آیات عظام: گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی مرعشی اعلام می‌کند شرط اسلام و قسم به قرآن را طبق نظر آقایان می‌پذیرد و شرایط دیگر را به نظر مجلس محول می‌کند.* ولی امام خمینی به این جواب قانع نمی‌شود و اعلامیه‌های دیگری منتشر می‌کند. شاه که به نظر خود از راه مسالمت‌آمیز نتوانسته بود کاری از پیش ببرد، اعلام می‌کند هر نوع تظاهرات را سرکوبی خواهد کرد و دستور اجرای لایحه از طرف دولت صادر می‌شود. ولی این تهدید دولت نه تنها سودی نمی‌بخشد، که برشدت تظاهرات در قم می‌افزاید. به همین مناسبت در آذر ماه ۱۳۴۱ دولت

---

* دراصول ۹۱و۹۲ متمم قانون اساسی تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی پیش بینی و شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان درمواد ۷و ۹ نظامنامه‌ی انجمن مصوب دوره‌ی اول مجلس معین شده‌بود و سه امررا دربرداشت:

۱ــ باید متدین به‌دین حنیف اسلام باشندو فسادعقیده نداشته باشند.

۲ــ هنگام سوگند باید به قرآن مجید سوگند یاد نمایند.

۳ــ طایفه‌ی نسوان از انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم‌اند.

مطبوعات روز ۱۶ مهر ماه ۱۳۴۱ اعلام داشتند که دولت لایحه‌ی انجمنهای ایالتی و ولایتی جدید را تصویب کرده است و متن آن را انتشار دادند.

در متن مصوب قید اسلام ازشرایط انتخاب‌کنندگان وانتخاب‌شوندگان حذف و به جای سوگندبه قرآن به‌کتاب آسمانی قیدشده‌بودو به زنان حق رای داده‌بودند. تاریخ سیاسی معاصر ایران ــ جلداول ــ صفحه‌ی ۳۷۵.

مجبور می‌شود طی تلگرافی به علما الغای لایحه را اعلام نماید. ولی امام خمینی طی سخنرانی از مردم می‌خواهد تا الغای لایحه در جراید رسما اعلام نشود از مبارزه دست برندارند و بازارها را باز نکنند. که این تهدید اثر می‌کند و در تاریخ دهم آذر ماه در جراید رسما موضوع اعلام می‌شود. روز ششم بهمن که همه پرسی اصول انقلاب سفید انجام می‌شود "امام خمینی" اعلامیه‌ای در مورد این اصول منتشر می‌کند و این اقدام را غیرقانونی می‌خواند و متذکر می‌شود: "اساسا رفراندم یا تصویب ملی در قبال اسلام ارزشی ندارد". همچنین در آستانه‌ی عید نوروز سال ۱۳۴۲ عید را عزای عمومی اعلام می‌کند.

در روز دوم فروردین ماه ۱۳۴۲ که مصادف با شهادت امام صادق (ع) بود عده‌ای کماندو به رهبری سرهنگ مولوی * معاون ساواک تهران به قم می‌روند و به مجلس عزایی که از طرف آیت الله گلپایگانی در مدرسه‌ی فیضیه برقرار بود هجوم آورده، با فریادهای "جاوید شاه" به مردم حمله کرده، عده‌ی کثیری را مصدوم و مجروح می‌نمایند. شماری از طلاب نیز کشته می‌شوند. این خبر در سراسر کشور انتشار می‌یابد، ولی رادیو و تلویزیون کوچکترین خبری درباره‌ی آن چه گذشته منتشر نمی‌کنند. روزنامه‌ها هم مطلبی نمی‌نویسند. امام خمینی روز بعد در یک سخنرانی بسیار شدید اللحن دستگاه حاکم را که "مسبب این جنایت" است "اعقاب چنگیز" می‌خواند و در اعلامیه‌ای می‌نویسد:

"من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های ماموران شما حاضر کرده‌ام ولی برای زورگوییها و خضوع در مقابل جباریهای شما حاضر نخواهم کرد".

پس از این وقایع مرحوم آیت الله حکیم که در آن موقع در قید حیات بودند، طی تلگرافی پس از اظهار همدردی علما را دعوت می‌کند که به عتبات عالیات (نجف اشرف) مهاجرت نمایند.

---

* تا درجه‌ی سرلشگری ارتقا یافت ولی در یک حادثه‌ی هوایی با هلیکوپتر در یک روز تعطیل در جاده‌ی تهران آبعلی کشته شد.

این تلگراف از طرف دربار به قم ارسال می‌شود و به وسیله‌ی آیت‌الله شریعتمداری با پیامی که شاه به شرح زیر داده بود به امام خمینی داده می‌شود: "تلگرافی از آیت‌الله حکیم به دست شما می‌رسد که شما را به خارج شدن از ایران و رفتن به نجف دعوت کرده است. اگر بخواهید بروید، دولت وسایل رفتن شما را فراهم می‌کند. ولی اگر بخواهید روی این تلگراف سر و صدا راه بیندازید، به شدت مجازات خواهید شد."

پاسخ این تلگراف روز بعد به عنوان آیت‌الله حکیم به این شرح از طرف "امام خمینی" داده می‌شود "ما تکلیف الهی‌خودرا انشاالله ادامه خواهیم داد و باحدی الحسنیین نایل خواهیم شد. یا کوتاهی دست خاینین از حریم اسلام و قرآن و یا جوار رحمت حق جل و علا. انی لا اری الموت الا السعاده و الحیوه مع الظالمین لا ابرما".

تظاهرات و سخنرانی در قم و بعضی از شهرستانها همچنان تا چهلم حوادث فیضیه ادامه می‌یابد و در این روز سخنرانی شدید اللحن دیگری از سوی امام خطاب به شاه ایراد می‌شود.

پس از ایراد این سخنرانی در روز ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ قیام مردم تهران آغاز شد و در آن روز ارتش اقدام به سرکوبی قیام کنندگان کرد.

ساعت سه‌ی بعد از نیمه شب ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ امام خمینی به وسیله‌ی افرادی که از تهران به قم اعزام شده بودند دستگیر و به تهران منتقل و در پادگان قصر زندانی می‌شود.

در تاریخ ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۴۳ از زندان آزاد می‌شود، ولی به شدت تحت نظر قرار می‌گیرد. تا این که در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ در قم پس از سخنرانی معروف خود علیه تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون به وسیله‌ی ماموران دولت (حسنعلی منصور) دستگیر و به ترکیه تبعید می‌گردد.

در نهم جمادی الآخر سال ۱۳۸۵ (برابر با ۱۳۴۴ خورشیدی) پس از یک سال تبعید از ترکیه به نجف اشرف منتقل می‌شود. در نجف حکومت اسلامی و طرح آن را رسما عنوان می‌کند و علیه جشنهای ۲۵۰۰ ساله و حزب رستاخیز اعلامیه‌های

شدید اللحنی منتشر می‌کند. در عین حال که رهبری جنبشهای اسلامی را از همان جا هدایت می‌نماید. در دی ماه ۱۳۵۶ (دولت آموزگار) به دنبال چاپ مقاله‌ای توهین آمیز بر ضد امام، طلاب قم دست به تظاهرات و راه پیمایی می‌زنند و در این جریان عده‌ای کشته و مجروح و دستگیر می‌شوند.

در بهمن ماه ۱۳۵۶ در اغلب شهرستانها به حمایت "امام خمینی" تظاهراتی برپا می‌شود و در ۲۹ بهمن تظاهرات گسترده‌ای در تبریز انجام می‌گیرد که در آن بانکها، سینماها، مشروب فروشیها، ساختمانهای دولتی و حزب رستاخیز مورد حمله‌ی تظاهرکنندگان قرار می‌گیرد. این تظاهرات تا امرداد ماه ۱۳۵۷ در اغلب شهرستانها با شرکت گروههای سیاسی ادامه می‌یابد.

در ۲۲ امرداد "امام خمینی" طی اعلامیه‌ای از شهدای این تظاهرات تجلیل می‌کند.

در ۲۹ امرداد ماه ۱۳۵۷ آتش سوزی مهیبی هفتصد و بیست نفر را در آبادان (در سینمای رکس) به کام مرگ فرو می‌برد. در هفتم شهریور ماه ۱۳۵۷ تلاش حکومت برای بازگرداندن "امام" به ایران و وادار کردن ایشان به سازش با شکست رو به رو می‌شود.

در دوم مهر ماه ۱۳۵۷ منزل امام در نجف به وسیله‌ی ارتش عراق محاصره می‌شود و این امر موجب اعتراض مردم ایران می‌گردد. در ۱۳ مهر ماه ۱۳۵۷ "امام خمینی" عراق را به قصد مهاجرت به کویت ترک می‌کند ولی از طرف آن دولت اجازه‌ی اقامت داده نمی‌شود. "امام خمینی" به راهنمایی دکتر ابراهیم یزدی که در نجف به امام پیوسته بود، عازم پاریس می‌شود و پس از صد و نوزده روز اقامت در پاریس و بیش از نزدیک ۱۵ سال دوری، به ایران باز می‌گردد.

سیزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷.

- آمریکا اعلام می‌کند که: به طور رسمی همچنان از بختیار و دولت او پشتیبانی خواهد کرد، ولی با نمایندگان آیت الله خمینی هم تماس دارد.

ـ هزاران نفر از مردم تهران در اقامتگاه امام به دیدار ایشان می‌روند ٠ *
ـ کمیته‌ی اجرایی حزب توده‌ی ایران در تهران در بیانیه‌ای رسما خواستار مبارزه‌ی مسلحانه با دولت بختیار می‌شود ٠
ـ رادیو لندن اعلام می‌کند: لغو خرید اسلحه از سوی ایران اوضاع سیاسی و اقتصادی جهان را برهم خواهد زد ٠
ـ یك مقام عالیرتبه‌ی "ساواك" ترور می‌شود ٠ **
ـ سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواك) طی یك اعلامیه‌ی رسمی از مقامات مسوول ودینی تقاضای رسیدگی به ترور یکی از اعضای عالی‌رتبه‌ی خود را می‌کند ٠

چهاردهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷ ٠

ـ "امام خمینی" تشکیل شورای انقلاب را بدون ذکر نام افراد اعلام می‌کند ٠
ـ بختیار اعلام می‌کند که: دولت او در مسایل اجتماعی و مذهبی با امام مشورت خواهد کرد ٠
ـ شهردار تهران*** در ملاقات با امام دولت بختیار را غیرقانونی اعلام می‌کند و استعفای خود را به امام تسلیم می‌دارد ٠
ـ امام می‌گوید: دولت را به زودی معرفی می‌کنم، برای جهاد می‌توانیم اسلحه تهیه کنیم، با ارتش در تماس بوده‌ایم و باز هم خواهیم بود ٠
ـ امام خواستار رفع اختلاف دانشگاه با روحانیت می‌شود٠
ـ "همافران" پایگاه "وحدتی" به نفع امام تظاهراتی انجام می‌دهند و با همقطاران مخالف خود به زد و خورد می‌پردازند ٠
ـ چهارصد و پنجاه "همافر" اعتصابی از همدان به تبریز منتقل می‌گردند ٠

---

* اداره‌کننده‌ی اقامتگاه "امام خمینی" حجت‌الاسلام دکتر مفتح بود.
** فریدون زند قهرمان سابق مشت‌زنی.
*** مهندس جواد شهرستانی.

ـ عده‌ی کثیری از افراد، درجه داران، افسران و "همافران" نیروی هوایی با لباس رسمی از برابر اقامتگاه امام رژه می‌روند که با استقبال شورانگیز مردم روبه‌رو می‌شود.
ـ بنی‌صدر در یك مصاحبه اعلام می‌کند: بانکها باید ملی شوند.
ـ در پایان جلسه‌ی مهمی که در حضور امام تشکیل می‌گردد از مهندس بازرگان برای احراز مقام نخست وزیری نام برده می‌شود.
ـ سنجابی در یك مصاحبه می‌گوید: خودش هم نمی‌داند در دولت آینده نقشی خواهد داشت یا نه.
ـ حزب توده‌ی ایران سالروز مرگ دکتر تقی ارانی را پس از حدود سی سال یك بار دیگر در مزار او برگزار می‌کند.
ـ برای نخستین بار یك مامور کمیته‌ی اسلامی در تهران به ضرب چاقوی افراد ناشناس از پای می‌آید.

پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷.

ـ دو نفر از اعضای صاحب مقام در حکومتهای گذشته به وسیله‌ی حکومت نظامی دستگیر می‌شوند. *
ـ ارتش در اعلامیه‌ای در پاسخ اظهارات دیروز امام هرگونه تماس با ایشان را تکذیب می‌کند.
ـ دستور دستگیری جواد شهرستانی از طرف بختیار به ماموران انتظامی داده می‌شود.
ـ بختیار در یك مصاحبه اعلام می‌کند که: جواب کوکتل مولوتف را با کوکتل مولوتف می‌دهم. کسانی را که جنگ داخلی به راه اندازند و یا حتی برای آن تبلیغ کنند به جوخه‌ی اعدام می‌سپرم، نخست وزیر امام اگر وارد عمل شود توقیف خواهد شد. دولت اسلامی فقط در حدود شهر قم آزاد است و ایران هم صاحب یك واتیکان خواهد شد.
ـ از طرف دولت بختیار قرارداد ده میلیارد دلاری خرید اسلحه از آمریکا لغو می‌شود.

---

* دکتر هوشنگ نهاوندی، دکتر عبدالمجید مجیدی.

ـ ارتشبد جم در لندن اعلام می‌کند که تنها راه پایان بحران سازش روحانیت با ارتش است.
ـ دکتر کیانوری دبیر کل حزب توده‌ی‌ایران در مصاحبه‌ای با خبرنگار نیوزویک اعلام کرد: حزب توده می‌تواند مدتهای بسیار طولانی با آیت‌الله خمینی مسیر مشترک داشته باشد و برای تقسیم نهایی قدرت به "جبهه‌ی متحدی" می‌اندیشد. او گفت: اصولا بین سوسیالیست علمی و محتوای اجتماعی اسلام چندان تفاوتی وجود ندارد.*
ـ در روزنامه‌ها اعلام شد: عده‌ای از نمایندگان مستعفی مجلس شورا با امام ملاقات کردند.**
ـ نقش بازرگان در دولت انقلابی مورد بحث روزنامه‌ها و خبرگزاریها بود.
ـ برای نخستین بار از سوی دولت در تاریخ بانک ملی ایران برداشت پس انداز و سپرده از حساب شخصی افراد در بانکها محدود می‌شود.
در اکثر شهرستانها حوادث خونینی به وقوع پیوست.

شانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۷.
ـ نام بازرگان به عنوان نخست وزیر انقلاب در صدر روزنامه‌ها می‌آید.
ـ ژنرال "هویزر" آمریکایی تهران را ترک می‌کند.
ـ علی‌اصغر حاج سید جوادی به اتهام توهین به ارتش از طرف حکومت نظامی بازداشت می‌شود.
ـ روزنامه‌ی گاردین نوشت به شاه قویا توصیه شد مبه‌ایران برگردد و با کمک ارتش نظم را برقرار سازد.***

---

* برای درک واقعیت این "دروغ بزرگ" بایستی به نشریات حزب توده و افکار مارکسیست ـ لنینیستها مراجعه شود.

** فرمان، هرندی، قدمی، محمد جزایری، اسکویی، افتخار، متولی، عادلی، شهبازی، پارسا مطلق.

*** این روزنامه منبع خبر خود را فاش نکرده بود.

ـ ستاد ارتش اعلام می‌کند: هرکس به ارتش توهین کند و یا باعث تضعیف روحیه‌ی پرسنل شود، به شدت تعقیب خواهد شد.

ـ دو نماینده‌ی مجلس شورای ملی استعفای خود را پس می‌گیرند.*

ـ بنی‌صدر اعلام می‌کند: تماس با ارتش تشویق آمیز بوده است.

ـ یکی از وزرای پیشین به وسیله‌ی فرمانداری نظامی توقیف می‌گردد.**

ـ دولت سه هزار صاحب مقام از سطح مدیر کل به بالا را ممنوع‌الخروج اعلام می‌کند.

ـ خسرو قشقایی به ایران بازمی‌گردد.

ـ ارتشبد قره باغی در مراسم سوگند دانشجویان دانشکده‌ی افسری به جای سوگند برای حفظ قانون اساسی از (حقوق اساسی) نام می‌برد.

ـ برای اولین بار یک دادگاه اسلامی در مشهد حد شرعی را به صورت بیست و پنج ضربه شلاق جاری می‌کند.***

ـ دکتر جواد سعید از طرف مجلس رسما به امام خمینی مقدم می‌گوید و خواستار مذاکره برای خروج مسالمت‌آمیز مملکت از بن بست می‌گردد.****

---

* دکتر شیروانی و سلیمانی.

** دکتر غلامرضا کیانپور،

*** حاکم شرع آیت‌الله شیرازی بود و مجرمین چهارجوان ۱۷ تا ۲۰ ساله که جرم آنها اقدام به سرقت بود.

**** از پزشکپور نقل کرده‌اندکه گفته بود: با دکتر سعید مذاکره کردیم و قرار شد جلسه‌ی علنی مجلس را دعوت کند تا مجلس دولت بختیار را عزل نماید و حکومت بازرگان را به‌رسمیت بشناسد. دکتر سعید با این نظر موافق شد و قرار بر این گذاشتیم که سریعا تاریخ تشکیل جلسه را اعلام کند تا ما قبل از مهلت قانونی استعفای خود را پس گرفته، در جلسه برای انجام این کار شرکت نماییم. پزشکپور می‌گوید: ولی بعدا به‌دلایلی‌که من از آن بی‌اطلاع هستم، دکترسعیداین کار را نکرد.

ـ فرمان نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان به امضای امام و با تاریخ ششم ربیع الاول ۱۳۹۹ برابر ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۷ انتشار یافت.

ـ در این فرمان بازرگان مامور شده است: اداره‌ی امور مملکت را به عهده بگیرد، مقدمات رفراندم، درباره‌ی تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی را فراهم سازد، مقدمات تشکیل مجلس موسسان را آماده نماید، اعضای دولت موقت را طبق شرایطی‌که تعیین شده است معین کند.

ـ بازرگان می‌گوید: قصد رفتن به کاخ‌نخست وزیری را ندارم و کارها قدم به قدم و با مسالمت حل خواهد شد.

ـ در تظاهرات گسترده و عظیم مردم در شهرستانها و خصوصا در تهران این فریاد بازرگان، بازرگان، حکومتت مبارك به گوش می‌رسد:

ـ بختیار با هلیکوپتر به مجلس شورای ملی می‌رود و در آن جا می‌گوید: اگر تمام نمایندگان استعفا بدهند من تا انتخابات بعد خواهم ماند.

ـ وزیر امور خارجه‌ی بختیار اعلام می‌کند: ایران از پیمان سنتو خارج خواهد شد.

ـ لوایح انحلال "ساواك" و محاکمه‌ی وزرا در مجلس شورای ملی تصویب می‌شود.

ـ جنگنده‌های نیروی هوایی در آسمان تهران قدرت‌نمایی می‌کنند.

ـ قطب زاده می‌گوید: امام با سلاح ایمان بر سی میلیارد دلار اسلحه و پنجاه هزار مستشار آمریکایی پیروز شد. در جمهوری اسلامی دیکتاتوری مذهبی جایی ندارد.

ـ رییس ستاد ارتش آمریکا می‌گوید: از یکپارچگی ارتش ایران اطمینان دارد.

ـ بازرگان در یك مصاحبه اعلام می‌کند: کابینه‌ی من خیالی نیست!

ـ کیسینجر وزیر امور خارجه‌ی پیشین آمریکا اعلام می‌کند

چنان چه حکومت آیت الله خمینی بر سر کار آید طی دو سال در ایران آزادی محدود می‌شود ، ثروت مردم کمتر و همبستگی ایران با غرب و کوشش برای عمران و آبادی ضعیف‌تر خواهد شد ·وی گفت دولت احتمالی دید وسیع دولتهای قبلی را نخواهد داشت·

ـ آمریکا اعلام می‌کند که بختیار را نخست وزیر قانونی ایران می‌شناسد ·

ـ رادیو لندن اعلام می‌کند : ژنرالهای ارتش ایران بازرگان را در قبال انجام عملیاتی از قبیل همه پرسی تهدید کرده‌اند ·

ـ روزنامه‌ی پراودا ، ارگان حزب کمونیست شوروی ، از بازرگان حمایت می‌کند ·

ـ آیت الله طالقانی در اطلاعیه‌ای تعداد کسانی را که بایستی مجازات شوند و او آنها را جنایت‌کار می‌داند در حدود یك هزار نفر تخمین می‌زند ·

بیوگرافی مهندس مهدی بازرگان

مهندس بازرگان استاد دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران· در ماههای اول خلع ید " از شرکت نفت ایران وانگلیس" با دکتر محمد مصدق همکاری کرد ولی سپس این همکاری را " خود" به دلایلی قطع کرد· در ماههای آخر حکومت دکتر مصدق به پیشنهاد مهندس احمد زنگنه رییس وقت سازمان برنامه ، از

سوی مصدق به سمت مدیر کل آب تهران منصوب شد. با سقوط حکومت دکترمصدق و روی‌کار آمدن کابینه‌ی کودتا همکاری خود را با سرلشگر زاهدی ادامه داد" و خود وی" می‌گوید :یك روز تیمسار زاهدی بالحنی مخلوط از تهدید و تحبیب به من می‌گفت: "خیال نکنید که من نمی‌دانم شما آن جا هستید خیلی به من فشار می‌آورند شاهنده* را جای شما بگذارم ولی

---

* : از آن‌جا که عباس‌شاهنده و روزنامه‌ای که وی صاحب‌امتیاز و ناشرش بود از سالهای بعد از "شهریور بیست" تا ماههای اول "انقلاب اسلامی" یکی از روزنامه‌های جنجالی بوده است ، در این‌جا نقل حکایتی‌مفید فایده است تا خوانندگان‌این‌تاریخ با موقعیت سیاسی و اجتماعی شاهنده و افرادی همانند وی آشنا شوند .

عباس شاهنده از شروع فعالیت حزب توده (سال ۱۳۲۱) یکی‌از فعالان آن حزب به شمار می‌آمد وروزنامه‌ی فرمان هم در حقیقت ناشر افکار حزب توده‌ی ایران بود،البته بدون ذکر وابستگی ارگان حزب توده در آن موقع روزنامه‌ی رهبر و بعد مردم بود ولی روزنامه‌های دیگری هم سنگ حزب را دودستی به سینه می‌زدند .

در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ که احمد قوام نخست‌وزیر وقت حزب دموکرات ایران را تشکیل داد ، " جشن صدمین روز تاسیس آن یکی از وقایع قابل تامل تاریخ ایران در آن روزها است" . عباس شاهنده یکی از فعالان سرشناس آن حزب به‌حساب می‌آمد، خصوصا با توجه به این‌که در آن روزها مدیرکلی شهرداری تهران را نیز "یدک" می‌کشید.

دوستان احمد قوام که از همکاری شاهنده و نقش او و روزنامه‌اش در عذاب بودند ، مرتبا به احمد قوام از این‌که به چنین آدمی تا این حدمیدان‌داده‌است و او را از نزدیکان خود قلمداد می‌کند ، اعتراض می‌کردند . به‌گفته‌ی یکی‌از نزدیک‌ترین دوستان‌قوام‌السلطنه، احمد قوام که از این طعنه‌ها به جان آمده بود و ضمنا وجود امثال شاهنده را برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود مفید می‌دانست در یکی از روزها که دوستان‌ناراضی مجددا در مورد شاهنده در حضور

این کار را نکرده‌ام" .

ولی پس از مدتی از آن کار برکنار می‌شود و خود نیز استعفایی به این شرح می‌دهد :

"تیمسار سرتیپ جهانبانی معاونت محترم وزارت کشور .

به عرض می‌رساند: روز پنجشنبه ۸/ ۱۱/ ۱۳۳۲ این‌جانب را احضار و ابلاغ فرمودید که بنا به دستور جناب آقای نخست وزیر لازم است در صورت تمایل به ادامه‌ی خدمت در سازمان لوله‌کشی آب تهران از فعالیتهای انتخاباتی‌وسیاسی که احیانا علیه دولت تعبیر شود خودداری نمایم و مقرر فرمودید تا روز شنبه نظر قطعی را به استحضار آن جناب برسانم .این جانب روز شنبه ۱۰/ ۱۱/ ۱۳۳۲ حضورا توضیح دادم و تصریح نمودم که : در اداره و با وسایل اداری مانند کارمند وظیفه شناس و با انضباطی وظایف محوله را از روی علاقه و کوشش تمام وبدون مخالفت بانظرات دولت متبوع انجام

"وی" به قوام شکایت می‌کنند ، می‌گوید : دوستان عزیز من! شماکه اکنون در خانه‌ی من هستید و در سالن پذیرایی نشسته‌اید می‌دانید که این خانه تنها این سالن نیست .اتاقهای متعددی‌دارد: سالن ناهارخوری ، اتاقهای خواب ، انبارهای زیاد،گاراژ ،گل‌خانه، و دهها سوراخ و سنبه‌ی دیگر ،به اضافه‌ی چندین . . . " . حال شما برای من هر یک به منزله‌ی یکی از آن مکانها که نام بردم هستید. این شاهنده هم یکی از . . . ها است .و بعد می‌گوید : شما خیال می‌کنید می‌شود خانه‌ای ساخت و در آن . . . "تعبیه نکرد .

بدیهی است عباس شاهنده به علت همین شهرت هیچگاه از مدیر روزنامه‌ی فرمان بودن پا فراتر نگذاشت و با این که بسیار کوشید که در دوره‌ی رستاخیزی! به وکالت مجلس انتخاب‌شود ، به این امر توفیق نیافت ولی سرانجام توانست یکی از فرزندان خود به نام بهمن شاهنده را از " بیجار " به عنوان نماینده به دوره‌ی ماقبل آخرین مجلس شورای ملی روانه سازد . " العهده علی الراوی "

خواهم داد، ولی در خارج اداره و در غیر ساعات اداری حق آزادی را تا حدودی که قانون برای افراد کشور مقرر و مجاز دانسته برای خود محفوظ می‌شناسد. آن جناب تصمیم در این امر را موکول به طرح موضوع در هیات وزیران فرمودید و روز یکشنبه ۱۱/ ۱۱/ ۱۳۳۲ تلفنی توصیه فرمودید که مقتضی اداری و مصلحت شخصی این جانب در کناره گیری از مدیریت کل سازمان لوله کشی آب تهران می‌باشد. اینك با توجه به این که از ناحیه‌ی خود ناتوانی یا عدم علاقه‌ای در ادامه‌ی خدمت بزرگ آب تهران که موجب استعفا باشد نمی‌بینند و طبق لایحه‌ی قانونی مصوب ۲۱/ ۶/ ۱۳۳۰ تغییر مدیرکل لوله‌کشی با پیشنهاد شهردار تهران و موافقت وزارت کشور و تصویب هیات وزیران صورت پذیر می‌باشد، مع ذالك نظر به این که عدم هماهنگی و همکاری مقامات عالیه با مسوولین ادارات و سازمانها، عملا موجب رکود کار و زیان مردم می‌شود، بدین وسیله آمادگی خود را برای کنارگیری از مدیریت کل لوله کشی آب تهران اعلام می‌دارد.

از این تاریخ که وظایف خود را تحویل آقای مهندس روحانی* معاون سازمان نموده است، از حضور در اداره خود داری می‌نماید.

در خاتمه از حسن ظن و پشتیبانی جناب آقای نخست‌وزیر** و آن جناب که در مدت پنج ماه و چند روز گذشته نسبت به سازمان لوله کشی و شخص این جانب ابراز شده، موجب پیشرفت مطلوب کار گردیده است، سپاسگزاری می‌نماید.

با تقدیم احترامات ـ مهندس بازرگان

---

* : مهندس منصور روحانی معروف به بهایی‌گری و بعدا وزیر آب و برق و کشاورزی در کابینه‌ی منصور هویدا.

** : جالب این است هنگامی مهندس بازرگان از حسن‌ظن و پشتیبانی سپهبد زاهدی نخست‌وزیر سخن می‌گوید که دکتر مصدق در دادگاه "حکومت کودتا" محاکمه و به زندان محکوم گردیده‌است و حکومت کودتا را غیرقانونی اعلام کرده است.

مهندس بازرگان پس از برکناری از سازمان آب به دانشگاه باز می‌گردد و به کار تدریس می‌پردازد. ولی به علت انتشار "نامه‌ای که انعقاد قرارداد نفت را محکوم می‌کند" و با امضای چند شخصیت از جمله: "حضرات آیات فیروزآبادی و سیدرضا موسوی زنجانی، علی‌اکبر دهخدا و تعدادی از استادان دانشگاه از جمله مهندس بازرگان" منتشر می‌شود، استادان امضا کننده‌ی نامه از کار دانشگاه برکنار می‌شوند.

برکناری مهندس بازرگان از کار استادی شش ماه بیشتر به طول نمی‌انجامد. ولی با اعلام فعالیت نهضت آزادی و انتشار بیانیه‌ای در این مورد در سال ۱۳۳۴ به دستور دولت حسین علاء بازداشت و زندانی می‌شود. که مدت این توقیف از چند روز تجاوز نمی‌کند.

مهندس بازرگان از سال ۱۳۳۶ با جبهه‌ی ملی دوم شروع به همکاری می‌کند ولی پس از چندی به علت اختلافاتی که بین او و سران جبهه‌ی ملی ایجاد می‌شود از همکاری رسمی با جبهه خودداری می‌نماید و در سال ۱۳۴۰ یك بار دیگر فعالیت علنی نهضت آزادی را اعلام می‌کند "این جمعیت از سال ۱۳۲۸ با همین نام فعالیت سیاسی داشته است." بازرگان در بهمن‌ماه ۱۳۴۱ به اتفاق آقایان دکتر یدالله سحابی، سید محمود طالقانی (آیت‌الله)، مهندس عزت‌الله سحابی، دکتر عباس شیبانی، احمدعلی بابایی، ابوالفضل حکیمی، مهندس جعفری و پرویز عدالت‌منش باز داشت و زندانی می‌شود (کابینه‌ی اسدالله علم). پس از محاکمه به ده سال زندان محکوم می‌شود.

در فروردین سال ۱۳۴۳ به هنگام محاکمه‌ی وی و یارانش امام خمینی در گفتاری چنین می‌گوید:

"از زندانی بودن آقای طالقانی و مهندس بازرگان افسرده نباشید. تا این چیزها نباشد کارها درست نمی‌شود. تا زندان رفتنها نباشد پیروزی به دست نمی‌آید. هدف بزرگتر از آزاد شدن عده‌ای از زندان است. هدف اسلام است. طرد عمال اسراییل است. اتحاد با کشورهای اسلامی است. و پس از این که محاکمه‌ی ایشان تمام می‌شود، امام خمینی در اعلامیه‌ای می‌نویسد:

"من خوف داشتم اگر در موضوع بیدادگری نسبت به حجه‌الاسلام آقای طالقانی و جناب مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه‌ای بنویسم موجب تشدید امر آنها شود و ده سال زندان به پانزده سال تبدیل گردد."

مهندس بازرگان پس از آزادی از زندان (بدون طی کردن مدت محکومیت) فعالیتهای خود را در راه مبارزه برای رسیدن به اهداف فکری خود آغاز می‌کند."*

پس از عزیمت "امام خمینی" به پاریس وی به عنوان نماینده‌ی رهبر انقلاب سفرهایی به خوزستان و فارس انجام می‌دهد و سپس در پاریس به ملاقات امام می‌رود. مهندس بازرگان از اعضای اولیه‌ی شورای انقلاب اسلامی و اولین نخست‌وزیر در حکومت جمهوری اسلامی بود.

چهارشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۷.

- بازرگان اعلام می‌کند: دولت او وزارتخانه‌ها را به وسیله‌ی کارمندان اشغال خواهد کرد.
- ستاد ارتش آماده‌باش پادگان "لویزان" را تکذیب می‌کند.
- دکتر یزدی می‌گوید: کودتای نظامی عملا شانسی ندارد.
- جبهه‌ی ملی اعلام می‌کند: از دولت بازرگان پشتیبانی خواهد کرد حتی اگر در آن عضویت نداشته باشد.
- مردم در اصفهان و شیراز خدمات شهری را خود به عهده می‌گیرند.
- موج تظاهرات در تایید حکومت بازرگان تمام مملکت را فرا گرفته است.

پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷.

- در تهران و اکثر شهرستانها راهپیماییهای عظیمی در

---

* : کلیه‌ی مطالب مندرج در این بیوگرافی از کتابهای: "مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه تجدیدنظر غیرصالح نظامی" صفحات ۱۵۰–۱۴۶ و بقیه‌ی صفحات و جزوه‌ی شکوفایی جنبش اسلامی، استخراج شده است.

پشتیبانی از دولت بازرگان برپا می‌گردد.
- افراد گارد جاویدان به "همافران" که منطقه‌ای به وسعت فرح آباد تا تهران نو را مسلحانه اشغال کرده بودند، حمله ور می‌شوند.
- شهردار تبریز استعفای خود را برای امام ارسال می‌دارد.
- گروهی از افسران و "همافران" اصفهان در دیداری با امام بیعت می‌کنند.
- "همافران" در اقامتگاه امام اعلام می‌کنند سی فانتوم به عربستان و اسراییل برده شده است و بایستی چاره‌ای اندیشید که این عمل در پایگاههای نیروی هوایی تکرار نشود.*
- چند امیر ارتش قصد خروج از ایران را داشتند، ولی موفق نمی‌شوند.**

جمعه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۷

- بین گروههای مسلح و قوای نظامی نبردهای خونینی جریان دارد.***
- لشگر گارد به پادگان فرح آباد حمله می‌کند.****

---

* این خبر را رادیو لندن و چند خبرگزاری هم تایید می‌کنند.

** سپهبد ربیعی به اتفاق سرلشگر رفعت رییس باشگاه هواپیمایی شاهنشاهی و دو نفر دیگر سعی می‌کنند با یک هواپیمای "پارس ایر" به خلبانی شخصی به‌نام زاهد از مهرآباد به بحرین فرار کنند، ولی به دستور سرتیپ فیروزی معاون هواپیمایی کشوری به آن هواپیما اجازه‌ی پرواز داده نمی‌شود.

*** مردم به ساختن کوکتل مولوتف مشغول بودند و با این اسلحه به جنگ تانکها می‌رفتند.

**** در این حمله عده‌ای کشته و زخمی می‌شوند، مردم این کشته‌ها را جمع‌آوری کرده، به بیمارستانها حمل می‌کنند.

- یك سرباز گارد در فرح آباد پس از کشتن فرمانده خود در انبار مهمات را با شلیك گلوله می‌گشاید و مقداری اسلحه بین افراد نیروی هوایی و مردم پخش می‌کند.
- ظهر همین روز در "تهران نو" سه تانك لشگر گارد را مردم به تصرف خود در می‌آورند.
- بختیار تهدید می‌کند: در صورت معرفی کابینه از سوی بازرگان، وزرای معرفی شده را بازداشت خواهد کرد.
- دکتر کیانوری در پاریس اعلام می‌کند: نیروهای انقلابی در ارتش رخنه کرده‌اند و خطر کودتا کاهش یافته‌است.
- امام اعلام می‌کند: من خود اهل قلم و بیان هستم و سخنگو ندارم، اظهارات کسانی‌که خود را به من نزدیك می‌دانند سندیت ندارد.
- دفتر امام خبر رادیو و تلویزیون را دایر به تماس مهندس بازرگان با بختیار و سران ارتش، تکذیب می‌کند.
- بازرگان می‌گوید: شاه رفته است و دیگر بازنخواهد گشت و شایعه‌ی کودتا صحت ندارد.
- اداره‌ی دوم ستاد ارتش گزارش می‌دهد که از افغانستان اسلحه وارد ایران می‌شود و در مرز پس از "خرید" اسلحه‌ها بین مردم توزیع می‌گردد.

شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷.

- نبردهای خونین و جنگهای چریکی بین مردم و نیروهای نظامی به شدت ادامه دارد.*
- فرمانداری نظامی تهران طی اعلامیه‌ای رفت و آمد در شهر را از ساعت چهار و نیم بعد ازظهر مطلقا ممنوع می‌کند.
- امام به مردم هشدار می‌دهد دستور فرمانداری نظامی را با خروج خود از منازل باطل کنند.
- تسلیحات ارتش به دست مردم سقوط می‌کند و در

---

* این نبرد در اصل بین لشگر گارد و گارد شاهنشاهی از یک طرف و انقلابیون (مردم، همافران و گروههای مسلح) از سوی دیگر بود.

انبارهای اسلحه به روی مردم گشوده می‌شود.
- کلانتریها یکی‌پس از دیگری به دست مردم سقوط می‌کند و مردم اسلحه خانه‌ی کلانتریها را مصادره می‌نمایند.
- در تمام خیابانها و سر چهارراهها مردم با روشن کردن آتش راه بندان ایجاد می‌کنند.*
- بختیار در جلسه‌ی "سنا" شرکت می‌کند و می‌گوید: آماده‌ی شنیدن حرف حساب است، اما برای حفظ استقلال مملکت تا هر جا لازم باشد ایستادگی خواهد کرد.
- امام در پاسخ استفتای "نیروهای مسلح" فتوامی‌دهد که "قسم برای حفظ قدرت طاغوت صحیح نیست ومخالفت با آن واجب است".
- پادگان جمشیدیه سقوط می‌کند وعده‌ای از مقامات زندانی فرار می‌کنند.**
- در دفتر بازرگان گفته می‌شود که وی با قرمباغی وبختیار مذاکرات مفصلی داشته استعفای بختیار را گرفته است.
- از قزوین و همدان و زنجان نیروهایی برای کمک به گارد شاهنشاهی عازم تهران می‌شوند.
- دو نفر از فرماندهان لشگر گارد زخمی می‌شوند.***
- انقلابیون کوشش برای تصرف ستاد نیروی هوایی را آغاز می‌کند.
- عده‌ای از پرسنل نیروی هوایی درحالی که مسلح هستند از مهرآباد شمالی تظاهرکنان به سمت میدان شهیاد حرکت می‌کنند و با دادن شعار "درود بر خمینی"

---

* با حلقه‌های لاستیک، چوب، اتومبیلهای از پیش سوخته و هرچه در اختیار داشتند آتش برپا می‌کنند.

** داریوش همایون، دکتر کیانپور، رحیم علی خرم، دکتر شیخ‌الاسلام زاده، منصور روحانی، رضا صدقیانی، هوشنگ نهاوندی، عبدالمجید مجیدی، دکتر منوچهر تسلیمی، دکتر فریدون مهدوی، هژبر یزدانی، دکتر باقر عاقلی، حسن رسولی، قاسم سارابانها، رسول رحیمی، حسین فولادی، امیرحسین شیخ‌بهایی و دکتر نیلی آرام.

*** سرلشگرها: ریاحی و ضرغام.

به کمك مردم می‌شتابند .
ـ فرمانداری‌نظامی به ستاد ارتش گزارش می‌دهد که پرسنل نیروی هوایی به مردم پیوسته‌اند و فرمانداری نظامی قادر به مقابله با آنها نیست.
ـ اداره‌ی دوم ستاد ارتش به قره باغی گزارش می‌دهد فرماندهی مرکز آموزشهای هوایی "همافران" را مسلح کرده ، به آنها دستور داده است به پرسنل گارد سلطنتی حمله کنند .
ـ یك فرستنده : روی موج "۱۵۰ اچ . پی . بی" از قول امام به مردم اعلام می‌کند که به زودی فرمان جهاد صادر خواهد شد . *
ـ درحسینیه‌ی ارشاد توزیع اسلحه بین مردم آغاز می‌شود.**
ـ هنگام حمله‌ی افراد گارد به خوابگاه "همافران" سرتیپ "کمپانی" به کمك همافران می‌شتابد و در اسلحه خانه را به روی آنها می‌گشاید . ***
ـ درحالی‌که نبرد شدید و خونینی بین نیروهای گارد و همافران در فرح آباد ادامه دارد، فرمانده پادگان فرح آباد به دنبال حجه الاسلام "عابدی" پیشنماز محل می‌فرستد و در حضور وی به انقلاب اعلام وفاداری می‌کند . ****

---

* پس از ورود امام به تهران در محل اقامتگاه یک فرستنده‌ی تلویزیونی با "برد محدود" و یک فرستنده‌ی رادیویی شروع به کار می‌کنند که مردم اطراف محل اقامتگاه می‌توانستند از هردو فرستنده‌ی رادیو و تلویزیون استفاده نمایند .

** توزیع اسلحه در این محلها هم انجام می‌شد: مسجد خیابان بهبودی ، مسجد دانشگاه تهران ، مسجد امام حسین ، بیمارستان امیراعلم ، مسجد خیابان هاشمی و مسجد شمیران .

*** به گفته‌ی شاهدان عینی چنان‌چه این اقدام صورت نمی‌گرفت کلیه‌ی همافران به وسیله‌ی افراد گارد کشته می‌شدند .

**** این شخص سرتیپ فضل‌الله‌ناظمی‌بوده‌است‌که براساس آن‌چه بعدا در روزنامه‌های آن روزها " از قول افسران زیردستش نوشتند ، نقش بسیار

ـ مردم در اکثر خیابانهای تهران اجساد کشته شدگان را به بیمارستانها می‌برند و از همگان درخواست انواع گروههای خونی را دارند .
ـ همه گونه وسایل زخم بندی در شهر بین مردم برای استفاده‌ی مجروحین توزیع می‌شود .
ـ در اکثر خیابانها وسایل نظامی سنگین که به آتش کشیده شده ، مشاهده می‌شود .
ـ اتومبیلهای سواری که در آنها مردم با اسلحه آماده‌ی جنگ هستند در اکثر خیابانها در حال حرکت‌اند .
ـ در مقابل بیمارستانها صفهای طویلی از مردم برای اهدای خون تشکیل شده است .*
ـ شهر در آتش و خون می‌سوزد و صدای انفجار از هر گوشه‌ای شنیده می‌شود .
ـ اطلاعیه‌ی فرمانداری نظامی عملا از طرف مردم لغو می‌شود و تا ساعت دوازده شب جنگ و مبارزه ادامه دارد .

یکشنبه بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷

ـ سحرگاهان قرارگاه پلیس‌تهران به تصرف مردم درمی‌آید .
ـ محل کمیته‌ی مشترک ساواک در شهربانی به تصرف مردم در می‌آید .
ـ فرماندهان گارد ، وگارد جاویدان به بازرگان اعلام وفاداری می‌کنند .
ـ سپهبد ربیعی فرمانده نیروی هوایی اعلام وفاداری به انقلاب می‌کند .
ـ سرلشگر نشاط و سرتیپ پرنیان از گارد که در "لویزان"

موثری در تامین‌واحدهای مورد نیاز فرمانداری نظامی در روزهای انقلاب و درگیری ارتش و مردم داشت .

* عبدالعظیم ولیان و منوچهر پیروز که در بیمارستان ارتش بستری و بازداشت بودند از این فرصت استفاده کرده ، فرار می‌کنند .

پناه گرفته‌اند، اعلام وفاداری می‌کنند. *
- مردم ساختمان آرامگاه رضا شاه را تصرف می‌کنند.
- یک سرباز گارد که به اقامتگاه امام پناهنده می‌شود هشدار می‌دهد که در محوطه‌ی سازمان مرکزی ساواک مین گذاری کرده‌اند.
- در ساعت ۹ صبح بختیار تلفنی از ربیعی می‌خواهد ساختمان تسلیحات را بمباران کند، اما او از انجام این دستور خودداری می‌کند. ومراتب را به اطلاع اقامتگاه امام می‌رساند. **
- سپهبد حاتم از نیروی زمینی به ربیعی تلفن کرده، می‌گوید نیروی دریایی و زمینی تسلیم شده‌اند، وضع نیروی هوایی چیست؟ که ربیعی می‌گوید ما هم تسلیم شده‌ایم.
- رادیو و تلویزیون به تصرف مردم در می‌آید و نخستین اعلامیه‌ی امام پخش می‌شود.
- امام خمینی در یک اعلامیه که از رادیو خوانده می‌شود از مردم قدردانی می‌کند و از ارتشیان می‌خواهد به پادگانها بازگردند.
- در ساعت ۱۳ رادیو اعلامیه‌ی ستاد ارتش را در مورد بازگشت ارتش به پادگانها می‌خواند.
- دکتر سعید طی اعلامیه‌ای انحلال مجلس شورای ملی و استعفای خود را از ریاست مجلس وعضویت شورای سلطنت اعلام می‌کند و دولت بختیار را غیر قانونی می‌خواند. ***
- سناتورها با انتشار بیانیه‌ای به صورت جمعی استعفا

---

* علی نشاط در ۱۹ فروردین ماه ۱۳۵۸ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران شد.

** امیرحسین ربیعی در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۵۸ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران شد.

*** جواد سعید در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران شد.

می‌کنند* و مجلسین به تصرف مردم در می‌آید.
- آیت‌الله شریعتمداری طی اعلامیه‌ی موکدا از مردم می‌خواهد که از هرگونه تعرض نسبت به ارتش خودداری کنند.
- امام در یک اعلامیه‌ی رادیویی به مردم هشدار می‌دهد که برای درهم کوبیدن حمله‌ی ارتش آماده باشند.
- رادیو از ساعت چهار بعدازظهر شروع به خواندن اعلامیه‌های دولت بازرگان می‌کند.
- بازرگان به عنوان نخست وزیر از کارمندان دولت می‌خواهد که از فردا به سر کارهای خود بازگردند.
- از حوالی ظهر دستگیری مقامات رژیم سابق به وسیله‌ی مردم آغاز می‌گردد.**
- سپهبد ربیعی به رادیو تلفن می‌کند تا از مسوولان بخواهد از پخش اعلامیه‌های تحریک‌آمیز علیه ارتش خودداری کنند، ولی موفق نمی‌شود و سپس به منزل آیت‌الله طالقانی تلفن می‌کند که در پاسخ به او می‌گویند شما اعلامیه‌ی لازم را بنویسید ما یک نفر را می‌فرستیم از شما بگیرد و خودش به رادیو ببرد که عیناً خوانده شود.***
- تلویزیون به عنوان آخرین سنگر فتح شده برنامه‌ی خود را با پخش سرود "ای ایران" آغاز می‌کند.
- در تلویزیون مصاحبه‌ای با چند تن از دستگیرشدگان به نمایش گذاشته می‌شود.[۲۰]

---

* طبق اعلام دفتر مجلس سنا فقط سه نفر رسماً استعفای خود را به مجلس تسلیم کرده بودند. محمدرضا جلالی نایینی، علی‌اکبر جلیلوند و سیداسدالله موسوی.

** ارتشبد نصیری، سپهبد رحیمی، سالارجاف، منصور روحانی، منوچهر آزمون، غلامرضا نیک‌پی، سپهبد کمال، سپهبد طباطبایی، سرتیپ امین افشار، سپهبد نوروزی و سرلشگر نوری همگی را به اقامتگاه امام می‌برند و در آن‌جا نگاه‌داری می‌کنند.

*** ربیعی در حالی‌که منتظر بوده که فرستاده‌ای بیاید و اعلامیه را بگیرد با عده‌ای از افراد مسلح روبه‌رو می‌شود، که او را گرفته، به اقامتگاه امام می‌برند و زندانی می‌شود.

توضیحات

۱ـ اکنون مسلم است که هیچ یك از هشدارها، اخطارها، اظهارنگرانیها و گزارشها درباره‌ی احتمال وقوع کودتا در آن ایام بی‌جا و نادرست نبوده است. شاهدان عینی گفته‌اند که وقتی شاه به قصد خروج از کشور به فرودگاه مهرآباد رفته بود، سپهبد ربیعی و سرلشگر خسروداد خود را به پای شاه انداخته، اجازه خواسته‌اند که قم و قسمتهایی از تهران را بمباران کنند. ولی شاه به آنها پاسخ روشنی نمی‌دهد. خسروداد در جریان محاکمه‌ی خود از دو کودتا سخن به میان می‌آورد که در اولی او قصد داشته است به محض خروج شاه از کشور با نیروی هوابرد کودتا کرده، بختیار را کنار بزند و خود زمام امور را به دست گیرد و در دومی تصمیم داشته است روز ۲۱ بهمن در تهران چترباز پیاده کند و "در ستاد انقلاب و منزل امام یك نفر را زنده باقی نگذارد".

سرتیپ فضل‌الله ناظمی فرمانده پادگان فرح‌آباد نیز گفته است: قرار بود ساعت ۲۴ روز ۲۱ بهمن سه واحد تانك از پادگان لویزان از طریق جاده‌ی آبعلی و تهران پارس به پادگان فرح‌آباد حمله‌ور شوند. وی این عملیات را "کودتای نظامی" خوانده، اما نمی‌گوید هدف از این کار چه بوده است؟

ابوالحسن بنی‌صدر چند روز پس از ۲۱ بهمن، تدارك کودتا در روز مذکور را تایید کرد و گفت: "یك روز پیش از آن که قضیه‌ی تسلیم قشون پیش بیاید (عصر جمعه) در یك جایی ـ البته نه در حضور آقا ـ بحث بود وعده‌ای به ما اطلاع دادند که فردا قرار است نظامیها کودتا بکنند و افراد فعال را آماده کرده‌اند و نام عملیات را هم گذاشته‌اند "عملیات کورتاژ" که طی آن، یك ضربه‌ی ناگهانی وارد کنند، تمام رهبران انقلاب را قتل عام کنند و دنیا را در مقابل یك عمل انجام شده قرار بدهند. اساس تحلیل من به اطرافیان این بود که شما چون نمی‌دانید قشون چه وظایفی در روابط موجود میان ایران و قدرت مسلط آمریکا دارد و در درون

خودش چه پیوندهایی وجود داشته، که متلاشی شده است و از میان رفته، نمی‌توانید ارزیابی صحیحی از کار قشون بکنید، مگر این‌که این عملیات کار یک دسته از قشون باشد. مجموع قشون نمی‌تواند این کار را بکند چون امکان آن را در خودش ندارد، آن دسته هم این توانایی را ندارد که هم بر ارتش مسلط شود و هم بر مردم، ناچار با دست زدن به این اقدام: در واقع تلاش کل قشون را تسریع می‌کند. من (بنی‌صدر) به قدری به این تحلیل خودم مطمئن بودم که آن شب را با وجود اعلام این تهدید در منزل خودم به سر بردم." شنبه" آمد و نظامیان اعلام کردند ساعت منع عبور و مرور از ۴/۵ بعدازظهر است. حال باید بر اساس یکی از این دو تحلیل عمل می‌شد: اگر سازش در میان بود باید آن روز به سکوت برگزار می‌شد و ارتش اولتیماتوم نمی‌داد. دیدیم که قشون خواست وارد عمل بشود، اما این جا دیگر صحبت از آن نبود که نظامیان چه می‌کنند. صحبت از این بود که "امام خمینی" چه می‌کند؟ و چون وضع ایشان، موضع قاطعانه‌ای داشت به مردم گفت "باید به خیابانها بروید". مردم رفتند و زدند توی دهان آن دسته از قشون که تصور می‌کرد می‌تواند هم بر خودش و هم بر جامعه مسلط شود. پس قشون از درون فرو ریخته بود برای این که بدون روح و بدون ایده‌ی راهنما بود".

سرهنگ شهربانی نصرتی رییس ستاد پلیس تهران نیز چنین روایت کرده است: "بعدازظهر روز شنبه ۲۱ بهمن سپهبد رحیمی که رییس شهربانی هم بود به پلیس تهران دستور داد در کلیه‌ی ساختمانهای مشرف به میدانها و مراکز عمومی شهر سنگربندی نمایند و آماده باشند تا نیروهای ارتشی به آنها ملحق گردند. در این‌گونه موارد: همیشه رهبری با پلیس بود زیرا آنان با موقعیت شهر و اماکن آشنایی داشتند و نقاط استحفاظی شهر را به خوبی می‌شناختند. دستور رحیمی این بود که بعد از اعلام حکومت نظامی از ساعت ۴/۵ بعدازظهر، نیروهای پلیس اقدام به سنگربندی کنند و از دستورها و قراین آشکار بود که کودتایی در شرف تکوین است و این کودتا قرار بود نیمه‌های شب یکشنبه ۲۲

بهمن انجام پذیرد. دستور رحیمی به پلیس تهران این بود که هر جنبنده‌ای را که در روز یکشنبه در خیابانها مشاهده کردند، به گلوله ببندند. سرلشگر محمد جواد مولوی رییس پلیس تهران این موضوع را با من (سرهنگ نصرتی) درمیان گذاشت و اظهار نگرانی کرد. او از مدتها قبل از رژیم شاه رویگردان شده بود و اعلامیه‌های نیروهای مخالف شاه را به دقت مطالعه می‌کرد. من (سرهنگ نصرتی) که از دو سال قبل مخفیانه به نفع نهضت ملی ایران فعالیت می‌کردم درصدد بودم تا در زمان مقتضی به نفع مردم واردعمل شوم ... سرهنگ نصرتی سپس شرح می‌دهد که چه گونه به همه‌ی کلانتریها دستور ترك مقاومت و تخلیه داده، ترتیبی می‌دهد تا سلاحهای موجود در کلانتریها به دست مردم افتد. آن گاه می‌گوید: " مقامات عالی‌رتبه‌ی ارتش که طرح کودتا را ریخته بودند در مقابل عمل انجام شده‌ای واقع شدند که اقدام مجدد به هر خشونتی را از آنان سلب می‌کرد. در میان این اظهارات، روایت ابوالحسن بنی‌صدر محکم‌تر و به رغم پیچیدگی ظاهریش صریح‌تر و روشن‌تر است.

از این تحلیل و با توجه به سایر مطالبی که ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت :

الف: چند تن از فرماندهان نظامی(سپهبد رحیمی ، سپهبد بدره‌ای ، سرلشگر خسروداد و سرلشگر بیگلری) تصمیم می‌گیرند با اعلام ساعت ۴/۵ بعد ازظهر ممنوعیت رفت و آمد، کودتا را آغاز کنند.

ب : بقیه‌ی فرماندهان (ارتشبد قره باغی ،سپهبد مقدم و سپهبد ربیعی) از این اقدام بی‌خبر یا با آن مخالف بوده‌اند.

پ : نیروهای کودتا عمدتا عبارت بودند از نیروهای هوابرد به فرماندهی خسروداد، نیروهای گارد به فرماندهی بیگلری و نیروهای زرهی نیروی زمینی به فرماندهی بدره‌ای با حمایت پلیس تهران ، گارد شهربانی ، نیروهای تقویتی و

زرهی که از چند نقطه از جمله از قزوین و زنجان به طرف تهران حرکت کرده بودند .

ت : دستور امام خمینی نقشه‌ها را به هم می‌زند و مردم با هجوم بی‌سابقه‌ی خود به خیابانها قدرت عمل را از نظامیان سلب می‌کنند .

ث : نقشه‌ی کودتا "لو" می‌رود اما چگونه؟ اطلاعات ۲۸ بهمن می‌نویسد: "نقشه، توسط بعضی از امرای صالح ارتش و بعضی از سیاسیون کشف می‌شود" . این سیاسیون می‌توانند جزو همانها باشند که با "امرای صالح ارتش" در خفا ارتباط داشته، حتی ابلاغ ریاست آنها را امضا کرده بودند .

۲ـ افرادی که مصاحبه با آنها صورت گرفت، عبارت بودند از نصیری، رییس سابق ساواک، سپهبد رحیمی، رییس شهربانی و فرماندار نظامی تهران، و سالار جاف. اداره‌ی این مصاحبه را دکتر ابراهیم یزدی به عهده داشت و عده‌ای از افراد سرشناس هم در مصاحبه حضور داشتند .

از نصیری سوال شد : چه گونه دستگیر شدید ؟

ج : چهار ماه است که در زندان هستم، امروز وقتی- جمشیدیه به دست مردم افتاد، آنها مرا به این جا آوردند .

س : نظرتان راجع به وضع موجود چیست ؟

ج : درست در حالت عادی نیستم که بتوانم حرف بزنم (نصیری سرش باند پیچی شده بود و درست هم صحبت نمی‌کرد) .

س : شما نسبت به آن چه به طور مستقیم یا غیرمستقیم شکنجه درباره‌ی مردم و به خصوص جوانان انجام داده‌اید چه فکر می‌کنید ؟

ج : مستقیم را تکذیب می‌کنم، اگر دیگران کاری کرده‌اند من بی‌اطلاع هستم .

س : در مورد انواع شکنجه‌ها چه می‌گویید ؟

ج : من آدمی هستم در اختیار شما، من کاری نکرده‌ام .

س : (این سوال به وسیله‌ی حجت الاسلام لاهوتی مطرح شد) مگر خودت نبودی که مرا در زندان کتك زدی و به خصوص چند بار محکم به گوشم کوبیدی ؟

ج : من نبودم.

س : درباره‌ی کمیته‌ی ساواك حرف بزنید ؟

ج : کمیته مربوط به من نبود، یك گروه مستقل بود از ساواك، شهربانی، ارتش و ژاندارمری.

س : از پرویز ثابتی بگویید، مگر او از شما دستور نمی‌گرفت ؟

ج : ایشان مسوولیت امنیت کشور را به عهده داشت از نظر داخلی معاون من نبود.

س : از ثابتی چه خبر دارید ؟

ج : شنیدم در تهران نیستند.

س : خرج ماهانه‌ی ساواك چه قدر بود ؟

ج : پروند مهایش هست، فعلا به خاطرم نیست.

س : هر چند وقت یك بار با شاه ملاقات می‌کردید ؟

ج : در هفته دو بار.

س : در این تماسها چه دستوراتی می‌گرفتید ؟

ج : خاطرم نیست.

س : چند بار تماس تلفنی داشتید ؟

ج : مرتب نداشتیم، گاه به گاه.

س : آیا از گذشته‌ی خود پشیمان نیستید ؟

ج : خیر! من یك سلسله وظایف قانونی را انجام می‌دادم.

س : آیا عمال ساواك به شماگزارش نمی‌دادند که شما از شکنجه‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنید ؟

ج : گزارش می‌دادند، ولی درباره‌ی شکنجه چیزی نمی‌نوشتند.

س : یعنی می‌خواهید بگویید شکنجه‌ای درکار نبود ؟

ج : من علم غیب ندارم. یك سال ونیم پیش از زندانها به دستور شاه بازدید کردم، ولی چیزی ندیدم.

س : ساواك چه قدر مامور داشت ؟

ج : دو هزار مامور رسمی .
س : وچه قدر غیر رسمی ؟
ج : خاطرم نیست.
در این مصاحبه از سپهبد رحیمی سوال شد که چرا به پیام "امام" مبنی بر پیوستن به مردم اعتنایی نکردید ؟
جواب داد : من سرباز بودم و سوگند خورده بودم و باید به سوگند خود وفادار می‌ماندم و سپس گفت:
خوشحالم که در دست مسلمانان اسیرم و حق وعدالت درباره‌ام اجرا خواهد شد .
سالارجاف در پاسخ این سوال : که چه فکر می‌کنید ؟ گفت :
دکتر سعید رییس مجلس که قمارباز قهاری است این‌بار روی من قمار کرد.او مرا در مجلس بازداشت‌کرد که اگر شاه موفق شد مرا تحویل او بدهد و بگوید : جان نثار شما را حفظ کردم و اگر آیت‌الله خمینی پیروز شد مرا تحویل دهد و بگوید: دشمن شما را به شما تحویل می‌دهم .ولی‌امروز که مردم‌مجلس را تصرف‌کردند، آنها مرا گرفتند ...

با پایان گرفتن بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ سلطنت سی و هفت ساله‌ی محمدرضا پهلوی پایان می‌گیرد و انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی پیروز می‌شود .
محمدرضا پهلوی در پنجم امرداد ماه ۱۳۵۹ چشم از جهان فرو بست.

نام کتاب	نویسنده	مترجم یا گردآورنده	ناشر
خاطرات وخطرات	مهدیقلی هدایت		کتابفروشی زوار
خاطرات سیاسی	مهدی فرخ		انتشارات جاویدان
ایران در جنگ جهانی دوم	مورخ‌الدوله سپهر		دانشگاه ملی ایران
مصاحبه با تاریخ	اوریانا فالاچی جلد ۲	پیروز ملکی	امیرکبیر
دولتهای عصر مشروطیت		جمشید ضرغام	اداره‌ی کل قوانین
		بروجنی	مجلس شورای ملی
کودتا در کودتا	کرمیت روزولت		انتشارات جاما
خاطرات ثریا		موسی مجیدی	انتشارات سعادت
من متهم می‌کنم	فریدون کشاورز		انتشارات توس
پنجاه نفر و سه نفر	انور خامه‌ای		انتشارات هفته
حاکمیت دولتها	حسن ارسنجانی		امیرکبیر
مقالات سیاسی	مورخ‌الدوله سپهر	احمد سمیعی	مطبوعاتی عطایی
ماموریت برای وطنم	محمدرضا پهلوی		امیرکبیر
کرونولوژی تاریخ ایران	بهاءالدین پازارگاد		اشراقی
از شکست تا پیروزی	علیرضا طاهری		مرکز تحقیقات
تاریخ سیاسی معاصر ایران	سیدجلال الدین مدنی		دفتر انتشارات اسلامی
هویدا گماشته‌ی امپریالیسم و صهیونیسم	ابوالفضل قاسمی		حزب ایران
مدافعات در دو بخش	مهدی بازرگان		نهضت آزادی
شناخت حقیقت	مظفر بقایی کرمانی		پارم
فراماسونری در ایران جلد سوم	اسماعیل رایین		امیرکبیر
صادق هدایت و آثارش	رحمت مصطفوی		امیرکبیر
چهره‌ی مطبوعات	غلامحسین صالحیار		پرس‌اجنت
هفت سال در زندان آریامهر	احمد آرامش	اسماعیل رایین	بنگاه ترجمه و نشر کتاب
قیام خونین ۱۵ خرداد به روایت اسناد		دهنوی	خدمات فرهنگی‌رسا
سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم-۲ جلد	حسین کی استوان		روزنامه‌ی مظفر
تفنن وتاریخ‌چهارفصل	علی وثوق		
تاریخ روابط خارجی ایران	عبدالرضا هوشنگ مهدوی		امیرکبیر

نام کتاب	نویسنده	مترجم یا گردآورنده	ناشر
اسرارخانه‌ی سدان	اسماعیل رایین		امیرکبیر
تقریرات صدق در	سرهنگ جلیل		
زندان	بزرگمهر	ایرج افشار	سازمان کتاب
خاطرات سیاسی	خلیل ملکی		رواق
ماموریت در ایران	ویلیام سولیوان	محمود مشرقی	انتشارات هفته
غرور و سقوط	آنتونی پارسونز	منوچهر راستین	انتشارات هفته
چهره‌ی حقیقی			دفتر انتشارات
صدق السلطنه	سید حسن آیت		اسلامی
صدق و مسایل			
حقوق و سیاست		ایرج افشار	انتشارات زمینه
سقوط ۷۹	پل امیل اردمن	حسین ابوترابیان	امیرکبیر
خدمت گزار			
تخت طاووس	پرویز راجی	ح ۱۰ مهران	انتشارات اطلاعات
بحران	هامیلتون جوردن	فیروزه خلعت بری	کتاب سرا
آمریکا در بند	پیرسالینجر	فیروزه خلعت بری	کتاب سرا
دیوان اشعار	محمد تقی بهار		امیرکبیر
دیوان اشعار	فرخی یزدی	حسین مکی	امیرکبیر
فرهنگ فارسی	دکتر محمد معین		امیرکبیر
فراماسونری در ایران	محمود کتیرایی		اقبال
صد مقاله	احمد سمیعی		چاپخانه‌ی رنگین
دوره‌ی اول و دوم			
مجله‌ی آینده	محمود افشار یزدی		
دوره‌ی روزنامه‌های			
اطلاعات و کیهان			

نامهای آورده شده درکتاب

آ

آتابای ــ ابوالفتح: ۶۵، ۱۶۴.
آذر ــ دکتر مهدی: ۸۷.
آذری ــ عباس: ۵۱.
آذری‌قمی ــ آیت‌الله‌احمد: ۱۷۴.
آراسته ــ نادر: ۷۷، ۷۸، ۸۱.
آرام ــ عباس: ۶۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۱۱۸.
آرامش ــ احمد: ۴۳، ۶۹، ۹۱.
آرزومانیانس ــ خاچاطور: ۵۶.
آریانا ــ منوچهر: ۱۵۳.
آزموده ــ سرهنگ اسکندر: ۴۳، ۶۴.
آزموده ــ سرهنگ حسین: ۶۴.
آزموده ــ مرتضی: ۸۲.
آزمون ــ منوچهر: ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۷، ۲۰۲.
آژدان‌قزی ــ پری: ۶۵.
آشتیانی ــ دکتر جواد: ۹۱.
آشوری ــ ابوتراب: ۱۴۳.
آق‌اولی ــ فرج‌الله: ۷۹، ۸۰.
آکام ــ منوچهر: ۱۲۱، ۱۲۲.
آل‌رضا ــ حبیب‌الله ــ عین‌الملک: ۹۷.
آلن ــ جورج: ۳۴.
آموزگار ــ جمشید: ۹۰، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۸۴.
آموزگار ــ جهانگیر: ۹۲.
آموزگار ــ حبیب‌الله: ۸۳.
آموزگار ــ سیروس: ۱۵۳.
آموزگار ــ کورس: ۱۱۹.
آوانسیان ــ آرداشس: ۵۳.
آوینی ــ پرویز: ۱۴۹.
آهی ــ مجید: ۷۳، ۷۵.
آیزنهاور ــ دوایت دیوید: ۳۳، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۶۱.

الف

ابتهاج ــ ابوالحسن: ۳۸، ۴۳، ۴۴.
ابراهیم‌زاده ــ رضا: ۵۲.
اتابکی ــ رحمت: ۹۰.
اتلی ــ کلمنت: ۱۰.
احمدی ــ اشرف: ۹۰، ۹۱.
احمدی ــ صادق: ۱۲۱.
احمدی ــ محمدحسین: ۱۲۰.
اخباری ــ عباس: ۱۳۱.

اختیار ـ منصور: ۶۵.
اخوی ـ جمال‌الدین: ۸۸، ۸۹.
اخوی ـ حسن: ۶۵، ۹۰.
اخوی ـ دکتر علی‌اکبر: ۸۷.
ادهم ـ دکتر حسن: ۸۵.
ادهم ـ دکتر عباس: ۸۱.
ادیب ـ دکتر محمدحسین: ۹۰.
ارانی ـ دکتر تقی: ۵۱، ۵۵، ۵۶.
اردلان ـ امان‌الله: ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۲.
اردلان ـ علیقلی: ۸۲، ۸۹، ۱۳۰، ۱۶۲.
ارسنجانی ـ حسن: ۱۲، ۶۹، ۸۶، ۹۲، ۹۳.
ارفع ـ سرلشگر حسن: ۸۳.
ارهارد ـ لودویک: ۳۸.
ازهاری ـ ارتشبد غلامرضا: ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۷.
استالین ـ یوسیف ویساریونوویچ: ۷، ۱۰، ۱۲، ۵۳.
اسحاقی‌نژاد ـ محمدحسین: ۱۶۳.
اسدی ـ سلمان: ۸۰.
اسکندری ـ ایرج: ۵۱، ۷۹.
اسکویی ـ کاظم: ۱۶۶.
اسکویی ـ سروان محمد: ۶۴.
اسفندیاری ـ ثریا: ۱۹، ۳۲، ۳۸.
اشتری ـ ابوالقاسم: ۵۲.
اشتری ـ هادی: ۹۲.
اشراقی ـ آیت‌الله شهاب‌الدین: ۱۷۶، ۱۷۸.
اشراقی ـ امیرقاسم: ۸۳، ۸۹، ۹۰.
اشرفی ـ آقاخان: ۸۱.
اصفیا ـ صفی: ۹۳، ۱۲۱.
اعتبار ـ احمد: ۷۶.
اعتبار ـ عبدالحسین: ۹۱.
اعتضادی ـ ملکه: ۶۵.
اعتماد ـ اکبر: ۱۲۱.
اعتمادزاده ـ محمد ـ به‌آذین: ۱۳۲.
اعتمادی ـ ناصر: ۷۷.
اعزازی ـ نصرالله: ۵۱.
افخمی ـ مهناز: ۱۲۲.
افشار ـ اکبر: ۵۲.
افشار ـ ایرج: ۲۰.
افشار طوس ـ سرتیپ محمود: ۲۹، ۳۲، ۶۳.
اقبال ـ دکتر منوچهر: ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۶۵، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۵.
اکمل ـ خسرو: ۱۶۶.
الموتی ـ رحیم: ۵۲.
الموتی ـ ضیاء: ۵۱، ۵۶.
الموتی ـ عماد: ۵۲.
الموتی ـ مصطفی: ۹۱.
الموتی ـ نورالدین: ۵۲، ۹۲.
امامی ـ دکتر سیداحمد: ۲۷.
امامی ـ جمال: ۲۰، ۸۱.
امامی ـ سیدحسین: ۵۵، ۵۶.
امجدی ـ سرهنگ بابا: ۶۴.
امجدی ـ سرهنگ مصطفی: ۶۴، ۱۲۱.
امیر احمدی ـ احمد: ۶۷، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱.
امیرانی ـ علی اصغر: ۱۴۰.
امیر پرویز ـ امیرحسین: ۱۴۹.

امیر عزیزی ــ صادق : ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۴۸.
امیر علایی ــ شمس الدین : ۷۹، ۸۳، ۸۵.
امیر علایی ــ فتح‌الله : ۶۵.
امیرقهاری ــ سروان هوشنگ : ۶۵.
امین ــ دکتر رضا : ۱۲۲، ۱۴۹، ۱۵۰.
امینی ــ دکترعلی : ۳۳، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۶۵، ۶۹، ۷۶، ۸۲، ۸۵، ۸۹، ۹۲، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۱.
انا قلیج ــ خضر بابا : ۵۲.
انتظام ــ عبدالله : ۷۷، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۹، ۱۶۲.
انتظام ــ نصرالله : ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۹۳.
انصاری ــ عبدالرضا : ۱۱۸.
انصاری ــ علیرضا : ۹۰.
انصاری ــ ولی : ۸۹، ۹۰، ۹۱.
انصاری ــ هوشنگ : ۱۱۹.
انقلاب آذر ــ خلیل : ۵۲.
اورنگی ــ دکتر حسن : ۵۲.
اویسی ــ غلامعلی : ۶۵، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۷.
ایدن ــ آنتونی : ۶۱.
ایلخان‌ظفر بختیار ــ امیر حسین : ۸۸.
ایوب خان : ۳۹.

ب

باتمانقلیچ ــ نادر : ۳۵، ۶۴، ۹۰.
بارزانی ــ ملامصطفی : ۵۴.
بازرگان ــ مهندس مهدی : ۶۴، ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۲.
باقراف ــ میرجعفر : ۵۳، ۵۴.
باهری ــ دکتر محمد : ۶۹، ۹۲، ۱۴۹.
باهنر ــ محمدجواد : ۱۷۰.
بجنوردی ــ سیدکاظم : ۱۱۵.
بختیار ــ تیمور : ۴۴، ۶۵، ۶۹.
بختیار ــ دکترشاهپور : ۸۸، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳.
بختیار ــ عباسقلی : ۱۵۳.
بدر ــ محمود : ۷۵، ۷۶، ۷۸.
بدره‌ای ــ عبدالعلی : ۱۶۰، ۲۰۵.
برزگر ــ غلامرضا : ۹۳.
برژزنسکی ــ زبیگنیو : ۱۶۲.
بروجردی ــ آیت‌الله حاج آقاحسین : ۴۲، ۱۸۰.
بزرگمهر ــ جلیل : ۲۰.
بقایی ــ دکتر مظفر : ۲۹، ۵۵، ۵۸.
بقراطی ــ محمود : ۵۱، ۵۶، ۵۸.
بنی‌احمد ــ احمد : ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۴۶.
بنی‌صدر ــ ابوالحسن : ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۰۳، ۲۰۵.

بوذری ــ محمدعلی: ۸۲.
بوشهری ــ جواد: ۷۹، ۸۱، ۸۵.
بومدین ــ حواری: ۱۲۹.
بهادری ــ کریم پاشا: ۱۲۰.
بهار ــ محمدتقی: ۷۹.
بهبهانیان ــ جعفر: ۶۶.
بهرامی ــ احمدعلی: ۹۱.
بهرامی ــ شاهپور: ۱۶۶.
بهرامی ــ فضل‌الله: ۷۵.
بهرامی ــ دکتر محمد: ۵۱.
بهشتی ــ آیت‌الله محمد: ۱۷۰، ۱۷۶.
بهشتی‌پور ــ مهدی: ۱۷۴.
بهنیا ــ ابوالحسن: ۹۱.
بهنیا ــ عبدالحسین: ۹۲.
بیات ــ مرتضی قلی: ۸، ۷۶، ۷۷، ۷۹.
بی‌ریا ــ محمد: ۵۴.

پ

پارسا ــ علی: ۶۶.
پارسا ــ فرخ‌رو: ۱۱۹.
پاکروان ــ حسن: ۹۳، ۹۴، ۱۱۹.
پایدار ــ دکتر مصطفی: ۱۴۹.
پرتو ــ منوچهر: ۱۱۸.
پرون ــ ارنست: ۶۶.
پروین گنابادی ــ محمد: ۵۳.
پزشکپور ــ محسن: ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۶۶، ۱۸۸.
پژوه ــ محمد: ۵۱.
پسندیده ــ آیت‌الله مرتضی: ۱۷۲، ۱۸۰.
پناهی ــ ابوالقاسم: ۶۵، ۸۸.
پورهمایون ــ علی‌اصغر: ۸۸، ۹۱، ۹۲.
پویان ــ انوشیروان: ۱۱۹.
پهلبد ــ مهرداد: ۹۴، ۱۱۹، ۱۲۱.
پهلوی ــ اشرف: ۳، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۵۵، ۶۰، ۶۶، ۸۴.
پهلوی ــ رضا: ۴۲، ۱۴۱، ۱۶۷.
پهلوی ــ شمس: ۸۴.
پهلوی ــ شهناز: ۳۶، ۳۷.
پهلوی ــ غلامرضا: ۴۴، ۷۱.
پهلوی ــ علیرضا: ۲۶، ۳۴، ۱۶۴.
پهلوی ــ فاطمه: ۴۰، ۳۹.
پهلوی ــ لیلا: ۱۶۴.
پهلوی ــ محمدرضا شاه: ۳، ۳۲، ۶۰، ۱۲۶.
پیراسته ــ ابراهیم: ۱۵۳.
پیراسته ــ مهدی: ۶۹، ۹۲.
پیرنیا ــ حسن مشیرالدوله: ۵۹.
پیروز ــ منوچهر: ۲۰۰.
پیشه‌وری ــ سیدجعفر: ۷، ۱۱، ۱۲، ۵۳.
پیمان ــ حبیب‌الله: ۱۱۷.

ت

تاج‌بخش ــ غلامرضا: ۱۶۶.
تجدد ــ مصطفی: ۹۰.
تدین ــ حسین: ۱۲۰.
تدین ــ سیدمحمد: ۷۴، ۷۶.
تربیت ــ حسین: ۵۲.
ترومن ــ هری: ۱۰، ۱۵، ۲۴، ۲۸.
تسلیمی ــ منوچهر: ۱۲۱، ۱۹۸.
تفضلی ــ جهانگیر: ۶۹، ۹۳.

تقی‌زاده ــ سیدحسن : ۷۲، ۷۵.
تکبعلی زاده ــ حسین : ۱۰۴.
توفیق ــ فیروز : ۱۲۱.
توفیق‌القیسی ــ محمد : ۱۱۰.
تویسرکانی ــ قاسم : ۶۲.
تهرانی ــ سیدجلال‌الدین : ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۱.

ث

ثابتی ــ پرویز : ۲۰۷.
ثقفی ــ یوسف : ۵۲.

ج

جابرانصاری ــ همایون : ۱۱۹.
جاوید ــ سلام‌الله : ۵۴.
جزایری ــ شمس‌الدین : ۸۲.
جزایری ــ محمد : ۱۶۶.
جعفری ــ رضا : ۶۵، ۸۸.
جعفری ــ شعبان : ۶۵، ۶۷.
جلالی ــ فتح‌الله : ۹۰.
جلالی‌نایینی ــ محمدرضا : ۱۷۱.
جلیلوند ــ علی‌اکبر : ۲۰۲.
جم ــ ارتشبد فریدون : ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۸۷.
جم ــ محمود : ۷۹.
جواهری ــ محمدعلی : ۵۶.
جودت ــ دکتر حسین : ۵۶، ۵۸.
جهانبانی ــ امان‌الله : ۷۴، ۷۵.
جهانبانی ــ محمدحسین : ۶۵، ۸۸، ۱۹۲.
جهانشاهلو ــ نصرت‌الله : ۵۲.
جهانشاهی ــ عبدالعلی : ۹۴، ۱۲۰.
جهانشاهی ــ غلامحسین : ۹۳.

چ

چرچیل ــ وینستن : ۷، ۱۰، ۲۴، ۲۸، ۵۳، ۶۱.
چودری ــ محمدعلی : ۳۶.
چیان کای شک . ۳۸.

ح

حاج سید جوادی ــ علی‌اصغر : ۱۴۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۸۷.
حایری زاده ــ ابوالحسن : ۶۶.
حبیب‌اللهی ــ کمال : ۱۵۰.
حبیبی ــ حسن : ۵۳، ۱۷۸.
حجت‌کاشانی ــ علی : ۱۲۱.
حسابی ــ دکترمحمود : ۸۴.
حسن‌نایینی ــ سیدجلال : ۵۲.
حسیبی ــ کاظم : ۱۴۷.
حق‌شناس ــ مهندس‌جهانگیر : ۸۷.
حکمت ــ رضا ــ سردارفاخر : ۱۳.
حکمت ــ علی‌اصغر : ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۹۰.
حکمی ــ علینقی : ۵۲.
حکیمی ــ ابراهیم : ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۳۹، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰.
حکیمی ــ ابوالفضل : ۱۹۴.
حکیمی ــ صمد : ۵۶، ۵۸.
حکیمی ــ علی‌اکبر : ۷۴.

خ

خاتم ــ ارتشبد محمد : ۳۲، ۴۰، ۶۶، ۶۸.
خاتمی ــ عنایت‌الله : ۱۶۶.

خادم ــ جواد: ۱۵۳.
خادمی ــ علی‌محمد: ۱۵۷.
خامنه‌ای ــ سیدعلی: ۱۷۰، ۱۷۶.
خامه‌ای ــ انور: ۵۱.
خانلری ــ دکتر پرویز: ۶۹، ۹۳.
خدایاری ــ قدرت‌الله: ۱۴۴.
خرم ــ رحیمعلی: ۴۵، ۱۹۸.
خروشچف ــ نیکیتا: ۳۹، ۴۲، ۴۶.
خزاعی ــ سروان کاظم: ۶۴.
خسروانی ــ پرویز: ۶۴، ۱۲۱.
خسروانی ــ عطاءالله: ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۱۸.
خسروپناه ــ فرهنگ: ۶۴.
خسروداد ــ منوچهر: ۶۵، ۱۵۸، ۲۰۳، ۲۰۵.
خطاطان ــ موسی: ۹۰.
خطیبی ــ حسین: ۶۵.
خلخالی ــ صادق: ۱۵۹، ۱۷۶.
خلعت بری ــ عباسعلی: ۱۱۸، ۱۲۱.
خلعت بری ــ نصرالله: ۷۸.
خلیلی ــ سرهنگ شاه: ۶۵.
خمینی ــ احمد: ۱۷۶، ۱۷۸.
خمینی ــ آیت‌الله ــ روح‌الله ــ امام: ۴۶، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴.
خواجوی ــ زکی: ۵۲.
خوشبین ــ غلامحسین: ۹۲، ۹۳.
خوشخو ــ جلیل: ۱۷۴.
خوش‌کیش ــ یوسف: ۱۷۱.
خیرخواه ــ حمید: ۶۶.

د

دادستان ــ سرتیپ فرهاد: ۶۴.
دانشور ــ مهدی: ۵۳.
دانشی ــ غلامحسین: ۱۷۱، ۱۷۵.
درخشش ــ محمد: ۴۳، ۹۲.
دشتی ــ علی: ۸۳.
دفتری ــ دکتر عبدالله: ۸۲.
دفتری ــ سرلشگر محمد: ۴۴، ۶۵.
دوگل ــ شارل: ۹.
دولتشاهی ــ مهین: ۱۶۶.
دولو ــ محسن: ۱۴۰.
دهقان ــ احمد: ۱۷.
دهخدا ــ علی‌اکبر: ۳۵، ۶۸، ۱۹۴.
دیبا ــ فرح: ۴۰، ۴۲، ۱۶۵، ۱۷۱.
دیبا ــ فریده: ۱۶۴.

ذ

ذوالفقاری ــ ناصر: ۸۹، ۹۰، ۹۲.

ر

رئیس ــ محسن: ۷۵، ۷۷، ۸۲.
رایین ــ اسماعیل: ۵۸، ۷۱.
راجی ــ دکتر عبدالحسین: ۹۰.
رادمنش ــ رضا: ۵۲، ۵۳، ۵۷.
رام ــ مصطفی‌قلی: ۷۴.
رامبد ــ هلاکو: ۱۲۲.

رانکوهی ــ عادل: ۱۶۶.
ربانی ــ آیت‌الله مهدی: ۱۷۴.
ربیعی ــ امیرحسین: ۱۵۰، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵.
رجبی ــ داود: ۸۷، ۸۸، ۹۳.
رجوی ــ مسعود: ۱۷۲.
رحمتی ــ یوسف: ۱۴۰.
رحیمی ــ رسول: ۱۹۸.
رحیمی ــ سرهنگ عزیزالله: ۶۴.
رحیمی ــ غفور: ۵۶.
رحیمی ــ مهدی: ۶۵، ۱۵۵، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸.
رحیمیان ــ غلامحسین: ۱۹.
رحیمی‌لاریجانی ــ سپهبد: ۱۵۸.
رزم‌آرا ــ حاج علی: ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۵۷، ۵۸، ۸۲، ۱۷۵.
رزم‌آرا ــ منوچهر: ۱۵۳.
رسایی ــ مهدی: ۵۱.
رسولی ــ حسن: ۱۹۸.
رشیدی مطلق ــ احمد: ۱۰۷.
رشیدیان ــ اسدالله: ۶۶.
رضا شاه: ۳، ۷، ۱۷، ۴۸، ۵۱، ۵۹، ۷۴، ۸۳، ۱۸۰، ۲۰۱.
رضایی ــ قاسم: ۱۲۰.
رضوی ــ مهندس احمد: ۳۴.
رضوی ــ مرتضی: ۵۲.
رفسنجانی ــ علی‌اکبر: ۱۵۰، ۱۶۷، ۱۷۰.
رفعتی ــ حاج‌رستم: ۱۶۹.
روحانی ــ سیدصادق: ۱۶۴.
روحانی ــ محمد: ۶۵.
روحانی ــ منصور: ۹۴، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۵۸، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۲.
روزبه ــ خسرو: ۳۷، ۵۸.
روزولت ــ تیودور: ۶۱.
روزولت ــ کرمیت: ۶۱، ۶۷.
رهنما ــ حمید: ۱۱۹.
رهنما ــ زین‌العابدین: ۷۶، ۹۹.
رهنما ــ غلامحسین: ۷۸، ۷۹.
رهنما ــ مجید: ۱۲۰.
ریاحی ــ ابراهیم: ۹۳.
ریاحی ــ اسماعیل: ۹۳، ۹۴، ۱۱۹.
ریاحی ــ محمدامین: ۱۵۳.
ریاحی ــ علی: ۷۸.
ریاضی ــ علی: ۷۷.

ز

زاهدی ــ اردشیر: ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۶۵، ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۸، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۷۱.
زاهدی ــ حسن: ۱۱۸.
زاهدی ــ سرلشگر فضل‌الله: ۱، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۶۵، ۶۷، ۸۳، ۸۸، ۱۱۶، ۱۹۱.
زاهدی ــ هما: ۱۵۷.
زرین‌کفش ــ علی‌اصغر: ۷۷.
زرین‌کیا ــ امیر: ۶۶.
زمانی ــ شعبان: ۵۲.
زند ــ ابراهیم: ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۲.
زند ــ سروان اکبر: ۶۵.
زند ــ فریدون: ۱۸۵.
زنگنه ــ احمد: ۸۳، ۱۹۰.
زنگنه ــ دکتر عبدالحمید: ۲۱، ۸۰، ۸۱، ۸۲.

زهرایی ـ بابک: ۱۱۴.

س

ساربانها ـ قاسم: ۱۹۸.
ساعدمراغه‌ای ـ محمد: ۷، ۸، ۱۴، ۱۵، ۷۵، ۷۶، ۸۱.
ساعدی ـ سروان بیوک: ۶۴.
سالارجاف: ۱۳۳، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۸.
سالیوان ـ ویلیام: ۱۶۰.
سام ـ محمد: ۱۱۸، ۱۱۹.
سامی ـ کاظم: ۱۱۷.
سپهبدی ـ انوشیروان: ۷۸، ۸۰، ۱۰۵.
سپهر ـ احمدعلی ـ مورخ‌الدوله: ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۷، ۷۲، ۷۹، ۸۶.
ستوده ـ فتح‌الله: ۹۴، ۱۱۹.
سجادی ـ دکترحسن: ۵۲.
سجادی ـ مجتبی: ۵۲.
سجادی ـ دکترمحمد: ۶۵، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۸، ۹۱، ۱۶۲.
سجادی ـ دکترمرتضی: ۵۲.
سحابی ـ عزت‌الله: ۱۱۶، ۱۹۴.
سحابی ـ یدالله: ۱۱۶، ۱۷۰، ۱۹۴.
سرابندی ـ موسی: ۶۵، ۸۸.
سرلک ـ تقی: ۹۲.
سروری ـ محمد: ۷۷.
سعادتمند ـ ابوالحسن: ۱۵۰.
سعید ـ جواد: ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۸۸، ۲۰۱، ۲۰۸.
سمیعی ـ احمد: ۵۷، ۶۳.
سمیعی ـ حسین: ۷۶.
سمیعی ـ عبدالحسین: ۱۲۰.
سمیعی ـ هوشنگ: ۹۲، ۹۳.
سنجابی ـ دکترکریم: ۸۴، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۶.
سهیلی ـ علی: ۵، ۶، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۰.
سیاح ـ حمید: ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۱.
سیاح سجادی ـ سیف‌الله: ۵۲.
سیاسی ـ دکترعلی‌اکبر: ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۰.
سیاسی ـ سرتیب علی‌اکبر: ۶۵.
سیف‌تاخی ـ حسین: ۵۴.

ش

شادمان ـ ضیاءالدین: ۱۲۰.
شادمان ـ دکتر فخرالدین: ۸۱، ۸۸.
شالچیان ـ حسن: ۹۳، ۹۴، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۰.
شاندرمنی ـ علی‌اکبر: ۵۲، ۵۶۰.
شاهرودی ـ باقر: ۸۰.
شاهقلی ـ منوچهر: ۱۱۹، ۱۲۰.
شاهنده ـ عباس: ۱۹۱، ۱۹۲.
شاهید ـ جعفر: ۱۴۰.
شاهین ـ تقی: ۵۲.
شایگان ـ دکترسیدعلی: ۳۴، ۶۷، ۸۰، ۱۶۹.
شریف‌امامی ـ مهندس سیدجعفر: ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۷۰، ۸۲، ۹۱، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲،

۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۷۰.
شریفی ـ احمدهوشنگ: ۱۱۹.
شریفی ـ محمدعلی: ۵۶.
شریعت ـ باقر: ۱۴۰.
شریعتمداری ـ آیت‌الله سیدکاظم: ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۰۲.
شریعتمداری ـ محسن: ۱۴۹، ۱۵۰.
شریعتی مزینانی ـ علی: ۱۱۸.
شریعتی ـ محمدتقی: ۱۱۸.
شعاعی ـ عبدالباقی: ۹۱.
شفا ـ شجاع‌الدین: ۱۶۶.
شفیعی ـ فرهنگ: ۹۴.
شفیق ـ احمد: ۶۶.
شقاقی ـ سروان عباس: ۶۵.
شکاک ـ عمرخان: ۵۴.
شمالی ـ بهمن: ۵۲.
شمس‌آبادی ـ رضا: ۱۰۶، ۱۰۷.
شورشیان ـ محمد: ۵۱، ۵۶.
شهابی ـ اکبر: ۵۶.
شهبازی ـ یدالله: ۱۲۰.
شهرستانی ـ مهندس‌جواد: ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۸۵.
شهریاری ـ محمد: ۵۶.
شیبانی ـ عباس: ۱۹۴.
شیبانی ـ مهدی: ۹۳.
شیخ‌الاسلام زاده ـ شجاع‌الدین: ۱۱۹، ۱۹۸.
شیخ‌الاسلامی ـ جواد: ۱۲۷.
شیخ بهایی ـ امیر حسین: ۱۹۸.
شیرازی ـ آیت‌الله عبدالله: ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۸۸.

ص

صادق ـ صادق: ۷۶.
صادق‌پور ـ علی: ۵۱.
صادق‌وزیری ـ یحیی: ۱۵۳، ۱۶۶.
صادقی ـ ابوالحسن: ۷۹.
صالح ـ اللهیار: ۱۸، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹.
صالح ـ جهانشاه: ۳۶، ۶۵، ۸۲، ۸۸، ۸۹، ۹۱.
صالحی ـ مرتضی: ۱۲۲، ۱۵۰.
صانعی ـ آیت‌الله یوسف: ۱۷۴.
صبا ـ ابوالحسن: ۳۷.
صدر ـ جواد: ۹۴، ۱۱۸.
صدرحاج‌سیدجوادی ـ احمد: ۱۷۰.
صدر ـ محسن صدرالاشراف: ۱۰، ۱۱، ۴۵، ۷۶، ۷۸، ۸۱.
صدقیانی ـ رضا: ۱۲۰، ۱۹۸.
صدوقی ـ آیت‌الله محمد: ۱۷۶.
صدیق ـ عیسی: ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۹۱.
صدیقی ـ دکتر غلامحسین: ۸۵، ۸۷، ۱۴۵، ۱۵۵.
صفویان ـ مهدی: ۱۲۱.
صلاحی ـ محمود: ۸۲.
صمیمی ـ علی: ۱۵۳.
صنیعی ـ اسدالله: ۹۳، ۹۴، ۱۱۸، ۱۲۰.
صهبا ـ هاشم: ۷۹.

ض

ضرغام ـ سرلشگر علی‌اکبر: ۴۳، ۹۰، ۹۱.
ضیایی ـ طاهر: ۹۱، ۹۳.

ضیاءالحق: ۱۲۹.

ط

طالبانی ــ جلال: ۱۶۷.
طالقانی ــ خلیل: ۶۶، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰.
طالقانی ــ آیت‌الله سیدمحمود. ۴۶، ۱۱۶، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۲.
طاهری ــ علی‌رضا: ۸.
طاهری ــ دکتر هادی: ۸۱.
طبا ــ عبدالحسین: ۹۲.
طباطبایی ــ سیدضیاءالدین: ۶، ۲۰، ۵۹.
طباطبایی ــ صادق: ۱۷۸.
طباطبایی ــ سیدمحمد: ۸۱.
طباطبایی ــ سیدمحمدصادق: ۴۹.
طبری ــ احسان‌الله: ۵۳، ۵۷.
طبیب ــ حسین: ۱۶۶.
طهماسبی ــ خلیل: ۱۸.

ظ

ظفربختیار ــ ایلخان: ۶۵.
ظفری ــ پرویز: ۱۶۶.

ع

عارف ــ عبدالسلام: ۳۸، ۴۶.
عاقلی ــ باقر: ۱۹۸.
عالمی ــ دکتر ابراهیم: ۸۸.
عاملی ــ باقر: ۹۳، ۱۱۸.
عالیخانی ــ دکتر علینقی: ۶۹، ۹۳، ۹۴، ۱۱۹.
عاملی‌تهرانی ــ محمدرضا: ۱۱۷، ۱۴۹، ۱۵۰.
عبدالملک‌پور ــ امیر: ۵۶.
عبده ــ جلال: ۹۰.
عتیقه‌چی ــ عزت‌الله: ۵۲.
عدل ــ احمدحسین: ۷۵، ۷۹، ۸۸.
عدل ــ پرویز: ۱۶۶.
عدل ــ مصطفی: ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱.
عراقی ــ حاج‌مهدی: ۱۷۵، ۱۷۶.
عرفات ــ یاسر: ۱۲۹، ۱۳۲.
عطایی ــ مهندس منصور: ۸۸.
عضدی ــ یدالله: ۷۴، ۷۵، ۹۱.
عظیمی ــ ارتشبدرضا: ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰.
عظیما ــ یوسف: ۵۴.
علاء ــ حسین: ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۶۸، ۸۲، ۸۳، ۸۹، ۱۹۴.
علوی ــ بزرگ: ۵۱.
علوی ــ مهندس محمد: ۳۹، ۵۶، ۵۸.
علوی‌مقدم ــ سپهبدمهدیقلی: ۴۳،
علم ــ امیراسدالله: ۴۳، ۴۵، ۶۵، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۹۲، ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۸۰، ۱۸۱.
علی‌آبادی ــ دکتر محمد حسین: ۸۸.

غ

غفاری ــ سهام‌الدین: ۷۹.
غفاری ــ هادی: ۱۷۶.
غنچه ــ نوروزعلی: ۵۶.
غنی ــ دکترقاسم: ۷۷.

ف

فاتح ـ محمود : ۷۷.
فاستردالس ـ جان : ۳۷، ۶۱.
فاطمی ـ دکترحسین : ۱۸، ۳۰، ۳۴، ۸۵، ۸۷.
فخرآرایی ـ ناصر : ۵۵.
فداکار ـ تقی : ۵۳.
فرجامی ـ محمدباقر : ۵۱.
فرخ‌بخشیان ـ مهندس ابراهیم : ۱۱۹.
فرخ ـ فریدون : ۱۷۴.
فرخ ـ سیدمهدی : ۷۵، ۱۷۴.
فردوس ـ شهاب : ۵۳.
فردوست ـ حسین : ۴۸، ۶۵.
فرزانگان ـ عباس : ۶۵، ۸۸.
فرزانگان ـ عزیز : ۶۶.
فرشچی ـ علی : ۱۲۲.
فرمان ـ صادق : ۱۶۶، ۱۸۷.
فرمانفرماییان ـ دکترجبار : ۸۷.
فرمانفرماییان ـ محمدولی : ۸۰.
فرمند ـ ضیاءالملک : ۸۳، ۸۵.
فروتن ـ غلامحسین : ۱۱۴.
فروزان ـ علی‌اصغر : ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۹.
فروغی ـ محمدعلی ذکاءالملک : ۴، ۵۱، ۷۳.
فروغی ـ محسن : ۱۴۹.
فروغی ـ مسعود : ۹۳.
فروهر ـ ابوالقاسم : ۷۷.
فروهر ـ داریوش : ۶۳، ۱۱۷، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۶۶، ۱۷۸.
فروهر ـ غلامحسین : ۷۹، ۸۲، ۸۹.
فریدونی ـ احمد : ۷۸.
فریور ـ غلامعلی : ۹۲.
فلسفی ـ محمدتقی : ۳۵، ۶۶.
فوزیه : ۱۵.
فولادوند ـ غلامرضا : ۶۵، ۸۸.
فولادی ـ حسین : ۱۹۸.
فهیمی ـ خلیل : ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۳.
فیروز ـ محمدحسین : ۷۶، ۷۹.
فیروز ـ مظفر : ۸۰.

ق

قاسمی ـ ابوالفضل : ۹۷، ۹۸.
قاسمی ـ احمد : ۵۶، ۵۸، ۱۱۴.
قاضی ـ ابوالفضل : ۱۳۴، ۱۴۹.
قاضی‌محمد : ۱۱، ۱۲، ۵۴.
قدس نخعی ـ حسین : ۸۳، ۹۱.
قدوه ـ محمدرضا : ۵۲.
قدومی ـ فاروق : ۱۵۶.
قذافی ـ سرهنگ معمر : ۱۵۷، ۱۶۹.
قرنی ـ سرلشگر ولی‌الله : ۳۸، ۶۵.
قره‌باغی ـ ارتشبد عباس : ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۸، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵.
قره‌گوزلو ـ علیرضا : ۷۵.
قره‌گوزلو ـ منوچهر : ۱۲۱.
قشقایی ـ خسرو : ۱۶۹، ۱۸۸.
قشقایی ـ ناصر : ۱۶۱.
قطب زاده ـ امیر : ۱۷۷.
قطب‌زاده ـ صادق : ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۹.
قنات‌آبادی ـ شمس : ۶۶.

قوام ــ احمد ــ قوام‌السلطنه : ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۵، ۴۸، ۶۰، ۶۱، ۷۵، ۸۶، ۱۹۱.
قوام صدری ــ محمود : ۱۲۰.

ک

کارتر ــ جیمی : ۱۳۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۲.
کاشانی ــ ابراهیم : ۸۹.
کاشانی ــ آیت‌الله سیدابوالقاسم : ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۸، ۲۹، ۴۴، ۵۸، ۶۱، ۸۵.
کاشانی ــ مصطفی : ۶۵.
کاشفی ــ احمد : ۱۲۰.
کاشفی ــ محمود : ۱۲۱، ۱۲۲.
کاظم‌زاده ــ حسین : ۱۲۰.
کاظم‌زاده ایرانشهر ــ حسین : ۴۴.
کاظمی ــ باقر : ۷۴، ۷۵، ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۸۷.
کاظمی ــ منوچهر : ۱۵۳.
کالاهان ــ جیمز : ۱۳۲.
کامبخش ــ عبدالصمد : ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۶.
کامرانی ــ احمد : ۱۰۶، ۱۰۷.
کاویان ــ جعفر : ۵۴.
کتیرایی ــ مهندس محسن : ۱۶۷، ۱۷۰.
کسروی ــ احمد : ۱۲، ۵۴.
کشاورز ــ دکتر فریدون : ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۷۹، ۱۷۳.
کشفیان ــ محمود : ۹۴، ۱۲۰.
کلارک ــ رمزی : ۱۵۶.
کلالی ــ امیرتیمور : ۸۳، ۸۵.
کلالی ــ منوچهر : ۱۲۰.
کمال هدایت ــ حسنعلی : ۷۷، ۷۹.
کندی ــ جان اف : ۴۴، ۴۶.
کنی ــ علینقی : ۹۳، ۱۴۹.
کوزنتسف : ۳۵.
کیا ــ سپهبدحاجی‌علی : ۴۳.
کی‌استوان ــ حسین : ۸.
کیان ــ غلامرضا : ۹۰.
کیانپور ــ غلامرضا : ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۸۸، ۱۹۸.
کیانوری ــ اختر : ۵۶.
کیانوری ــ نورالدین : ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۱۸۷، ۱۹۷.
کیانی ــ عطاءالله : ۶۶.
کیسینجر ــ هنری : ۱۸۹.
کیهان ــ مسعود : ۸۲.

گ

گاندی ــ مهاتما : ۱۳.
گرزن ــ عباس : ۶۵، ۸۸.
گرکانی ــ فضل‌الله : ۵۲.
گلپایگانی ــ آیت‌الله سیدمحمدرضا : ۱۵۷، ۱۸۱، ۱۸۲.
گل‌سرخی ــ ناصر : ۱۲۰.
گلشاییان ــ عباسعلی : ۷۳، ۷۴، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۹.
گنجه‌ای ــ رضا : ۸۹.
گنجی ــ جمال : ۹۲.
گنجی ــ منوچهر : ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۹.
گودرزی ــ منوچهر : ۹۳، ۹۴، ۱۱۹، ۱۲۰.
گوران ــ فیروز : ۱۷۴.

لاله‌ـ مهدی: ۵۲.
لاهوتی‌ـ حسن: ۱۷۸، ۲۰۷.
لطفی ـ عبدالعلی: ۸۷.
لطیفی ـ تقی: ۱۷۶.
لورن ـ پرسی: ۱۲۶.

م

مک دونالد‌ـ ویلیام: ۳۹.
مالک‌ـ دکترسعید: ۷۷، ۷۸، ۸۰.
مانیان ـ حاج‌محمود: ۶۳.
متولی ـ حسین: ۱۶۶، ۱۸۷.
مجلسی ـ محمد: ۸۹.
مجلسی ـ سروان مصطفی: ۶۴.
مجیدی ـ عبدالمجید: ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۸۶، ۱۹۸.
محضری ـ ابراهیم: ۵۶.
محمدرشید: ۸.
محمدداودخان: ۴۳.
محمدظاهرشاه: ۱۵.
محمدعلی‌شاه: ۵۹.
مدنی ـ احمد: ۱۶۳، ۱۶۷.
مدنی ـ سیدجلال‌الدین: ۱۲۸.
مرآت ـ اسماعیل: ۷۴.
مرزبان‌ـ دکتر اسماعیل: ۷۵، ۷۸.
مسعود ـ محمد: ۱۳، ۵۵، ۵۸.
مرشد‌ـ دکتر حسین: ۱۴۹.
مزین ـ منصور: ۶۶.
مسعودی ـ محمدعلی: ۶۶.
مسیح‌تهرانی‌ـ آیت‌الله حاج‌میرزا عبدالله: ۱۷.
مشار‌ـ یوسف: ۷۷.
مشاور‌ـ تقی: ۱۲۰.
مشرف‌نفیسی‌ـ دکترحسن: ۷۴.
مصدق ـ غلامحسین: ۲۱.
مصدق ـ دکترمحمد: ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۱، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۷، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳.
مطهری ـ آیت‌الله مرتضی: ۱۷۰، ۱۷۴.
معتضد‌ـ علی: ۶۴، ۱۶۶.
معتمدی ـ رضا: ۱۷۹.
معتمدی ـ علی: ۷۵، ۸۰، ۸۹.
معتمدی ـ قاسم: ۱۲۲.
معتمدی ـ کریم: ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰.
معدل ـ لطفعلی: ۸۱.
معظمی ـ مهندس‌سیف‌الله: ۸۷.
معینی ـ امیرقاسم: ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱.
معینی ـ جواد: ۵۶.
معینیان ـ نصرت‌الله: ۶۶، ۹۱، ۹۳، ۹۴.
مفتح ـ دکتر محمد: ۱۲۸، ۱۶۳.
مفخم‌ـ دکترجمشید: ۸۳.
مقبل‌ـ دکتراحمد: ۸۱، ۸۹.
مقتدرمزدهی ـ دکتـر نصرالله: ۱۲۱، ۱۴۹.
مقدم ـ سپهبدایرج: ۱۵۰، ۲۰۵.
مکی‌ـ حسین: ۶۶.
مکی‌نژاد‌ـ تقی: ۵۲.
ملکی ـ خلیل: ۵۲.

ملکی ــ دکترمحمدعلی : ۸۵، ۸۷.
ملکی ــ مسعود : ۸۸.
ممتاز ــ محمدعلی : ۹۱.
معقانی ــ اسدالله : ۷۶.
منتظری ــ آیت‌الله‌حسینعلی : ۱۳۳،
۱۳۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۶.
مندرس ــ عدنان : ۳۶، ۳۹.
منصور ــ جواد : ۷۲، ۱۱۹.
منصور ــ حسنعلی : ۱۶، ۴۵، ۴۶،
۴۷، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۹۰، ۹۳، ۹۸،
۱۱۱، ۱۱۴، ۱۷۵، ۱۸۳.
منصور ــ علی ــ منصورالملک : ۱۶،
۱۷، ۴۵، ۸۲، ۹۹.
منو ــ فریدون : ۵۲.
موسوی ــ سیداسدالله : ۱۶۱، ۲۰۲.
موسوی اردبیلی ــ آیت‌الله سید
عبدالکریم : ۱۷۰.
موسوی‌زنجانی ــ آیت‌الله‌سیدرضا:
۱۹۴.
موسوی ــ مصطفی : ۱۸۰.
موسوی زاده ــ علی‌اکبر : ۸۰.
موقر ــ مجید : ۱۴۰.
مولوی ــ محمدجواد : ۲۰۵.
مهاجر ــ مسعود : ۱۷۴.
مهتاش ــ دکتر جاوید : ۵۴.
مهدمینا ــ جهانگیر : ۱۵۰.
مهدوی ــ ابراهیم : ۸۲، ۹۱.
مهدوی ــ فریدون : ۱۹۸.
مهدوی کنی ــ محمدرضا : ۱۵۹،
۱۷۰.
مهر ــ دکتر فرهنگ : ۱۲۰.
مهران ــ حسنعلی : ۱۲۱، ۱۴۹.
مهران ــ دکترمحمود : ۸۹، ۹۰،
۹۱.
میراحمدی ــ احمد : ۵۶.
میراشرافی ــ سیدمهدی : ۶۵،
۱۴۰.
میردامادیان ــ هوشنگ : ۶۵.
میرفندرسکی ــ احمد : ۱۵۳، ۱۷۴.
میکده ــ غلامعلی : ۸۸.
میلسپو ــ دکتر آرتور : ۵۳.

ن

ناصر ــ علی‌اصغر : ۹۰.
ناصری ــ محمود : ۸۹.
ناطق‌نوری ــ علی‌اکبر : ۱۷۶.
ناظری ــ نعمت : ۱۷۴.
ناظمی ــ احمد : ۱۵۰.
ناظمی ــ فضل‌الله : ۱۹۹، ۲۰۳.
نبوی ــ حسن : ۹۲.
نجفی ــ دکترحسین : ۱۴۹، ۱۵۰.
نجم ــ ابوالقاسم : ۷۸، ۸۰.
نجم‌آبادی ــ فرخ : ۱۲۱.
نجمی‌مرعشی ــ سروان : ۶۴.
نخجوان ــ احمد : ۷۴.
نخعی ــ دکتر محمد : ۷۷، ۷۸،
۸۱، ۸۲.
نراقی ــ عباس : ۵۳.
نریمان ــ محمود : ۱۸، ۷۷، ۷۹، ۸۳.
نسیمی ــ رجبعلی : ۵۲.
نشاط ــ سرتیپ علی : ۶۵، ۲۰۰.
نصر ــ دکتر تقی : ۸۱، ۸۲، ۹۲.
نصر ــ سیدعلی : ۴۴، ۷۹.
نصر ــ محسن : ۸۹۰.
نصیری ــ محمد : ۹۴، ۱۲۰.
نصیری ــ نعمت‌الله : ۳۲، ۶۴،

۱۰۵، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۵۸،
۱۶۵، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۶.
نظام‌مافی ــ محمدعلی: ۸۰.
نفیسی ــ حبیب: ۸۳.
نفیسی ــ عباس: ۶۶، ۸۳.
نقدی ــ سپهبد علی‌اصغر: ۸۳، ۹۲.
نمازی ــ محمد: ۸۸، ۸۹.
نواب ــ حسین: ۸۷.
نواب صفوی ــ سیدمجتبی: ۱۸، ۳۵، ۶۸.
نوری ــ شیخ‌بهاءالدین: ۱۷.
نوری اسفندیاری ــ موسی: ۷۹، ۸۰.
نوشین ــ عبدالحسین: ۵۶، ۵۸.
نویسی ــ سرتیپ فرج‌الله: ۴۳.
نهاوندی ــ هوشنگ: ۹۴، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۸۶، ۱۹۸.
نیساری ــ عباسقلی: ۹۰.
نیک‌پی ــ اعزاز: ۷۹.
نیک‌پی ــ غلامرضا: ۱۲۰، ۱۵۸، ۲۰۲.
نیکخواه ــ پرویز: ۱۰۶، ۱۰۷.
نیکسون ــ ریچارد: ۳۴.

و

واحدی ــ قدرت‌الله: ۱۶۹.
وارسته ــ محمدعلی: ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۱۶۲.
وثوق ــ احمد: ۸۹، ۹۰.
وثیقی ــ صادق: ۷۴، ۸۲.
وحیدی ــ ایرج: ۱۱۹.
ودیعی ــ کاظم: ۱۴۹
ولیان ــ عبدالعظیم: ۱۲۰، ۲۰۰.
ویشکایی ــ محمد رضی: ۹۱، ۱۴۹.

ه

هاشمی‌نژاد ــ محسن: ۱۶۴.
هدایت ــ خسرو: ۸۹، ۹۰، ۹۱.
هدایت ــ صادق: ۳۱، ۶۶.
هدایت ــ ارتشبدعبدالله: ۴۵، ۶۵، ۷۰، ۷۶، ۸۲، ۸۸، ۱۳۸.
هدایت ــ محمود: ۸۹.
هدایتی ــ محمدعلی: ۹۰، ۹۱.
هدایتی ــ هادی: ۹۴، ۱۱۹، ۱۲۰.
هرمز ــ محمود: ۵۶.
هریمن ــ ایورل: ۴۳.
هزاره ــ دکتر علی: ۱۲۰.
هژیر ــ عبدالحسین: ۱۳، ۱۴، ۵۶، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۷۵.
همایون ــ داریوش: ۱۲۱، ۱۵۷، ۱۹۸.
همایون ــ مهدی: ۶۶.
همایون‌فر ــ عزت‌الله: ۱۴۹.
هندرسن ــ لهوی: ۲۸، ۳۴.
هویدا ــ امیرعباس: ۴۷، ۷۲، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۸.
هویدا ــ فریدون: ۹۸، ۱۶۶.
هویزر ــ ژنرال رابرت: ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۸۷.
هیات ــ علی: ۸۲، ۸۳.
هیکل ــ حسنین: ۵۸.
هیلر ــ علی: ۳۹.

ی

یاوری ــ سروان اسماعیل: ۶۴.
یزدان‌پناه ــ عزت‌الله: ۱۲۰، ۱۴۹.
یزدان‌پناه ــ مرتضی: ۸۰، ۸۲، ۸۳.
یزدانی ــ هژیر: ۱۹۸.
یزدی ــ ابراهیم: ۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۰۶.
یزدی ــ دکتر مرتضی: ۳۴، ۳۵، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۷۹.
یزدی‌اردکانی ــ منوچهر: ۱۶۶.
یگانه ــ دکتر محمد: ۱۱۹، ۱۴۹.
یگانه ــ ناصر: ۹۴.
یوسف ــ مشار: ۸۵.

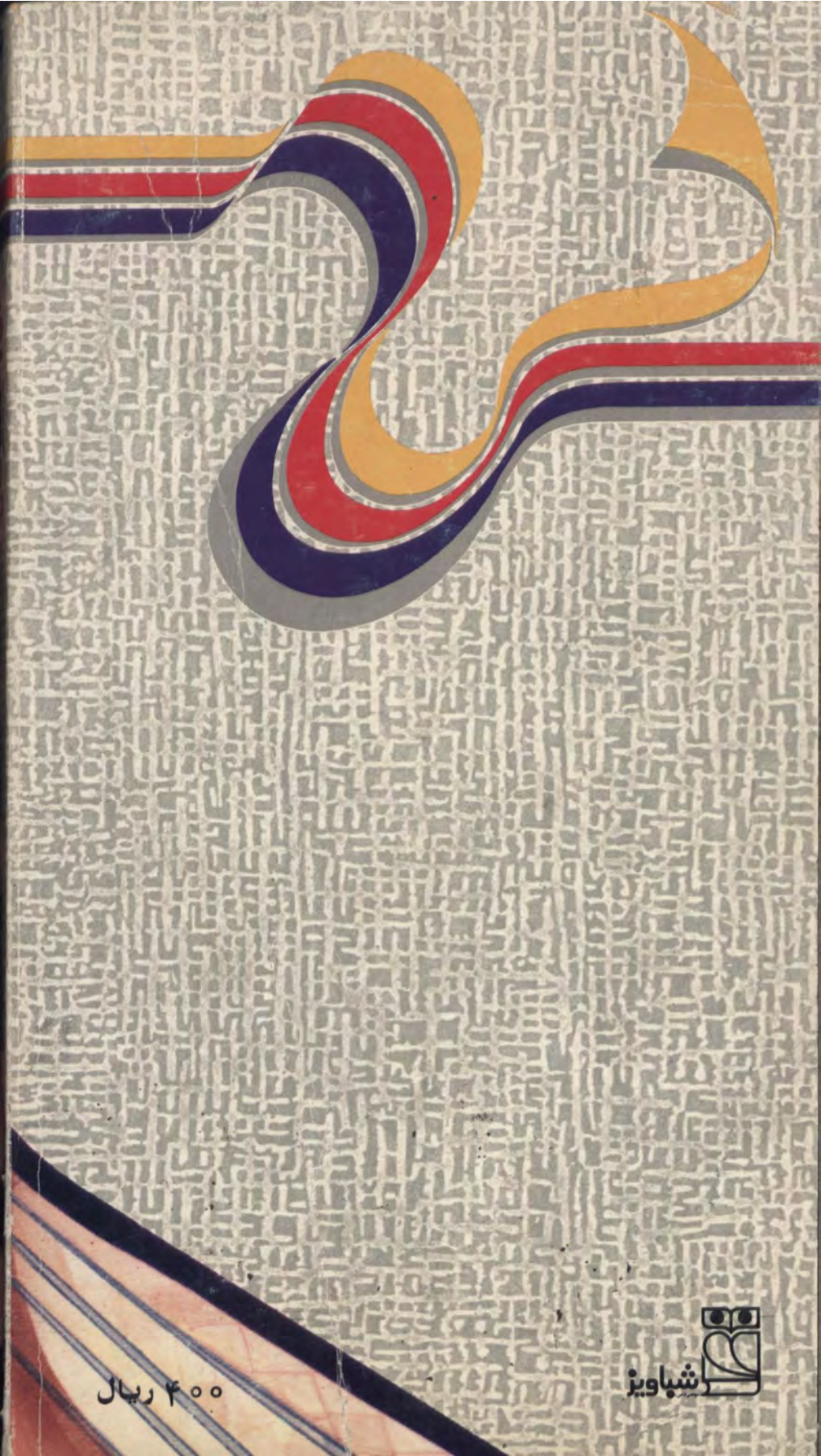
۴۰۰ ریال
شباویز